

فرهنگ کوچک زبان پهلوی

از

د.ن. مکتزی

مدرس زبانهای ایرانی در دانشگاه لندن

ترجمه

مهشید میرفخرایی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

فرهنگ کوچک زبان پهلوی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فرهنگ کوچک زبان پهلوی

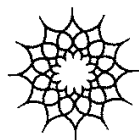
از

د.ن. مکنزی

مدرس زبانهای ایرانی در دانشگاه لندن

ترجمه

مهشید میرفخرایی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران: ۱۳۷۳

فهرست مطالب

۷	مقدمه مترجم
۹	پیشگفتار نویسنده
۱۱	مقدمه نویسنده
۲۳	کوتاه‌نوشتها و نشانه‌ها
		بخش اول
۲۷	پهلوی - فارسی
		بخش دوم
۱۷۵	فارسی - پهلوی
۳۲۹	پیوستها
		بخش سوم
۳۳۵	واژه‌نمای پهلوی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

وابسته

وزارت فرهنگ و آثار ملی

شماره ۷۵۸

فرهنگ کوچک زبان پهلوی

مؤلف: د. ن. مکنزی

مترجم: مهشید میرفخرائی

تاریخ انتشار: ۱۳۷۳، چاپ اول، تیراژ: ۲۰۰۰ جلد

طرح روی جلد: قبادشیوا، ناظر چاپ: ابرالفضل صحتی

حروفچینی: مجمع علمی مجد، لیتوگرافی: میثاق، چاپ و صحافی: چاپ بهمن

بها: ۶۰۰۰ ریال

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

نشانی پژوهشگاه: بزرگراه کردستان، خیابان ۶۴، کد پستی ۱۴۳۷۴ - صندوق پستی ۱۴۱۵۵-۶۴۱۹

تلفن: ۲۲۶۶۲۷۶-۸، فاکس: ۲۲۶۶۳۱۷

مقدمه مترجم

زبان فارسی میانه و متنهای بازمانده از آن نه تنها از نظر مطالب مورد بحث و واژگان گنجینه‌ای گسترده و پهنه‌ای ناشناخته است و نیاز به بررسی، ترجمه و تجزیه و تحلیل دارد، بلکه از جهت شیوه آوانگاری نیز مقوله‌ای درخور توجه و بحث است. وجود املاهای تاریخی فراوان با نارساییهای خطی و برخی از غلط‌خوانیها که در متنهای موجود راه یافته است، کار پژوهشگر این زبان را از چند جهت دشوار می‌سازد. همراه این دشواریها، نداشتن برداشتی روشن از صورت ملفوظ واژه‌ها، امکان هرگونه اظهارنظر دقیق و صریح را درباره ضبط واژه‌ها با تأمل و تردید توأم می‌سازد. فرهنگهایی نیز که در سده اخیر نوشته شده‌اند، غالباً نقصهایی دارند که بر آشنایان به این خط و زبان پوشیده نیست. کتابی که اینک در پیش رو است، ترجمه‌ای از فرهنگ کوچک پهلوی^۱ است که دربردارنده حدود چهارهزار واژه رایج زبان فارسی میانه است. گردآورنده فرهنگ کوشش داشته است تا واژه‌های مشکوک را به کنار نهد و در مورد شیوه آوانویسی نیز توجه او بیشتر به صورت ملفوظ واژه‌ها در سده سوم میلادی، یعنی دوره شکوفایی شاهنشاهی ساسانی بوده است. این کتاب پژوهشگر را از مراجعه به فرهنگهای دیگر بی‌نیاز نمی‌کند، بلکه بیشتر نیاز دانشجوی این رشته را برآورده می‌سازد. بدیهی است که

1 . Mackenzie, D.N. 1971: A Concise Pahlavi Dictionary. London: Oxford University Press.

شیوه آوانویسی آن نیز ناهمواریهایی دارد و ترجمه آن بدین معنی نیست که نگارنده با تمام آنچه که در آن آمده، موافق است. در زمینه آوانویسی پهلوی سخن آخرگفته نشده و حقیقت چنانکه باید روشن نشده است. تا تدوین یک شیوه دقیق و همگانی، پژوهشگر ناگزیر است همه شیوه‌ها را ببیند و از میان آنها، آنچه را دقیق‌تر می‌یابد، برگزیند.

مؤلف در چاپ دوم این فرهنگ (۱۹۸۶) تغییراتی داده که به صورت پیوستی ضمیمه چاپ دوم، منتشر شده است. در ترجمه، این پیوست به متن اصلی انتقال یافته است تا کار مراجعه کننده به فرهنگ آسانتر باشد.

از آقای مکنزی که اجازه ترجمه کتاب را دادند و ترجمه بخشی از حرف «آ» را دیدند و نیز همکاران انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، که در کار چاپ کتاب بسیار کوشیدند، سپاسگزار است.

مهشید میرفخرایی

بهار ۱۳۷۳

پیشگفتار نویسنده

نیاز به یک فرهنگ کوچک پهلوی - انگلیسی (اینجا پهلوی - فارسی)، بویژه برای دانشجویان مشتاق این زبان، از سالیان پیش آشکار بوده است. انتظار برای انتشار واژه‌نامه کتاب «A Manual of Pahlavi» پروفیسور نیبرگ - گرچه شیوه باستانی آوانویسی به کار رفته در این کتاب دیگر پذیرش جهانی ندارد - پنج سال پس از انتشار بخش نخست، هنوز ادامه دارد^۱. امروزه با در دسترس بودن بخشی از مواد کار، هر دانشجوی کوشای زبان پهلوی باید هم چون گذشته فرهنگی برای خود گردآوری کند، کاری که با زبان پهلوی دشوار است و به سبب تنوع روشهای آوانویسی انتشار یافته، دشوارتر نیز شده است. فرهنگ حاضر، که به نظر همگان، شیوه آوانویسی متفاوت با دیگران عرضه می‌کند، در نظر دارد در وهله نخست، بیگانه با زبان پهلوی را برای فراگیری آنچه که امروزه بدون نقشه یکسان، پهنه‌ای وسیع را درنور دیده، یعنی چهارهزار واژه ساده از معمولی‌ترین واژه‌های پهلوی، کمک کند و سپس بر ارزش عملی این شیوه آوانویسی دوره ساسانی برای ادامه راهش تأکید بگذارد. وارد کردن آگاهیهای ریشه‌شناختی و ارجاع به متنهای مربوط، افزون بر این که سبب تعویق بسیار در ارائه فرهنگ می‌شد، هدف کار را نیز تغییر می‌داد و فرهنگ را از یک راهنما، به یک اطلس جغرافیایی - تاریخی تبدیل می‌کرد. چنین

۱. واژه‌نامه کتاب A Manual of Pahlavi در سال ۱۹۷۴ انتشار یافت.

فرهنگ کامل پهلوی در هیچ جا دیده نمی‌شود و تا زمانی که متنهای زیادی بررسی و خوانده نشود، باید بر همین شیوه باقی ماند.

از دوستم دکتر ژینیو (پاریس) برای نظرهای مشورتی‌اش درباره آنچه که در این فرهنگ آمده است بسیار سپاسگزارم، چه در غیر این صورت بسیاری از واژه‌ها از چشم من پنهان می‌ماند. همسر من تهبیه فهرست انگلیسی بخش بزرگی از کار را به عهده گرفت که جای سپاس فراوان دارد. دینی که من نسبت به روانشاد پرفسور هنینگ برای آموزش زبان پهلوی و آنچه که مربوط به ایران است، دارم، در کلام نمی‌گنجد.

در اینجا از حمایت مالی مدرسه زبانهای شرقی و آفریقایی برای انتشار این فرهنگ و از مهارت چاپگران سپاسگزارم.

د. ن. مکنزی

اکتبر ۱۹۶۹

مقدمه نویسنده

هر فهرست منتشر شده‌ای از واژه‌های پهلوی، تقریباً تعدادی واژه دارد که چگونگی آنها مبهم است و این ابهام هم در صورت، هم در معنی و یا حتی گاه، در وجود خود آنها نهفته است. هدف این فرهنگ آن است که گزیده‌ای از واژه‌های پهلوی را که در آن چنین واژه‌های مبهمی به حداقل کاهش یافته و مشخص نیز شده باشد، در اختیار دانشجو قرار دهد. فرهنگ موجود با فرهنگهای پیشین خود این تفاوت را دارد که واژگان پهلوی با واج نویسی داده شده‌اند که، تا آنجا که از شواهد استنباط می‌شود، نشانگر چگونگی تلفظ آنها در سده سوم میلادی، یعنی دوران شکوفایی شاهنشاهی ساسانی است. دلایل رها کردن روش سنتی آوانویسی را در جای دیگری آورده‌ام^۱. یکی از دلایل عمده گزینش روش جدید، عملی بودن آن است چه تأییدکننده‌ترین شواهد از این دوران است.

برای کاستن از شمار واژه‌های مبهم، لازم بود که بر واژه‌های ساده‌تر متنهایی از نوع کارنامه اردشیر بابکان، دادستان مینوی خرد، ارداویرازنامه، بندهش و متنهای پهلوی ویراسته جاماسب آسانا، تکیه کرد. گرچه از برگردانهای پهلوی متنهایی اوستا (وندیداد، یسنا و ویسپرد) نیز استفاده شده است. اما بسیاری از واژه‌های تخصصی آنها حذف شده‌اند. بسیاری از واژه‌ها، که برای مقاصد و در موارد خاصی به کار می‌روند و ترکیبهای

1. Notes on the transcription of Pahlavi. Bulletin of the School of Oriental and African Studies

xxx. pt.1 (1967). 17-29.

حرف نویسی دقیق یک حرف با یک حرف لاتین، به سبب پیچیدگیها و ابهامهای این خط عملی نیست. این گونه موارد نیازمند تفسیر است. این تفسیر می تواند مستقیماً یا به یاری قیاس، برپایه شواهد نسبتاً روشن تر متنهای پیش گفته زبان باشد. به یاری این شواهد، تشخیص ارزشهای آوایی اصلی $^{\text{h}}$ ، $^{\text{d}}$ و $^{\text{y}}$... برای حرف معدو ارزشهای آوایی اصلی w ، r ، n برای حرف w و دیگر حروف ممکن می شود. اما نه لازم و نه پسندیده است که از این فراتر رویم و بکوشیم ارزش آوایی دقیق تری به این حروف بدهیم و مثلاً r را به جای a یا x را به جای h خطی به کار بریم. برای مثال: $\text{hwr}:\text{w}$ معرف واژه $\text{xwar}=\text{}$ خورشید است، اما حرف نویسی آن به صورت *xwr هم باعث اشتباه آن با حرف واقعی، یعنی r می شود و هم دشواریها و سردرگمیهای بیشتری را در تفسیر حرف معدو دنبال خواهد داشت. بهتر است بپذیریم که نویسندگان r و a را تقریباً بدون تشخیص ارزش آوایی این دو، و نیز حرف h را برای h و x ایرانی، به کار می بردند و بنابراین باید آنها را به همین صورت حرف نویسی کرد.

برای تشخیص هزوارشهای پهلوی (اندیشه نگارهای سامی) از واژه های ایرانی، آنها را به روش معمول، با حروف بزرگ حرف نویسی می کنند. بنابراین کلمه dahīg = بچه باشد، hhyk زمانی که نشانگر هزوارش $\text{dūr}=\text{}$ دور باشد، LHYK حرف نویسی می شود. به هر صورت، چون هزوارشها، اغلب صورت بسیار تحریف شده و تغییر شکل یافته واژه های آرامی هستند، کافی است که برای مقاصد عملی، آنها را در چهارچوب یک نظام ساده حرف نویسی کرد.

روشی که برای حرف نویسی واژه های این کتاب، از هزوارشها تا واژه های ایرانی، به کار رفته است، تا آنجا که امکان داشته، برای دوری جستن از به کارگیری نشانه های زیر و زبری و نیز به منظور انطباق این نظام با روشی بوده است که هم اینک، به طور قراردادی، برای ارائه خط فارسی میانه ترفانی و پارتی به کار می رود. در همه جا، به هر حرفی، ارزش (های) آوایی اصلی ایرانی آن حرف داده شده است. بنابراین c و C به جای h و h به جای h آرامی است. A معرف حرف $\text{^{\text{h}}}$ (الف) است. تنها سه حرف در هزوارشهای پهلوی به کار می رود: Q (در واژه $\text{QDM}=\text{abar}$)؛ در غیر این صورت K جایگزین آن می شود، E و O . حرف E به جای hē آرامی (زمانی که hēi به جای آن نیامده باشد) و O

به جای $\text{^{\text{h}}}$ (عین) آرامی است. منشأ حروف رومی نیز، به ترتیب، از این حروف آرامی است. بنابراین $\text{OLE} (= \text{ōy})$ شکل تحریف شده $\text{^{\text{h}}}$ اصلی آرامی و $\text{HCDLWN} (= \text{*drun-})$ نشانگر شکل تحریف شده ریشه آرامی hšd است. سره نویسان، به یاری نشانه های زیر و زبری، در بازسازی این صورتها دشواری نخواهند داشت.

حروف پهلوی غالباً به شکل کج و نامنظم، به طریقی به یکدیگر می پیوندند که با دیگر حروف مشتبه و بدین ترتیب موجب پیچیدگیهای بیشتری در خط می شوند. در این کتاب، معمولی ترین این کژدیسها با خطی در بالا یا زیر حرفی که معرف ارزش آوایی حرف پهلوی است، مشخص گردیده است. بنابراین:

ه (g و ...) جایی که نشانگر آوای b است، b حرف نویسی می شود.

ک (z) جایی که نشانگر آوای y است، y حرف نویسی می شود.

س (c) جایی که نشانگر آوای p است، p حرف نویسی می شود.

گرده کامل حرف نویسی پهلوی در جدول شماره ۲ آمده است. ترتیب حروف همان ترتیب حروف الفبای آرامی است و نخستین ارزش آوایی هر حرف در نظر گرفته شده است.

یادداشتها

- ۱- **𐭠** و... ممکن است تحریف شده **𐭠dy**-پایانی باشد، پس **dydy**-حرف - نویسی می شود.
- ۲- **𐭡**، نیز **𐭡𐭡**- و... ممکن است تحریف شده **𐭠**- باشد، پس **𐭠**-حرف نویسی می شود.
- ۳- نشانه دو حرفی **𐭠𐭡** و **𐭡𐭠** وقتی به دنبال صورت هزوارشی فعلی بیابند، ممکن است معرف هرگونه شناسه آوایی (حتی صفر) باشند. این نشانه های دو حرفی را می توان، صرفاً، با قیاس منطقی، با حروف همانند خودشان حرف نویسی کرد: **𐭠𐭡** را با **𐭠𐭡** و **𐭡𐭠** را با **𐭡𐭠**.
- ۴- یعنی خط زائد
- ۵- **𐭠𐭡** و... ممکن است صورت تحریف شده **𐭠𐭡** **𐭠𐭡** باشد، پس **𐭠𐭡** و **𐭡𐭠** (به دنبال حرف دیگر) ممکن است به جای **𐭠𐭡** **𐭠𐭡** باشد، پس **𐭠𐭡**-حرف نویسی می شود.

آوانویسی

اصول املائی که، ظاهراً با دگرگونیهای اتفاقی در املائی پهلوی اعمال شده اند، افزون بر هزوارشها، دربرگیرنده اصول آوایی (در چهارچوب الفبا)، املائی تاریخی، شبه تاریخی و دشواریهای دیگری است که تعیین قواعد حاکم بر این اصول به اندازه ای نامشخص است که بندرت در خور ذکرند. پی بردن به املائی اصلی واژه، بندرت تلفظ آن را روشن

1. Kaj Barr, Remarks on the Pahlavi Ligatures **𐭠𐭡** and **𐭡𐭠** Bulletin of the School of Oriental Studies, VIII, pt. 2 (1936), 391-403

شکل تحریف شده	حرف نویسی حروف ایرانی	جدول شماره ۲	هزوارش (اندیشه نگار)
𐭠	h		A H
𐭡, d, 𐭡	b		B
B, Z, K	g	}	G D Y
b, z, k	d		
	y		
	(mn, etc.)		E
	w		W
	n		N
	—		O
	r		R
	𐭠		'
G, D, Y	z		Z
	k		K
	𐭡	(K
	l	(L
	𐭠	(𐭠
	m		M
	—		Q
	s		S
	p		P
P, 𐭡	c		C
	š		š
DR	t		T

می‌سازد. برای تعیین تلفظ هر واژه، لازم است که تمام شواهد تطبیقی موجود را بررسی کرد.

با کشف متنهای ایرانی که به خط تقریباً آوایی مانوی نوشته شده، پایه‌ریزی یک نظام واجی فرضی برای متنهای فارسی میانه و پارسی سده سوم میلادی ممکن گشت، نظامی که از نظامهای پیشین خود که تنها بر شواهد دورتر زبانهای ایرانی کهن، فارسی نو و وام واژه‌های دیگر زبانها (بویژه ارمنی) متکی بود، دقیق‌تر است. این نظام واجی در مقاله‌ای که پیشتر بدان اشاره شد، توصیف شده است. تمام واژه‌های این فرهنگ نیز مطابق همین نظام آوانویسی شده‌اند. این نظام دربرگیرنده واجهای زیر است:

واکه‌ها				
ī	ē	ā	ō	ū
i	(e) ^۱	a	(o) ^۱	u
همخوانها				
p	t	č	k	
b	d	ǰ	g	
f	s	š	x	h
	z	ž ^۲	γ ^۲	
m	n			
w	r l	y		

۱ - پایگاه واجی *u* و *o* مورد تردید است و تنها زمانی مشخص می‌شود که شواهد تطبیقی مستقیمی از کاربردشان وجود داشته باشد.

۲ - فقط در واژه‌های غیرفارسی یعنی در واژه‌های عالمانه یا وام واژه‌ها.

می‌توان تصور کرد که فراگویی این واجها همانند ادای آواهای قرینه این واجها در زبانوری ایرانی غربی کنونی بوده است. تنها تغییر واج گونه‌ای مهم به بندشیهای واکبر *h*, *(d?)*, *g* و بندشی - سایشی *ǰ* مربوط است. هنگامی که این واجها بین یک واکه و همخوان بعدی در یک تکواژ یا درنگ بسته قرار می‌گیرند، به ترتیب به قرینه‌های سایشی خود *β*, *(ð)*, *γ*, *ž* تبدیل می‌شوند. بنابراین واژه‌های *abd, tigr, duždēn* نشانگر

صورت تلفظی *[aβd, tigr, duždēn]* هستند. اینکه این تحول درجه زمانی بر این واجها، هنگامی که در جایگاه پس واکه‌ای قرار می‌گیرند، تأثیر گذاشته است. روشن نیست. کافی است که واجهای *β, ð, γ, ž* را به عنوان تظاهر آوایی ممکن پس واکه‌ای‌های *h, d, g, j* در نظر داشت.^۱

روش استفاده از فرهنگ

برای یافتن یک واژه شناخته، یا واژه شناخته‌اما با روش آوانویسی دیگری، لازم است که نخست آن را در بخش واژه‌های پهلوی یافت. فهرست انگلیسی - پهلوی (اینجا فارسی - پهلوی) فقط به منظور به یادسپاری و یافتن مترادفها و... بوده است و به هیچ رو یک واژه‌نامه انگلیسی - پهلوی (اینجا فارسی - پهلوی) به شمار نمی‌آید.

سرواژه‌ها، بجز دو مورد، در سراسر فرهنگ به ترتیب زیر مرتب شده‌اند.

ā, h, č, d, ē, f, g(γ), h, ī, j, k, l, m, n, ō

p, r, s, š, t, ū, w, x, y, z(ž).

دو مورد استثنا عبارتند از:

(۱) اسمهای معنی با پایانه *-ih (-yh)* که بلافاصله به دنبال واژه‌هایی می‌آیند که از آنها

مشتق شده‌اند، مثلاً *stūrīh* پس از *stūr* و پیش از *sturg*؛

(۲) اسمهای مصدر که از ستاکهای حال با افزودن پایانه *[-išn| -šn']* ساخته شده‌اند و

صورت‌های اشتقاقی آنها با پایانه‌های *[-išnīg| -šnyk']*, *[-išnīh| -šnyh]*، همه به دنبال فعلی

آمده‌اند که از آن مشتق شده‌اند.

افعال به شکل مصدر نقل شده‌اند و ستاک حال را به دنبال دارند، مگر مواردی که این

دو صورت دیده نشده باشد. در موارد ضروری ارجاعهایی برای انطباق این صورتهای داده

شده است. در این فرهنگ همه صورتهای اشتقاقی یک فعل نیامده است، گرچه این

مشتقات، بنا بر قاعده، از بخشهای اصلی یک فعل قابل استنتاج باشد. مثلاً اسمهای فاعل

۱. *[γ]* گونه واجی *g* فارسی است در حالیکه *γ* در آوانویسی. یک واج غیر ایرانی است. زبان پارسی نیز

دارای واج *ž* است که جانشین *j* فارسی می‌شود.

با پایانه $[-t'ɪ]$ -dār/-tār، صفت‌های مفعولی با پایانه $[-tk']$ -dag/-tag، همانند مصدرها با پایانه $[-tn']$ -dan/-tan، اسم‌های معنی با پایانه $[-k']$ -āg که از ستاک حال ساخته می‌شوند.

سرواژه‌ها

سرواژه‌های پهلوی همواره با حروف برجسته داده شده‌اند. سرواژه‌های اندکی که با حروف ایتالیک آمده‌اند، برای ارجاع به گونه دیگر آوانویسی آن واژه‌ها بوده است. P پیش از سرواژه‌های اصلی نشان می‌دهد که واژه تنها در متنهای با اصل پارتی، مثلاً یادگار زریر و درخت آسوریگ، آمده است. * نشان می‌دهد که آوانویسی یا قرائت واژه تأیید نشده و مبهم باقی مانده است. آگاهیهای زیر درون دو قلاب [] آمده است.

(۱) حرف‌نویسی خط پهلوی.

در مورد هزوارشها، حرف نویسی بلافاصله پس از ارائه صورت اصلی آرامی کلمه که با نشانه A مشخص گردیده، آمده است. در مورد افعال، به سبب دادن ریشه آرامی فعل، این روش گاه با دقت کمتری اعمال شده است.

زمانی که املاهای پهلوی ستاک حال یک فعل با بخشی از مصدر یکی می‌شود، هر اندازه در آوانویسی با یکدیگر اختلاف داشته باشند، حرف نویسی به شکل اختصار و با استفاده از خط فاصله - داده می‌شود. مثلاً صورت $škwptn'$ نشان دهنده مصدر $škwptn' (=škuftan)$ و ستاک حال $škwptn' (=škōf)$ و صورت $YMYTWN-t'n'$ نشانگر مصدر $YMYTWNt'n' (=murdan)$ و ستاک حال $YMYTWN-t'n' (=mīr)$ است.

(۲) شواهد تأییدکننده آوانویسی.

صورت پهلوی، هرچند تحریف شده واژه‌های عالمانه‌ای که از اوستا گرفته شده، با

نشانه $(=Av.)$ مشخص شده است. آوانویسی این واژه‌ها فرضی‌تر از آوانویسی واژه‌های عادی پهلوی است، چه این صورتها چیزی بیش از فراگیری احتمالی تلفظ کنونی این واژه‌ها نیست.

توجیه درستی آوانویسی هر واژه مستلزم بحثی مفصل درباره شواهد ریشه شناختی و تطبیقی است که از محدوده این فرهنگ بیرون است. بنابراین تنها آن شواهدی ارائه شده‌اند که رابطه بسیار نزدیکی با سرواژه‌ها داشته‌اند و از نظر کوتاهی و ارائه با قاعده سرواژه‌ها سودمند بوده‌اند.

پس از خط عمودی |، هر جا امکان داشته، صورتهای برابر فارسی میانه (M) و / یا پارتی (P) مانوی داده شده است. ارائه تنها صورت پارتی یک واژه، لزوماً بدین معنی نیست که واژه اصل غیرفارسی دارد. این امر ممکن است بدین سبب باشد که صورت برابر فارسی میانه در متنهای مانوی دیده نشده است.

صورتهای متأخر واژه از متنهای یهودی - فارسی (J - از هر منبعی) و فارسی آغازی (N - بندرت در هیأت عربی شان، زمانی که صورت معرب جانشین فارسی شده است. Ar) نقل شده‌اند.

در مواردی که صورتهای ارائه شده یک واژه مستقیماً قابل مقایسه نباشد، یعنی از گویش دیگری، یا به طریقی تحریف شده باشند (مثلاً با ریشه‌شناسی عامیانه)، درون دو کمانک () آمده‌اند.

wēn- (۱)	𐭯𐭮𐭲𐭮	-۱
wēnišn (۱)	𐭯𐭮𐭲𐭮𐭲𐭮	-۲
dīdan (۱)	𐭯𐭮𐭲𐭮𐭲𐭮	-۳
wēn-	𐭯𐭮	-۴
wēnišnīg	𐭯𐭮𐭲𐭮𐭲𐭮𐭲𐭮	-۵
wēnišn	𐭯𐭮𐭲𐭮	-۶
dīdan-	𐭯𐭮𐭲𐭮	-۷

۱. در آوانویسی پارتمندای (Altiranisches Wörterbuch) بجز ā, ß, w که به ترتیب جانشین a, w, v شده‌اند.

کو تاه نوشتها

A	آرامی
Ar.	عربی
astr.	ستاره‌شناسی، اختربینی
Av.	اوستایی
cal.	تقویم
intr.	لازم
J	یهودی - فارسی
lit.	واژه به واژه
M	فارسی میانه مانوی
N	فارسی نو
P	پارتی
pl.	جمع
sg.	مفرد
tr.	متعدی
cf.	بسنجید

نشانه‌ها

~	درست مانند سرواژه
*	آوانویسی و یا معنی مورد تردید است
/	گزینه‌های دیگر
()	گونه دیگری از صورت و یا املاء واژه فارسی نو و... صورت مستقیماً قابل
(N...)	مقایسه نیست
=M	همین املا در مانوی و...
v.	→

dīdan, wēn- [HZYTWN-tn' < A hzy; dytn', wyn-] M dydn,

wyn- , N ~ , bīn-] دیدن

~ išn: بینش، بینایی

~ išnīg: دیدنی

wēn- , ~ išn(-īg), → dīdan

(۱) **دودان** - هزوارش ستاک حال wēn- است. این هزوارش دارای حروف H و Z (که به شکل حرف G کاهش یافته‌اند) ، Y ، T ، W ، N ، است که این صورت نتیجه دگرگونی (عادی) پهلوی ریشه آرامی hzy است. مصدر (۳) دارای پایانه آوایی tn' برای dan- در dīdan است.

(۷) **دودان** dytn': صورت نوشتاری مصدر dīdan و (۴) **دودان** -wyn: صورت نوشتاری ستاک حال wēn- است.

در فارسی میانه مانوی قرینه‌های آنها ، به ترتیب به صورت dīdan ، wēn- نوشته می‌شوند که نشانگر همان تلفظ‌اند. در فارسی نو مصدر همچنان dīdan است، اما ستاک حال، بنا بر قاعده، bīn- است.

بخشی از اسم مصدر wēnišn ممکن است به صورت هزوارش HZYTWNšn' (۲) و یا آوایی wynšn' (۶) نوشته شود. املاي wynšnyk' (۵) نشانگر صفت مشتق wēnišnīg است (که آن را به صورت HZYTWNšnyk' نیز می‌توان نوشت).

بخش نخست

پهلوی - فارسی

A

a- [ʔ- Mʔ-]	بی، نا - (پیشوند نفی)
ā [ʔ]	پس (معمولاً با ضمیر پیوسته می آید، مثلاً ā-š)
āb [MYA < A myʔ; ʔp̄ M ʔb, N ~]	آباد
ābād [ʔp̄ʔʔ M ʔbʔd, N ~]	آباد، پر جمعیت، مزروع
~īh :	آبادی، خوشبختی
ābādān [ʔp̄ʔʔnʔ N ~]	آبادان، مزروع، کامیاب
~īh :	آبادانی، کامیابی
abādixšā(y) [ʔp̄ʔhšʔ(d), → pādixšā(y)]	ناتوان، بی قدرت
~īh :	ناتوانی، هرج و مرج
abādyāwand [ʔp̄ʔydʔwnd J ʔbʔdywn <d>]	ناتوان، کم زور، بی زور
~īh :	ناتوانی، کم زوری
abāg [LWTE < A lwt-h M ʔbʔg, N (a)bā]	با
~īh [ʔp̄ʔkyh]	کمک، همراهی، همدستی
abāgēnīdan, abāgēn- [ʔp̄ʔkyn-ymʔ]	همراهی کردن
a-bahr [ʔbʔhl]	بی بهره، محروم
abām [ʔp̄ʔm P ʔbʔmyh, N (ā)wām]	وام، قرض وام
Ābān [ʔp̄ʔnʔ M ʔbʔn, N ~]	آبان: گاهنما (= تقویم) نام هشتمین ماه سال و دهمین روز ماه
aband [ʔp̄nd, → pand M ʔbnd]	نادرست، بی راه
~īh :	نادرستی
'abar [QDM < A qdm; ʔp̄l M ʔbr, N bar]	بالا؛ بر، روی
~āmadan :	برآمدن (خورشید)
~āxistan :	برخاستن
~āxrāmīdan :	به سوی بالا خرامیدن
~burdan :	به عهده گرفتن
~madan :	برآمدن (از عهده کاری)، دریافتن
~nigerīdan :	برنگریستن، توجه کردن
~nihumbīdan :	برنهفتن، پنهان کردن
~nišastan :	برنشستن، بر تخت نشستن
~nišāstan :	برنشانندن

abāxtar

¹abāxtar [^ʔ p ^ʔ hɪl M ^ʔ b ^ʔ xɪr]	سیاره
²abāxtar [^ʔ p ^ʔ hɪl N bāxtar 'مغرب']	شمال
abāydāg [^ʔ p ^ʔ yr ^ʔ k ^ʔ , → paydāg M ^ʔ byd ^ʔ g]	ناپیدا، ناپدید
~īh:	ناپیدایی، ناپیدی
abāy-: abāyēd [^ʔ p ^ʔ yr ^ʔ M ^ʔ b ^ʔ yd, N bāyad] (مصدر)	لازم است، مناسب است، باید... (مصدر)
~ist [^ʔ p ^ʔ d ^ʔ sr ^ʔ N bāyist]	بایست
~istan [^ʔ p ^ʔ d ^ʔ sr ^ʔ n ^ʔ]	بایستن، مناسب بودن، آرزو کردن، خواستن
~išn:	لزوم
~išnīg:	بایسته، درخور، سزاوار
abāz [LAWHL < A l- ^ʔ (w)hr ; ^ʔ p ^ʔ c M ^ʔ b ^ʔ c, N bāz, wā]	باز، دوباره، عقب
~dādan ō:	۱ - حمل کردن (بر)، نسبت دادن به ۲ - تعیین کردن
~dāstan:	بازداشتن، جلوگیری کردن از، مانع شدن
~ēstādan az:	ترک کردن، باز ایستادن از... <i>ما کورس رهبر دران</i>
~kardan:	باز کردن
~kardan az:	باز کردن از، وادار به ترک کردن
~māndan:	بازماندن
~pādan:	ماندن، باقی ماندن
~raftan:	پیش رفتن، بیرون آمدن
~waštan ō:	بازگشتن به، شدن
~wirāstan:	بازویراستن، دوباره ترتیب دادن، دوباره مرتب کردن
abāzsār [LAWHLs ^ʔ l]	سرکش
~īh:	سرکشی
āb-čihrag [^ʔ p ^ʔ cyhɪk ^ʔ]	آب چهره، آن چه جوهر یا نطفه آب دارد
abd [^ʔ p ^ʔ d M ^ʔ βd, J ^ʔ bd-]	شگفت آور
~sahistan:	شگفت نمودن، شگفت به نظر رسیدن
~īh:	شگفتی
āb-dān [^ʔ p ^ʔ d ^ʔ n ^ʔ]	آبدان
abdast [^ʔ p ^ʔ d ^ʔ sr ^ʔ l]	دست پناه (بخشی از زره)
abdom [^ʔ p ^ʔ d ^ʔ wm M ^ʔ bdwm]	آخر، آخرین، سرانجام
~īh:	پایان، انتها
abd-sahist [^ʔ p ^ʔ d ^ʔ shsr ^ʔ l]	شگفت انگیز

abd-sahist

abār rasīdan

~rasīdan:	رسیدن به... رسیدن بر سر... <i>رسیدن / بر سر</i>
~rasīdan ō:	رسیدن
²abar [^ʔ p ^ʔ l]	برتر، بالاتر
~ag [-g M ^ʔ brg] superior	برتر
~agān(ag) [-k ^ʔ n (k) ^ʔ]	برتر
~dar [-dl, ^ʔ wɪl M ^ʔ brdr]	بالاتر
~dom [-t ^ʔ wm M ^ʔ brdwm]	بالاترین
~domīh [-t ^ʔ wmyh]	برتری
abargar [^ʔ p ^ʔ gl]	ایزد، خدا
abarīg(ān) [^ʔ p ^ʔ lyk ^ʔ (^ʔ n) ^ʔ] = abarag	دیگر
abārīg [^ʔ p ^ʔ ryk ^ʔ M ^ʔ b ^ʔ ryg, J ^ʔ b ^ʔ ry]	متصدی، سرپرست
abarmān [^ʔ p ^ʔ lm ^ʔ n ^ʔ]	ارث، مرده ریگ، امتیاز
abarmānd [^ʔ p ^ʔ lm ^ʔ nd]	آزاده
abarmānīg [^ʔ p ^ʔ lm ^ʔ nyk ^ʔ]	خودپسند، متکبر، مغرور
abar-menišn [^ʔ p ^ʔ lmyšn ^ʔ]	وارون، نادرست، گناهکار
abārōn [^ʔ p ^ʔ hwn ^ʔ N wārōn]	گناه
~īh:	قوی تر، نیرومندتر
abar-ōz [^ʔ p ^ʔ l ^ʔ wc]	تسلط، اقتدار
~īh:	خودپسند، مغرور
abar-tan [^ʔ p ^ʔ lm ^ʔ]	خودپسندی، غرور، نخوت
~īh:	کامروا، پیروز
abarwēz [^ʔ p ^ʔ hwyc M ^ʔ brwyj, N parwēz)]	کامروایی، پیروزی
~īh:	
abarzēn, → ^ʔmašk	پشیمان؛ پشیمانی
abaxš [^ʔ p ^ʔ hš ^ʔ]	پشیمانی
~īh:	متأسف
abaxšāwand [^ʔ p ^ʔ hš ^ʔ wnd]	بخشاییدن، آمرزیدن، رحم کردن
abaxšāyīdan, abaxšāy- [^ʔ p ^ʔ hš ^ʔ d-ym ^ʔ M. ^ʔ baxš ^ʔ y-, N baxšāyīdan, baxšāy-]	بخشایش، آمرزش، رحم
~išn:	بخشنده، دلسوز، رحیم
~išnīg:	

abē-sūd [ʔp̄ȳ swtʰ]	بی سود
~īh:	بی سودی
a-bēš [ʔbyšʰ]	آسیب‌ناپذیر، بی‌زیان؛ بی‌گزند
~īh:	آسیب‌ناپذیری؛ بی‌گزندی
abē- wināh [-wnʰs M ʔbywnʰ !]	بی‌گناه
~wizend [-wznd]	آسیب‌ناپذیر، بی‌گزند، بی‌خطر
abēzag [ʔp̄yckʰ M ʔbycg, (N wēža)]	مقدس، ویژه (= پاک)
~īh:	پاکی، تقدس
abēzār [ʔp̄yzʰl, ʔp̄ycʰl N bēzār]	بری
abgandan, abgan- [LMYTWN-inʰ < A √mʰ: ʔpkn- M ʔbgnd, ʔbgn-, N afgan-dan]	آفگندن
abgār- [ʔp̄kʰl-]	تهیه کردن، پیش بردن
ābgēnag [ʔp̄kynkʰ, MYAkynkʰ N ābgēna]	آبگینه، شیشه، بلور
~ēn[-ynʰ]	شیشه‌ای، بلورین
ābīg [ʔp̄ykʰ N ābī]	آبی، آبی
ābilag [ʔp̄lkʰ N ~a]	آبله
a-bīm [ʔbym]	بی‌بیم، بی‌باک، نترس
āb-kāmag [ʔp̄kʰmkʰ N ~a]	آب کامه (سوپ غلیظ ترش)
abnūs [ʔp̄nws- (N-ābnūs)]	آبنوس
a-bōy [ʔbwd]	بی‌حس
~īh:	بی‌حسی
abr [ʔbl, ʔ M ʔβr! N ~]	ابر
abrang [ʔp̄lŋg N aurang]	اورنگ، شکوه
abrāstan, abrāz- [ʔp̄stnʰ, ʔp̄c- M ʔbrʰst, N (afrāstan), afrāz-]	افراستن، بالا بردن
abrāz [ʔp̄c N afrāz]	افراز، سربالایی
abrēšom [ʔp̄hš(w)m M ʔbr̄šwm, N ~]	ابریشم
~ēn [-ynʰ]	ابریشمین
abrōxtan, abrōz- [ʔp̄hxtnʰ, ʔp̄hw- M ʔbr̄wxt, ʔbr̄wc-, N afrōxtan, afrōz-]	افروختن، روشن کردن، نورانی کردن، جلا دادن
~išn(īh):	روشن‌گری، فروزش، چراغانی
āb-tazan [ʔp̄tcnʰ]	آب رو

abē- [ʔp̄y(y)- M ʔby-, N bē]	بی -، بدون - (پیشوند)
~bar [bl]	بی‌بر، بی‌شیر
~bēš [-byšʰ]	بی‌زیان
~bīm [-bym]	بی‌بیم
~bīmīh:	بی‌بیمی
~bōy [-bwd]	بی‌حس
~bōyīh:	بی‌حسی
~būd(īh) [-bwtʰ, -bwt̄yh]	کاستی، کمبود
~čīm [-cym]	بی‌سبب، بی‌علت
abēdān [ʔp̄yʰnʰ]	بافایده، لازم
abē- gumān [-gwmʰnʰ]	بی‌گمان، مطمئن
~gumānīh:	اطمینان
~mizag [-m(y)ckʰ]	بی‌مزه
~must [-mwsʰ]	خرسند، راضی
~niyāz [-nydʰc]	بی‌نیاز
~ōš [-ʔwš M ʔbyʰwš, N bēhōš]	بی‌هوش، بی‌حس
~ōšīh:	بی‌هوشی، بی‌حسی
abēr [ʔp̄yl]	زیاد، فراوان
abē-rāh [ʔp̄ylʰs]	بی‌راه
abesar [ʔp̄ysʰ M ʔbysr, N afsar]	افسر، تاج
abesīhēnīdan, abesīhēn- [ʔp̄shyn-ynʰ, → abesīhīdan]	نابود کردن، ویران کردن
~išn(īh):	خرابی، ویرانی، تخریب
abesīhīdan, abesīh- [ʔps(y)h-ynʰ M ʔbysyh-]	نابود شدن، خراب شدن
~išn(īh):	نابودی، خرابی
abespārdan [ʔpspʰtnʰ] = abespurdan.	
abespurdan, abespār- [ʔpspwt̄nʰ, ʔpspʰl- M ʔbyspwr̄d, ʔbyspʰr-, N sipurdan, sipār-]	سپردن، واگذار کردن، تفویض کردن
abestāg [ʔp̄(y)stʰkʰ]	اوستا، کتاب مقدس زردشتیان
abestām [ʔp̄stʰm] = abestān.	
abestān [ʔp̄stʰnʰ]	پشتی، پناه، اعتماد
~ābestan [ʔp̄ystanʰ p ʔbystn, N ābistan] = ābustan.	

a-dard	afsūdan
a-dard [ˈdɑrˈd]	بین درد
ādarōg [ˈɑdɑrɔˈg], ātaxš ī ~ :	آدرُگ، ساده‌ترین نوع آتش زردشتیان
ādehīg [ˈɑdeˈhɪg]	اهلی، بومی
adēn [ˈɑdɛˈn] M ˈdɪn]	ورود؛ ورودی
*adēn- [ˈdɪn- = M]	آوردن، هدایت کردن
ādišt [ˈɑdiˈʃt]	جایگاه آتش زردشتیان
ādūg [ˈɑdɪˈg] M ˈdɪg]	لایق
ādūr [ˈɑdɪˈr] M ˈdɪr, N ādar]	آتش، ایزد آتش؛ گاه‌نما: نهمین ماه سال و نهمین روز ماه
ādurestar [ˈɑdɪˈrɛstɑr]	خاکستر
~ēn [-ɛnˈ]	خاکستری
ādūr-gāh [ˈɑdɪˈrɔˈgɑːh]	آتشگاه
āfrāh [ˈɑfrɑˈh] M ˈprɑˈh]	آموزش، تعلیم، عقیده، اصل
a-frasāwand [ˈɑfrɑˈsɑːwɑnd]	نافر سودنی
afrāz [ˈɑfrɑˈz] N farāz]	فراز
āfrīdan, āfrīn- / āfur- [ˈɑfrɪˈdɑn, ˈɑfrɪˈn-, ˈɑfr-]	آفرین کردن، ستودن، دعای خیر کردن؛ آفریدن
~pwl- M ˈp(w)ɪrd, ˈpwr-, P ˈfɪrn-, N āfarīdan, āfarīn-]	
āfrīn [ˈɑfrɪˈn] M ˈpɪrn, N āfarīn]	آفرین، ستایش
~agān [-kɑˈn]	آفرینگان (نام دعا)، دعای خیر
afrōšag [ˈɑfrɔˈʃɑg] N ~ a]	افروشه (نوعی شیری که با آرد، کره و عسل تهیه می‌شود)
*afsālān [ˈɑfsɑˈlɑːn] (N ābsālān)]	آبسالان، بهار
afsān [ˈɑfsɑˈn] (M ˈpsɑˈng), N afsāna]	افسانه، داستان
afsardan, afsar- [ˈɑfsɑˈrɑn, ˈɑfsɑˈr-]	افسردن، سرد شدن
afsardan, afsār- [ˈɑfsɑˈrɑn, ˈɑfsɑˈr-]	خاموش کردن، سرد کردن، منجمد کردن
~išn :	خنک سازی، عمل سرد کردن
afsāy-, → afsūdan.	
afsēnistān, afsēn- [ˈɑfsɛˈnɪstɑn, ˈɑfsɛˈn-]	نابود کردن
~išn :	خرابی، تخریب
afsōn [ˈɑfsɔˈn] M ˈpsɔˈn, N afsūn]	افسون، ورد
afsōs [ˈɑfsɔˈs] N ~]	ریشخند
~gar [-gɑˈ]	ریشخند کننده
afsūdan, afsāy- [ˈɑfsɪˈdɑn, ˈɑfsɑˈj-]	افسون کردن، با افسون حفظ کردن

a-bun	ādānīh
a-bun [ˈɑbʊn]	بی اساس، بی بن
a-burd- <u>framān</u> [ˈɑbʊrdˈfrɑːmɑːn]	نافرمان
~īh :	نافرمانی
aburnāy [ˈɑbʊrnɑːj] → purnāy N burnā]	نابرن، بچه
~īh :	نابرنایی، بچگی
aburnāyag [ˈɑbʊrnɑːjɑg]	نابرن، بچه
abus [ˈɑbʊs]	زن تازه زاییده
~īh :	زایمان
ābus, -tan [ˈɑbʊsˈtɑn] M ˈbʊws, → ābestān]	آبستن
~īh :	آبستنی
abyōxtan, abyōz- [ˈɑbɪˈɔxtɑn, ˈɑbɪˈɔz-]	آمیختن، پیوستن
āb-zan [ˈɑbzɑˈn] N ~]	آبزن، حمام
ˈabzār [ˈɑbzɑˈr, ˈpɪzɑˈr] M ˈbcɑˈr, N afzār]	افزار، ابزار، وسیله؛ چاشنی، ادویه
ˈabzār [ˈɑbzɑˈr] M ˈbzɑˈr]	مهارت، نیرو؛ نیرومند
~ōmand [-ˈwɑmɑnd]	قابل، ماهر
abzāy-, ~išn, → abzūdan.	
abzōn [ˈɑbzɔˈn] M, J ˈbzɔˈn, N afzūn]	افزایش، رشد
~īg [-ɪgˈ]	افزون، افزاینده، فراوان
~īgīh :	فراوانی
abzūdan, abzāy- [ˈɑbzɪˈdɑn, ˈɑbzɑːj-] M ˈbzɪˈd-, N afzūdan, afzāy-]	افزودن، رشد دادن
~išn :	افزایش، رشد
a-čār [ˈɑtʃɑˈr]	ناچار؛ بیچاره
~ag [-kɑˈ]	ناگزیر، مجبور
a-dād [ˈɑdɑˈd], a-dādestān [ˈɑdɑˈdestɑːn]	بی داد، غیرقانونی
~īh :	بی دادی، بی قانونی
a-dahm [ˈɑdɑˈhm]	نامحرم
-ādan [-ˈɑdɑn] P -ˈdɑn, N ~]	-ادن (پسوند سازندهٔ مصدرهای ثانوی)
a-dān [ˈɑdɑˈn] M ˈdɑˈn]	نادان
~īh :	نادانی
*ādān [ˈɑdɑˈn]	ثروتمند، قادر به پرداخت وام؛ ثروت
~īh :	ثروت

āgustan	ahunawar
āgustan [² kʷstn ¹ M ² gwst]	آویختن، سرنگون کردن
āhan [² h(y)n ¹ , ² s(y)n ¹ M ² hwn, N ~]	آهن
~ēn [² synyn ¹]	آهنین
~gar [-kl N ~]	آهنگر
āhang [² hng]	آهنج، کشش
āhanjīdan [² hncyn ¹] = āhixtan .	
ahanūz [² hnc M ² hwn-c, N hanūz]	هنوز، بازهم
⊙ āhen = āhan	
āhīd [² hyr ¹ M (²) ² hyd]	آلودگی، آرایش؛ درهم
~īh:	پلیدی، درهمی
āhixtan, āhanj- [² hhtn ¹ , ² hnc- M ² hxtn, (² hynz-), بیرون کشیدن، بالاکشیدن،	
N āhīxtan , ~]	
ahlā [² hl ² y (M ² hl ² y)]	پرهیزگار (لقب ایزد سروش)، صالح، نیکوکار
ahlaw [² hlwb ¹ M ² hlw]	پرهیزگار، درستکار، صالح، نیکوکار
~īh:	پرهیزگاری، نیکوکاری
ahlaw-dād [² hlwb d ² t]	خیرات، صدقه
ahlāyīh [² hl ² dyh]	پرهیزگاری، نیکوکاری
Ahlišwang [² hlyšwng] = Ard	
ahlomōy [² hlmwk ¹ M ² hlmwg]	آشموغ؛ بددین، بدعت‌گذار
~īh:	آشموغی؛ بددینی، بدعت
āhōg [² hwk ¹ M ² hwg, N āhō]	آهو، عیب
āhōgēnīdan, āhōgēn- [² hwkyn-ytn ¹]	آلودن
a-homānāg [² hwm ² n ² k ¹]	ناهمانند
ahōš [² hwš]	نمردنی، بی‌مرگ
~īh:	بی‌مرگی
āhr [² hl]	ترس، خشم
ahrāftan, ahrām- [² hl ² p ² n ¹ , ² hl ² m- M ² hr ² p ² n, ² hr ² m-]	بالا بردن، بلند کردن
Ahremen [² hl(y)mn ¹ M ² hrmyn, N ~]	اهرمین / اهریمن (= روح پلید)
āhūg [TYBA < A ṭhy ² ; ² hwk ¹ M (²) ² hwg, N āhū]	آهو (حیوان)
ahunawar [² hmc]	اهونور (نام مقدس‌ترین دعای دین زردشتی که با ahū vairyō یا آغاز می‌شود)

afšāndan	a-gumēgīh
afšāndan, afšān- [² pš ² n-tm ¹ N ~]	افشاندن، پراکندن، ریختن
afšārdan [² pš ² lm ¹ N ~] = afšurdan .	
afšurdan, afšār- [² pšwlm ¹ , ² pš ² - N ~]	افشردن، خورد کردن، له کردن
āfurīdan, āfur- [² pwl-ytn ¹ , → āfrīdan]	آفریدن ← ببازین / بازین
~išn:	آفرینش
-ag [-k ¹ M -g, N -a]	۱- (پسوند سازندهٔ ۱- صفت از اسم و ماده‌های فعلی ۲- اسم از صفت و ماده‌های مضارع)
-āg [- ² k ¹ M - ² g, N -ā]	۱- (پسوند سازندهٔ اسم عامل از ماده‌های مضارع)
a-gāh [² g ² s]	بدون مقام و رتبه
āgāh [² k ² s M ² g ² (h), N ~]	آگاه، کاردان
~īh:	آگاهی
āgāhēnīdan, āgāhēn- [² k ² syn-ytn ¹]	آگاه کردن
āgandan, āgan- [² kn-dn ¹ P ² gnd, N ~]	آگندن، انباشتن
a-ganj [² knc ¹]	بینوا
agar [HT, برای A hn M ² gr, N ~]	اگر
agār [² k ² l M ² g ² r-]	ناکاره، ناتوان، بی‌مصرف، عاطل
~īh:	ازکارافتادگی، عدم فعالیت، ناتوانی
agārēnīdan, agārēn- [² k ² lyn-ytn ¹]	ناکار کردن، ناتوان کردن
agārīhistan, agārīh- [² k ² lyh-stn ¹ M ² g ² ryyh-]	ناکار شدن، ناتوان شدن
ag-dēn [² k-, ² gdyn ¹]	بددین، کافر
~īh:	بد دینی، دینی غیر از دین زردشتی داشتن
āgenēn [² k(y)nyn ¹ M (²) ² g(y)nyn]	یا هم
āgōš [² kʷš M ² wš, (P ² gvc), N āyōš]	آغوش
a-gōwāg [² gwb ² k ¹]	گنگ، ناگویا
āyīštāg [² gyšt ¹ p ² gyšt, N āyīšta]	آغشته، آلوده
ayrē [² γ-, ² kly ² = Av. ayrya-]	بالاترین، بزرگترین
āgrift [² glpt ¹ = Av. āgəraptā-]	جرم، تقصیر؛ آگرفت (نام درجه‌ای از گناه)
a-griftār [² glpt ²]	نامحسوس، لمس‌نشدنی
a-gumān [² gwn ² m ¹]	بی‌گمان، مطمئن
a-gumēg [² gwnyk ¹ M ² gwnyng]	خالص، نیامیخته
~īh:	خلوص

a-marag	an-abaxšāwand
a-marag [² mlk ¹]	بی مر، بی شمار
amaragān [² mlk ² n ¹]	عموم، عام
~īg [-y ¹ k ¹]	عام
~īhā [-y ¹ h ²]	به طور کلی، عموماً
a-marg [² mlg]	بی مرگ، نمردنی
~īh:	بی مرگی، فنا ناپذیری
āmārgar [² m ² lgl N ~]	آمارگر، حسابدار
amāwand [² m ² wnd]	زورمند، نیرومند
amāwandīh:	زور، نیرومندی
ambag [² mbk ¹ N anba ² āt]	انبه (نوعی مربا و ترشی)
ambar [² mb ¹ , ² nbl Ar. 'ambar]	عنبر
ambarag [² mbk ¹ N anbara]	انبره (حیوان بی مو به طور عام)
P amburdan [h ² mbwlt ¹ P ² mb ² r-] = hambārīdan.	
a-menīdār [² mynyt ¹ l]	بی فکر، بی اندیشه
āmēxtan, āmēz- [² myhun ¹ , ² myc- M ² myxt ¹ , ² myz-, N ~]	آمیختن
~īšn:	آمیزش؛ عنصر
āmiz [² myc]	خوراک غیراصلی، سبزیجات
Amurdād [² m(w)rdt ¹ N <i>murād</i>]	امرداد (= بی مرگی): ششمین امشاسپند، نگهبان
	گیاهان و خوراک؛ گاه‌نما: نام پنجمین ماه سال و هفتمین روز ماه
āmurzīdan, āmurz- [² mwlc-ytn ¹ M ² mwz-yd, N ~]	آمرزیدن، بخشاییدن، دل سوختن، رحم کردن
~īšn:	آمرزش، بخشایش
P amwaštan [h ² mwaštn ¹ P ² mwšt]	جمع کردن، گردآوری کردن
an- [² n- M ² n-]	بی، نا - (پیشوند نفی برای واژه‌هایی که با واکه شروع می‌شود)
ān [ZK < A zk; ² n ¹ M h ² n, N ~]	آن، او
~ī:	آن (= متعلق به)، با توصیف‌کننده مقدم بر اسم = کسره اضافه: مثلاً
ān ī ahlawān ruwān = ruwān ī ahlawān	روان پرهیزگاران
-ān [- ² n ¹ M - ² n, N ~]	-ان (پسوند سازنده ۱- صفت فاعلی ۲- قید ۳- نشان جمع)
ānāb-, ~īšn, → ānāftan.	
an-ābādān [² n ² p ² r ² n ¹]	ناآباد، بایر
an-abaxšāwand [² n ² phš ² wnd]	توبه ناکرده

a-hunsand	āmārišn
a-hunsand [² hwnsnd]	ناخرسند، ناراضی
~īh:	ناخرسندی، ناراضیتی
ahy [KZY < A k-zy M ² hy]	نخست، زود(ترین)
aṅgahān [² šgh ² n ¹ M ² ṅg ² h ² n, N aṅgahān]	تنبل، کاهل
~īh:	تنبلی، کاهلی
ak [² k ¹ N āk]	بدی، زیان
-ak [-k ¹ N ~]	-ک (پسوند تصغیر)
a-kāmagōmand [² k ² mk ² wmnd]	بی میل
a-kanārag [² kn ² lk ¹ M ² qn ² rg]	بی کناره، بی حد
~īh:	بی کنارگی
a-kard [² krt ¹ (M ² gyrd)]	ناکرده، به انجام نرسیده
Akōman [² kwmn ¹ M ² qwmn]	اکومن (= اندیشه بد): نام یکی از دیوان بزرگ
akōmand [² k ² wmnd]	بد، زیان‌آور
alā [² r ² y]	آه! آلا، اسفا!
ālag [ŠTLA, ŠTRA < A šq ² ; ² lk ¹ (M ² rg)]	جهت
alālag [² Plk ¹ N lāla]	آلاله
ālāy-, → ālūdan.	
Aleksandar [² lksnd ¹ M ² lksyndr, N Iskandar]	اسکندر مقدونی
almās(t) [² hm ² s(t ¹) (M ² rm ² s), N almās]	الماس؛ فولاد
ālūdag [² hwtk ¹]	آلوده، ناپاک
~īh:	آلودگی
ālūdan, ālāy- [² hwtn ¹ , ² pd- (M ² rwd), N ~]	آلودن، ناپاک کردن
āluh [² hw ¹ M ² hwf, N ~]	آله، عقاب
alum [² hw, N ~]	ارزن
amā [LNE < A l-nh M ² m ² h, N mā]	ما، ما را
āmadan, āy- [YATWN-m ¹ < A y ² wn, √ ² th M ² mdn, ² y-, N ~]	آمدن
amahraspand [² mhrs ² pnd M (²)mhr ² spnd]	امشاسپند، بی مرگ مقدس
a-mar [² ml]	بی شمار، بی مر
āmār [² m ² l N ~]	شمار، رسیدگی، ملاحظه
āmār- [² m ² l-]	حساب کردن، شمار کردن
~īšn:	شمار

an-astīh

~īh:

ānāst [ʔnʔstʰ]

~īh:

ānāstag [ʔnʔstkʰ] = ānāst.

an-āstawān [ʔnʔstwbʔnʰ, ʔstwbʔnʰ]

~īh:

an-āštīh [ʔnʔštʰ]

ānay-, → ānidan.

an-ayād [ʔnʔbydʔtʰ]

an-āzarm [ʔnʔclm]

~īh:

~īg [-ykʰ]

and [ʔnd | = M, N ~]

~čand [ʔndcnd]

-andag, → -endag.

andāg [ʔndʔkʰ | P nʔdʔg]

~(g)ēn [-(k)ynʰ | P nʔdʔgn]

andak [ʔndkʰ | = M, N ~]

andar [BYN < A byn | M ʔndr, N ~]

~abāyēd:

~āmadan:

~āwurdan:

~būdan:

~šudan:

~widardan:

andarag [ʔndlg]

andarmāh [ʔndlmʔh]

andarōn [ʔndlwnʰ | M ʔndrwn, N ~rūn]

andarwāy [ʔndlwʔd | (P ʔndrwʔz)]

~īg [-ykʰ]

and-čand, → and.

andōh [ʔndwh | M ʔndwx-, N ~]

andōh

نیستی، نابودی، عدم

تباه، خراب

تباهی، خرابی

بی ایمان

بی ایمانی

دشمنی، ناآشتی؛ بی آرامی، آشوب استی

فراموش شده

بی آبرو، بی آرم، رسوا

بی آرمی، رسوایی

بی آبرو

اند، چند، آنقدر

اندچند، هرچندتا

اندوه

اندوهگین، غمگین

اندک، کم

اندر، میان، به سوی، راجع به

اندر باید، لازم است

اندرآمدن، وارد شدن

فراهم کردن، تولید کردن

شامل شدن

وارد شدن، غروب کردن

درگذشتن، سپری کردن

اندر، بین، میان

ماه نو

اندرون، درون

هوا، جو

جوی، هوایی

اندوه

an-abaxšāwandīh

~īh:

an-abāy [ʔnʔpʔd]

an-abēdān [ʔnʔpʔrʔnʰ]

~īh:

anābuhlag [ʔnʔpwhlk = Av. anāpərəθa-] گناه بی کفاره، گناه بالاترین درجه گناه، گناه بی کفاره

~īh:

an-abzār [ʔnʔpʔzʔ]

~īh:

an-ādān [ʔnʔrʔnʰ]

~īh:

an-ādūg [ʔnʔnwkʰ]

an-afsēnišn [ʔnʔpsynšnʰ]

ānāftan, ānāb- [ʔnʔpʔmʰ, ʔnʔpʔ- | M ʔnʔpt, (ʔnʔm-)] دور کردن، رد کردن، عقیم گذاردن

~išn:

anāg [ʔnʔkʰ | M ʔnʔg]

~īh:

an-āgāh [ʔnʔkʰs | N nāgāh]

anāg-kardār [ʔnʔkʰ krʔʰ], -kunišn [-kwnšnʰ]

anagr [ʔngl]

~ān [-ʔnʰ | M ʔnyrʔn]

~rōšn(īh) [-hwšnʰ, -hwšnyh]

anāhīd [ʔnʔhytʰ | N nāhīd]

an-āhōg [ʔnʔhwkʰ]

an-ālūd [ʔnʔhwʰ]

a-nāmčīštīg [ʔnʔmcštykʰ]

an-āmurzīd [ʔnʔmwlcytʰ | M ʔnʔmwrzʔyd]

an-āmurzišn [ʔnʔmwlcšnʰ]

anār [ʔnʔtʰ | N ~]

anārgēl [ʔnʔlgytʰ | N nārgēl]

an-arzānīg [ʔnʔlcʔnykʰ]

an-ast [ʔnʔAYTʰ]

an-ast

توبه ناکردگی

نامناسب، ناپجا

بی فایده، ناخواستنی

بی فایدهگی

ناپل (نام بالاترین درجه گناه)، گناه بی کفاره

گناه جبران ناپذیر

ناوارد، ناتوان

بی قابلیت

درمانده

درماندگی

نالایق

خراب نشدنی

دور کردن، رد کردن، عقیم گذاردن

دوری، پرهیز

بد

بدی، آسیب

بی خبر، ناگناه

بذکر دار، تبهکار

بی کران

انگران (= روشنایی بی کرانه): گاه‌نما: سی امین روز ماه

روشنایی بی کرانه

بی آرایش؛ ناهید: نام ایزدی مؤنث؛ در نجوم: ستاره زهره

بی آهو، نیالوده

نیالوده

نامشخص

سخت دل، بی رحم

سخت دلی

انار

نارگیل

نالایق، ناشایسته

نابود، ناموجود، معدوم

any	ardīkkar
any [AHRN < A 'hurn; (*ān-ī = ZK'y شدۀ ZK'y) M 'n(y)]	دیگر
a-pattūg [p'wvk']	ناشکیبا
a-paymān [p'm'n']	نامتعادل
~īh:	بی اعتدالی
*apēdag [p'p'yt'k' P 'pyd(g)]	سرگردان، گم شده
~dār [-d'l']	محافظ حیوانات و لگردد
a-petīfīg [p'p'yt'k']	اعتراف ناکرده، توبه ناکرده
~īh:	توبه ناکردگی
a-petyārag [p'p'(y)tyd'lk']	بی آفت، بدون بدبختی
a-pōhišn [p'p'wh'sn']	تباه نشدنی
appar [p'l M 'pr]	دزدی، سرقت
appār [p'l']	برداشته شده، برده شده
~īh:	دورسازی، زیان، فقدان
apparag [p'l'g]	رباینده
appurdan, appar- [YHNCLWN-in' < A yhn'šwn, √ nšl; p'l- M 'pwr'd, 'p(w)r-]	دزدیدن
~išn:	دزدی، سرقت
a-pursišnīg [p'p'wrs'snyk']	بی مسئولیت
a-pus [BRE]	بی پسر، بی فرزند
ār-, → ārdan.	
āranj [l'nc N ~]	آرنج
ārāstan, ārāy- [p'sin', 'Pd- N ~]	آراستن، آماده کردن، پیراستن
~išn:	آرایش، پیرایش
a-rawāg [h'wb'k']	بی حرکت
Ard [h' M 'yrd, N ~]	آرد (نام یکی از ایزدان مؤنث)، گاه نما: نام بیست و پنجمین روز ماه
ārd [KHMA < A qm'h'; 'h' N ~]	آرد
ardā [h'y (M 'rd'w)]	پرهیزگار، درستکار، صالح، صادق
ārdan, ār- [THNN-in' < A √ t'm; 'l-in']	آسیا کردن، آرد کردن
ardāyih [h'dyh M 'rd'yyh]	پرهیزگاری، درستکاری، صدق
ardīg [h'yk' M 'rdyg]	جنگ
ardīkkar [h'ykkl, -kl M 'rdyqr]	مبارز، جنگجو

andōhgēn	an-uspurrīg
~gēn [-kn' N -gīn]	اندوهگین، غمگین
anēr [n'y']	غیرآریایی، بی اصل
~īh:	بی اصلی، بربریت
anērān [n'y'p'n']	انیران (= غیر ایران)، جهان آن سوی ایران
an-ērang [n'y'lng]	بی تقصیر
an-espās [n'sp's]	ناسپاس
~īh:	ناسپاسی
angubēn [DWBSYA < A dbš; 'ngpyn' N angubīn]	انگبین
angūr [ANBE < A 'nb' 'ngwl N ~]	انگور
angust [ngwst' (N angušt)]	انگشت (دست و پا)؛ واحد اندازه گیری طول (۳/۴ اینچ)
~arīg [-lyk']	انگشتری
~bān [-p'n']	انگشتانه، انگشتوانه، انگشت پوش (تیرانداز)
ānīdan, ānay- [HYTYWN-in' < A hyty, √ 'th; 'nytn']	آوردن (به پای خود)
anīg [nyk' (N pēsānī)]	پیش، پیشانی
anī-z [AHRN(y)c, → any N nīz]	نیز
anjīr [n'cyl N ~]	انجیر
anōdag [n'wtk' M 'nwdg]	بیگانه، غریب
~īg [-yk']	خارجی، غریب
ānōh, *ānōy [TME < A tmh M 'nwh, 'wy]	آنجا
an-ōst [n'wst']	نااستوار، غیر قابل اعتماد
anōš [n'wš]	بی مرگ؛ اکسیر، پادزهر
~xwardan:	به خطر مرگ رفتن، تاسرحد مرگ جنگیدن، از جان گذشتن
anōšag [n'wšk' M 'nwšg, N ~a]	انوشه، بی مرگ؛ باقی، خوش و خرم
~īh:	بی مرگی
~ruwān [-h'wb'n']	انوشه روان، مرحوم، فقید
an-ōšmār [n'wšm'']	بی شمار، بی مر
anōš-xwar [n'wšhw]	فانی
*ānōy, → ānōh.	
anšahrīg [n'shr'yk']	برده
an-ummēd [n'wmyl' J 'nwmnyd, N naumēd]	ناامید، بی امید
an-uspurrīg [n'wspwlyk']	ناقص

~ēn [-yn']	سربی، قلعی
ārzōg [ʔlcwkʰ M ʔwzwwg, N ārzō]	آرزو، شهوت
arżōmand [ʔlcʔwnmd (N arjūmand)]	ارزشمند، باارزش
~īh:	ارزش، بها
Arzūr [ʔlzwʌ]	ارزور: نام دیو و نام کوهی بر دهانهٔ دوزخ
a-sāg [ʔsʔkʰ M ʔsʔg]	بی شمار، بی‌مر
āsān [ʔsʔnʰ N ~]	آرام، آسان، راحت
~īh:	آرامش، آسانی، آسایش
a-sar [ʔsʌ]	بی سر، بی پایان
āsāy-, ~išn, → āsūdan.	
a-sazāg [ʔscʔkʰ]	بی تناسب، نامناسب
a-sazišnīg [ʔscšn-ykʰ]	بادوام، ماندگار
~īh:	دوام، ماندگاری
a-sēj [ʔsyc]	بی خطر
asēm [ʔsym = M, N sīm]	سیم
~ēn [-ynʰ N -īn]	سیمین
asmān [ʔsmʔnʰ = M, N āsmān]	آسمان، گردون؛ گاه‌نما: نام بیست و هفتمین روز ماه
āsn [ʔsnʰ], ~ xrad:	خردفطری
āsnīdag [ʔsnytkʰ] = āsnūdag.	
āsnūd(ag) [ʔsnwʌ(kʰ)]	شسته، تصفیه شده، پاک، مطهر
a-sōhišn [ʔswhšnʰ]	بی حس
asp [ʔSWSYA < A swsyʔ; ʔsp̄ N ~]	اسب؛ نام یکی از مهره‌های شترنج
aspānūr [ʔspʔnwʌ]	گور، آرامگاه
a-spās [ʔspʔs]	ناسپاس
aspast [ʔspstʰ N ~]	اسبست، شبدر
aspinj [ʔspnc P ʔspynj, N sipanj]	میهمان نوازی؛ میهمان خانه
asprēs [ʔsplys N ~]	اسپریس، میدان اسب دوانی
āsrō [ʔstwkʰ = Av. āθrawa]	آسرون، موبد
~īh:	آسرونی، موبدی
āsrō-kerpa [ʔstw(k)ʰkʌpk = Av. āθrō kəhrp-]	آتش‌پیکر
āsrōn [ʔstwnʰ = Av. āθrawan-]	آسرون، موبد

~īh:	جنگجویی، مبارزه
arduš [ʔldwš = Av. araduš-]	اردوش (نام درجه‌ای از گناه)
Ardwahišt [ʔrtwhšʰʰ M ʔrdywhyšt, (N urdībihišt)]	اردیبهشت (= راستی): نام دومین امشاسپند و نگهبان آتش، گاه‌نما: نام دومین ماه سال و سومین روز ماه
arešk [ʔryškʰ M ʔryšk, N rašk]	رشک، حسد
~ēn [-ynʰ]	رشک برنده حسود
ārešn [ʔlšnʰ M ʔryšn-, N (a)riš]	ارش (= ذراع)، واحد اندازه‌گیری طول (از آرنج تا سرانگشت)
aryand [ʔlgnd N ~]	ارغند، سهمگین
argawān [ʔlgwkʔnʰ N aryawān]	ارغوان
armēšt [ʔtmyšʰʰ]	غیرفعال، ضعیف، ناتوان
~īh:	ضعف
armēšt-gāh [-gʔs]	آسایشگاه ناتوانان
ārōyišn [ʔhwašnʰ]	رویش
~īg [-ykʰ]	رستنی، سبزی
ars [ʔls M ʔrs, N ~]	ارس، اشک
artēštār [ʔtlyšʰʰʰ N artēšdārʰ]	سپاهی
~īh:	سپاهگیری
arus [ʔhws]	سفید
arwand [ʔhwnd]	سریع، شجاع، دلیر؛ ارون‌درو
~īh:	سرعت، شجاعت، دلیری
arwēs [ʔhwys M ʔrwys, N ~]	رسن
arz [ʔKSPʰ < A ksp; ʔlc N ~]	ارزش، بها
Arzah [ʔlzʰh = Av. arazahī-]	ارزه، نام اقلیم شرقی از هفت اقلیم
arzan [ʔPg < A prgʔ; ʔlcʰ N ~]	ارزن
aržān [ʔlcʔnʰ M ʔrzʔn, N ~]	ارزنده، ارزشمند، باارزش
~īg [-ykʰ]	شایسته
~īgīh:	ارزش، ارزشمندی، بها
aržidan, arz- [ʔlc-ytmʰ N ~]	ارزیدن
~išn:	ارزش، بها
aržiz [ʔlcyc M ʔrzyz, N ~]	ارزیز، سرب، قلع

āšnāg

āšnāg [ʔšnʔkʰ | M ʔʂnʔg, N āšnā]

āšnawāg [ʔʂnwʔkʰ | M ʔʂnwʔg, N šunawā]

~īh:

āšnūdan, āšnaw- [ŌSMEN=mʰ < A √šmʰ; ʔʂnwʔmʰ | M

ʔʂnwdn, ʔʂnw-, N šunūdan, šunaw-]

~išn:

ašō [ʔʂwkʰ = Av. ašawa]

āšōb [ʔʂwp | P ʔʂwb, N ~]

Aštād [ʔʂtʰdʰ | M ʔʂtʰd, N ~] اشتاد (نام ایزد راستی): گاه‌نما: نام بیست و ششمین روز ماه

aštag [ʔʂtkʰ]

~īh:

aštar [ʔʂtʰ]

āšfīh [ʔʂfīh | M ʔʂf, N āšfī]

Ašwahišt [ʔʂwhištʰ] = Ardwhišt.

āšyān(ag) [ʔʂydʰn(k)ʰ | (M ʔhyʰng), N āšyāna]

ātaxš [ʔthš = Av. ātarš | N ātaš]

āwādag [ʔwbʰtkʰ | J ʔwʰd]

āwahan [ʔwbʰhnʰ]

āwām [ʔwbʰm | M ʔwʰm]

-āwand [ʔwʰnd | M ʔwʰ(y)nd]

awar [LPNME < A l-pn-h | M ʔwr]

āwar-, → āwurdan.

a-wardāg [ʔwʰtʰkʰ]

a-wardišnīg [ʔwʰlišnykʰ]

~īh:

āwarišn [ʔwbʰlšnʰ | M ʔwryšn]

a-warzīd [ʔwʰlcyʰ]

*āwāš-, → *āwištan.

āwāz [ʔwʰʔc | N ~]

a-wazišnīg [ʔwešnykʰ]

āwēnīdan, āwēn- [ʔwyn-ytmʰ | (P ʔbwy-n-)]

āwēnīdan

شناخته، آشنا با
شنا / استر(حس) شنوایی
شنودن، فهمیدن

شنوایی

پرهیزگار، صالح، نیکوکار

آشوب، اضطراب

فرستاده، رسول

رسالت

تازیانه

آشتی، آرامش، توافق

آشیان / آشیانه، لانه

آتش

نسل، پشت

حصار، دژ

زمان، زمانه

-اوند (پسوند سازنده صفت دارندگی)

اینجا!، بیا!

برنگشنی

تغییرناپذیر

تغییرناپذیری

منزل، مسکن

ناکشته، کشت نشده

آواز، آوا

بی حرکت

تنبیه کردن، سرزنش کردن

ast

ʔast [AYTʰ < A ʔyʰtʰ | M ʔst, N ~]

~īh:

ʔast(ag) [ʔst(k)ʰ | M ʔst(g), N hasta]

astānag [ʔstʰnkʰ]

~ōmand [-ʔwmnd]

āstār [ʔstʰrʰ | M ʔstʰrʰ]

āstārēnīdan, āstārēn- [ʔstʰlyn-ytmʰ]

āstawān [ʔstwbʰnʰ, ʔstwpʰnʰ | M ʔstwbʰnʰ]

~īh:

astōdān [ʔstwbʰ(k)dʰnʰ | M ʔstwbʰnʰ] استودان (جایی که استخوانهای مرده را در آن می‌ریزند)

astōmand [ʔstʰwmnd]

~īh:

astuxān [ʔsth(w)ʰnʰ | N ustuxwān]

astwand [ʔstwnd | = M] = astōmand.

Astwihād [ʔstwydʰtʰ]

āsūdan, āsāy- [ʔswmʰ, ʔsʰd- | N ~]

~išn:

aswār [PR/LŠYA < A pʰšyʰ; ʔswbʰl, ʔspwʰl | N suwār]

~īh:

āsyāb [ʔsyʰp]

āsyāg [ʔsyʰkʰ | N āsyā]

aš [ʔʂ]

āšixtan, āšinj- [ʔšyhtmʰ, ʔšnc- | P ʔšywt]

aškamb [KLSE < A kʰsʰ; ʔškmbʰ | M ʔškmb, N šikam]

~ag [-kʰ | N šikamba] = aškamb.

āškārāg [ʔʂkʰlʰkʰ | M ʔʂqʰrg, N āškārā]

~īh:

āškārāgēnīdan [ʔʂkʰʰkyn-ytmʰ]

aškōb [ʔškwp | N āškō(b)]

aškom(b) [ʔškwm(bʰ)] = aškamb.

ašmā [LKWM < A l-kwm | M ʔšmʰ(h), N šumā]

هست، موجود است

هستی، وجود

استخوان، هسته (میوه)

نیاز، بدبختی

نیازمند

گناه

ادار به گناه کردن، به گناه واداشتن

خستو، معترف

اعتراف، باور

استودان (جایی که استخوانهای مرده را در آن می‌ریزند)

جسمانی، مادی

جسمانیت، حالت مادی داشتن

استخوان

استویهاد (دیو مرگ)

آسودن، استراحت کردن

آسایش، راحتی

سوار، سوارکار

سواری، سوارکاری

آسیاب

آسیا (سنگی)، سنگ آسیا

چشم (اهریمنی)، چشم بد

ریختن، سرریز شدن، جاری شدن

اشکم، رحم

اشکارا، هویدا

اشکارسازی، اعتراف

اشکارساختن، اعتراف کردن

اشکوب، سقف

شما

axw	ayārōmandīh
² axw [ʰhwʰ M ʰwx]	اندیشه، اراده؛ نیروی زندگی
³ axw [ʰhwʰ]	سرور، خداوند
a-xwamn [ʰhwmmʰ]	بی خواب
axwān [ʰhwʰnʰ] = ʰaxw.	
a-xwārīh [ʰhwʰlyh]	ناشادی
āxwarr [ʰhwʰ N āxur]	آخو، اصطبل
~sālār [-srdʰl]	آخورسالار
a-xwaš [ʰBSYM]	ناخوشایند؛ ناشاد
~īh:	ناشادی
a-xwēškār [ʰhwyškʰl]	وظیفه‌شناس
ay [ʰȳ N ~]	ای (= یعنی)
āy, → āmadan.	
ayāb [ʰywp M ʰyʰb, N yā]	یا
ayāb- → ayāftan.	
ayābāg [ʰyʰp(ʰ)kʰ]	پذیرا، فراگیر
~īh:	فراگیری
ayād [ʰbydʰl M ʰyʰd, N yād]	یاد
~kardan:	به یاد آوردن
~gār [-kʰl N ~gār]	یادگار
āyaft [ʰdyptʰ M ʰypt, N āyift]	آیفت، لطف، مراد
ayāftan, ayāb- [ʰyʰp-mʰ M ʰyʰpt, ʰyʰb-, N yāftan, yāb-]	به دست آوردن، رسیدن به... یافتن
ayār [hdybʰl M hyʰr, N yār]	دوست، یار
~īh:	دوستی، یاری
ayārdēnīdan, ayārdēn- [ʰyʰlym-yimʰ]	جوشاندن، به جوش آوردن
~išn:	جوشش
ayārdīdan, ayārd- [ʰyʰlym-yimʰ M ʰyʰrd-]	جوشیدن، جوش آمدن
ayārīdan, ayār- [hdybʰl-yimʰ N yār-īdan]	۱- به فریاد رسیدن، یاری کردن ۲- جرأت کردن، قادر بودن
ayārōmand [hdybʰl-wmnd N yarmand]	یارور، همراه
~īh:	یاری‌دهندگی، همراهی، مساعدت

āwēnišn	axw
~išn:	سرزنش، ملامت
āwēnišnīg:	سزاوار سرزنش
a-wēnišnīg [ʰwynšnykʰ]	ناپیدا
awērag [ʰwylkʰ] = awērān.	
awērān [ʰwylʰnʰ, ʰpylʰnʰ N wērān]	خراب، ویران
awestād [ʰwstʰlʰ M ʰwystʰd, N ōstād]	استاد
awestām [ʰwstʰmʰ M ʰwystʰmʰ]	استان، ناحیه
awestarang [ʰwstlkʰ N ustura]	استره، تیغ
awestardan, awestar- [ʰwstl-mʰ P ʰwyst-, N suturdan]	زدودن؛ ستردن
~išn:	زدودگی
awestwār [ʰwstwbʰl M ʰwystwʰr, N ustuwār]	استوار، محکم
~īh:	استواری، محکمی
awēšān [OLEšʰn, → ōy M ʰwyšʰn, N ēšān]	آنان، ایشان
a-wināh [ʰwnʰs]	بی‌گناه
a-winast [ʰwnstʰ]	بی‌آلایش، بی‌زیان
awiš [ʰwbš M ʰwyš]	بدان، بدو، پسواژه (= ō) به
awištāb [ʰwšp M ʰwyšʰb, N šitāb]	ستم
P awištādan, awišt- [ʰwšt-mʰ P ʰwyštʰdn]	ایستادن
awištāftan, awištāb- [ʰwštʰp-mʰ M ʰwyštʰb-, N šitāftan, šitāb-]	ستم کردن؛ شتافتن
*awištan, *āwāš- [HTYMWN-mʰ < A hɣm, √ htm; ʰwbšmʰ M ʰwyštʰ]	مهرکردن
a-wiyābānīg [ʰwydʰpʰnykʰ N biyābānī]	در نجوم: بیابانی، ستاره ثابت
a-wizīrišnīg [ʰwcyšnykʰ]	اجتناب‌ناپذیر، ناگزیر
āwurdan, āwar- [YHYTYWN-mʰ < A hyty, √ th M ʰwurd, ʰwr-, N ~]	آوردن
āxēzīdan [ʰhyeyimʰ] = āxistan.	
āxistan, āxēz- [ʰhsmʰ, ʰhyc- M ʰaxst, ʰaxz-]	برخاستن، بلند شدن
āxrāmīdan, āxrām- [ʰhʰm-yimʰ M ʰxrʰm-, N xirām-īdan]	چمیدن، خرامیدن
axtar [ʰhtl M ʰxtr, N ~]	اختر (= ستاره)، صورت فلکی، برجی از منطقه البروج
axtar(ā)mār [ʰhtl(ʰ)mʰl]	اخترشناس، منجم
~īh:	اخترشناسی، منجمی
ʰaxw [ʰhwʰ]	هستی، وجود، جهان

azbāyišn	bahr(ag)
~išn:	نیایش
azd [ʔzd = M]	شناخته
Azdahāg [ʔcydhʔkʰ M ʔzdhʔg, (N aʔdahā)]	ازدهاک، ضحاک ماردوش
azdēnīdan, azdēn- [ʔzdyn-ytnʰ]	آگاه کردن
azēr [hcdl N zēr]	پایین، زیر
azg [ʔzg N azy]	شاخه درخت
aziš [hcš M ʔcyš, ʔzyš]	از او، از آن، پسواژه (= az) از
~-keh [-ks]	زیردست، کهنتر
~-meh [-ms]	مهنتر، برتر
āz-kāmag [ʔckʰmkʰ]	آزکامه، حریص
~īh:	آزکامگی، حرص
azmūdan, azmāy- [ʔzmwtnʰ, ʔzmʔd- N ā~] = uzmūdan.	
āznāwar [ʔznʔwl M ʔzn]	آزاده
azraw-, → azruftan.	
azrāy- [ʔzrʔd-]	زینت کردن
azruftan, azraw- [(ʔ)zhrp-tmʰ M ʔzrv-]	خاموش شدن، فرونشستن
āzurdan [ʔcwltnʰ N ~] = āzārdan.	
āzwar [ʔcwl N ~]	آزور، حریص
~īh:	حرص

B

b-, → būdan.	
babr [bpl N ~]	ببر
babrag [bplkʰ]	ببر، سنگ آبی
-bad, → -bed.	
bādag [bʔtkʰ N ~a]	آب انگور تازه در خم کرده، باده
bāy [bʔg (M bʔw), N ~]	باغ، بوستان
bayōbaxt [bkwbhtʰ, bʔgwkbʔhtʰ] = Av. bayō.baxta-	سرنوشت، تقدیر
bahr(ag) [bʔhl (kʰ) M bhr, N ~ (a)]	بهر، بخش، پاره، قسمت؛ سبب

ayāsīdan	ayāy-
ayāsīdan, ayās- [ʔbydʔs-ytnʰ M ʔyʔs-]	به یاد آوردن، متوجه شدن
~išn(īh):	یاد
ayāstan [ʔbydʔstnʰ M ʔyʔst] = ayāsīdan.	
āyišm [ʔdšm]	ماه (کره)
ayōxšust [ʔywkħšwstʰ] = Av. ayōxšusta- M ʔywxšyšt !]	فلز
~ēn [-ynʰ]	فلزی
āyōxtan, āyōz- [ʔywhmʰ, ʔywc-]	بهم پیوستن، جفت کردن
~išn:	اتحاد، بهم پیوستگی
ʔāyōzīdan [ʔywcymʰ] = āyōxtan.	
ʔāyōzīdan, āyōz- [ʔywc-ymʰ P ʔywxšt, ستیزه کردن، جنگیدن، ساختن؛ مضطرب ساختن، آشفتن،	
ʔywx-]	
~išn(īh):	ستیز، کوشش
ʔaz [MN < A mn; hc M ʔc, ʔz, N ~]	از، تا
ʔaz [ʔcʰ]	ازدها
*az [ANE < A ʔnh P ʔz]	من
āz [ʔc M ʔz, N ~]	آز، حرص
azabar [hcpl M ʔc ʔbr, N zabar]	زبر
āzād [ʔcʔʰ M ʔzʔd, N ~]	۱- آزاده ۲- آزاد
āzādīh [ʔcʔyħ]	۱- آزادی ۲- سپاس، تشکر
~ guftan, ~ hangārdan, ~ kardan, pad	تشکر کردن، سپاسگزار بودن
~ dāštan:	
āzār [ʔcʰ N ~]	آزار
āzardan [ʔclmʰ M ʔzyrdn] = āzārdan.	
āzārdan, āzār- [ʔcʰl-mʰ N ~]	آزردن، آسیب رساندن
~išn:	آزار، صدمه
ʔāzarm [ʔclm M ʔzrm, N ~]	آزرم، احترام
ʔāzarm [ʔclm M ʔzrm-]	آسیب، صدمه
a-zarmān [ʔzlmʰnʰ]	بی‌پیری، پیرنشدنی
āzarmīg [ʔclmykʰ]	آبرومند، محترم
~īh:	احترام، آبرو
azbāy- [ʔzbʔd-]	نیایش کردن

bār	bāz
³ bār [b ^ɔ M b ^ɔ r, N ~]	بار، میوه
⁴ bār [b ^ɔ M b ^ɔ r, N ~]	بار، پشته؛ وظیفه
bārag [b ^ɔ rk' N ~a]	باره، اسب
barbut [b ^ɔ bwt' N ~]	بربط
bārestān [b ^ɔ rst'n']	بردبار، متحمل
~īh:	بردباری، تحمل
bārīg/k [b ^ɔ lyk' N bārīk (cf. tārīg)]	باریک، نازک، دقیق
bār-ĵāmag [b ^ɔ ly'mk' N ~a]	بارجامه، خرچین
barōmand [b ^ɔ rwmd N ~]	برومند، بارور
barsom [b ^ɔ swm M brswm]	برسم (دسته‌ای ترکه بهم بسته، که در مراسم مذهبی زردشتیان به کار می‌رود)
baršnūm [b ^ɔ šnwm]	برش‌نوم (مهمترین مراسم شستشوی مذهبی زردشتیان)
bastan, band- [ASLWN-m' < A √ ² sr; bsn', bnd- M bsn, (bn-), P bnd-, N ~]	بستن
bāstān [b ^ɔ st'n' M b ^ɔ yst'n, N ~]	اغلب، همیشه
bāš [YHWWNš M b ^ɔ š, N ~]	باش (امر از بودن)
bāškuč [b ^ɔ škvc]	جانور افسانه‌ای که نیمی شیر و نیمی دال بود
bāšn [b ^ɔ šn' = P] → buš.	باشن، نوک، بالا (قامت)؛ فش، یال
baw-, ~išn, → būdan.	
baxš-, ~išn, → baxtan.	
baxt [b ^ɔ (^ɔ)ht' N ~]	بخت، اقبال، قسمت، سرنوشت
baxtan, baxš- [HLKWN-m' < A √ ² hlq; b ^ɔ (^ɔ)htm', bhš- M bxt, bxš-, N baxš'tdan]	بخش کردن، توزیع کردن، سهم دادن
~išn:	بخشش، قسمت
bay [ORHYA < A ² lh; bk', bg M by]	خدا، سرور
im ~:	شاه، اعلیحضرت
ōy ~:	شاه فقید
bayaspān [by'sp'n' = M]	پیام‌آور، فرستاده
bayaspān īh:	سفارت، مأموریت
~īg [-yk']	اسب چاپار
bāz [b ^ɔ c N ~]	باز، شاهین

(az) ān bahrag rāy	bār
(az) ān bahrag rāy	از بهر آنکه، بنابراین
bahrōmand [b ^ɔ hl'wmd N bahramand]	بهره‌مند؛ بخش پذیر، مرکب
~īh:	بهره‌مندی؛ ترکیب
bahr(ag)war [b ^ɔ hl(k)wl N bahrawar]	مشارکت، شرکت‌کننده، شریک
~īh:	شرکت، امتیاز
bāj [b ^ɔ c N ~]	کلیج، مالیات
balādur [b ^ɔ twr N ~]	بلادر (نام زهری کشنده)
bālag [b ^ɔ lk' N bāl]	بال
bālāy [b ^ɔ l'd M b ^ɔ l'y N bālā]	بالا، بلندی، قامت
¹ bālēn [b ^ɔ lyn']	سئوک، قلّه
² bālēn [b ^ɔ lyn' N bālēn]	بالش، بالین
~gāh [-g ^ɔ s]	بالین‌گاه، نیمکت، تخت
balgam [blgm N balyam]	بلغم
bālist [b ^ɔ lyst' (M b ^ɔ lyst)]	بالا‌ترین؛ قلّه؛ در نجوم: اوج
~īh:	ارتفاع، بلندی
~īg [-yk']	بلند، عالی
bālīš [b ^ɔ lšn' N ~]	بالش، بالین
bām [b ^ɔ m = M]	فروع، درخشندگی، شکوه
bāmbišn [MLKTA < A mlkt ² ; b ^ɔ nbšn' M b ^ɔ nbyšn]	ملکه
bāmdād [b ^ɔ md ^ɔ d' M b ^ɔ md ^ɔ d, N ~]	بامداد، سپیده‌دم
bāmīg [b ^ɔ myk']	بامی، درخشان، باشکوه
-bān [-p ^ɔ n' M -b ^ɔ n, N ~]	بان، دار (پسوند)
band [bnd = P, N ~]	بند، گره
band-, → bastan.	
bandag [bndk' P bndg, N ~a]	بندیده
bang [bng N ~]	بندنگ
bānūg [b ^ɔ nvk' N bānū]	بانو
bar [bl N ~]	بر، میوه، سود، حاصل
bar-, ~išn, → burdan.	
¹ bār [b ^ɔ l N ~]	بار، دفعه
² bār [b ^ɔ l N ~]	بار، ساحل

bēwar [bywl | M bywr, N ~]

P bid [byr' | P byd]

bidaxš [bythš]

*bijagān [bck'n']

bīm [bym | = M, N ~]

~gēn [-kn']

~gēnīh:

~ōmand [-'wmnd]

*bistag [bstk' | N busta]

biš [byš | N ~]

bištan, bēš- [byš-tn' | M byšt, byš-]

~išn:

bizešk [bcšk' | M bzyšk, N pizišk]

bōb [bwp | N ~]

bōr [bwl | N ~]

borz [bwlc | P bwrz]

borz-wāng [bwlcw'ng]

~ihā [-yh']

bowandag [bwndk' | M bwndg]

~ih:

~-menišnīh [-mynšnyh]

bōxtag [bwhrk' | M bwxtg]

~ih:

bōxtan, bōz- [bwhtn', bwc- | M bwxtn, bwz-]

~išn [-šn' | J bwzyšn/t, N pōziš]

bōxtār [bwhr'l | M bwxt'r]

~ih:

¹bōy [bwd]²bōy [bwd | M bvy, N ~]

bōyāg [bwd'k' | M bwy'g, N bōyā]

bōy-dār [bwdd'l | N ~]

بیور، ده هزار

دوباره

وزیر اعظم

طبی

بیم، وحشت

بیمگین، وحشتناک

بیمگینی

بیمگین

فندق

بیش (= اقونیطون)، نوعی گیاه سمی

آزردن، زجر دادن

آزار، زجر

پزشک، طبیب

بوب، قالی ظریف

بور، کهربایی

بلند

بانگ بلند

به صدای بلند

کامل، تمام، بی نقص

تمام بودگی، تمامی، کمال

درست‌اندیشی

رستگار

رستگاری

رستگار شدن، نجات یافتن

رستگاری؛ پوزش

نجات بخش

رستگاری، نجات

حس، درک

بوی، رایحه، بخور

بویا

بوی‌دار

bāzā [b'c'y | (N bāzū)]

~bānag [-p'nk']

bazag [bck' | M bzg, N ~a]

~ih: = bazag.

bazakkar [bckkl | M bzkr]

bāzā-zanišnīh [b'c'y znšnyh = Av. bāzu.jata-]

bazišn [bcšn']

bazzm [bzmm | = M, N ~]

~āwurd [-'wlr' | N ~]

bē [BRA < A br' | M b']

~... (enyā)

~... enyā ... nē:

~az:

²be [BRA | M b', N bi-]

-bed [-pr' | M -byd, N -balihud]

bēdom [bytwm | M bydwm]

bēgānag [byk'nk' | N ~a]

bēgār [byk'l | N ~]

bēh [byh | N bih]

bēl [byl | (M byr), N ~]

bēlūr [bylwr | P bylwr, N bilūr]

bērōn [byhwn' | M byrwn, N bērīm]

bēš [byš]

~burdan:

bēš-, ~išn, → bištan.

bēšāz [byš(')z]

bēšāz(ēn)- [byš'z(y)n-, byš(')c(y)n- | M byš'z-]

~išnīh:

bēš-burdār [byšbwr'l]

bēšīdan [byšym'] = bištan.

bēšōmand [byš'wmnd]

بازو

بازوبند، زره بازو

بزه، بدی

بزه‌گر، گناهکار

بازو زشتی (نام درجه‌ای از گناه)

بخش، قسمت

بزم، سور

بزم ماورد (نوعی کلوچه)

اما؛ بیرون

بجز

در غیر این صورت

بدون

بد (پیش فعل و با کاربرد تعریف‌پذیر ندارد)

بد (پسوند)، سرور

دورترین

بیگانه، غریب

بیگار، سخره

به (میوه)

بیل

بلور

بیرون

آسیب، دشمنی؛ اندوه، درد

دشمنی کردن

شفادهنده، طبی

شفا دادن، درمان کردن

درمان

دشمن

اندوهگین

brištan

brištan, brēz- [blyšt'n¹, blyc- | M bryz-, N birištan]brüg [blwk¹ | M brwg, N abrū]būdan, b(aw)- [YHWWN-in¹ < A yhwwn, √ hwh; bwn¹, b- | M
bwdn, bw-, N būdan]

bawišn:

būf [bwp | N ~], *būg [bwk¹]

buland [bwlnd | = M, N ~]

būm [bwm | N ~]

~čandag [-cndk¹]¹bun [bwn¹ | = M, N ~]²bun [bwn¹ | N ~] = wan.bunag [bwnk¹ | N ~a]

~dāštan:

bun-dahišn(īh) [bwndhš'n¹, -yh]

bunīh [bwnyh]

buništ [bwnyšt¹ | = M]~ag [-k¹]bun-kadag [bwnkdk¹]bun-xān [bwnh¹n¹]

bur-, ~išn, → burīdan.

burāg [bwl¹k¹]

burām-, → brām-.

burd [bwl¹ | M bwrđ]

~īh:

burdan, bar- [YBLWN-in¹ < A √ yhl;bwltn¹, bl- | M bwrđ, br-, N ~]

~išn:

burdār [bwl¹l¹]

~īh:

burd-ešnōhr [bwl¹ šnwht | P bwrđyšnwhr]burg [bwl¹g | (Ar. burj)]

burg

برشتن

ایرو

بودن، شدن

پیدایش، تکوین

بوف، جغد

بلند، به صدای بلند

بوم، سرزمین، کشور

زمین لرزه

اساس، نهاد، ته

بنه؛ خیمه گاه، مسکن

سکناگزیدن، مستقر شدن

بندهش، آفرینش نخستین

آغاز

اساس، بنیاد

اصل

بن کده (= خانه اصلی)، خانه

سرچشمه

برآ، برنده

بردار

بردباری

بردن، حمل کردن، ستاندن، تاب آوردن

تحمل، رفتار

بردار (= حمل کننده)؛ رحم

بردباری

سپاسگزار، شکرگزار

برج

bōyēnīdan

bōyēnīdan, bōyēn- [bwdyn-ytn¹]bōyestān [bwdst'n¹ | M bwyst'n, N bōstān]~bān [-p'n¹]bōyīdan, bōy- [bwd-ytn¹ | N ~]

bōz-, ~išn, → bōxtan.

brād [AH < A ḥ; b¹l¹ | M br¹d]~ar [b¹l¹ | M br¹dr, N birādar]*brādarōd [b¹l¹wr¹]

~īh:

brāh [b¹h | N barāh]brahm(ag) [bl¹(²)hm(k¹) | M brhm(g)]brahnag [bl¹(²)hnk¹ | M brhng, N barahna]brām- [b(w)l¹m- | (P brm-)]~ag [-k¹ | P -g]brāzīdan, brāz- [bl¹c-ytn¹ | M br¹z-, N barāzīdan]

~išn:

~išnīg:

brēh [bly(y)h]

brēhēnīdan, brēhēn- [blyhyn-ytn¹]~āg [-¹k¹]

~išn:

brēz-, → brištan.

brēzan [blycn¹ | M bryzn, N barēzan]brīdan, brīn- [PSKWN-in¹ < A √ psq; blytn¹, blyn- | M bryd,

N burīdan]

brīn [blyn¹]

~gar [-kl]

¹brinǰ [blnc | N birinǰ]²brinǰ [blnc | (M bryng), N birinǰ]~ēn [-yn¹]brīnōmand [blyn¹wmnd]

brīnōmand

بوی دادن، معطر کردن

بوستان، باغ گل

باغبان

بوییدن، بو کردن

برادر

برادر

خویشاوند(ناتنی)، شریک، رقیب

خویشاوندی، رقابت

درخشندگی، شکوه

روش، شکل، لباس

برهنه

گریستن، نالیدن

ناله

تاییدن، درخشیدن

تابش، درخشندگی

تابان، درخشنده

قسمت، سرنوشت

۱- آفریدن، ساختن ۲- مقدر کردن

تقدیرگر

۱- آفرینش ۲- تقدیر، سرنوشت

برزن، کوره، اجاق

بریدن، قطع کردن

بخش، برش؛ قسمت، محدود، معین

تقدیرگر؛ قاطع

برنج (خوراکی)

برنج (آلباز)

برنجین، برنزی

محدود

čandal [cndl N ~]	چوب (صندل)
čandīdan, čand- [cnd-ytn' (M cn-ystm), J ~]	تکان خوردن، لرزیدن
~išn [N čandiš]	چندش، حرکت
čang [cng M šng, N ~]	چنگ
~srāy [-sɾʰd]	چنگسرای، نوازنده چنگ
čār [cʰl] = čārag.	
čārag [clk' M-erg]	چراگاه، چرا؛ گله
čārag [cʰlk' N ~a]	ایزار، چاره
~garīh [-gɾyh]	چاره‌گری، قابلیت
čarb [clp P crb, N ~]	چرب، روغنی؛ ملایم، نرم
~ih:	چربی؛ ملایمت
~išn [-šn']	روغن، چربی
~išnōmand [-šn'wmnd]	چربی‌دار
čarm [clm M crm, N ~]	پوست، پوست خام، چرم
čārūg [cʰhwk' N čārū]	آهک، ساروج
~ēn [-yn']	آهکی
čarz [clz N ~]	چرز (نام پرنده‌ای)
čāšīdan [cʰš-ytn'] = čāštan.	
čašm [AYNE < A 'ynh; cšm = M, N ~]	چشم
¹čašmag [cšmk' M cšmg, N ~a]	چشمه، سرچشمه
²čašmag [cšmk']	نامی
čašmagāh [cšmkʰs M cšmgʰh]	آشکار، انگشت‌نما، علنی
~ih:	انگشت‌نمایی، محکومیت
čašm-arešk [cšm ʰyšk']	حسود
~ih:	حسد
čašm-dīd [cšm dyl']	آشکار، پدیدار، پیدا
čāšnīg [cʰšnyk' M cʰšnyg, N čāšnī]	چاشنی، مزه
čāšt [cʰšr' N ~]	چاشت، غذای (نیمروز)
¹~ag [-k']	خوراک
²čāštag [cʰštk']	آموزش، آموزه
čāštan, čāš- [cʰš-tm']	آموختن

burīdan, bur- [bwl-ytn' | M bwr-, N ~] = brīdan.

~išn:

برش

Burz [bwlc]

برز (نام ایزد حامی کشاورزی)

(برزین مهر (نام سومین آتش مهم ساسانیان، خاص طبقه کشاورزان)

Burzēnmīhr [bwlcynmtr']

بزرگ داشتن، ستودن

burzīdan, burz- [bwlc-ytn']

~išn:

احترام، ستایش

~išnīg:

ستودنی

buš [bwš | N ~]

بش، یال

būšāsp [bwšʰsp | M bwšyʰsp, N ~]

خواب، کاهلی، رویا

but [bwɾ' | = M, N ~]

بت؛ بودا

buz [AZ < A 'z; bwc | N ~]

بز

Č

čābuk [cʰpwk' | N ~]

چابک، چست، برترین

~ih:

چابکی

čādur [cʰwɾ | N ~]

چادر، پوشش

čagād [ckʰɾ' | (N čakād), J čeyād]

چکاد، قلعه

čagar [ckl]

همسر (درجه دوم)، چگر

čāh [cʰh | N ~]

چاه، گودال

čahār [ALBA < A ʰrbʰ; chʰl | M chʰr, N ~]

چهار

~dah [chʰldh | N ~]

چهارده

~pāy [chʰlpʰd | N ~ > čārṵwā]

چهارپای

čakōk [ckwk | N ~, čakāwak]

چکاوک

čakuč [ckwc | N čakuš]

چکش

čambar [cmbɾ | N ~]

چمبر، حلقه

čamišn [amšn' | M cmbyšn (?)]

چمدار (= عمل ادرار کردن)؛ دستشویی (= مستراح)

čand [cnd | = M, N ~]

چند، چه اندازه؟ هراندازه، هرچند؛ اندکی، کمی

~ih:

چندی، کمیت، مقدار

čihrīg	dahišn
čihrīg [cyhlyk ¹]	طبیعی
čihr-šnāsīh [cyhšn ² syh]	چهرشناسی (= مزاج شناسی)
čim [c(y)m M cym, N ~]	سبب، علت، قصد، معنی
~ (rāy):	چرا؟
čim-gōwāgīh [cym gwb ² kyh]	منطق (علم)
čimīg [cymyk ¹]	منطقی، موجه، با معنی
čim-, ~išn, → 'čīdan.	
čīmag [cynk ¹ P cyng, N ~a]	چینه، دانه
čīnār [cyn ² l N ~]	چنار
čīnwad [cynw(p)t ¹], ~puhl:	چینود پل (پل جداکننده روان پرهیزگاران از روان گناهکاران)
čīrāy [c ¹ y P cr ² g, N ~]	چراغ
čiš [MNDOM P cyš] = tis	
čiyōn [cygwn ¹ M c ¹ wn, N čīm]	چون، مانند، چگونه، کی (چه وقت)
~ka:	چنانکه
~ih:	چگونگی، ماهیت
čōb [cwp N ~]	چوب
~ag [-k ¹ N ~a]	چوبه، گرز

D

¹ dabr [dpl]	فربیکار، گناهکار
² dabr [dpl]	* تیره‌رنگ
dād [d ¹ M dd, N ~]	داد، حیوان وحشی
¹ dād [d ² t ¹ M d ² d, N ~]	داد، قانون؛ نوشته‌هایی که به مطالب دینی مربوط می‌شود
² dād [d ² t ¹ N ~]	زاد، سن
³ dād [d ² t ¹]	دندان
¹ dād, → ahlaw-dād.	
dādan, dah- [YHBWN ² tn ¹ ← A-√yhb; d ² tn ¹ , dh- M-d ² dn ¹]	دادادن - آفریدن
(dy-), P dh- N ~, dih-	
~išn [dh(y)šn ¹]	بخشش، دهش؛ آفرینش

čāšišn	čihrēnīdan
~išn:	آموزش
čatrang [ctng (Ar. šatranj)]	شترنج
*čaw(la)gān [cwpk ² n ¹ ! Ar. šawla jān, N čaugān]	چوگان، چوب خمیده چوگان
čaxrag [c ² hik ¹ M cxr, N čarx]	چرخ، حلقه
čaxšāgīh [chš ² kyh]	حس چشایی
čaxšišn [chšš ¹ M, J cax-, N čaš-]	مزه، طعم
čē [ME < A mh M cy, N čī]	کدام، چه
~rāy:	برای چه، چرا
~ih:	چیستی، ماهیت
čē [ME, → 'čē]	چمه، چون، برای، زیرا، که
čē-ēwēnag [ME 'dwykn ¹]	چگونه
~ih:	چگونگی
čegām-iz [cyk ² m-c M cyg ² myc], ~-ē(w):	کمی؛ هرچه
čegāmag [cyk ² mk ¹ N č(ag)āma]	چکامه، سرود
čēh-, ~išn, → 'čīdan.	
*čēhag [cyhk ¹]	غم
čehel [40 N čihil]	چهل
čēh-widarag [cyhwtlg] = čīnwad puhl.	
čēlān [cyl ² n ¹ = M, N ~]	دشنه
~gar [-kl, -gl N ~]	چلنگر، آهنگر
čēr [cyl M cyr, N ~]	چیره، پیروز، شجاع
~ih:	چیری، شجاعت
čērīhistan, čērīh- [cylyh-stn ¹]	چیره‌شدن، پیروز شدن
¹ čīdan, čīn- [cym ¹ , cyn- M cyydn, cyn-, N ~]	جمع کردن، چیدن
~išn:	جمع‌آوری
² čīdan, čēh- [cym ¹ , cyh- M cy-]	زاریدن، سوگواری کردن، غصه خوردن
~išn:	زاری
~išnīg:	غم زده
¹ čīhr [cyl M cyhr, N ~]	چهره، سیما، شکل، ظاهر
² čīhr(ag) [cyl(k ¹) M cyhr, P -g, N ~]	بنیان، تخمه؛ طبیعت، ماهیت
čihrēnīdan, čihrēn- [cyhlyn-ym ¹]	شکل دادن

dām	dārmag
³ dām [d ² m P d ² mg, N ~]	تله، تور، دام
dāmād [d ² m ² r ¹ M d ² m ² d, N ~]	دایماد، شوهر دختر
~īh:	دامادی، شوهری دختر
damēnag [dmynk ¹]	بادزن
damīdan [dmyn ¹] = daftan.	
dān, ~išn, → dānistān.	
-dān [-d ² n ¹ = M, N ~]	دار - دان، - دار (پسوند)
dān(ag) [d ² n(k) ¹ N ~a]	تخم، دانه
dānāg [d ² n ² k ¹ M d ² n ² g, N dānā]	خردمند، دانا
~īh:	خرده، دانایی
dāndān [KKA < A kk ² ; dnd ² n ¹ = M, N ~]	دندان
dānistān, dān- [YDOYTWN-sm ¹ < A √yd ² ; d ² n-sm ¹ M d ² n-ysm, N ~]	دانستن
~išn:	دانش
~išnōmand [-šn ² wmnd]	دانشمند
dar [BBA < A bb ² ; dl M dr, N ~]	دره؛ کاخ؛ باب، موضوع
dār [d ² r ¹ M d ² r, N ~]	دار، درخت؛ چوب
dār-, ~išn, → dāšťān.	
-dār [-d ² r ¹ M -d ² r, N ~]	داره، - بان (پسوند)
P darāy [dl ² g J -, N darāy]	درای، زنگ
*darak [dlk ¹]	بخش، فصل
darband [BBAbnd N ~]	دروازه
darbās [dlp ² s]	کاخ
dard [dlr ¹ M drd, N ~]	درد
~ōmand [- ² wmnd M -wmnd, N ~mand]	دردمند، بیمار
dārēn [d ² lyn ¹ M d ² rwyn]	چوبین
dargāh [dlg ² s N ~]	دردگاه
dārgardīh [d ² lkryh M d ² rgyrdyh]	دارآویختگی، تصلیب
dar-handarzbēd [BBA-, dl-hndlcpt ¹]	رایزن دربار
darīgbed [dlykpt ¹]	رئیس تشریفات دربار
*dārmag [d ² hm ² k ¹]	ریز، ظریف

dādār	dām
dādār [d ² r ¹ N ~]	دادار، آفریدگار
~īh:	داداری، آفریدگاری
dādestān [DYNA < A dyn ² ; d ² tst ² n ¹ M d ² (d)yst ² n, N dā(de)stān]	داد، داوری، قانون؛ روند، مورد (قانونی)
dād-gāh [d ² tg ² s] = daxmag	جای وقفی، آتشکده
dādīg [d ² tyk ¹]	قانونی، مربوط به قانون
dād-meh [d ² tms]	بالغ، بزرگسال
dādwar [d ² twbl- (M d ² ywr, P d ² dbr), N dā(d)war]	داور
~īh:	داوری
daftan, dam- [dpm ¹ , dm- M dm-, N dam-tdan]	دمیدن، نفس کشیدن
~išn:	دم، نفس
daftar [dpt ¹ N ~]	دفتر، دفتر محاسبه
dagr [ALYK < A ryk; dgl M dgr > dyr, N dēr]	دیر، دیر، دراز
dagrand [dglnd N dērand]	دیرنده، دراز
~xwadāy [-hwr ² y]	دارای پادشاهی طولانی
dagr[-pattāy [dglpt ² d]	دیریا
~zamān [-zm ² n ¹]	دیرزمان، زمان طولانی
~zī(w)išn [-zywšn ¹]	دیرزی
dah [to, ASLYA < A 'sr ² M dh, N ~]	ده
dāh-, ~išn, → dādan.	دادن
Dahāg [dh ² k ¹ (N Dahāk)] = Azdahāg.	
dahān [PWME < A p(w)m-h M dhyn, N dahān]	دهان
dahibed [dhywpt ¹ M dhybyd]	دهبید، فرمانروا
dahigān [dhywk ² n ¹ N dhigām]	دهقان، کشاورز
dahlīz [d ² hlyc (M dhryz), N ~]	دهلیز
dahm [d ² hm]	بافضیلت، پارسا؛ عضو جماعت زردشتی، محرم
dahom [d ² hwm M dhwm, N ~]	دهم
dālman [d ² hmn ¹ N dāl(man)]	دالمن، عقاب
dam-, ~išn, → daftan.	
¹ dām [d ² m = M]	آفریده، آفرینش
² dām [d ² m = M, N ~]	دام، حیوان اهلی

pad ēd dāstan

dēn-āstawān

pad ēd dāstan [cf. N *pindāštan*]

~išn:

dāštār [*dʰšrʰl*]

daw-, → dawīdan, dawīstan.

¹dawāl [*dwbʰl* | N ~]

²dawāl [*dwbʰl* | N ~]

¹dawīdan, daw- [*LHTWN-inʰ* < A √ *rh*; *dwytnʰ*, *dwb-* | M *dw-*, N ~] دویدن

²dawīdan, daw- [*dw-ymʰ*]

^{1,2} dawīstan [*LHTWN-stnʰ*, *dwstnʰ*] = ^{1,2} dawīdan.

daxmag [*dhm̄kʰ* | P *daxmg*, (جایی که اجساد را تا هنگام نابودی نگاهداری می‌کنند) دخمه
N ~a]

~estān [*-srʰnʰ*]

daxšag [*dhškʰ* | M *daxg*]

pad ~ dāstan:

az ~ hištan:

~ōmand [*-ʰwmnd*]

Day [*ddvʰ* | M *dyy*, N ~]

dāyag [*dʰykʰ* | M *dʰyg-*, N ~a]

~ānīh [*-ʰnyh*] | (N *dāyagī*)

dazīdan, daz- [*dc-ymʰ*]

~išn:

dēbāg [*dypʰkʰ* | N *dēbā*]

dēbahr [*dypʰhl* | P *dybhr*]

pad ~ dāstan:

dēg [*dykʰ* | N ~]

deh [*MTA* < A *mrʰ* | M *dyl*, N ~] → *dah*

~gān [*MTA-*, *dʰhkʰnʰ*] = *dahigān*.

dēn [*dynʰ* | = M, N *dīn*]

dēnār [*dynʰl* | N *dīnār*]

dēn-āstawān [*dynʰstwbʰnʰ*], dēn-burdār [*dynbwrhʰl*]

پنداشتن

حفظ، نگاهداری

محافظة، مراقب

پوست، دوال

فرب، نیرنگ

دویدن

گفتن (اهریمنی)

دخمه (جایی که اجساد را تا هنگام نابودی نگاهداری می‌کنند)

گورستان

نشان، علامت، ویژگی؛ یاد

به یاد داشتن

فراموش کردن، از یاد بردن

نشاندن

آفریدگار؛ گاه‌نما: نام دهمین ماه سال، هشتمین،

پانزدهمین و بیست و سومین روز ماه

دایه

دایگی، پرستاری

داغ کردن، سوزاندن

سوخنگی

دیبا

خشم

تبعید کردن

دیگ

ده؛ سرزمین، کشور -

دین؛ گاه‌نما: نام بیست و چهارمین روز ماه

دینار، سکه طلا

بایمان، معترف به دین

darmān

pad . . . dāstan

darmān [*d̄lmʰnʰ* | M *drmʰn*, N ~]

darrīdan, darr- [*SDKWN-inʰ* < A √ *sdq*; *dl-ymʰ* | N ~]

dārūg [*dʰhwkʰ* | M *dʰrwg*, N *dārū*]

dār-wāzīg [*dʰhwʰcykʰ* | N *dār-bāz*]

darz [*d̄lc* | N ~]

~īg [*-ykʰ* | N *darzī*]

dās [*dʰs* | N ~]

dāsʰr [*dʰsl* = Av. *dāθra-*]

dast [*YDE* < A *yd-h*; *dstʰ* | = M, N ~]

dastag [*dstkʰ* | N ~a]

dast(a)gird [*YDE-*, *dst-krtʰ* | M *dstygyrd*, N *dastgird*]

dast-gīr [*dstgyl* | N ~]

dast-graw [*dstghwbʰ*]

dast-kārīh [*YDEkʰlyh* | N ~ 7]

dast-šōy [*dstšwd*] = *gōmēz*.

dastwar [*dstwbl* | M *dstwr*, N *dastūr*]

~īh:

dastyār [*dstydʰl* | (P *dstdʰr*), N ~]

~īh:

dašn [*dšnʰ* | = M]

dāšn [*dʰšnʰ* | M *dʰš(y)n*]

dašnag [*dšnkʰ* | N ~a]

dašt [*dštʰ* | = M, N ~]

daštān [*dštʰnʰ* | N ~]

~estān [*-srʰnʰ*]

~māh [*-mʰh*]

~ōmand [*-ʰwmnd*]

dāštan, dār- [*YHSNN-inʰ* < A √ *hsn*;

dʰštnʰ, *dʰl-* | M *dʰštn*, *dʰr-*, N ~]

pad . . . dāstan:

دارو، درمان

پاره کردن، دریدن

دارو، درهان

دارباز، چوب باز

درزه، شکاف

درزی، خیاط

داس

پاداش، هدیه

دست

بسته، دسته، گروه

دستگرد، ملک

۱- دستگیر، یاور ۲- دستگیر، اسیر، برده

بردگی، اسارت

کاردستی

دستور، وزیر، باقدردت

رسم؛ اختیار

دستیار

دستیاری، کمک

دست راست

هدیه

۱- دست راست ۲- دشنه

دشت، زمین هموار

دشتان (قاعدگی)؛ زن قاعده

جای مجزا برای زنان قاعده

دوران قاعدگی

زن قاعده

حفظ کردن، داشتن، گرفتن، نگاه داشتن

تصور کردن، فرض کردن

döl	
döl [dwl N ~]	دلو؛ درنجوم: برج دلو
dōl-pahikar [dwp̄tkl N du-paikar]	در نجوم: دو بیکر، برج جوزا
~-pāy [2 LGLE, dwp'k N du-pā]	دوپا، بشر
dōs [dws N ~]	انگم؛ اندود
dō-saxwan [2 shwn ¹]	فریبنده، دوسخنه
dōsēn [dwsyn ¹]	انگمی (= چسبنده)؛ اندوده؛ لعابدار؛ سفالینه
dōst [dwt' = M, N ~]	دوست
~īh:	دوستی، مهر
¹ dōš [dws̄ N ~]	دوش، شانه
² dōš [dws̄ N ~]	دوش، دیشب، شب قبل
dōš- , ~išn, → ^{1,2} dōšīdan, ¹ dōxtan.	
dōšag [dws̄k ¹]	عزیز، محبوب
~īh:	عشق، مهر
dōšāram [dws̄'lm M dws̄'rm]	عشق، مهر
dōšastar [dws̄stl]	مغرب
¹ dōšīdan, dōš- [dws̄-ytn ¹]	دوست داشتن، عشق ورزیدن
~išn:	دوستی، خوشی
² dōšīdan [dws̄ytn ¹] = ¹ dōxtan.	
dōšīzag [dws̄yck ¹ (M dws̄č, J dws̄kyzh), N ~a]	باکره، دوشیزه
~īh:	بکارت، دوشیزگی
dōwom [2wm N ~]	دوم (در اعداد ترکیبی)
¹ dōxtan, dōš- [dwhm ¹ , dws̄- N ~]	دوشیدن
² dōxtan, dōz- [dwhm ¹ , dws̄- N ~]	دوختن
dōys^{ar} [dwsyl = A → dōiθra-]	چشم
dōz- , → ² dōxtan.	
drafš [dlpš P drfš, N ~]	درفش
drafšīdan , drafš- [dlpš-ytn ¹ P drfš-, N ~]	۱- درخشیدن ۲- لرزیدن
drahm [ZWN ¹ < A zwzn M drhm, N dir(h)am]	درهم
dra(h)nāy [dl(h)n ² d]	درازا
dramanag [dlmnk ¹ N dirmana]	درمنه (نام گیاهی است)
drang [dlng N dirang]	ادامه، درنگ (دوره)

dēnīg [dynyk ¹ N dīnī]	دینی، دیندار
dēnōdag [dynwtk ¹]	شیرده، ماده
dēr , dērand , → dagr , dagrand .	
dēs(ag) [dys(k ¹) M dys]	دیس (= شکل)، ظاهر
dēsīdan , dēs- [dys-ytn ¹ M dys-yd]	ساختن ← پیاوست
dēw [SDYA < A šyd ² , pl. šydy ² N ~]	ابلیس، دیو
dēwān [d(p)yw ² n ¹ N ~]	دیوان، مجموعه نوشته‌ها
dēwānag [dyw ² nk ¹ N ~a]	دیوانه، دیوی (منسوب به دیو)
dēwār [dyw ² l M dyw ² r, N ~]	دیوار
dēw -[ēsniḥ [SDYAysnyh (M dyw ² snyh)]	اهریمن پرستی، دیوپرستی
~-ēzagīh [SDYAcykyh] = ~ēsniḥ.	
dēwōk [dyw ² wk ¹ N dēwuk]	زالو
dībīr [dpy(w)r ¹ M dbyr, N ~]	دبیر، نویسنده
~īh:	دبیری، نویسندگی
~-estān [-st ² n ¹ N ~]	مدرسه
did [TWB < A twb; dt ¹]	بعلاوه، پس، دوباره، دیگر
dīdan , wēn- [HZYTWN-m ¹ < A √ hzy; dym ¹ , wyn- M dydn, wyn-, N ~, bīn-]	دیدن
~išn:	بینایی، بینش
~išnīg:	پدیدار، پیدا
dīdār [dy ² l N ~]	دیدار؛ دیدنی
pad ~ [N padīdār]	پدیدار
didom [dwm]	دوم
diḡ [YTMAL < A * 'tm ² l N dī]	دی، دیروز
dīl [LB(B)ME < A lb(b)-h; dyl = M, N ~]	دل
dīlēr [dylywl, dyl N ~]	دلیر
diz [KLYTA < A qyr ² ; dc M dyz, N ~]	دژ
dō [2, TLYN ¹ < A nyn M dw, N du]	دو
~-axwānīg [2 'hw ² nyk ¹]	دو جهانی، مربوط به دو جهان
~-gānag [dwk ² nk ¹ M dwg ² ng, N dugāna]	دوگانه؛ توأم
dōk [dwk ¹ N ~]	دوک

drust

duš-arz

drust [drw(d)st¹ | (M *dryst*), N *durust*] درست؛ تندرست، سالم

~ih: درستی؛ تندرستی

drustabed [drwystpr¹] سرپزشک، رئیس پزشکان

draušt [dlwšt¹ | N *durušt*] سردرشت، زیر، سخت

~ih: سردرشتی، سختی

~-āwāz, ~-ēwāz [-²p²c, -²yw²c] درشت آواز

druwand [dlwnd | M *drwnd*] بد، ناپاک، دروند، گناهکار

~ih: ناپاکی، گناه

druxtān, drōz- [dlwhtn¹, dlwc- | M *druxt*, *drvz-*] دروغ گفتن، فریفتن

druz [dlwc | (P *drvj*)] دیو

dūd [dwr¹ | M *dwd*, N ~] دود

dūdāg [dwtk¹ | N ~a] دوده

dudīgar [dytkl | M *dwdygr*, N *dīgar*] ددیگر، دوم

duj-, = duš-

~-daft [dwšdpr¹] بددم، کوتاه دم

~-dānāg [dwšd²n²k¹] نادان

~-dēn [dwšdyn¹ | M *dwjdyn-*] بددین

~-dōys^arīh [dwšdwyslyh] بدچشم

~-gand [dwšgnd | P *dwjgnd*] بدبو

~-gandīh: بدبویی

dum(b) [dwm(b)¹ | N ~] دم

~ōmand [-²wmnd] دمدار

dūr [LHYK¹ < A *rhyq*; *dwl* | M *dwr*, N ~] دور، فاصله دار، بعید

durgar [dwlgl | N ~] درودگر، نجار

dusraw [dwswhb¹] بی آبرو، بی آرم

~ih: بی آبرویی، بی آزمی

duš- [dwš- | = M] بد، دش - (پیشوند)

~ih: بدی، تبهکاری

~-āgāh [dwš²k²s] ابله، احمق، نادان

~-āgāhīh: حماقت، نادانی

~-arz [-²lc] بی ارچ، بی ارزش

دش / ارز

دش / ارز

dranjīdan

drūdan

dranjīdan, dranj- [dlnc-ym¹]

~išn: گفتن، گفته

draxt [dl²ht¹ | M *drxt*, N *diraxt*] درخت

drāy-, ~išn, → drāyīdan.

drayā(b) [dlyd²(p̄) | M *dry²b*, N *daryā(b)*] دریا

~-bār [-b²l | N -bār] دریابار، ساحل

drāyān-*jōyišn* [dl²d²n ywšn¹] کسی که به هنگام خوردن حرف می زند

~ih: گناه ناشی از حرف زدن به هنگام خوردن

drāyīdan / drāyīstan, drāy- [dl²d-ym¹, -stn¹ | M کردن (هریمنی)؛ هرزه گویی کردن

dr²yst, dr²y- N *darāyīdan*]

~išn: هرزه گویی

drāz [dl²c | N *dirāz*] دراز

drīyōš [dlgwš | N *daryōš*, *darwēš*] درویش، نیازمند، فقیر

~ih: درویشی، نیازمندی، فقر

drō [KDBA < A *kdb²*; *dlwb¹* | M *drw*, (N *darōy*)] دروغ، فریب

drōd [ŠRM < A *štm*; *dlwr¹* | M *drwd*, N *darōd*] آرامش، تندرستی، سلامتی، کامیابی

drō-dādwarīh [KDBA *d²twblyh*] داورى دروغ

¹drōn [dlwn¹ | N *darūna*] کمان

²drōn [dlwn¹ | N *darūn*] درون: نان مقدس؛ مراسمی که نان مقدس در آن به کار می رود

drōn yaštan: نان درون را تقدیس کردن

drōš [dlwš] داغ، علامت؛ پادافراه

~ag [-k¹] *ویران

drōšīdan, drōš- [dlwš-ym¹] داغ زدن

drōšom [dlwšwm] علامت

drōz-, → druxtān.

drōzan [dlwcn¹ | M, J *drwzn*] دروغزن، دروغگو

~ih: دروغ

drubušt [dl(w)pwšt¹] دژ، دفاعی

~ih: بارو، سنگر

drūdan, *drūn [HCDLWN-m¹ < A √ *hšd* | M *dr²wd*, حاصل برداشتن، درو کردن

(*dwr-*), N *durūdan*, *diraw-*]

دش / ارز

duš-xwār

~xwār [-hwʔl | N ~] = dušwār.

dušxwaršt [dwšhwwlšʔ | M dwšxwʔštyhʔ]

duxt [BRTE < A brt-h; dwhtʔ | M dwxt, N ~]

~ar [dwhtʔ | N ~]

duz(d) [GNBA < A gnbʔ; dwc(t) | M dwz, N duzd]

~ih [dwc(d)yh]

duzīdag [dwcytʔʔ]

دزدیده: روزهای افزوده آخر سال، پنجه دزدیده

duzīdan, duz- [dwc-ymʔ | N duzdīdan]

dwārīdan / dwārīstan, dwār- [dwʔʔ-ymʔ, -stnʔ

حرکت کردن، دیدن (اهریمنی)

| M dwʔʔ-]

~išn:

دوزخ، مسکن (دیوان)

dwāzdah [dwʔcdh | M dwʔzd, N duwāzdah]

~ān [-ʔnʔ]

بروج دوازده گانه

edōnīh

کردار بد

دخت }
دختر }

دزد

دزدی

دزدیدن

دزدیدن

دزدیدن

دزدیدن

دزدیدن

دزدیدن

دزدیدن

دزدیدن

E

ē [ʔy | (M hyb)]

ی (از ادات است و به فعل مضارع مفهوم تمنایی می دهد)

ē, → ēd, ēw.

ēbārag [ʔdypʔlkʔ, ʔdwʔlkʔ | N ēwār]

اوار، غروب

ēbgat(īh) [ʔybgʔ, -yh = Av. aiβi.gati-]

تازش) اهریمن، مخالف

ēbsrūsrīm [ʔyp-, ʔybsrwslym = Av.

زمان بین غروب خورشید و نیمه شب

aiβisrūθrīma-]

ēbyānghān [ʔyp-, ʔywybyʔnghnʔ, ... = Av. aiβyāŋhāna- = kusfīg]

کمر بند مقدس

ēč [ʔyc | (P ʔywyč), N hēč]

هیچ (با ادات نفی)

ēčand, → ēw-čand.

ēd [HNA < A hnʔ | M ʔyd] → dāstan

این

~rāy čē [cf. N z-ē-rā]

ایرا، چونکه

ēdar [LTME < A l-mh | M ʔydr, N ~]

ایدر، اینجا

ēdōn [ʔywnʔ | N ēdūn]

ایدون، چنین

~ih:

روش (درست)، ایدونی

duš-čašm

~čašm

حسود

~čašmīh

حسادت

~čīhr [-cyhtʔ | M dwšcyhr]

بدچهر، زشت، بدخو، بدسرشت

~ēwāzīh [-ʔywʔcyh | (M dwšwʔcyh)]

افترا، گفتار بد

~farrag [-plgʔ | P dwšfʔ]

بدبخت

~farragīh:

بداقبال

~gōwišn [-gwbšnʔ]

بدگفتار؛ گفته بد

~humat [-hwmtʔ]

اندیشه بد

~hūxt [-hwhtʔ | M dwšxwptyyʔ]

گفتار بد

~kām [-kʔmʔ]

بدخواه، دزکام

~kanīg [-knykʔ]

کنیز زشت

~kar [-klʔ]

دشوار

~kunišn [-kwnšnʔ]

بدکار، کردار بد

dušmat [dwšmrʔ = Av. dušmata- | M dwšmtyyʔ !]

اندیشه بد

dušmen [dwšm(y)nʔ | = M, N dušman]

دشمن

~ih:

دشمنی

~ādīh [dwšmnʔryh | M dwšmnyʔdyh, J dwšmnʔdy]

خصوصیت، دشمنی

duš-|-menišn [dwš-mynšnʔ]

بداندیش؛ اندیشه بد

~nām [-nʔmʔ | (M dwjnʔm), N ~]

دشنام، ناسزا؛ بدنام

dušox [dwšhwʔ | M dwš(w)x]

دوزخ

~īg [-ykʔ]

دوزخی

duš-pādixšā(y) [dwšpʔthšʔ(d)]

پادشاه

~ih:

پادشاهی بد، فرمانروایی بد

dušrām [dwšʔʔmʔ]

ناشاد، بدبخت

~ih:

بدبختی

dušwār [dwšʔwlʔ | (M dwjwʔr), N ~]

دشوار، ناسازگار

~ih:

دشواری، سختی، ناراحتی

duš-|-wīr [dwš-wylʔ]

بدفکر

~wurrōyišnīh [-whwdšnyhʔ]

بی دینی

~xēm [-hymʔ]

بدخیم

~xwadāyīh [-hwʔʔyhʔ]

فرمانروایی بد

ēr-mān(ag)	ēw-kard(ag)
² ēr-mān(ag) [ʔdlmʔn(k)ʔ]	فروتن
ēr-menišnīh [ʔdlmynšnyh]	فروتنی
ēr-tan [ʔdlmʔ]	فروتن
~īh:	فروتنی
ērwār [ʔyhwʔ]	گردوار، درخور پهلوان
ērwārag [ʔdhwʔlkʔ J ʔrwʔrh]	آرواره، گونه
ēsm [ʔysm] = ēzm.	
esp ^o , → sp ^o .	
ēštādan, ēst- [YKOYMWN-tmʔ < A yqym, √ qwm; ʔstʔm, ʔwst-ʔmʔ M ʔyst-ʔdn, N ~]	
	ایستادن؛ بودن، ادامه دادن (به عنوان معین برای ساختن فعل ماضی نقلی با معنی استمرار)
~išn:	پایداری، دوام، مسکن
ēš [ʔyš N xēš]	خیش، گاو آهن
ešn ^o , → šn ^o .	
ē(w) [t; HD < A hūd M ʔyw, N -ē]	-ی (نکره که در آخر اسم می آید)، یک
ēwan [ʔdwnʔ]	تنه، ساقه
ēwān [ʔdhwʔnʔ]	دهنه
ēwar [ʔywl J ʔyβʔr]	مطمئن (مطمئناً)، یقین (یقیناً)
ēwarz [ʔdwlʔ]	حرکت
ēwarzīdan, ēwarz- [ʔdwlʔ-ywʔ]	حرکت کردن، سفر کردن
ēwarzīg [ʔdwlʔcykʔ]	متحرک
¹ ēwāz [ʔywʔc]	کلام، گفته
² ēwāz [ʔywʔc]	تنها، فقط
~īg [-ykʔ]	خاص، فردی
ēw-bār [ʔywbʔ]	یکبار
ē(w)-čand [ʔy(w)end]	اندکی، یک چند
ēwēn [ʔdwywʔ M ʔywyw, (N āyīn)]	آداب، آیین، روش، شکل
pad ~:	به آیین، مطابق رسم و معمول
¹ ēwēnag [ʔdwywʔkʔ M ʔywywng] = ēwēn; → čē-	
² ēwēnag [ʔdwywʔkʔ (N āyīna)]	آیینه
ēw-kard(ag) [ʔywkʔr(k)ʔ, -klkʔ]	پیوسته، یکپارچه

ēg	ērmānīh
ēg [ADYNʔ < A ʔdyn M ʔyg]	آنگاه، پس
ēk [ʔywkʔ M yk, N yak]	یک
ēkānag [ʔywkʔnkʔ N yagāna]	وفادار، با وفا
~īh:	وفاداری، با وفایی
ēk-dād [ʔywkʔdʔ]	یکتا آفریده
ēmēd [ʔdmyrʔ]	امید
ēn [ZNE < A znh M ʔyn, N ʔn]	این
-ēn [-ynʔ = M, N -ʔn]	-ین (پسوند سازنده صفت نسبی)
-endag [-ndkʔ M -yndg, N -anda]	-نده (پسوند سازنده صفت فاعلی)
-ēn-īdan [-yn-ywʔ M [متعدی (= جعلی) متعدی]]	-انیدن [پسوند سازنده فعل سببی و اسمی (= جعلی) متعدی]
-yn-ydn, (N -ān-)]	
*ēnōkēn [ʔynw(k)kynʔ = Av. *aēnō. kaēnā-]	وارث (دختری که تعهد به ادامه روش پدر دارد)
enyā [ʔynyʔ (M ʔnʔy)]	بعلاوه، غیر از
¹ ēr [ʔdl M ʔyr, → azēr]	زیر، پایین؛ پست؛ تحت
~ud abar:	زیر و زیر
² ēr [ʔyʔ]	آزاده؛ پهلوان
~īh:	آزادگی، رفتار خوب
ērān [ʔyʔnʔ N ~]	(سرزمین) آریاها، ایران
~ag [-kʔ]	ایرانی، آریایی
ērang [ʔyʔng]	سرزنش، نکوهش؛ خطا؛ بی دینی
~īh: = ērang.	
ērānǰ-, → ^{1,2} ēraxtan.	
ērān -šahr [ʔyʔnšrʔ N ~]	ایرانشهر (= سرزمین آریاها)
~wēz [-wyc]	ایرانویج (= سرزمین اصلی آریاها)
¹ ēraxtan, ērānǰ- [ʔyʔlmʔ, ʔyʔnc- J ʔyxt]	سرزنش کردن، ملامت کردن، ناسزا گفتن
² ēraxtan, ērānǰ- [ʔyʔlmʔ, ʔyʔnc- M ʔyxt, (ʔymz-)]	جنگیدن، مشاجره کردن
ēraxtār [ʔyʔlrʔ]	جنگجو
ēr-kaš [ʔdlkš M ʔyrkš]	دست به سینه (به نشان احترام)، درود
¹ ērmān [ʔyʔmʔnʔ (M ʔyʔmʔn), N ~]	دوست؛ ایرمان (نام ایزدی است)
~īh:	دوستی

framādār	فرمودار	framār	فرمانده
framādār [plm ² t ² l]		فرمانده	رئیس، فرماندار، فرمانده
framān [plm ² n ¹ M frm ² n, N farmān]		فرمان	دستور، فرمان (کوچکترین درجه گناه)
~burdār [-bwr ² l N -bardār]		مطیع	فرمانبردار، مطیع
framāy-, ~išn, → framūdan.			
frāmōš [pl ⁽²⁾ mwš M pr ² mwš, N farāmōš]		فراموش	فراموش
framōšīdan [plmwšyt ⁿ] = framuštan.			
framūdan, framāy- [plmw ⁿ l, plm ² d- M prm ² dn, prm ² y-, N far~]		فرمودان	دستور دادن، فرمودن
~išn:		فرمایش	دستور، فرمایش
frāmūstan, frāmōš- [pl ⁽²⁾ mwš-m ¹ M pr ² mwšt, pr ² mwš-, N farā~]		فراموش کردن	فراموش کردن
franaftan, *franam- [plnpt ⁿ l, *plnm- M prnpt, prnm-]		رفتن، پیش رفتن، روانه شدن	
franāftan, franām- [pln ² p ⁿ m ¹ , pln ² m- P fm ² m-]		۱- پیش بردن، دور کردن، رهبری کردن، هدایت کردن	
~išn:		پیشرفت، دوری، اقرار	۲- اقرار کردن (به دین)، رواج دادن
frārāst [p ² l ² sr ¹ l]		ذراع، واحد طول (= ۱۸ اینچ)	
frārōn [p ² l ² wn ¹ l]		پرهیزگاری، درستکاری	پرهیزگار، درستکار
~īh:		فرسنگ (= چهار میل رومی)	فرسنگ
frasang [plsng N farsang]		فرسودنی، گذرا	
frasāwand [pls ² wnd]		گذرابی	
~īh:		تیر سقف، دیرک، فرسپ	
frasp [plsp N farasp]		سنان	
*fraš [p ² lš]		فرشگرد، بازسازی در پایان جهان	
fraš(a)gird [plškr ¹ l M p ² š(y)gyrd]		فرشگردی، جاودانگی پس از بازسازی در پایان جهان	
~īg [-yk ¹]		طاووس	
fraš(a)murw [plšmw ² hw ¹ l M fršymw ² rw]		پرشش	
frašn [plšn ¹ l]		فرور (= روان بی مرگ انسان)، فرشته نگهبان	
frawahr [plw ² hl M prw ² hr-]		در طول زندگی	
frawār [plw ² l N farvār(a)]		فروار، خانه یا کوشکی که اطرافش باز باشد	

ē(w)-mōg	frāhixtan
ē(w)-mōg [ʔy(w)mwk ¹ l]	یک موزه داشتن، تنها یک کفش به پا داشتن
ēw-sān [ʔyws ² n ¹ (N yak-sān)]	شبیبه، یکسانی
~īh:	همانندی، یکسانی
ēw-tāg [ʔyw ² k ¹ M ʔyw ² r ² g, (N yaktā)]	تنها، فرد، یکتا
ēz-, → yaz-	
~išn [ʔycšn ¹ l]	پرستش
ēzm [CYBA < A syb ² N hēzum]	سوخت، هیزم

ف در سمت راست، همین فرودار نوشته که با بر صحنه!

فarr-, → xwarrah.

Farrōbāy [plwb⁽²⁾g]

آذرفرنگ (نخستین و مهمترین آتش دوره ساسانیان، خاص طبقه موبدان و نجبا)

farrox [plhw¹ | M prwx, N ~]

خشنود، خوشبخت، فرخ

~īh:

خوشبختی، شادی، فرخی

filāsōfā [pyl²swkp²y]

فیلسوف

frabīh [plpyh | (P frbyw), N farbīh]

چاق، فربه

fradadafš [pltdpš = Av. fradaðšū-]

فرددفش (نام اقلیم جنوب شرقی از هفت اقلیم)

fradāg [MHL < A mhr: pl²k¹ | N fardā]

افزایش، ترقی

frādahišnīh [pl²dhšnyh]

نخست

fradom [AWLA < Ar. ! ʔwl²; pltwm | (M prtwm)]

~īh:

نخست، آغاز

fragān [plk²n¹l]

اساس، بنیاد؛ اصل

fragandan, fragan- [plkn-dn¹l]

بنیاد نهادن

frahang [p²lhng | N farhang]

آگاهی؛ فرهنگ

~estān [-st²n¹l]

مدرسه

frahan.j-, → frahixtan.

frahist [plh(y)st¹l | (M pr²yst)]

بیشترین (صفت عالی برای freh)

frahixtag [pllhuk¹ | N farhixta]

فرهیخته، کارآموز موده، ماهر

frāhixtan, frahan.j- [pllhun¹, pl²hnc- | P frhynj-, N far~]

فرهیختن، آموختن، تعلیم دادن

frazandīh	gačēn	فرزندى
~īh:		فرزین (وزیر در بازی شترنج)؛ (تحت اللفظی): * موقعیت دفاع در صفحه شترنج
frazēn [plcyn ¹ N farzīn]		حیله، فریب
frēb [plyp N firēb]		فریفتن
frēftan, frēb [plyp-m ¹ N fir~]		فریبکار؛ فریب خورده
frēftār [plypt ¹]		(تیغ) شانه
frēg [plyk ¹ M prygg]		زیاد، بیش، فراوان
frēh [plyh N firih]	فراوان	افراط
~būd(īh) [-bwt ¹ , bwtyh]		فرستادن
frēštādan / frēštīdan, frēst- [ŠDRWN-(y)m ¹ < A √ šdr; physt-m ¹]		فرشته، فرستاده
-ym ¹ M pryst- ² d, N firštādan		اجبار، وظیفه
frēstag [phystk ¹ M prystag, (N firšta)]		اجباری، تعهدآور
frēz [plyc]		انجام وظیفه
~bānīg, ~wānīg [-p ² nyk ¹ , -w ² nyk ¹]		فرود
~bānīh, ~wānīh [-p ² nyh, -w ² nyh]		کاستی، کمبود
frōd [phwt ¹ M prwd, N furō(d)]	فرود	درخشندگی، فروغ
~mānd [-m ² nd]		درخشیدن
frōg [phvk ¹ N furōy]		فروختن
frōgīhistan, frōhīh- [phvkyh-sm ¹]		فروخته / فروشه (نام حلوایی است که در آن شیر و روغن را با هم می آمیزند)
frōxtan, frō(x)š- [MZBNW-m ¹ < A mzhn, √ zbn M prwxš-, N furōxtan, furōš-]		
frušag [phvšk ¹ (M prwšg), N furša]		

G

gabr [gph, gwbl M gbr, N ? gōr]		حفره، سوراخ، رحم
~īh:		گودی
gač [gc N ~]		گج، سنگ گج
-ēn [-ym ¹]		گجی

fraward	frazand	
fraward [phwt ¹ M frwrd-] = frawahr.		طومار، نامه
frawardag [phwtk ¹ M prwrdg]		پیش آوردن، تعارف کردن (غذا)
*frawārdan, frawār- [phwt ¹ -m ¹]		فروردیگان (= جشن فوره‌ها)،
Frawardīgān [phwtlyk ² n ¹ N farwardagān]		پنج روز پایانی اسفند ماه و پنج روز افزوده بعدی
gāhānīh		فروردین؛ گاه‌نما: اولین ماه سال و نوزدهمین روز ماه
Frawardīn [phwtlyn ¹ M frwrdyn, N far~]		
frāx [p ¹ hw ¹ N farāx]	فراخ	پهن، جادار، فراخ، کافی، فراوان
~īh:		فراخی، فراوانی
frāxēnīdan, frāxēn- [p ¹ hwyn-ym ¹]		فراخ کردن، موجب پیشرفت شدن
frāy [p ¹ y M pr ² y]		بیش، فراوان
frayād [plyd ² t ¹ N faryād]		فریاد (= کمک)، یاری
frayādīdan, frayād- [plyd ² t-ym ¹ M pry ² d-]		به فریاد رسیدن، یاری کردن
~išn:		کمک، یاری
~išnīg:		کمک بخشی
frāz [pr ² c M pr ² z, N farāz]	فراز	فراز، جلو
~abgandan:		فراز افکندن
~az:		پس از، جدا از
~brēhēnīdan:		آفریدن، ساختن
~grifitan:		به عهده گرفتن، انجام دادن؛ تصمیم گرفتن، منصوب کردن
~ō:		تا به
frazāftan [p ¹ teptn ¹ (M przwps-)]		انجام شدن، کامل شدن
frazāftan, frazām- [p ¹ c ² p ¹ m ¹ , p ¹ c ² m- M prz ² ptm]		به پایان رساندن، تمام کردن، کامل کردن
~išn:		فرجام یافتن، تکمیل
frazām [p ¹ c ² m (N farjām)]		فرجام، نتیجه
frazāmēnīdan, frazāmēn- [p ¹ c ² myn-ym ¹] = frazāftan.		پیروزی نهایی
frazām-pērōzīh [p ¹ c ² m pyhwcyh]		دانا، فرزانه
frazānag [p ¹ c ² nk ¹ P fir ² ng, N farzāna]		دانایی، فرزانهگی
~īh:		فرزند، پسر، بچه
frazand [prz ² znd M frzynd, N farzand]		

gar

gar [gl]
-gar [-kl, -gl | M -gr, N ~]
-gār [-kʰl | M -gʰr, N ~]
garān [glʰnʰ | M grʰn, N girān]
~īh:

garasmān [glsmʰnʰ | M grʰsmʰnʰ] = garōdmān.

gard [glʰ | N ~]
gardan [glmʰ | M grdn, N ~]
gardānāg [glʰnʰkʰ | M grdn, N ~]
gardānīdan, gardān- [glʰnʰ-ynʰ | M grd(y)nydn, N ~]
gardīdan, gard- [glʰ-ymʰ | M grd-, N ~]
~īšn:

garm [glm | M grm, N ~]
~īh:
garm-ābag [glmʰpʰkʰ | N ~a]
garmāg [glmʰkʰ | M grmʰg, N garmā]
garmōg [glmwkʰ | M grmʰg, N garmā]
garmōwar(īh) [glmwkʰ wl(yh)]

garmsēr [glmsyl | N ~]
garōdmān [glwmʰnʰ = Av. garō damāna- | P grdmʰnʰ]
~īg [-ykʰ | M grdmʰnʰ]

yarrānāg [glʰnʰkʰ | M gnʰg ?]
yarrānīdan, yarrān- [glʰnʰ-ynʰ | (N yarrīdan)]
~īšn:
garzag [glckʰ | N garza]
garzīdan, garz- [glc-ymʰ | M gnʰg ?]

~īšn:
~īšnīg:
gaw [gwʰ | M gnʰg ?]
gāw [TWRa < A twrʰ | M gwʰ, N ~]

gāw

کوه
گر (پسوند سازنده صفت فاعلی)
گار (پسوند سازنده صفت فاعلی)
سخت، دشوار، گران، سنگین
سنگینی، وزن

گرد

گردن
مهره (بازی)
گردانیدن
گردیدن، گشتن
گردش، سیر

داغ، گرم
گرمی، حرارت
گرمابه
گرم، حرارت
گرم، تفته، باحرارت
ورگرم: آزمایش ایزدی برای بازشناختن راست از دروغ و گناهکار از بیگناه

گرمسیر، زمین پست
گرودمان، بهشت برین
بهشتی

رعد
غریدن، نعره زدن
غرش
گرزه، مار
گله کردن، اعتراف کردن
گله

گله مند
دست (اهریمنی)

گاو نر، گاو اهلی؛ در نجوم: برج ثور

gad

gad [gtʰ = Av. gadā-]
gādan, gāy- [SLYTWN-mʰ < A √ sryʰ? : gʰmʰ | N ~]
gādār [gtʰrʰl]
gadwar [gtwl = Av. gadawara-]
gāh [gtʰs | M gʰh, N ~]
gāh [gtʰs | N ~]

gāh [gtʰs]
gāhān [gtʰsʰnʰ]
gāhānbār [gtʰsʰnbʰl | N gāhānbār]

~īh:
gahl [gtʰhl | N gāl]
gāhūg [gtʰhwkʰ]
gāhwārag [gtʰswʰlkʰ | N gāhwāra]

gāl [gtʰl]
galōg [ghvkʰ | N gulō]
gām [gtʰm | M, N ~]
~ī dō pāy:
-gānag [-kʰnkʰ | M -gʰng, N -gāna]
gand [gnd | N ~]
gandag [gndkʰ | (M gng), N ~a]

~īh:
gandanāg [gndnʰkʰ | N gandanā]
gandum [Hʰ < A hntʰ | (M gnwm), N ~]

ganj [gnc | (M gnz), N ~]
~war [-wbl | M -wr, N ~]
gan(n)āg [gnʰkʰ | (P gndʰg)] → gandag

~mēnōg:
~īh:

gan(n)āgīh

چماق، گرز
گادن
شهر

گرزور، حمل کننده گرز
بالین، تخت، جا
زمان؛ یک پنجم شبانروز = گاهنبار
سرود، گاه (سرودی از سرودهای گاهان)
گاهان: قدیمی ترین بخش کتاب اوستا که با الهیات ارتباط دارد
گاهنبار، هر یک از شش بخش سال؛

جشنهای پنج روزه که در پایان هر یک از این شش بخش برپا می شود
گاهانی (= مربوط به گاهان)، روحانی، پنج روز آخر سال
خزانه دار، گنجور

گنجوری
ارزن درشت، گاورس
تابوت
گهواره، نتو
حشر، حشم
گلو

پی، قدم، گام؛ واحد طول (= سه فوت)
گام دو پا (= یک گام، پنج فوت)

گانه (پسوند سازنده صفت عددی)
گند
گنده، بدبو

گندگی، بدبویی
گندنا، تره
گندم

گنج، گنجینه
گنجور
پلید، فاسد

گناگ مینو، مینوی بد
فساد

Handwritten notes in Persian script on the left margin, including 'از خودی', 'بهره است', 'از خودی', 'بهره است', 'از خودی', 'بهره است', 'از خودی', 'بهره است', 'از خودی', 'بهره است'.

gird kardan

gōšwār

~kardan:

~īh:

girdag [gltk¹ | N ~a]gišnag [gšnk¹ | P gšng]

gišniz [gšnyc | N ~]

giyā(h) [gy²h, g²h | (M gy²w), N ~]~īzag [-yek¹]gizistag [gcystk¹ | J w/βzsth]gōgird [gwkl¹ | M gwgyrd, N ~]~ōmand [-²wmnd]

gōhr [gwhl | M gwhr, N gauhar]

gōhrag [gwhlk¹] = gōhr.~dānāg [-d²n²k¹]gōhrīg [gwhlyk¹]*gōhrīg [gw(²)hlyk¹]*gōkān [gwk²n¹]~īg [-yk¹]

gōmēz [gwmyc | N gimēz]

gōmēz- [gwmyc- | N gimēz-]

gōn [gwn¹ | N gūn]~ag [-k¹ | M gwng, N gūna] = gōn.gōr [gw¹ | N ~]gōspand [KYNA < A qyn²?; gwspnd | N ~]~čihrag [-cyhk¹]gōstān [gwst²n¹]

gōš [gwš | = M, N ~]

gōš [gwš | N ~]

gōšag [gwšk¹ | N ~a]gōšōsrūd [gwš²wshw¹ = Av. gaošō.srūta-]gōšt [BSLYA < A hsr²; gwšt¹ | N ~]gōšwār [gwšw² | N ~]

گرد کردن، جمع کردن

گردی

دایره، گرده

کوتاه، کوچک

گشنیز

گیاه

تیغ گیاه، کاه

ملعون، تفرانگیز

گوگرد

گوگردی

جوهر، ماهیت، مایه؛ جواهر؛ خمیره، نسل

گورشناس، طبیعت‌شناس

اساسی، ذاتی

جانشین، به جای، معادل

جزئیات

به صراحت؛ مفصل

گمیز، ادرارگاو (به عنوان پاک‌کننده در مراسم به کار می‌رود)

ادرار کردن

رنگ، گون

گونه، شکل، نوع

گورخر

گوسفند، چهارپای (کوچک)

دارای تخمه چهارپایان

ستورگاه، آخور

گوش

گوش؛ گاه‌نما؛ چهاردهمین روز ماه

گوشه

آموخته، کسب کرده

گوشت

گوشوار

gāwars

ō gird āmadan

gāwars [P² < A prg²; g²wls | N ~]gawazn [g²vzn¹ | N ~]gawdar [gw¹l | N ~]gāw-dumb [g²p²dwm¹b | N ~dum]

gāw-mēš [TWRAmyš | N gā(w)mēš]

gāy-, → gādan.

Gayōmart [g²ywkm¹l¹ = Av. gayō marəta | (M gyhmwrđ), کیومرث (انسان نخستین), N ~]

gaz [gc | N ~]

gaz-, ~išn, → gazīdan.

gazāg [gc²k¹]gāzar [g²cl | N gāzur]

gazdum [gcd(w)m, gzd(w)m | N každum !]

gazīdag [gzyk¹ | N gazīd]gazīdan, gaz- [gc-, gz-ym¹ | N ~]

~išn:

gēg [gdk¹ | M gyyg]gēhān [gyh²n¹ | = M, N gihān, jahān]~īg [-yk¹]-gēn [-k(y)n¹ | M -gyn, N -gīm]

gēs [gys | (M gyswg, N gēsū)]

gētīg [gytyk, gytydy | M gtyyg, N gētī]

~īg [-yk¹]gil [TYNA < A tyn²; gl | N ~]gilag [g(y)lk¹ | N gila]~ōbār [-²wp²l]gilēn [TYNAyn¹ | N gilīn]gilistag [gbystk¹]

gūr-, ~išnīg, → griftan.

gird [gl¹ | M gyrd, N ~]

(ō) ~ āmadan:

گاورس، ارزن درشت

گوزن

گودر، گوساله

گاو دم، شیپور

گاو میش

کیومرث (انسان نخستین)

گز (درخت)

گزنده

گازر، رختشوی

کژدم؛ درنجوم؛ برج عقرب

گزیت، جزیه

گزیدن، نیش زدن

نیش

دزد

کیهان، جهان

کیهانی، جهانی، فانی

گن، گین (پسوند سازنده صفت توصیفی)

گیس، گیسو کس

گیتی ۱- جهانی

گیتی ۲- جهانی

گل

گله، شکوه

گله اوبار، متحمل

گلی

خانه دیوان، مسکن دیوان

گرد، مدور؛ گردآمده

گرد آمدن، جمع شدن

grōh

grōh [glwh | N gurōh]

gubrāg [gwpl'k']

gubrās- [gwpl's-] = wigrās-, → wigrādan.

guftan, gō(w)- [YMRRWN-, YMLLWN-m' < A گفتن، حرف زدن، بیان کردن α

ymlwn, √ ml; gwptn', gw- | M gwptn, gw-, N ~, gō(y)-]

~išn:

guftār [gwpt'l | N ~]

~ih:

gugān- [gwk'n- | M gwg'n-]

gugār(i)dan, gugār- [gwk'l-(y)tn' | N guwār-īdan]

gugāy [gwk'dy | M gwg'y, N guwāh]

~ih:

gūh [gwh | N ~]

guhrāyēnīdan, guhrāyēn- [gw'hl'yn-ytn']

gul [gw | N ~]

gumān [gwm'n' | = M, N ~]

~gar [-k/]

~īg [-yk']

~ih, ~īgih:

gumārdag [gwm'lk']

gumārdan, gumār- [gwm'l-m' | M gwm'r-dn, N gumāstan, gumār-]

gumbad [gwmbt' | N ~]

gumēg [gwmyk' | M gwmyg]

gumēxtan, gumēz- [gwmyhtn', gwmyc- | M gwmyxtn,

gwmyz-]

~išn: = gumēzagih.

gumēzag [gwmyck']

~ih:

¹gund [gwnd | = P]

gund

بگروه، دسته

گوش به زنگ، زرننگ، بیدار

گفتن، حرف زدن، بیان کردن α

گفتار

گفتار

گوبنده

(قدرت) بیان، فصاحت

نابود کردن

گواردن

گواه

سگواهی

گه، مدفوع

انگیختن، بیدار کردن

گل، رز

گمان، شک

شکاک

مشکوک

گمان، شک

گمارده، مأمور

گماردن، گمار- α

منسوب کردن، تفویض کردن

گنبد، آتشکده

آمیزه

آمیختن، مخلوط کردن

آمیختگی، آمیزه

آمیزه، آمیختگی

آمیختگی جهان مادی، طول دوران جهان مادی

سپاه، لشکر؛ گروه، جماعت

gōw-

gōw-, ~išn, → guftan.

gōwāg [gwb'k' | M gw'g, N gōyā]

*gōwizār [gwwc'l]

gōy [gwd | N ~]

gōz [gwc | N ~]

~ēnag [gwzynk' | N gōzīna]

Gōzihr [gwcyl | Ar.jawzah]

~dumb:

~sar:

grāb [gl'p̄ | P gr'b]

grāmag [gl'mk' | P gr'mg]

grāmīg [gl'myk' | M gr'myg, N girāmī]

~ih:

¹graw [glwb' | P grww]

²graw [glwb' | N giraw]

~ih, ~(a)gān [glwk'n' | M grwg'n, N giraugān] = ²graw.

grāyīdan, grāy- [gl'd-ytn' | P gr'y-, گزیدن، متمایل شدن؛ قصد داشتن، آرزو کردن

N girāy-]

griftan, gīr- [OHDWN-m' < A √ 'hd; glptn', gyl- گرفتن، ستاندن، جلوگیری کردن

| M grypt, gyr-, N giriftan, ~]

~išnīg:

griftār [glpt'l | N gīr~]

~ōmand [-'wmand]

grih [glyh | N girih]

¹grīw [CWLE < A šwr-h; glyw']

²grīw [CWLE, glyw' | M gryw]

³grīw [glyw' | P gryw, N girī(b)]

grīwag [glywk' | N girīwa]

grīwbān [glywp'n' | N girībān]

griyistan, griy- [BK̄YWN-stn' < A √ bky; glā-stn' | M

gryy-stn, N girīstan, giry-]

griyistan

گویا فصیح؛ سخنگو

به تفصیل، صریح

گوی

گوز، گردو، اغرز، آغوز

گوزینه (شیرینی که با مغز گردو می‌سازند)

جوزهر؛ در نجوم: تنین

نقطه اعتدال پاییزی

نقطه اعتدال بهاری

رحم

ثروت، دارایی

گرامی، عزیز

احترام، محبت

نی‌نازک

سگرو، وثیقه

سگرو، وثیقه

گزیدن، متمایل شدن؛ قصد داشتن، آرزو کردن

گرفتن، ستاندن، جلوگیری کردن

گرفتن، ستاندن، جلوگیری کردن

گرفتن، ستاندن، جلوگیری کردن

گرفتن، ستاندن، جلوگیری کردن

گرفتن، ستاندن، جلوگیری کردن

گرفتن، ستاندن، جلوگیری کردن

گرفتن، ستاندن، جلوگیری کردن

گرفتن، ستاندن، جلوگیری کردن

گرفتن، ستاندن، جلوگیری کردن

گرفتن، ستاندن، جلوگیری کردن

گرفتن، ستاندن، جلوگیری کردن

گرفتن، ستاندن، جلوگیری کردن

گرفتن، ستاندن، جلوگیری کردن

گرفتن، ستاندن، جلوگیری کردن

گرفتن، ستاندن، جلوگیری کردن

بر-واگرد

hādamāns^arīg	hambār
~īg [-yk ¹]	مربوط به هاتمانسر
hādōxt [h ¹ twh ¹ = Av. ha ¹ aoxta-]	هادخت (یکی از نسکهای گم شده اوستا)، مراسم مذهبی خاص
haft [h ¹ p ¹ t M hpt, N ~]	هفت
~ād [70 M hpr ¹ d, N ~]	هفتاد
~ag [-k ¹ N hafta]	هفته
~ān [- ¹ n ¹]	هفتان، هفت سیاره
haftār [h ¹ p ¹ t (N kaftār !)]	هفتار
haftdah [h ¹ p ¹ tdh N ~, hifdah]	هفده
Haftōring [h ¹ p ¹ tw(k)lng = Av. haptōringa-]	هفتورنگ؛ در نجوم: دب اکبر
hagrīz [h ¹ k ¹ c M hgryc, N hargīz]	همیشه؛ (با نفی) هرگز
halag [h ¹ lk ¹]	احمق، هرزه (= خل)
~īh:	دیوانگی، حماقت
halām [h ¹ l ¹ m N ~]	هلام، گوشت قرمه
halīlag [h ¹ lylk ¹ N ~a]	هلילה (گیاهی است که میوه آن مصرف دارویی دارد)
ham [hm = M, N ~], → ð	هم؛ همان
~īh:	پیوستگی، همی (= اتحاد)، هماهنگی، نشست
hamābēr [hm ¹ p ¹ yl M h ¹ m ¹ byr]	هتابار
hamāg [hm ¹ k ¹ M h ¹ m ¹ g, N hama]	همه
~dēn [-dyn ¹]	همه دین (مراسم مذهبی)
hamagīh [hm ¹ kyh N ~ī]	همگی، همه
hamahl [hm ¹ (²)hl] = hamāl.	
hamāl [hm ¹ l N ~]	همال، همتا؛ دوست، رفیق
hambadīg [hmb ¹ tyk ¹]	حریف، معارض
hambah- , → hambastan.	
hambāh- , ~išn, → hambāstan.	
hambān [hmb ¹ n ¹ N anbān(a)]	انبان، کیسه چرمی
hamband [hmbnd]	پیوسته
~īh:	پیوستگی
hamband- , ~išn, → hambastan.	
hambār [hm-, hmb ¹ l N anbār]	هتابار

gund	hādamāns^ar
gund [gwnd N ~]	گند، بیضه
gung [g(w)ng N ~]	گنگ
gurbag [gwlbk ¹ N ~a]	گره
gurd [gwrl ¹ P gwrd, N ~]	گرد، پهلوان
~īh:	گردی، پهلوانی، شجاعت
gurdag [gwltk ¹ N ~a]	گرده، کلیه
gurdīh [gwlyh]	سلاح (بعضی قطعات)
gurdwār [gwltw ¹ l]	گردوار، درخور پهلوان
gurg [gwlg N ~]	گرگ
gurgānīg [gwlg ¹ nyk ¹ N ~ī]	گرگانی، منسوب به گرگان
gursag [gwlsk N gurusna !]	گرسنه
~īh:	گرسنگی
gušn [gwšn ¹ N ~]	گشن، نر
gušnag [gwšnk ¹ J gušna]	گشنه، گرسنه
Gušnasp [gwšn ⁽²⁾ sṗ] (خاص طبقه ارتشتاران)	گشنسب (دومین آتش مهم دوره ساسانیان،
gyāg [gyw ¹ k ¹ M gy ¹ g, N jāy]	جای
~rōb [-hw ¹ N jārō(b)]	جاروب
gyān [HYA < A hy ¹ : y ¹ n ¹ M gy ¹ n, N jān]	جان، روان
~kandan:	جان کندن، نزع
~abespār [- ² p ¹ sp ¹ l N jān-sipār]	بی امید، بی پروا؛ جان سپار، فدایی
~īg [-yk ¹ M -yg]	روحانی؛ حیاتی
~war [-wl (P -br), N jānwar]	جانور؛ جاندار

H

h- [HWE- < A √ hwh; h- M h-]	بودن (فعل ناقص)
hād [HWEt ¹ ! = Av. āat] (= ā)	اکنون، پس؛ یعنی
hād [h ¹ r ¹]	هات، هر یک از بخشهای یستا
hādamāns^ar [h ¹ tkm ¹ ns ¹ l = Av. ha ¹ da.mādra-]	هاتمانسر (نوشته‌هایی که با مطالب دینی ارتباط دارد)

hamdam

hamdam [hmdm | N ~]

ham-dēsag [hmdysk¹]

hamē [hm'y | M hmyw, N ~]

~ka:

ham-ēdōn [hm'yōwn¹ | N hamēdūn]hamē [īg [hm'y¹yk¹ | M hmywyg]~īhā [-yh¹]hamēmāl [hmym¹ | = J]

~īh:

hamēnīdan, hamēn- [hmyn-ym¹]

hamē-rawiśnīh, hamē-ud-hamē-rawiśnīh [(hm'y W) hm'y hwbšnyh]

hamēst [hmyst¹]~(ag) ān [-(k)¹n¹]hamēstār, ~īh [hmyst¹, -yh] = hamēmāl, ~īh.hamēšag [hmyšk¹ | M hmyšg, N ~a]

~īh:

~sōz

hamē-wahār [hm'y wh¹ | N hamēša-bahār]ham-ēwēnag [hm¹dwynk¹]

ham-gōhr [hmgwhl | M hmgwhr]

ham-gōnag [hmgwnk¹ | M hmgwng]P hāmharz [h⁽²⁾mhtc | P h¹mhyrz]hāmīn [h¹myn¹ | = M]~īg [-yk¹]hāmīst [KHDE, → hammis; h¹mst¹]ham-kār [hmk¹ | N ~]

~īh:

hāmkišwar [h¹mkyšwl | M -wr]

hammīs [KHDE < A k-īdh], az . . . ~ :

hammōxtan, hammōz- [ALPWN-tm¹ < A √¹lp; hmwhm¹,

hmwc-,hmwz- | M hmwxm, N āmōxtan, āmōz-]

hammōxtan

همدم، مونس

همدیس، هم شکل

همیشه
هر زمان (که)

همیدون، هم چنین

جاوید

جاویدان

حریف، معارض

مخالفت

یکی کردن، ترکیب کردن

ابدی

کسی که کارهای خوب و بدش برابر است

اعراف، طبقه میان بهشت و دوزخ

همیشه

همیشگی

همیشه سوز

گل همیشه بهار

همانند، یک جور

هم گوهر، هم ذات

همانگونه، چنین

همراه، ملازم

تابستان

تابستانی

همه

همکار

همکاری

عالم

همراه... یا

آموختن؛ یاد گرفتن

hambārīdan

hambārīdan, hambār- [hm-, hnb¹-ym¹ | M hmb¹r-,

N anbārīdan]

hambasān [hmb¹s¹n¹ | M ¹mbs¹n¹]~īg [-yk¹]hambast [hmbst¹ | N anbast]¹hambastag [hmbstk¹ | N anbastā]²hambastag [hmbstk¹ | M hmbst]hambāstag [hmb¹stk¹]¹hambastan, hamband- [hmbstm¹, hmbnd- | M hmbst,

hmbh-]

~išnīh:

²hambastan, hambah- [hmbstm¹, hnb¹h- | M hmbst,

hmbh-]

hambāstan, hambāh- [hmb¹stm¹, hnb¹d- | M hmb¹stm, hmb¹h-]

~išn:

ham-bašn [hmbšn¹]

hambaw-, ~išn, → hambūdan.

hambāy [hmb¹g | (M hmb¹w)]hambāz [hm-, hnb¹c | M ¹mb¹z, N anbāz]hambedīg [hmb¹tyk¹] = hambadīg.hambōš-, ~išn [hnbwš-, -šn¹ | N anbōšīš] = hambūs-, ~išn.

hambōy- [hnbwd- | M hmbwby-, N anbōyīdan]

~āgīh [-¹kyh] ~išn:hambūdan, hambaw- [hm-YHWWN-tm¹, → būdan;hmbwtm¹]

~išn(īh):

hambun [hmbwn¹]hambūsīdan, hambūs- [hnbws-ym¹- | N anbūsīdan]

~išn:

ham-dādestān [hm-DYNA, -d¹tst¹n¹ | N ham-dāstān]

ham-dādestān

انباشتن، گردآوری کردن

دشمن، معارض

دشمنانه، مغایر

متراکم، به هم پیوسته

مركب، متشکل

افتاده، فرو ریخته

* همه

ترکیب کردن، شکل دادن؛ احاطه کردن،

بهم بستن، بهم پیچیدن

بهم بستگی، بهم پیچیدگی

فرو افتادن، خراب شدن

به زیر افکندن، برانداختن، ویران کردن

براندازی، فروریزی، تخریب

هم قامت

اتباع، شریک؛ حریف

انباز

بوییدن، بو کردن

بویایی (حسن)

ترکیب شدن، یکی شدن

اتحاد، ترکیب

اصلاً، هیچ (با ادات نفی)

انبوسیدن، آبستن شدن

آبستنی

همداستان، موافق

handēmānīh	han.j-
~īh :	بار، حضور
handēmāngar [hndym²nkl]	رئیس تشریفات، معرفی کننده (به حضور)
~īh :	معرفی
handēšīdan, handēš- [hndyš²ym¹ M hndyš²-,	اندیشیدن، فکر کردن، تصور کردن
N an~]	
~išn :	اندیشه، فکر
handēšīdār [hndyšty²l]	اندیشنده
handōxtan, handōz- [hndwhm¹, hndwc- N an~]	اندوختن، کسب کردن، گرد کردن
~išn(īh) :	کسب، تحصیل
handraxtag [hndl²htk¹ P ²ndrxt]	ستم‌دیده
~īh :	ستم، رنج
handūdan, *handāy- [hndwtm¹ (M ²nwd),	اندودن، روغن مالی کردن، مالیدن
N an~]	
hangad [hngt¹ P ²ngd]	توانگر، دارا
~īh :	دارایی، ثروت
hangām [hng²m N ~]	زمان، هنگام
~īg [-yk¹]	بهنگام
hangārag [hng²lk¹ N angāra]	شماره، حساب
hangārdan, hangār- [hng²l²tm¹ M hng²r-, N an~]	حساب کردن، تصور کردن
~išn :	رسیدگی، توجه، ملاحظه
hangēxtan, hangēz- [hngyhtm¹, hngvc- (M	انگیختن، تحریک کردن، تهییج کردن
hgyn-), N an~]	
~išn :	انگیزش
hangīrdēnīdan, hangīrdēn- [hngltyn²ym¹]	خلاصه کردن، کامل کردن
hangīrdīg [hngltyk¹]	بی نقص، کامل؛ خلاصه
~īh :	تکمیل، خلاصه
hangōšīdag [hngwšytk¹ M ²ngwšydg]	راه، روش، همانندی
~ī :	مانند
hangrāyīdan [hngl²dym¹]	سوگواری کردن
hangrūdag [hnglwtk¹]	سوگواری
han.j-, → hixtan.	

hammōzišn	handēmān
~išn :	آموزش، یادگیری
hammōxtār [hmwhr²l]	آموزگار، یادگیرنده
~īh :	یادگیری
hammōz-, ~išn, → hammōxtan.	
~gār [hmwck²l N āmōzgar]	آموزگار
ham-nibardīh [hmnplyh]	نبرد، هم‌نبردی
hamōg [hmwg]	برابر، شبیه
hāmōn [h²mwn¹ N hāmūn]	هامون، زمین هموار <i>همن/همنه</i>
hāmōyēn [h²mwdyn¹]	همه
ham-pursag [hmpwrsk¹]	مشاور، همپرس (= طرف گفتگو)
~īh :	مشاوره
ham-[-rānīh [hml²nyh]	جنگ، نبرد
~sāmān [-s²m²n¹]	مجاور
~sardag [-sttk¹]	همنوع، شبیه
~sāyag [-s²dk¹ N hamsāya]	همسایه
~tāg [-t²k¹ N hamtā]	همتا، قرین
~tan [-tm¹]	هم‌تن، هم‌قامت
~tōhmag [-twhmk¹]	هم‌تخمه، خویشاوند
hamwar [hmwl N hamwār]	هموار، مسطح
hāmwār(ag) [h²mw²l, -k¹ N hamwāra]	همواره
ham-zamān [hm ODNA N ~]	هم‌زمان، فوراً
handām [hnd²m = P, N andām]	اندام، عضو
handarz [hndlc M ²ndrz, N andarz]	اندرز، حکم، وصیت
handarzēnīdan, handarzēn- [hndlcyn²ym¹]	اندرز دادن
handāxtan, handāz- [hnd²hm¹, hnd²c- M hnd²c-, N an~]	طرح ریختن،
	تخصیص دادن، تخمین زدن، داوری کردن
~išn :	داوری
handāxtār [hnd²ht²l]	طراح
handāz-, ~išn, → handāxtan.	
~ag [hnd²ck¹ N andāza]; ~ handāzag ī	اندازه، روش؛ مانند
handēmān [hndym²n¹ = M]	پیش، درحضور <i>همی</i>

hāwištūh	Hordād
~īh:	شاگردی
haxt [h(ʰ)hrʰ]	ران، سرین، کفل
hāxtan, hāz- [hʰtmʰ, hʰc-]	ترغیب کردن، راهنمایی کردن، رهبری کردن، گرواندن
~išn:	ارشاد، ترغیب
hazār [4,000, hcʰ M hzʰr, N ~]	هزار
~ag [-kʰ N -a]	هزاره
hazzān [ʰhzʰnʰ]	گور، استودان، جایی که استخوان مرده‌ها را در آن می‌ریزند
hēn [hynʰ M hyyn]	لشگر
~īh:	حمله، هجوم
hērbēd [hyprʰ N hērbud]	هیرید، آموزگار علوم دینی
~īh:	هیریدی
hērbēdestān [hyprʰstʰnʰ]	هیریدستان، مدرسه هیریدی
~īh:	آموزش هیریدی، تحصیل علوم دینی
hērīg [hytykʰ N h/xērī]	خیری، شب‌بو
hēzag [hyckʰ (M hyjg), N hēz]	دلو
hil-, ~išn, → hištan.	
hindūg [hndwkʰ M hyndwg, N hindū]	هندی
~ān [-ʰnʰ]	هندوستان
hištan, hil-, (P hirz-) [S̄BKWN-tmʰ گماردن، قراردادن، گماردن < A √ šbq; (hlc-) M hyštn, hyl-, (P hyrz-), N ~]	ترک کردن، رها کردن، عفو کردن، قراردادن، گماردن
~išn:	رهایی، عفو
hixr [hyhl]	مدفوع، کثافت
hixtan, hanj- [hyhtmʰ, hnc- P hxr]	کشیدن (آب)
P hō [hwʰ = P]	آن، او
Hōm [hwm N ~]	هوم، گیاه مقدس
homānāg [h(w)mʰnʰkʰ N hamānā J xumānā], ō ... ~	مانند هوم، گیاه مقدس
~īh:	همانندی
hōmāst [hwmʰstʰ]	هماست (دعاهای مختلف)
hōm[ēn, -īg [hwmynʰ, -ykʰ]	هوم، منسوب به گیاه هوم
~ōmand [-ʰwmnd]	هوم دار
Hordād [hwrđʰ M hrwdʰd, N Xurdād]	خرداد (= کمال): نام پنجمین امشاسپند
	و نگهبان آب؛ گاه‌نما: نام سومین ماه سال و ششمین روز ماه

hanjaftan	hāwišt
hanjaftan [hncptnʰ P hnjft, (M hnzpt)]	انجام شدن
hanjāftan, hanjām- [hncʰptnʰ, hncʰm- P hnjʰft, hnjʰm-, (M hnzʰpt, N anjāmīdan)]	اجرا کردن، انجام دادن، کامل کردن
hanjām [hncʰm N anjām]	عاقبت، انجام، برآمد، نتیجه
hanjāman [hncmnʰ (P ʰnjmn, M hnzmn), N anjūman]	اجتماع، انجمن، گردهم‌آیی، مجمع
~īg [-ykʰ]	عضو برجسته انجمن، سخنران، خطیب
hanjīdan [hnc-ymʰ N ~] = hixtan.	
hannām [hnʰm = M] = handām.	
Harborz [hlbwlc N Alburz]	البرز، رشته‌کوهی که دور زمین را فرا گرفته است
harg [hlg cf. M hrʰg, Ar. xarj, xarāj]	خراج، مالیات؛ کار، کوشش
*harrōb- [hlwp- M hrwb-]	جمع کردن، گردآوری کردن
~išn(īh):	گردآوری، مجموعه
har(w) [KRA < A kʰ; hl M hrw, N har]	هر، همه، هریک
harwīn [hlwynʰ M hrwyn]	همه
harwisp [hlwspʰ M hrwsp]	همه
~īn [-ynʰ]	همه
harzag [hlckʰ N harza]	آزاد، رها
hāsʰr [hʰsl = Av. hāθra-]	هاسر: مقیاس زمان (۱/۱۲ شبانروز)؛ مقیاس طول (فوسنگ، یا ۱/۴ فوسنگ، یک میل)
haspīn [hspynʰ = M]	آسایش، استراحت
hast, ~īh [AYTʰ, -yh] = ʰast, ~īh.	
hašāgird [hšʰkltʰ M hšʰgyrd, N šāgird]	کادانش‌آموز، شاگرد
hašt [TWMNYA < A tmnyʰ; hštʰ = M, N ~]	هشت
~ād [80 N ~]	هشتاد
~dah [hštʰd N ~, hiždah]	هجده
ʰāwan [hʰwnʰ N ~]	هاون
ʰāwan [hʰwnʰ = Av. hāwani-]	بامداد (یکی از پنج بخش شبانروز)
hāwand [hʰwnd M hʰw(y)nd]	شبیبه، مانند
~īh:	شبهت، همانندی
hāwišt [hʰwštʰ]	دانش‌آموز، شاگرد

hu-menišn	hušk-kūn
hu-menišn [hwmyšn ¹]	نیک‌اندیش
hu-murwāg [hwmlw ² k ¹]	مروای نیک
hunar [hwnl M hwnr, N ~]	هنر، قابلیت، مهارت
hunarāwand [hwnl ² wnd M hwnr ² wynd]	ماهر، بافضیلت
~īh:	مهارت، هنرمندی
hunarōmand [hwnl ² wmnd N hunarmand] = hunarāwand .	
hunīdan [hwnym ¹]	بیرون کشیدن (شیره)، فشردن
huniyāg [hwnyd ² k ¹ N xunyā]	مطبوع، لذت‌بخش
~īh:	سرگرمی، لذت، رضایت‌خاطر
huniyāgar [hwnyd ² kl N xunyāgar]	خنیاکر، نوازنده، رامشگر
hu-niyōxš [hwnydw ² hš]	باتوجه
hunsand [hwnsnd = P, (N xursand)]	خرسند، خشنود
~īh:	خرسندی، خشنودی
hunušak [hwnšk ¹ = Av. hunuš]	فرزند (اهریمن)
hunušakēnīdan [hwnškyntm ¹]	زادن (اهریمنی)
hu-pādixšā(y) [hw ² thš ² (d)]	پادشاه خوب
~īh:	پادشاهی خوب
hu-passandagīh [hwpsndkyh]	رضایت
hur [SKL < A škr ² ; hwl]	مشروب الکلی، * قومیس یا قومیز (شیر ترش مادیان است که به عنوان مسکر مصرف می‌شده است)
huram [hwlm N xurram !]	خرم
~īh:	خرمی
hurām [hw ² m]	شاد
hu- -ramag [hwlmk ¹]	خوب رمه، دارای رمه خوب
~rust [-hws ¹]	خوب رسته
~sāzagīh [-s ² ckyh]	کسازگاری
~spās [-sp ² s]	سپاسگزار
husraw [hwshw ¹ (M hwsrwg), N xusraw]	خوش‌آوازه، نیکنام
~īh:	آوازه، نیکنامی
hušk [hwšk ¹ = M, N xušk]	خشک
~kūn [-ŠTE]	عقیم

hōšag	humāy
hōšag [hwšk ¹ M hwšg, N xōša]	خوشه، دسته؛ در نجوم: برج سنبله
hōšēnīdan, hōšēn- [hwšyn-ym ¹]	خشکاندن
hōšīdan, hōš- [hwš-ym ¹ M hwš-, N x~]	خشک‌کشدن، خوشیدن
hōy(ag) [hwy, -k ¹ M hwy]	(دست) چپ
Īrōm [hw ² m M hrwm, N Rūm]	بیزانس، روم
~āyīg [- ² dyk ¹]	بیزانسی، رومی، یونانی
hu- [hw- = M]	خوب -، نیک -
~īh:	خوب، خوبی
hu-bōy [hw ² bd]	خوشبو، معطر
~īh:	بوی خوش
hu-čašm [hwčšm]	نیک چشم، نیک‌خواه
~īh:	نیک‌خواهی
hu-čīhr [hwcyhl M hwcyhr, (N xūjīr)]	نیکو، هجیر، زیبا
hudā(ha)g [hw ² (h)k ¹ = Av. hudāh-]	خوب، نیکوکار
~īh:	نیکوکاری
hu- -dast [hw ² dst ¹]	تردست، ماهر
~dēn [-dyn ¹]	دارای دین خوب (مزدیسنی)
~dōšag [-dwšk ¹]	خوشایند
~ēwāz [- ² yw ² c]	خوش‌گفتار، دلجو
~ēwāzīh:	دلجویی
~fraward [-phwl ¹]	آمرزیده، مرحوم
hūg [HZWLYA < A ḥzyr ² ; hwk ¹ M hwg, N xūg]	خوک
hugar [hwgl]	ساده؛ نیکوکار
hu- -gōwišn [hwgw ² šn ¹]	خوش‌گفتار
~gugār [-gw ² l]	خوشگوار
hūkar(ag) [hwkl (k ¹) N xūkara]	خوکره
~kunišn [-kwnšn ¹]	خوش‌کردار
~mānīh [-m ² nyh]	نیک‌اندیشی، نیک‌خواهی
humat [hwmt ¹ = Av. humata-]	اندیشه نیک
humāy [hw ² m ² y N ~]	همای، مرغ سعادت؛ عقاب

-īzag [-yck¹ | M -ygz, N -īza]

— ایزه (پسونده تصغیر)

Ĵ

ĵād [y²t¹]

بهر، پاره

¹ĵadag [ytk¹ | M jdg]

فال، بخت

²ĵadag [ytk¹]

خاصیت، عرض

ĵādag [y²tk¹ | M ĵdg]

بهر، پاره؛ سبب، مورد

ĵadag-gō(w) [y²tkgwb¹]

وکیل، شفیع

~īh:

شفاعت

ĵadag-wihīrīh [ytkwlylyh]

تغییر، دگرگونی

ĵadārīh [yr²lyh]

نگاهداری

*ĵadišn [y²šn¹]

خاصیت، عرض

~īg [-yk¹]

عرضی، غیر اصلی

ĵādūg [y²nwk¹ | M ĵ²dwg, N ĵādū]

جادو، جادوگر

~īh:

جادوگری، جادویی

*ĵay [y²h | N ~]

جغ (درخت)

ĵagar [ykl | N ĵagar]

چگر

ĵah-, → ĵastan.

ĵahišn [yhyšn¹ | J jhyšn-]

اقبال، شانس، فال

ĵahišn-ayār [yhyšn hdyb² | N ĵhšy²r]

خوشبخت؛ جهشبار (نام شخص)

~īh:

خوشبختی

ĵahūd [yhwt¹ | N ĵhūd]

جهود

¹ĵām [y²m | N ~]

جام، شیشه

²ĵām [MANE < A m²n-lt; y²m | M ĵ²m, N ~]

جام، پیاله

¹ĵāmag [y²mk¹ | N ĵāma] = ²ĵām.

²ĵāmag [y²mk¹ | M ĵ²mg, N ĵāma]

جامه، لباس

ĵang [yng | M jng, N ~]

جنگ، پیکار، رزم

ĵār [y²wl | M ĵ²r]

هنگام، زمان

ĵastan, ĵah- [y²sm¹, yh-]

جستن، روی دادن پدیدار شدن

hu-škōh [hwškwv]

باشکوه، باوقار

~īh:

وقار

hušnūd(ag) [hwšnwtk¹ | M hwšnwd, N xušnūd]

خرسند، خشنود

~īh:

خرسندی، خشنودی

hu-tuxš [hwrvhš]

هنرمند

huwaršt [hwvšt¹ = Av. hwaršta-]

پرهیزگاری، کردار نیک

hu-xēm [hwym]

خوش خو، خوش خیم

~īh:

خوش خیمی، خوی خوش

hūxt [hwht¹ = Av. hūxta-]

گفتار نیک

*huzārag [hwc²lk | N xujāra]

کم، اندک، خرد

I

ī [Y, ZY- < A zy | M 'y(g), N ī] ضمیر موصولی: که، کدام؛ ادات ربط (کسره اضافه)

-īdan [-ym¹ | M -ydn, N ~]

— یدن (پسوند سازنده مصدر ثانوی)

-īg [-yk¹ | M -yg, N -ī]

— ی (پسوند سازنده صفت نسبی)

-īh [-yh | M -yh, -yy, N -ī]

— ی (پسوند سازنده اسم معنی)

-īhā [-yh² | = M, N -hā]

— ها (پسوند سازنده قید که بعدها به عنوان نشانه جمع

به کار رفته است)

-īh-istan [-yh-sm¹ | M -yh-y²sm]

— ایهستن (پسوند سازنده فعل مجهول و مشتق)

im [LZNE < A l-znh; 'm | M 'ym, N ~]

این

~čim rāy:

بدین سبب

~rōz:

امروز

-(i)m [-m | = M, N -am]

مرا، مال من (ضمیر متصل اول شخص)

-istan [-sm¹ | M -y²sm, N ~] → -īh-istan.

— استن (پسوند سازنده مصدر ثانوی)

-(i)š [-š | = M, N -aš]

او را، مال او، آن را، مال آن (ضمیر متصل سوم شخص مفرد)

-išn [-šn¹ | M -y²šn, N -iš]

— ش (پسوند سازنده ۱- اسم مصدر

۲- به آخر بن مضارع افزوده می شود و معنی لزوم و بایستن را می رساند)

-(i)t [-t | = M, N -at]

تو را، مال تو (ضمیر متصل دوم شخص مفرد)

-iz [-(y)c | M -yc, -yz]

هم، نیز (از ادات متصل قیدی)

ĵumbišn	kadār-iz-ē(w)
~išn:	جنبش، حرکت
ĵumbīhistan, ĵumbīh- [ywmbyh-stn ¹]	جنبانیده شدن
ĵuttar [ywdt M ĵwtr]	متفاوت، غیر از
~ih:	متضاد، مخالف
ĵuwān [ywb ² n ¹ (P yw ² n), N ĵawān]	جوان، یک جوان (جوانی)
~ih:	جوانی
ĵuxt [ywh ¹ (P ywxt), N ĵuft ¹]	جفت، دوتا

K

ka [AMT < A ² mt ¹ M k ² , N ki]	کاهی (= چه وقت)؛ اگر، چون
kabāh [kp ² h Ar. qabā]	قباء، جامه
kabārag [kp ² lk ¹ N ~a]	کباره (سبیدی که از چوب و حصیر بافند)، آوند، ظرف
kābēn [k ² py ¹ n ¹ N kāb ² n]	کابین، مهریه
kabīg [kpyk ¹ N kab/pī]	کپی، میمون
kabīz [kpyc (N kawīž)]	کویز (مقیاس غلات، ۱/۱۰ جریب)
kabk [kpk ¹ N ~]	کبک
~an ĵīr [- ² ncyl N ~]	کبکنجیر (نوعی دراج)
kabōd [kpw ¹ N ~]	کبود؛ کبوتر
kabōtar [kpw ¹ M kbwtr, N ~]	کبوتر
kāč [k ² c N kāš(ki)], ~ka:	کاش؛ کاشکی
kādag [k ² lk ¹]	سرگرمی، شوخی
kadag [k ² k ¹ M kdg, N kada]	کده، خانه
~bānūg [-b ² nwk ¹ N kadbānū]	کدبانو
~īg [-yk ¹]	اهلی؛ بنده، خدمتکار
~xwadāy [-hwr ² y P qdxywd ² y, N kadxudā]	کدخدا
kadām [k ² m M kd ² m, N kudām]	کدام، چه
~iz-ē(w) [-c-HD]	هرکدام
kadār [k ² l]	کدام، که
~iz-ē(w) [-c-HD]	هرکه

ĵahišn	ĵumbīdan
~išn, → ĵahišn.	
ĵašn [yšn ¹ N ~]	جشن، عید
ĵaw [Š ² < A š ² rn ² N ~]	جو
ĵāwēd [y ² wyr ¹ (P y ² wyd), N ~]	جاوید
ĵāwēdān [LOLMN < A l-'lma; y ² wyr ² n ¹ (P y ² wyd ² n, M ĵ ² yd ² n), N ~]	جاویدان، همیشه
~ag [-k ¹ (P -g), N ~a]	جاودانه، ابدی
ĵawēn [Š ² yn ¹ N ĵawīn]	جوین
ĵeh [y ² h, yyh = Av. ĵahī-]	جه (سر دیو مؤنث)
ĵīw [cyw ¹ , yyw ¹ = Av. ĵīwya-	شیر (تقدیس شده)
*ĵomā [ywm ² y]	هر دو؛ همراه با
ĵōrdā [ywt ² y, - ² k (P yw ² rd ² w), J *ĵwrd ² r]	دانه، غله
ĵō(y) [ywd, ywb ¹ N ~]	جوی، نهر
ĵōy-, ~išn, → ĵūdan.	
ĵud [ywd ¹ M ĵwd]	جدا، متفاوت؛ ضد
~az [N ĵuz]	جز، جدا از
ĵudāg [ywd ² k ¹ N ĵudā]	جدا، متفاوت
~ih:	جدایی؛ تفاوت
ĵūdan, ĵōy- [ywm ¹ , ywd- M ĵw ² dan, (ĵwy-), (N ĵawīdan)]	جویدن؛ بلعیدن (اهریمنی)
~išn:	عمل جویدن (اهریمنی)
ĵud- -beš [ywd ¹ byš]	بی‌گزند، پادزهر
~dādestān [-DYN ¹ A]	مخالف، ناموافق، ناسازگار
~dēw [-ŠDYA]	ضد دیو
~nāy [-n ² d]	واحد طول (شمش پا)
ĵud-ristag [ywd ¹ hystk ¹]	بی‌دین، مشرک
~ih:	بی‌دینی
ĵuy [ywg N ~]	یوغ
ĵumbāgih [ywm ² kyh]	جنبش
ĵumbēnīdan, ĵumbēn- [ywmbyn-ytn ¹]	جنبانیدن
ĵumbīdan, ĵumb- [ywm ² -ytn ¹]	جنبیدن

kamān	kār-āgāh
kamān [km ² n ¹ = M, N ~]	کمان ✕
~ dār [-d ² l N ~]	کماندار
kamar [kml N ~]	کمر؛ بند، کمر بند ✕
~ -band [-bnd N ~]	کمر بند ✕
kāmgār [k ² mk ² l P k ² mg ² r, N ~]	کامگار، مستبد
kamist [kmyst ¹]	کمترین
~ īh: pad ~īh,	حداقل
kāmistan, kām- [YCBEN-sm ¹ < A yšbh, √ šbh; k ² m-(y)stn ¹ M k ² m-yst]	آرزو کردن، خواستن
kām [-rawāg [k ² m twb ² k ¹ N ~rawā]	کامروا
~ -zī(w)išn [-zywšn ¹]	آزاد، خودکامه
kam-zōr [kmzwl N ~]	کم زور ✕
~ īh:	کم زوری
kan- , → kandan. ✓	
kanār [kn ² l N ~]	کنار، لبه؛ آشوش ✕
~ ag [-k ¹ M kn ² rg, N ~a]	کناره، مرز، سامان ✕
~ agōmand [-k ² wmnd M -gwmnd]	کناره مند، محدود
kandan, kan- [HPLWN-in ¹ < A √ hpr; kn-dn ¹ , -in ¹ M knd, N ~]	کندن؛ ویران کردن، نابود کردن ✕
kanīg [knyk ¹ M knyq]	کنیز، دوشیزه ✕
kanīzag [knyck ¹ M knyq, N kanīz(ak)] = kanīg.	
kantigr [knigl]	کتیر، تیردان
kāpūr [k ² pwl Ar. kāfūr]	کافور ✕
kar- , → kardan.	
¹ kār [k ² l M k ² r, N ~]	کار، امر، عمل ✕
~ framūdan:	کار فرمودن، مورد استفاده قرار دادن
² kār [k ² l], pl. ~ ān:	عموم
³ kār [k ² l].	کرته
kār- , → kištan.	
karafs [kaps N ~]	کرفس
kār-āgāh [k ² ks N ~]	کارآزموده، با تجربه

kaf	kamālīg
kaf [kp N ~]	کف، گل ولای ✕
kaf- , → kaftan.	
kafč [kpc N ~]	کفگیر، ملاقه ✕
~ ag [-k ¹ N ~a]	قاشق
kafš, ~ag [kps, -k ¹ N kafš]	کفش ✕
~ gar [-kl N ~]	کفشگر، کفکش
kaftan, kaf- [kp-tn ¹ P kft, kf-]	افتادن ✕
kāh [TBNA < A tbn ² N ~]	کاه، علف خشک ✕
kāh- , ~ išn , → kāstan.	
kahas [kts M khs]	کارین، فئات
kāhēnīdan, kāhēn- [k ² hyn-ytn ¹]	کاهش دادن، کم کردن
kāhīdan [k ² hyn ¹ N ~] = kāstan. ✕	
kahist [kss ¹]	کمترین
kah-rubāy [khlp ² d N ~rubā]	کهریا ✕
kahwan [khwn ¹ M qhwn, N kuhan]	کهن ✕
kākom [k ² kwm N ~]	قائم
~ ī spēd:	قائم سفید
kālbod [k ² lpwl (M k ² lbyd), N ~]	کالبد، قالب، تن
~ ōmand [- ² wmnd]	جسمانی
kam [km M kmb, N ~]	کام، کم، خورد ✕
kām [k ² m = M, N ~]	کام، آرزو، هدف ✕
kām- , → kāmistan.	
¹ kāmag [k ² mk ¹ N kāma]	کامه (انواع سوپ)
² kāmag [k ² mk ¹ N kāma] = kām.	
~ -hanjām [-hnc ² m]	کامکار، موفق
~ -hanjāmīh:	کامکاری، موفقیت
~ ōmand [- ² wmnd]	مشتاق، مایل
~ -widār [-w ² l N kām-guḏār]	کامروا، خودکامه
~ -xwadāy [-hwt ² y]	خودکامه، مستبد
kamāl [km ² l (M km ² r)]	سر (اهریمنی)
~ īg [-yk ¹]	سر، رئیس (اهریمنی)

karmīr

- karmīr** [kɫmyr]
kār-nāmag [k²n²mk¹]
karr [kl | M qr, N ~]
***karzang** [klɔŋ | M kyrzng, (N xarčang)]
kas [AYŠ < A ʔš | M ks, N ~]
 ~-iz [-c]
kāskēn [k²skyn¹]
 ~-(ag) murw [-k¹ | N kāskīna]
 ~-ēn [-yn¹]
kāstan, kāh- [k²stn¹, k²h- | N ~]
 ~išn :
kastār [kst¹l]
 ~īh :
kāstār [k²st¹l]
kaš [kš | N ~]
kašawag [kšwk¹ | N kašaw]
kašk [kšk¹ | N ~]
kaštīg [kštyk¹ | N kašrī]
***kawādak** [kw²tk¹]; → **kōdak**
¹**kay** [AYMT < A ʔymt | N ~]
²**kay** [kd | N ~] کی (لقب پادشاهانی که از پشت گشتاسب کیانی به پادشاهی رسیدند)؛
 ~ak [-k¹]
kayk [kdyk¹ | N ~]
kē [MNW < A mn-w | M ky, N kī]
P keč [kyc | = P]
kēd [kyt¹ | P qydyg]
 ~īgīh [-ykyh]
keh [ks | M kyh, N ~]
 ~tar [-t | N ~] = **keh**.
kem [kym]; → **kam**

kemi

- قرمز، لاکي
 کارنامه، تاریخچه
 کر
 سخرچنگ؛ در نجوم: برج سرطان
 کس، شخص
 کسی، (با ادات نفی) هیچکس
 سنگ لاجورد
 کاسکینه / کاسانه (= سبزه)، * کلاغ زاغی
 آبی متمایل به سبز؛ لاجوردی
 کاستن، کاهش دادن، کم کردن
 کاهش، نقصان
 خطا کار، ویرانگر
 خطا کاری، ویران سازی
 کاهش دهنده
 بغل
 کشف، لاک پشت
 کشک
 کشتی، قایق
 جوان؛ طفل
 کی، چه وقت
 کی (لقب پادشاهانی که از پشت گشتاسب کیانی به پادشاهی رسیدند)؛
 کیانیان
 کیک (روحانی دشمن زردشت)
 کیک (حشره)
 که (= چه کسی)، کدام
 کس، شخص
 فالگیر، جادوگر
 فالگیری، پیشگویی
 که (تر)، کم (تر)، جوان (تر)
 کمتر، خردتر

kār-āgāhīh

- ~īh :
karak [krk¹ | N ~]
karān [kl²n¹ | P kr²n, N ~]
kārawān [k²rw²n¹ | P k²rw²n, N kārwān]
 ~īg [-yk¹ | N ~ī]
karāwuš [kl²wš | N ~]
karb [klp]
karbāš [klb²š | N karbaš, ...]
karbūg [klpwk¹, klbwk¹]
kard [krt¹ | M kyrd, N ~]
kārd [SKYNA < A skyn²; k²t¹ | N ~]
¹**kardag** [kltk¹]
²**kardag** [krtk¹, kltk¹ | N karda]
kārdāg [k²ld²k¹]
kardagān [krt-, kltk²n¹ | M kyrdg²n]
kardagār [krtk²l | M kyrdg²r, N ~]
kardan, kun-, (P kar-) [OBYDWN-m¹ < A ساختن اجرا کردن، ساختن
 √ 'bd; krtn¹, kwn-, (kl-) | M kyrdn, kwn-, (P kr-), N]
 ~išn, → **kunišn**.
kardār [krt-, klrt¹ | N ~]
 ~īh :
kard-espās [krtsp²s]
kārezār [k²lyc¹l | M k²ryz²r, N kārzār]
kār-framān [k²tphm²n¹ | M k²rpm²n, Ar. qahramān]
karg [klg | N ~]
kargās [klk²s | N kargas]
kārīg [k²lyk¹ | N kārī]
 ~īh :
kark [klk¹ | N ~]
karkēhan [klkyhn¹]
karm [klm | P krm]
 تجربه، مهارت
 کرک، بلدرچین
 کران، کنار، سامان، پایان
 کاروان، ستون نظامی
 کاروانی، مسافر
 چرخشت
 کرپ (روحانی دشمن زردشت)
 کرباش، چلپاسه
 مارمولک
 کرده، عمل؛ امر، چیز
 کارد
 پاره، فصل، قسمت
 کرده، عمل -
 سرگردان، مسافر، مهاجر
 عمل، خدمت (ایزدان)
 توانا
 کردن، عمل کردن، اجرا کردن، ساختن
 √ 'bd; krtn¹, kwn-, (kl-) | M kyrdn, kwn-, (P kr-), N]
 کاری، فعال؛ کارگر، انجام دهنده
 فعالیت
 خدمتکار، ملازم
 میدان) کارزار
 کارفرما، سرکارگر
 کرگدن
 کرکس
 کارایی؛ جنگجو
 فعالیت
 کرک (= مرغ خانگی)، ماکیان
 کرکهن (= سنگ یمانی)، نوعی کوارتز
 عمل

kišwar [kyšw¹ M kyšwr, N ~]	کشور، اقلیم، سرزمین، قاره
kišwzār , → kišwānzār .	
kōb- , → kōftan .	
kōdak [kwtk¹ M qwdk, N ~]	جوان، کوچک؛ کودک
kōf [kwp = M, N kōh]	کوه، تپه؛ کوهان
~ag [-k¹ N kōha]	کوهه، زین
~īg [-yk¹ N kōhī]	کوهی، وحشی
kōftan , kōb- [kwp-tm¹ N ~]	کوفتن، زدن، خرد کردن
kōr [kwl M kwr, N ~]	کور
~-dil [-dyl M -dyl, N ~]	کوردل، اصلاح ناپذیر
kōstan [kwstn¹ = M, N ~]	کوفتن، زدن
kōš- , → kōxš- .	
kōšk [kwšk¹ N ~]	کوشک، کاخ، خیمه
kō(x)šīdan , kō(x)š- [kw(h)š-ym¹ M kvš-ydn, N kōšīdan]	کوشیدن، سعی کردن، ستیز کردن
~išn:	کوشش، ستیز
~išnīg:	کوشا
kōy [kwd N ~]	کوی، کوچه
kū [AYK < A ʔyk M kw, N kū, ki]	که؛ کجا؛ تا به
~gyāg [N kuḡā]	کجا
~tā: —	به طوریکه
kūč(ak) [kwc(k¹) N kūčak]	کوچک
kūk [kwk¹]	کوچک، کوتاه
kulāčag [kw¹čk¹ N kulīča]	کلوچه
kulāf [kw¹f̄ N kulāh]	کلاه، سرپوش
~ak [-k¹] N ~hak]	کلاهک؛ غلاف
kulang [klng N ~]	کلنگ
kullag [kwlk¹]	ملخ
kumīg [kwmyk¹]	معدنه
kun- , ~išn, → kardan , kunišn .	
kūn [ŠTE < A *št-h: kvn¹ N ~]	کون، مقعد، نشیمنگاه

kēn [kyn¹ = M, N kīn(a)]	کینه، بدخواهی، انتقام
~īg [-yk¹]	کینه‌جو، کینه‌ورز
kennār [kn¹l]	بربط، چنگ
~-srāy [-s¹d]	چنگ‌نواز
kēnwar [kynwl (M kynw¹r), N kīnawar]	کینه‌ور، کینه‌جو
~īh:	کینه‌جویی
kēr [kyl N ~]	کیر
kēsar [kysl]	قیصر
kēš [kyš = M, N ~]	عقیده‌دینی، کیش (در مورد غیرزردشتیان)
~-dār [-d¹l]	غیرزردشتی، فرقه‌گرا
kešīdan , keš- [k(y)š-ym¹ (M krš-), N kašīdan]	کشیدن، درآوردن
Kēwān [kyw¹n¹ Ar. kaywān]	درنجوم؛ کیوان
kēwūd [kypw¹ M k'ywūd]	جعبه، صندوق
kilēl [kyl (N kilīd)]	کلید
kirb [ktp M kyrb]	تن، قالب
kirbag [krpk¹ M kyrbg, N kirfa]	کوفه، عمل نیک، ثواب
~īg [-yk¹]	پارسا، بافضیلت
kirbakkar [krpkkl M kyrbkr]	کوفه‌گر، نیکوکار
~īh:	نیکوکاری
kirīh- [OBYDWNyh-, → kardan , klyh- M kyryh-]	کرده شدن، ساخته شدن
kirm [kln M krm, N ~]	کرم، مار
kirrēnīdan , kirrēn- [klyn-ym¹]	ساختن؛ آفریدن (اهریمنی)
kirrōg [k(y)hwk¹ M qrwg]	هنرمند، صنعتگر؛ ماهر، متخصص
~īh:	هنر، صنعت، فن، تخصص
kiš [k(y)š M kš, N ~]	خط، شیار
kišnīz [kšnyc] = gišnīz .	
kištan , kār- [ZLYTWN-tm¹ < A √ zr¹; kyštm¹, k¹l- M kyšt, k¹r-, N ~]	کشتن؛ شخم زدن، افشاندن
kištār [ZLYTWN¹l]	کشت
kišw , ~ān [kyšw¹, -¹n¹ P kyšf¹n]	کشت
~(ān)zār [-c¹l (N kištār)]	کشتزار

mā

M

mā [AL < A 'l M m', N ma]	نه
~agar [N magar]	مگر؛ مبادا
mād [AM < A 'm-y, → mādar M m'd]	مادر
¹ mādag [NKĒ < A nqb: m'tk' (M m'yg), N māda]	ماده
~ih :	مادگی
² mādag [m'tk' (M m'yg, N māya)]	ماده، مایه
~īg [-yk']	اساسی
~war [-wl]	اساسی، مخصوص، مهم
madan [m'n' M mdn]	آمدن
madār [m'tl]	آینده، کسی که می‌آید
mādar [AMYtl < A 'm-y; m'tl M m'dr, N ~]	مادر
¹ mādayān [m'tgd'n' M m'dy'n]	کتاب
² mādayān [m'tyd'n']	ماهیت، زمینه، هسته؛ اساسی، اصلی؛ صحنه شترنج
mādišt [m'tyšt']	* ماده، سفیده یاخته (= پرتوپلاسم)
mādīyān [m'tyg'n N ~]	مادیان
may [my N ~]	مغ، گودال، سوراخ
magas [mks P mgs, N ~]	مگس
~ī angubēn :	مگس انگبین (زنبور عسل)
magind [mkn'd M mgyn(d)]	سپر، حایل
māh [BYRH < A b-yh; m'h = M, N ~]	(کره) ماه؛ ماه؛ گاه‌نما: دوازدهمین روز ماه
māhīg [m'hyk' M m'hyg, N māhī]	ماهی؛ در نجوم: حوت
māhīgān [BYRH-, m'hyk'n' M m'hyg'n, N māhiyān]	ماه (ماه‌های سال)
mahist [mss't, mhs't M mhyst, N ~]	مهست، بزرگترین
makōg [mkwk' M mkwg, N makō(k)]	مکوک، قایق
mālīdan [m'lym' N ~] = muštan.	
man [L < A l-y M mn, N ~]	من، مرا
mān [m'n' = M]	مان، خانه، مسکن
¹ mān-, → māndan.	

mān-

kundāg

kundāg [knd'k' | M qnd'-, N kundā]

~ih :

kundur [kwndl | N ~]

kunišn [kwšn' | M kwnyšn]

~gar [-kl | M -gr]

kunjid [ŠMĒ < A šmšm'; kwnc(y)t' | N ~]

kūn-marz [kwnmrc]

kurkum [kwkwrm]

kurrag [kwrk' | N ~a]

¹kust [kwst']²kust [kwst' | Ar. qust]kustag [kwstk' | M kwstg] = ¹kust.

~bed [-pt']

kustīg [kwstyk' | N ~ī]

kuštan, kuš- [NKSWN-tn' < A √ nks; kwš-tn' | M kwšt, kwš-, N ~]

lipī

فالگیر، جادوگر

جادو، نجوم

کندر

کنش، عمل

کننده، انجام دهنده

کنجد

لواط؛ لواطگر

زعفران

کره اسب، کره‌الاغ

سمت، سوی، ناحیه

قسط (گیاهی از تیره زنجبیلیها که ۱۵ گونه دارد)

فرمانده ناحیه

کستی، کمربند مقدس

کشتن

L

lab [lp | M lb, N ~]

lābag [l'p'k | (M r'b), P l'b, N lāba]

lābakkar [l'p'kk'l]

~ih :

lašan [lcn' | N ~]

larzīdan, larz- [lrc- ym' | P lrz-, N ~]

laškar [lšk' | N ~]

~īg [-yk' | N ~ī]

~īgīh :

lawzēnag [hwcyнк' | N ~īna]

*lipī [lpyh]

لب

لابه

لابه کننده

لابه‌گری

لجن، گل و لای

لرزیدن، مرتعش شدن

لشکر

لشکری، سرباز

سربازی

لوزینه (شیرینی که با آرد بادام و شکر تهیه می‌شود)

یک درجه (از قوس)

mard	mašk
mard [GBRA < A <i>gbr</i> ² ; <i>mlt</i> ¹ M <i>m(y)rd</i> , N ~]	مرد
mārdan, mār- [<i>m¹l-m¹</i>]	درک کردن، ملتفت شدن، حس کردن
~išn:	درک
~išnōmand [<i>-šn¹wmnd</i>]	دریابنده
mardānag [<i>mlt²nk¹</i> N ~a]	مردانه، شجاع
~īh:	مردانگی، شجاعت
mardōm [ANŠWTA < A ² <i>nšwt</i> ² ; <i>mltwm</i> M <i>mrdwhm</i> , N <i>mardum</i>]	انسان، بشر، مردم
~īh:	انسانیت، مردمی
mardōm-zādag [<i>mltwm z¹tk¹</i> N <i>mardum-zād</i>]	مردم‌زاده، بشر
~īh:	مردمی
marg [<i>mlg</i> M <i>mrg</i> , N ~]	مرگ
~arzān [<i>-¹lc¹n¹</i>]	مرگ‌زان، شایسته مرگ
~īh: = marg.	
~ōmand [<i>-¹wmnd</i>]	فانی
mārīg [<i>m¹lyk¹</i> M <i>m¹ryg-</i>]	افسون، کلام
marw [<i>mlw¹</i> M <i>mrw</i> , N ~, (<i>mary</i>)]	گیاه
marz [<i>mlc</i> M <i>mrz</i> , N ~]	مرز، سرحد؛ در نجوم: قرآن
marzangōš [<i>mlcngwš</i> N ~]	مرزنگوش
marzīdan, marz- [<i>mlc-ytn¹</i> M <i>mrzyst</i> , <i>mrz-</i>]	جفت‌گیری کردن
~išn(īh):	جفت‌گیری، جماع
marz(o)bān [<i>mlcp²n¹</i> N ~]	مرزبان، مرزدار
-masāy [<i>-ms²d</i>]	مسای، اندازه گرفته شده (پسوند)
mast [<i>mst¹</i> = M, N ~]	مست، مدهوش
māst [<i>m²st¹</i> N ~]	ماست
mastarg [<i>mstlg</i> (M <i>mstgrg</i>)]	جمع‌مه
mastōg [<i>mstwk¹</i>]	مست، مدهوش
~īh:	مستی، مدهوشی
māš [<i>m²š</i> N ~]	ماش، بنشن
¹ mašk [<i>mšk¹</i> N ~]	مشک
² mašk [<i>mšk¹</i> N <i>maškō</i>]	مشکو، سرپرده، چادر

mān-	marčābukīh
² mān- [<i>m¹n-</i> = M]	زندگی کردن، سکنا گزیدن
~išn:	جا، مسکن
³ mān- [<i>ma¹n-</i> = M, N ~]	مانند بودن
mānag [<i>m¹nk¹</i> P <i>m¹ng</i>]	ذهن، فکر
mānāg [<i>m¹n²k¹</i> M <i>m¹n²g</i> , N <i>mānā</i>]	مانا، مانند، شبیه
~īh:	شبهت، همانندی
mānbān [<i>m¹np¹n¹</i>]	سگ نگهبان
mānbed [<i>m¹npt¹</i>]	صاحبخانه، آقای خانه
mānd [<i>m¹nd</i> = M]	خانه
māndag [<i>m¹ndk¹</i> M <i>m¹ndg</i> , N ~a]	مانده، خسته؛ بی حال؛ تقصیر، گناه
~īh:	ماندگی، خستگی
māndan, ¹mān- [KTLWN- <i>m¹</i> < A √ <i>kt</i> r M <i>m¹nd</i> , N ~]; → ^{2,3} mān	ماندن؛ باقی ماندن
mang [<i>mng</i>]	منگ
mānīg [<i>m¹nyk¹</i>]	عضو خانه، صاحبخانه
mānistan [KTLWN <i>stn¹</i>] = māndan .	
māništ [<i>m¹nyšt¹</i>]	مسکن، منزل
~ag [- <i>k¹</i>]	مقیم، مستقر
māns r [<i>m¹nst</i> = Av. <i>māθra-</i>]	مانسر (= کلام مقدس)، افسون
~bar [- <i>bl</i>]	موبد
~spand [- <i>spnd</i> = Av. <i>spanta-</i>]; → māraspand	مانسر سپند (= کلام مقدس)
¹ mar [<i>ml</i> M <i>mr</i> , N ~]	آمار، حساب، عدد؛ رتبه
² mar [<i>ml</i>]	بدکار، تبهکار
mār [<i>m¹l</i> N ~]	مار
mār- , ~išn, → mārdan .	
marag [<i>mlk¹</i>]	عدد
mārāg [<i>m¹l²k¹</i>]	حساس، دریابنده
Māraspand [<i>m¹rspnd</i> N ~] (= māns¹rspand)	مارسپند؛ گاه‌نما: نام
*marčābuk [<i>mlc¹ṗwk¹</i>]	بیست و نهمین روز ماه
~īh:	چابک، شجاع
	چابکی، شجاعت

mēnōg(īg)īh	mizagdārīh
~(īg)īh:	روح، روحانیت
mēnōg-wēn [mynw̄k HZYTWN]	دارای بینش روحانی
~īh:	بینش روحانی
mērag [myl ^k ']	مرد جوان، شوهر
mēš [HLLN < A rhl ?; myš = P, N ~]	میش، گوسفند
mēšag [myš ^k ']	ادار
mēš-sār [myšs ^l N ~]	میش سار (آلت زینتی)
mēwag [myw ^k M myw, N mēwa]	میوه
mēx [myh P myx, N ~]	میخ، قلاب
~ ī gāh:	میخ‌گاه؛ در نجوم: ستاره قطبی
^{1,2} mēz-, → ¹ mēzišn, mistan.	
mēzd [my(ʔ)zd N mēz]	غذا، نذر، قربانی
~bān [-p ^l n ^l N ~]	میزبان
¹ mēzišn [myčšn ^l]	چشمک، چشم برهم زنی
mih [m ^l ']	دروغ، متضاد، مخالف
mihōxt [myowht ^l = Av. miθaoxta-]	دروغ
¹ mīhr [m ^l r ^l M myhr, N ~]	مهر؛ خورشید؛ گاه‌نما؛ هفتمین ماه سال و شانزدهمین روز ماه
² mīhr [m ^l r ^l , ...] ~ druxtan:	پیمان، قرارداد؛ پیمان شکستن
³ mīhr [m ^l r ^l , ...]	مهر، دوستی
mihrbān [m ^l r ^l p ^l n ^l P myhrb ^l n, N ~]	مهربان، یاور
mīhr-drōz [m ^l r ^l dlw ^c] = mīhrōdruj.	
mīhrōdruj [m ^l r ^l ʔw-, m ^l r ^l w ^c -dlw ^c = Av. miθrō.drujīm]	پیمان‌شکن
~īh:	پیمان‌شکنی
mīhr-zan [m ^l r ^l zn ^l] = mīhrōdruj.	
mij(ag) [myc(k ^l) N miž(a)]	مژه؛ پلک
mijūg [myc-, myšw ^k N mižū]	مشو، عدس
mīr-, → murdan.	
mistan, ² mēz- [mstm ^l , myc- N mēzīdan]	ادرار کردن
~išn(īh):	ادرار، عمل ادرار
mizag [m(y)ck ^l N maza]	مزه
~dārīh [-d ^l lyh]	چشایی (حس)

maškabarzēn	mēnōgīg
~abarzēn [- ² p̄lzy ⁿ M maškbrzym]	سراپرده، شاهی
maškīzag [mškyck ^l N ~a]	مشکیزه، سفره
maxš [mħš]	مگس
may [HS < A {mur ^l ?; mdy M my, N ~}]	می
mayān [m ^l dy ^l n ^l M my ^l n, N miyān]	په میان؛ بین، وسط
~ag [-k ^l N ~a]	میان، میانگین
mayān jīg [m ^l dy ^l ncyk ^l N miyān.jī]	میانجی، واسطه، داور
~īh:	میانجیگری
mayg [KMCA < A qmš ^l ; mdk ^l N ~]	ملغ
māyišn [m ^l dšn ^l]	جفت‌گیری
māzandar [m ^l z-, m ^l cndl]	مازندر (دیو بزرگ)، غول
māzanīg [m ^l znyk ^l]	(دیو) مازنی
māzdešn [m ^l z ^l d(y)sn ^l M m ^l zdyš]	مزدیسن، مزداپرست
~īh:	مزدیسنی، مزداپرستی
mazg [mzg (M mgj, N mayz)]	مغز، نخاع
mazgit [mzgr ^l N ~]	مسجد
mēdyōzarm [mytywzlm = Av. maiḍyōi.zarāmaya-]	بهار
mēy [myy P myg, N ~]	میغ، مه
meh [ms M mhy, myh, N ~]	مه (تر)، بزرگ (تر)
mēhan [myhm ^l N ~]	میهن
mehēnīdan, mehēn- [msyn-ytm ^l]	افزودن، بزرگ کردن
~išn:	افزایش
mehmān [m(ʔ)hm ^l n ^l P myhm ^l n, N ~]	میهمان، ساکن؛ پذیرفتنی
~īh:	میهمان‌نوازی؛ سکونت
mehtar [mstl, ms ^l tl (< P ms ^l dr) N ~]	مہتر، بالغ
~īh:	مہتری
menīdan, men- [myn-ytm ^l M mn-, N man-]	انفکر کردن، تصور کردن
~išn:	خوی، منش، نیت
~išnīg:	با ملاحظه، با فکر
mēnōg [mynw̄k M mynw̄g, N mīnō]	آسمانی، مینویی؛ مینو (= روح)
~īg [-yk ^l]	مینوی، روحانی

must

- ¹must [mwst¹]
- ²must [mwst¹] = mušt.
- ³must [mwst¹]
- must|-abarmānd [mwst¹plm¹nd]
- ~gar [-kl]
- mustōmand [mwst¹wmnd | N mustmand]
- ¹mušk [mwšk¹ | N ~]
- ²mušk [mwšk¹ | (N mūš)]
- mušt [mwšt¹ | N ~]
- muštan, māl- [mwšt¹, m¹l- | N ~]

N

- nab [np | N nawa] نوه
- nabānazdišt [nb¹nzdšt¹ = Av. nabānazdišta-] خویشاوند نزدیک
- nāf [n¹p̄ | M n¹p] خانواده
- ~ag [-k¹ | N nāf(a)] زیناف
- ¹naft [npt¹ | = M, N ~] نفت؛ مرطوب، نمناک
- ²naft [npt¹] پشت، نسل
- nahang [nsng] استان
- *nakkīrā [nkyl¹y] ردکنند، منکر
- ~yih: رد، انکار
- nāl- [n¹l- | P (n¹r-), N ~] نالیدن، شکوه کردن
- nam [nm | N ~] نام
- nām [šM < A šm; n¹m | = M, N ~] صدا، آواز
- namad [nmr¹ | N ~] نماد
- nāmag [MGLTA < A mgl¹; n¹mk¹ | M n¹mg, N nāma] کتاب
- namak [nmk¹ | M nmyhk, N ~] نمک
- namāz [OSGDE < A sgdh; nm¹c | = M, N ~] تکریم، دعا، نماز
- ~burdan: نماز بردن، تعظیم کردن

namāz burdan

ظلم، فشار

- مُست، شکوه
- مهاجم، تجاوزگر
- سرکش، ظالم
- گله‌مند، ناشاد
- مُشک
- موش
- مُشت
- مالیدن، زُفتن

mizagōmand

- ~ōmand [-¹wmnd]
- mīzd [m(y)zd | N mīzd]
- ~war [-wbl | N -ūr]
- mizīdan, miz- [myc- ytn¹ | N mazīdan]
- *mīznē [m(y)zmydy]
- mōg [mwk¹]
- mowmard [mgw-ml¹, -gGBRA | N muy]
- mōr [mw¹ | N ~]
- mōrd [mwlt¹ | N ~]
- morwārid [mwltw¹lyr¹ | M mwrw¹ryd, N ~]
- *mowbed [mgwpt¹ | N mōhad]
- mōy [mwd | M mwy N ~]
- mōyag [mwdk¹ | N mōya]
- mōyēn [mwdyn¹]
- mōz [mwe | N ~]
- mōzag [mwck¹ | N mōza]
- *mūdāg [mwtk¹]
- muy [DKRA < A dql¹ | N mux]
- muhr [mwd¹ | M mwhr, N ~]
- ~ag [mwhtk¹ | P mwhtg, N ~a] مهر / مهره / مهره / مهره / مهره
- *muhrišn [mwltšn¹]
- mulān [mwlt¹n¹]
- P murd [mwlt¹ | P mwrt¹ !]
- murdan, mīr- [YMYTWN-in¹ < A ymwrtwn, √ mwt; mwlt¹n¹ | M mwrd, myr-, N ~] مردن
- murdār [mwrt¹l, mwld¹l | N ~] مردار
- murnjēnīdan, murnjēn- [mwltncyn-ytn¹]
- murw [mwht¹ | M mwrw, (N mury)] مرغ، پرند
- murwāg [mwhtw¹k¹ | M mwrw¹, N murwā] مروا، فال
- murwīzag [mwhtwyck¹]
- murw-nīš [mwhtwnyš]

murw-nīš

- مزه دار
- مزد، پاداش، پرداخت
- مزدور
- مکیدن
- شبنم، میغ
- مغ مرد
- مور
- مورد (گیاه)
- مروارید
- موبد
- موی
- مویه
- مویین
- موز (میوه)
- موزه، کفش
- خراب، تباہ
- مُخ، نخل
- مهر
- مهره، مهره نرد، دانه تسبیح
- مدفوع
- شکم (اهریمنی)
- مرگ
- مردن
- مردار
- نابود کردن
- مرغ، پرند
- مروا، فال
- مرغک، پرندۀ کوچک
- پیش‌بین، فالگیر

nazdist

nazdist [nzdst¹]**nāzišn** [n²cšn¹ | N nāziš]**nāzūk** [n²cwk¹ | (M n²zwg), N ~]**nē** [LA < A l² | M ny, N na]**nēk** [nywk¹ | M nyk, N ~]

~ih:

nēk-gōhr [nywk gwhl]

~ih:

nēkōg [nywkwk¹ | M nyyqww¹, N nēkō] = **nēk**.**nēm** [PRG < A plg; nym | = M, N ~]~ag [nymk¹ | N ~a]~asp [-²sp] نیماسب (اسبی که از کمر به بالا به شکل آدمی است): درنجوم: برج قوس

~rōz [-hvc | M -rvc, N ~]

~fan [-m¹ | N ~]**nērang** [nyhng | N ~]**nērōg** [nyhwk¹ | M nyrwg, N nērō]~ōmand [-²wmnd]**nēst** [LOYT¹ < A l²yty | M nyst, N ~]

~ih:

nēw [TB < A tb; nyw¹ | = M, N ~]~ardaxšīr [nyw²lthšyl | N nard¹]**nēzag** [nyck¹ | N nēza]**nēzūmān**, ~īg [nycwm²n¹, -yk¹ | M nyzwm²n]

~ih:

nibard [npl¹ | N nabard]~ag [-k¹ | N ~a]**nibardīdan**, **nibard-** [npl¹-ym¹ | P nbrd²d]**nibastan**, **nibay-** [npstn¹, npd- | M nbst]**nibāstan**, ***nibāy-** [np²stn¹ | M nb²st, P nb²y-]**nibēg** [npyk¹ | M nbyg, N nūwē]**nibēm** [npdm | (P nbdm-)]

nibēm

نخست

۱- نازش، فخر ۲- مهربانی

نازک، نرم؛ بی ثبات

نه، خیر

نیک، زیبا

نیک، کار نیک، مهربانی

نیک گوهر، با فضیلت

فضیلت، خوبی

نیم

نیمه، سوی، جهت

نیماسب (اسبی که از کمر به بالا به شکل آدمی است): درنجوم: برج قوس

نیمروز، جنوب

نیمه تن، میان تن

نیرنگ، سحر، افسون

نیرو، زور

نیرومند، زورمند

نیست

نیستی

نیو (= دلیر)، خوب

نرد (بازی)

نیزه

نردست، ماهر

نهارت، ظرافت

نبرده، پیکار، جنگ

نبرده، باتجربه

نبرد کردن، جنگیدن

خوابیدن، دراز کشیدن

تسلیم شدن، زمین نهادن

نی (= نوشته)، کتاب، کتاب مقدس

خوابیده، دراز کشیده

nām-burdār

nām-burdār [n²m bwl²t¹ | N ~]**nāmčīšt** [n²m-, ŠMcš¹t¹], (**pad**)~:~īg [-yk¹]**nāmīg** [n²myk¹ | N nāmī]

~ih:

nān [LHMA < A lhm²; n²n¹ | = M, N ~]**nang** [nng | N ~]**nar** [ZKL < A zkr; nl | M nr, N ~]**nargis** [nlgs | N ~]**nārīg** [n²(y)lyk¹]**narm** [nlm | M nrm, N ~]**nasā** [ns²y | M n(y)s²h, N ~]**nask** [nsk¹ | N ~]**nasrušt(īh)** [nslwšt¹, -yh]**nastaran** [nstn¹ | N ~]**nawad** [90 | N ~]**naxčīr** [nhcyl | M nhcyhr, P nxcyr, N ~]**naxōd** [nhwt¹ | N ~]**P naxšag** [nhšk¹ | P nxšg]**nāxun** [n²hwn¹ | P nxwn, N nāxun]**naxust** [nhwst¹ | M nxwst, N ~]**nay** [KNYA < A qny²; n²d | N ~]**nay-**, → **nīdan**.**nāy** [n²d | M n²y, N ~]

~pazd-:

***nāydg** [n²ywr²k¹]**nayestān** [KNYAs²n¹ | N ~]**nāy-srāy** [n²dsl²d]**nazd** [nzd | = M, N ~]**nazdīk** [nzdyk¹ | = M, N ~]

~ih:

nazdīkīh

وارث، حافظ نام پدر

بو یژه، مخصوصاً

مشهور، معروف

نامی، مشهور

شهرت

نان، قوت

شرم، حیا

نر، مردانه

نرگس

بانو، زن، همسر

نرم، فروتن، متواضع

جسد، مردار

نسک (هر یک از بخشهای اوستا)

پلیدی، فساد

نسترن، گل دشتی

نود

نخجیر، شکار، سرگرمی

نخود

خوب، ظریف

ناخن (انگشت)

نخست

نی، نیشکر

نای، فلوت؛ دیرک، واحد طول (= ده پا)

دمیدن، نواختن (نی)

گود، قابل کشتی رانی، گذر نکردنی

نیستان، نیزار

نی زن

نزدیک

نزدیک

نزدیکی

nihuftan	*niwēy-
nihuftan, nihumb- [nhwpm ¹ , nhwmb- = M, N ~]	نهفتن، پنهان کردن، پوشاندن، برتن کردن
nihumbīdan [nhwmbym ¹] = nihuftan .	
*nikōhīdan, nikōh- [nkwh-ytm ¹ N ~]	نکوهیدن، نفرین کردن
~išn:	نکوهش
~išnīg:	قابل نکوهش، نفرت‌انگیز
nīl [nyl N ~]	نیل
nīlōpal [nylw(k)pl N ~, nīlōfar]	نیلوفر
nimūdan, nimāy- [nmwtn ¹ , nm ² d- M nmwdn, nm ² y-, N ~]	راهنمایی کردن، نمودن، نشان دادن
nīrfs- [nlps-]	کاهش دادن، کم کردن
~išn:	کاهش، نقصان
nīrmad [nylmt ¹]	بهره، سود
~ōmand [- ² wmnd]	پرسود
P nisāg [nys ² k ¹ P nys ² g]	درخشان، باشکوه
nīš- [nyš- M nysš-ydn, nīš-]	دیدن، مشاهده کردن
nīšān- , → nīšāstan .	
nīšān [nyš ² n ¹ = M, N nīšān]	نشان، علامت
nīšast [nšst ¹ N ~]	نشست، گردهم‌آیی
nīšāstan, nīšīn- [YTYBWN-sm ¹ < A √ytb; nšstn ¹ M nšst, (nšyy-, N ~)]	نشستن
nīšāstan, nīšān- [YTYBWN-sm ¹ , - ² n-; nš ² sm ¹ , nš ² n- M nš ² st, (nš ² y-, N ~)]	نشانیدن، قرار دادن، پی‌افکندن، کاشتن
nīšāyīšn [nš ² dšn ¹ M nš ² y-, → nīšāstan]	بنیاده، اساس
nīšēb [nšyḫ ¹ N ~]	نشیب؛ در نجوم: حضيض
~īg [-yk ¹]	سراسیمه
nīšēm [nšdm M nšym, N ~an]	جا، جایگاه
~ag [-k ¹]	منزل، اقامتگاه
nīšīn- , → nīšāstan .	
nīwāg [nw ² k ¹ M nw ² g, N nawā]	آهنگ، سرود، نوا
*niwē [nwyk ¹ (N niwēd)]	نوید
*niwēy- , ~išn, → nīwīstan .	

nibištan	*nihēb
nibištan, nibēs- [YKTYBWN-tm ¹ < A yktbwn, √ktb; npštn ¹ M nbyšt, nbys-, N ~]	نوشتن
nīdan, nay- [DB(Y)LWN-tm ¹ < A √dbr M nydñ, ny-]	هدایت کردن
nīdom [nytwm]	کمترین، کوچکترین
nīfrīdag [nplytk ¹ N nīfrīd]	نفرین شده
nīfrīn [nplyn ¹ N ~]	نفرین
nīgāh [nk ² s M ng ² h, N ~]	نگاه، توجه
~dāštan:	نگاه داشتن، مواظب بودن، محافظت کردن
~kardan:	نگاه کردن
~dārīh, ~dārīšnīh [-d ² l(šn)yh N ~dārī]	نگاهداری، مواظبت
nīgān [nk ² n ¹ P ng ² n]	مدفون
nīgār- [nk ² l- M ng ² r-, N ~]	نگاشتن، کشیدن، تصویر کردن
~ag [-k ¹ (M ng ² r, N nīgār)]	نگاره، پیکر، طرح
nīgāstār [nk ² st ² l]	نگاهداری؛ دفاعی
nigerīdan, niger- [nkyl-ytm ¹ N nīgarīdan]	نگریدن، مشاهده کردن
~išn:	نگرش، ملاحظه
~išnīg:	معلوم، هویدا
nīgēxtan, nīgēz- [nkyhtn ¹ , nkyc-]	توضیح دادن، شرح دادن
~išn:	شرح
nīgēz [nkyc]	شرح
nīgūn [nkwn ¹ N ~]	نگون، وارون
~īh:	نگونی، ژرفا
~sār [-s ² l M ngwvs ² r (P ngvvs ² r)]	نگونسار
nīhādag [nyd ² tk ¹ M nyh ² dg]	نهاد، اساس
nīhādan, nīh- [HNHTWN-tm ¹ < A hnht, √nht M nyh ² d, nyh-, N ~]	بنا نهادن، گذاشتن، قرار دادن
nīhāl [nh ² l N ~]	نهاد، درخت نونشانده
nīhān [nyh ² n ¹ N ~]	پنهان، پنهان
~īg [-yk ¹ N ~ī]	پنهانی
nīhang [nsng]	اندک، کم
*nīhēb [nyhyḫ ¹ N ~]	ترس، وحشت

ō ham madan

ōšmārag

~ham madan:

گرد آمدن؛ به پایان رسیدن

*ōbad-, → ōbastan, *ōftādan.

ōbārdan, ōbār- [ʔwpʔl-mʔ | M ʔwbʔrd]

او باریدن، بلعیدن

ōbastan, *ōbad- [NPLWN-smʔ < A √ npl; ʔwpstnʔ, ʔwpt- (→ ōft-.)]

افتادن

| M ʔwbyst, J ʔwβst-]

*ōftādan, ōft- [ʔwpt- | M ʔwptʔd, N uft~]

افتادن

ōgār [ʔwkʔl]

جزر

ōgārdan, ōgār- [ʔwkʔl-mʔ]

بیرون انداختن، دفع کردن

*ōgrā [ʔwglʔy]

افت، پایین رفتگی

ōh [KN < A kn | M ʔwh]

ایدون، چنین؛ (با فعل، مفهوم تردید را می‌رساند):

شاید، ممکن است

Ohrmazd [ʔwhrmzd | M ʔwhrm(y)zd, N Hōrmuzd]

هرمز؛ در نجوم: مشتری؛

گاه‌نما: اولین روز ماه

-om [-wm | = M, N ~]

-ام (پسوند سازنده عدد ترتیبی از پنجم به بعد)

-ōmand [-ʔwmnd | M -wmnd, N -mand]

-مند (پسوند سازنده صفت توصیفی)

*ōrēb(īh) [ʔwlyp(yh)]

ناامیدی

ōrōn [ʔwhwnʔ | M ʔwrwn]

اینجا

az ... ~:

از ... تاکنون

ōsān- [ʔwsʔn- | = M]

فرو افکندن

ōspurdan, ōspar- [ʔwspɫ-mʔ]

سپردن (= پایمال کردن)، لگدمال کردن

ōst°, → awest°.

ōst [ʔwstʔ]

محکم، قابل اعتماد

ōstīgān [ʔwstyɔnʔ | M hwstygʔn, N ustuwān ?]

محکم، قوی، قابل اعتماد، مطمئن

~īh:

پایداری، استحکام

ʔōš [ʔwš | = M, N bōš]

X اوهوش، فراست

~īh: = ōš.

ʔōš [ʔwš | = M]

مرگ

ʔōš [ʔwš]

سپیده دم

ōšastar [ʔwšst]

مشرق

ōš(e)bām [ʔwšbʔm | M ʔwšybʔm]

سپیده دم

ōšmārag [ʔwšmʔlkʔ | N šumāra]

۲ آمار، شماره

niwēyēnīdan

ō ham kardan

*niwēyēnīdan [nwykyn-ytnʔ] = niwistan.

niwistan, *niwēy- [nwstnʔ, nwyd- / nwyk-]

اعلام کردن، خبر دادن

~išn(īh):

خبر

nixwār- [nswbʔl- | M nyawʔr-]

شتافتن

~išn:

شتاب

niyābag [nydʔp̄kʔ | M nyʔbg]

درخور، سزاوار، مناسب

~īh:

تناسب

niyāg [nydʔkʔ | M nyʔg, N niyā]

نیا، جد

niyāyišn [nydʔdšnʔ | N ~iš]

نیایش، دعا

niyāz [nydʔc | M nyʔz, N ~]

نیاز، فقر، احتیاج

~ōmand [-ʔwmnd | N ~mand]

نیازمند

~ōmandīh:

نیازمندی، لزوم

niyōxšīdan, niyōxš- [n(y)dwšš-ytnʔ | M nywš-, N niyōšīdan]

نیوشیدن، شنیدن

~išn:

نیوشش

nizār [nzʔl | (P nyzʔwr), N ~]

۴ نزار، کم‌زور

~īh:

نزاری

nizārīh- [nzʔlyh-]

نزار شدن

nō [TŠA < A iš° | M nwh, N nuh]

۵ نه (عدد)

nōg [nwkʔ | M nwg, N naw]

۶ نو، تازه

~-rōz [-lwc | N nawrōz]

۷ نوروز

~-zād(ag) [-zʔt(k)ʔ | N nawzād]

نوزاد

nohom [nhwm | = M, N ~]

۸ نه

nōzdah [nwzdah | N ~]

۹ نوزده

nūn [KON < A kʔn | M, J mwn]

اکنون

O

ō [OL < A ʔ; ʔw | M ʔw]; → ōh

به، در

~gird āmadan:

گرد آمدن، جمع شدن

~ham kardan:

به هم کردن، جمع کردن

padēxīh

pad-pānag

~īh:

padēxēnīdan, padēxēn- [p̄tyhwyn-ytn¹]کامیابی
کامیاب کردن، خوشبخت کردنpādēz [p²tyc | M p²dyz, N pāyēz]

پاییز

pad-gōhr [PWNgwhl]

۱- به گهر آراسته ۲- گوهری (= اصیل)، نجیب‌زاده

pādīfrāh [p²tpl²s | M p²dyp²h, N *pādaf²rāh]

پادفراه، کيفر

padīr-, ~išn: → padīriftan.

padīrag [p̄tylk¹ | M p̄dyrg, N padīra]

به سوی، پذیره، در برابر

(ō) ~ madan:

به پذیره آمدن

~īh:

pādīrān [p²tg²n¹]

برخورد، رودرویی

pādīrān(ēn)īdan, pādīrān(ēn)- [p²tg²n¹(yn)-ytn¹]

عقب مانده، فرونشاندن

pādīriftan, padīr- [MKBLWN-m¹ < A maql, √qbl; ptgl-ptn¹]

جلوگیری کردن، مانع شدن

پذیرفتن، قبول کردن

| M p̄dyr-yptn, N padīruftan]

~išn:

پذیرش، قبول

¹padisār [p̄tys²l | N padīsār ?]

آغاز، اساس

²padisār [p̄tys²l]

افسار، دهنه

padisāy [p̄ts²d | M p̄dys²y]

به خاطر، به سبب

padist [p̄ts²l | P p̄dyst]

عهد، قول، تهدید

~(abar) burdan:

پیمان بستن

padistādan, padist- [p̄tyst²tm¹ | (P p̄dystwd)]

قول دادن، پیمان بستن

padistā(g) [p̄tyst²k¹ | (M p̄dyst²w)] = padist.

padiš [p̄tš | M p̄dyš]

بدان، بدو؛ يسواژه (pad =) به و...

padištān [p̄tyšt²n¹ | P p̄dyšt²n]

پا

padišxwar [p̄tšhwl]

طرف، کاسه

pādixšā(y) [ŠLYTA < A šlyt²; p²thš²(d) | M p²dxš²y]

پادشاه؛ نیرومند، مقتدر، مجاز

~īh:

پادشاهی، اختیار

pādixšīr [p²thšyl]

پیمان، موافقت‌نامه

pad-nērōg [PWNNyhwk¹]

به نیرو، قوی

pad-nigerišn [PWNNkyšn¹]

به دقت

pādofrāh [p²hwpl²s] = pādīfrāh.pad-pānag [PWNP²nk¹]

محافظت شده، مواظبت شده

ōšmurdan

padēx

ōšmurdan, ōšmār-, (ōšmur-) [MNYTWN-m¹ < A √mnh; ²wšmwltm¹, ²wšm²l- | M ²(w)šm²r-, N šumurdan, šumār-]

حساب کردن، شمردن؛

بررسی کردن، به یاد آوردن، توجه کردن، تصور کردن

~išn:

ōšmurdīg [²wšmwlytk¹]

شمارش؛ بررسی، رسیدگی

ōšōmand [²wš²wmnd]

شمرده شده (تقویم شمسی)

ōšyār [²wšd²l | N h~]

فانی

هوشیار

ōwōn [²wgw²n | M ²w²n]

چنین، چون

ōy [OLE < A ²l-h | M ²wy, N ~]; (pl. awēšān)

او، آن

*ōyrišt [²w(k)ylš²t = Av. awaoirīšta-]

اوپرشت (نام درجه‌ای از گناه)

ōz [²wc]

زور، نیرو

ōzadan, ōzan- [YKTLWN-, ŸKTLWN-m¹ < A yq²lhw², √qt; ²wctm¹]

کشتن

| M ²wzd²n, ²wzn-]ōzōmand [²wc²wmnd]

زورمند، نیرومند

P

pa(č)čēn [pcgm¹]

رونویس

*pa(č)čībāg [pcyp²k¹, PWNc- | N *pačīw]

فریبنده

~īh:

فریب، دورویی

*pa(č)čībāy- [pcyp²d-, PWNc-]

فریفتن

pad [PWN, برای *pty | M pd, N pa]

به، در، برای، بوسیله

pad- [pt- | M *pd-]

افتادن

padām [pd²m | (N panām)]

پنাম (پارچه‌ای که پیشوایان زردشتی به هنگام مراسم

مذهبی بر دهان می‌بستند)

¹pādan, pāy- [NTLWN-m¹ < A √nr; p²tm¹, p²d- | M p²d, p²y-, N pāyīdan]

پاییدن، حمایت کردن، نگهداری کردن

²pādan, pāy- [NTLWN-m¹, . . .]

ایستادن، منتظر شدن

pādāšn [p²td²šn¹ | M p²d²šyn, N pādāš]

پاداش، مزد

padēx [p̄tyhw²]

بهره‌مند، کامیاب

- ¹pahrēxtan, pahrēz** [p'hlyhtn¹, p'hlyc- | M phryz-, J ~, N parhēxtan, parhēz-] پرهیختن، دوری کردن، اجتناب کردن
- ²pahrēxtan, pahrēz-** [p'hlyhtn¹, p'hlyc- | M (phrystn), phryz-] حمایت کردن، مراقبت کردن، مواظبت کردن
- pahrēz** [p'hlyc | N parhēz] پرهیز، دفاع
- *pahrmāh-** [ptlm²h- | (N parmās-)] پرمتاسیدن، لمس کردن
- ~āgīh** [-²kyh], **~išn**: احساس، تماس
- pāk** [DKYA < A dky²; p²k¹ | = M, N ~] پاک، تمیز، مقدس
- ~ih**: پاکیزگی، تقدس
- pākīzag** [p²kyck¹ | N ~a] پاکیزه
- palang** [plng | N ~] پالنگ
- ~mušk** [-mvšk¹ | N ~] پلنگمش / پلنگمشک (نام گیاهی است)
- pālūdāg** [p²lwtk¹ | N ~a] پالوده (خوردنی که از نشاسته پزند و با شربت تند خورند)
- pālūdān, pālāy-** [p²lwtm¹, p²l²d- | (M p²rvdn, p²ry-) , N ~] پالودن، تصفیه کردن، صاف کردن
- pambag** [pmbk¹ | N panba] پنبه
- ~ēn** [-yn¹] پنبه‌ای
- pānāg** [p²n(²)k¹ | M p²ng] حامی، نگاهبان؛ چوپان
- ~ih**: حمایت
- panāh** [pn²h | = M, N ~] پناه؛ حامی
- pad ~ grifan**: به پناه گرفتن
- ~ih**: حمایت
- pand** [pnd | = M, N ~]
- panīr** [pnyl | N ~] پنیر
- panj** [pnc | P pnj, (M pnz), N ~] پنج
- ~ag** [-k¹ | N ~a] خمسه؛ پنجه، دست
- ~āh** [-²h | N ~] پنجاه
- pānzdah** [p²ncdh | M p²nzdh, N ~] پانزده
- ¹pārag** [p²lk¹ | N pāra] پاره، بخش، قطعه
- ²pārag** [p²lk¹ | M p²rg, N pāra] هدیه، پیشکش، رشوه
- parāhōm** [pl²hwm = Av. para.haoma-] پراهوم، نوشیدنی مقدس (مخلوط هوم)، شاخه درخت انار و شیر که در مراسم مذهبی به کار می‌رود

- P pādrāzm** [p²tlcm] جنگ
- pād-rōzag** [p²tlwck¹ | M p²drwczg] روزه‌دار
- pād-uzwān** [p²r²wzw²n¹] کتمان‌کننده
- ~ih**: کتمان
- pad-wizēn** [PWNwczyn¹] گزیده، ممتاز
- pādyāb** [p²ty²p̄ | N ~] پادایب (= تطهیر شده)؛ مراسم تطهیر
- ~ih**: مراسم تطهیر
- pādyāwand** [p²tyd²wnd | J p²dywnd] زورمند، نیرومند
- ~ih**: زور، برتری
- pādzahr** [p²tzh | N pā(d)zahr] پادزهر، تریاق
- pad-zyān** [PWNzyd²n¹] زیان‌آور
- pāfšār-** [ppš²l-] شرمسار کردن
- pāfšīr-** [ppšyl-] شرمنده شدن
- ~išn(ih)**: شرم
- pah** [p²h] گوسفند
- ~ast** [-sr¹] آغل، طویله
- pahikaftan, pahikaf-** [ptkp-tm¹ | M phykf-] برخورد کردن، حمله بردن، زدن، لمس کردن
- ~išn**: حمله، پیکار
- pahikāftan, pahikāf-** [ptk²p-tm¹] جنگ کردن، فرو گرفتن
- pahikar** [ptkl | M phykr, N paykar] پیکر، تصویر
- pahikār** [ptk²l | M phyk²r, N paykār] پیکار، جنگ، مجادله
- ¹pahikār-** [ptk²l-] جنگیدن، شکست دادن، مجادله کردن
- pahikārdan, ²pahikār-** [ptk²l-tm¹] درخواست کردن، ادعا کردن، رایزنی کردن
- pahikōftan, pahikōb-** [ptkwp-tm¹] زدن
- pahlawīg** [²p²hlwbyk¹ | (M phlw²nyg), N pahlaw(ān)ī] پارتی؛ پهلوی
- pāhlom** [p²hlwm] بهترین، برترین، پیشترین
- ~ih**: برتری
- pahlūg** [p²hlwk¹ | N pahlū] پهلوی، کنار
- pahn** [p²hm¹ | N ~] پهن، فراخ
- ~āy** [-²d | N ~ā] پهنای، فراخی

parwānag

passandišnīg

parwānag [pɰw'nk' | M prw'ng, N ~a]

پروانه، رهبر

~īh:

پروانگی، پیشوایی، رهبری

parwand [pɰwnd | N ~]

پروند، حصار، فراگیری

parwand-, → parwastan.

P parwāngāh [*pɰw'ng's]

تخت

parwār [pɰw'w' | N ~]

فروار؛ بارو؛ حومه، اطراف

parwardan, parwar- [pɰwl-tn' | M prwrđn, N~]

تغذیه کردن، پروردن، تعلیم دادن، پرورش دادن

~išn:

تغذیه، پرورش، تعلیم

parwast [pɰwst']

حصار

parwastan, parwand- [pɰwstn', pɰwnd-]

احاطه کردن، در میان گرفتن، دربرداشتن، دارا بودن

parwāz [pɰw'z | N ~]

پرواز

parzīn [pɰzyn' | M prczyn, J przyn, (N parčīn)]

پرچین، نرده

pas [AHL < A 'ḥr; BATL < A b-'tr; ps | = M, N ~]

پس، سپس، دنبال

~ az:

پس از

~īh:

عقب

pās [p's | = M, N ~]

پاس، مواظبت

~dāštan:

پاس داشتن، نگهبانی کردن

pāsbān [p'sp'n' | M p'sb'n, N ~]

پاسبان، نگهبان

~īh:

پاسبانی، دفاع

pas-dānišnīh [AHLd'nšnyh]

ناآگاهی، نادانی

pasēmāl [psym'al, → hamēmāl]

مدافع، متهم

~īh:

دفاع (قانونی)

pasēn [psyn' | N pasīn]

پسین، آخرین

pāsox [p'shw' | N ~] = passox.

passand [psnd | N pasand]

پسند، میل

passandīdan, passand- [psnd-ym' | M psynd-, N

پسندیدن، تأیید کردن

pasandīdan]

~išn:

پسند، تأیید

~išnīg:

پسندیدنی

pardag

parwālišn

pardag [pɰk' | N parda]

پرده، حجاب

pardaxtan, pardaz- [pɰdɰtn', pɰdz- | M prdx, N~], ~az:

پرداختن از، فارغ شدن از

~ ō:

به عهده گرفتن، پرداختن به ...

~išn:

آزادی، تعهد

pardāxtan, pardāz- [pɰd'ɰtn', pɰd'z- | N ~]

پرداختن، به انجام رساندن

~az:

(خود را) آزاد کردن از

pargandan, pargan- [pɰkn-, pɰgn-dn' | (P pr'gnd, N parāgandan)]

پراگندن، بخش کردن، توزیع کردن

pargast [pɰgst' | N ~]

پرگست (= مبادا)، خدای ناکرده

pargūd [pɰgw' | P pr'gwdg], ~az:

رها، خالی از

parīg [pɰyk' | M pryg, N parī]

پری

parisp [pɰsp | M prysp]

دیوار

paristag [pɰstɰk' | N pīrista]

پیشخدمت

~īh:

پرستش، خدمت

paristār [pɰst' | N parastār]

پرستار

parisfidan, parist- [pɰst-ym' | M pryst-, N parastīdan]

پرستیدن، خدمت کردن

~išn:

پرستش، خدمت

paristōg/k [pɰstwk' | P prstwg, N pīristū(k)]

پرستو

parnagān [pɰnyk'n' | M prng'n, N parniyān]

پرنیان

parr [pɰ | M pr, N ~]

پر، بال

parrag [pɰk', pɰg | P prg, N ~a]

پر

~īg [-yk']

پردار

parrēxtan, parrēz- [pɰɰɰn', pɰz-]

زاید بودن، زیادی بودن

parrōn [pɰwn' | M prwn]

دوره، آن سو

parrwar [pɰwl | M prwr]

پردار

pārsīg [p'slyk' | N pārsī]

پارسی

parš [pɰš]

خالدار، لکدار

parwāl [pɰw' | (P prwrz)]

پرواری، تغذیه

parwāl- [pɰw' | (P prwrz'dn)]

پروردن، تغذیه کردن

~išn:

پرورش

- pāy** [LGLÉ < A rglh; p'dy | M p'y, N ~] پا، ساق پا؛ پا (واحد طول = ۱۲ اینچ) α
 1. 2 **pāy-**, → 1. 2 **pādan.**
- payādag** [pd'tk' | M py'dg, N pīyāda] پیاده، پیاده‌نظام، پیاده (در بازی شترنج) α
- pāyag** [p'd(y)k' | N pāya] اساس، پایه α
- paydāg** [pyr'k' | M pyd'g, N paydā] پیداء، آشکار، پدیدار α
- ~ih:** پیدایی، ظاهر
- paydāgēnīdan, paydāgēn-** [pyr'kyn-yin' | M pyd'gynyd] آشکار ساختن، شرح دادن α
- paydāgīhistan, paydāgīh-** [pyr'kyh-sin'] آشکار شدن، پیدا شدن
- payg** [pdk' | (P pdg), N ~] پیک، پیاده‌نظام
- *paygāl** [pyg'l | N payyāla, piyāla] پیاله، کاسه α
- ~gar** [-kl] پیاله‌ساز
- paygām** [pgt'm' | M pyg'm, N pay(y)ām] پیغام α
- ~bar** [-bl | N -bar] پیغامبر، فرستاده α
- pāygōs** [p'tkws | M p'ygwš] استان، ناحیه
- paymān** [ptm'n' | M pym'n, N ~] پیمان؛ دوره، اندازه؛ اعتدال α
- ō ~ madan:** به سن بلوغ رسیدن
- ~ag** [-k' | N ~a] پیمان، اندازه، دوره α
- paymānīg** [ptm'nyk'] به اندازه، متعادل
- ~ih:** اعتدال، اندازه
- *pāymār** [PKDWN < A pqdwn; p'tym'l] انتصاب، واگذاری α
- paymāy-**, → **paymūdan.**
- paymōg** [ptmwg | M pymwg] جامه، لباس
- paymōxtan, paymōz-** [ptmwhin', ptmwc- | M pymwxt, pymwc-] پوشیدن، دربرکردن
- paymōzan** [ptmwcn' | M pymwcn] جامه، لباس
- paymūdan, paymāy-** [ptmwīn', ptm'd- | N ~] پیمودن، اندازه گرفتن α
- *pāyram** [p'tlm] عامه، مردم
- payrāstan, payrāy-** [pt-, pyl'sin', pyl'd- | M pyr'st, pyr'y-, N pērāstan] آراستن، پیراستن
- payrāyag** [pyl'dk' | M pyr'yag, N pērāya] پیرایه، زینت
- payrōg** [pthwk'] فروغ، روشنی

- passāxt** [ps'ht'] آزمون
- passāxtan, passāz-** [ps'htn', ps'c- | M ps'xt, ps'c-] آماده کردن، ساختن؛ جا دادن؛ امتحان کردن α
- ~išn:** تدارک، ترکیب
- passazag** [psck' | M pscg] درخور، مناسب
- ~ih:** تناسب
- passox** [pshw' | M pswx, N pāsux] پاسخ
- past** [pst' | N ~] پست، پایین؛ در نجوم: حضيض α
- pašēmān** [pšym'n' | = M, N ~] پشیمان، توبه کار α
- ~ih:** پشیمانی، توبه α
- pašm** [pšm | N ~] پشم α
- ~ēn** [-yn' | N ~in] پشمین α
- pašn** [pšn'] پیمان، موافقت
- pašnag** [p'snk' | N ~a] پاشنه
- pāšom** [p(š)šwm] برترین
- paššing** [pšng | N pišing] پشنگ، قطره
- paššin'jag** [pšnck' | N pišan'ja] قطره
- paššin'jīdan, paššin'j-** [pšnc-yin' | N pišan'jīdan] پشنجیدن، ترشح کردن
- ~išn:** ترشح
- pašt(ag)** [pšt(k)' | J pšt] پیمان، موافقت، عهد
- *pattān** [pt'n'] صدا، طنین
- ~ōmand** [-'wmmnd] طنین‌دار
- pattāyistan** [pt'dsin'] = **pattūdan.**
- pattūdan, pattāy-** [ptwīn', pt'd- | P ptwdn, M pt'y-] ماندن، دوام آوردن، باقی ماندن، تاب آوردن
- pattūg** [ptwk'] بردبار، پراقت، با پشتکار
- ~ih:** بردباری، پشتکار، تحمل
- paxšag** [phšk' | N paša] پشه
- 'pay** [pdy | N ~] پا؛ جاپا، ردپا
- ~ī:** پی، دنباله
- ²pay** [pdy | M pyy, N ~] پی، عصب α

pērōzgarīh

pih

- ~īh : پیروگری
- pēs [pys | N ~] پیس؛ پیس‌دار، خط خط
- pēsīdan, pēs- [pys-ytn'] زینت کردن، رنگ کردن
- ~išn : زینت
- pestān [pyst'n' | N ~] پستان
- pēš [LOYN' < A l'-yn-, pyš | = M, N ~] پیش
- ¹pēšag [pyšk' | N pēša] پیشه، بازرگانی؛ رسته، صنف
- *pēšag [pyšk'] اندام، عضو، بخش
- pēšānīg [pyš'nyk' | N pēšānī] پیشانی
- pēšār [pyš' | M pyš'r] پیشوا، رهبر
- ~būdan : گناهکار بودن، مرتکب گناه شدن
- pēšārwar [pyš'lw' | → pēšyār] ادرار (= عمل ادرار کردن)
- pēšēmāl [pyšym' | → hamēmāl] مدعی
- ~īh : پیگرد
- pēšēnīg [pyšnyk' | (M pyšyn(g), N pēšīna)] پیشین؛ پیشترین، آزاده
- pēš-gāh [gyšg's | N ~] پیشگاه؛ تالار حصار
- pēš-kār [pyšk' | N ~] پیشکار
- pēšōbāy [pyš(')wp'd | M pyšwb'y, N pēšwā] پیشوا، رهبر
- ~īh : پیشوایی
- pēš-pārag [pyšp'lk' | N ~a] پیش‌پاره، پیش غذا
- pēšyār [pyšk' | N ~] پیشاب، ادرار
- petīt [pytyt' = Av. paitīta-] توبه
- ~īg [-yk'] توبه‌کار
- ~īgīh : توبه‌کاری، تنبّه
- petyārag [p(y)tyd'lk' = Av. paityāra- | M pty'r, N paityāra] بدبختی؛ دشمن؛ در نجوم: پشپاره
- ~īh : (حمله) اهریمن
- ¹pid [AB' < A 'b-y: p(y)t' | M pyd] پدر
- ²pid [p(y)t' | (M pyt) P pyd] گوشت
- pidar [ABYt, → ¹pid; pyt | M pydr, N ~] پدر
- pih [pyhw'] خوراک، قوت

paywand

pērōzgar

- paywand [ptwnd | (M pywn), N ~] پیوند؛ فرزند
- paywand-, → paywastan.
- paywāsag [ptw'sk'] خرچین، کیف چرمی
- paywastag [ptwstk' | N ~a] پیوسته
- paywastan, paywand- [ptwstn', ptwnd- M pywst, (pywyn-), N ~] پیوستن، متصل کردن
- paywāz- [ptw'c- | M pyw'z-] پاسخ دادن، جواب دادن
- ~ag [-k'], ~išn : جواب
- paz-, → poxtan. ^{کستن}
- pāzand [p'cnd | N ~] پازند (تفسیر پهلوی اوستا (= زند) که با حروف اوستایی نوشته شده است)
- pazd [pzd | = P] اذیت، ستم
- pazd- [pzd- | = M] دمیدن، نواختن
- pazdagīh [pzdkyh] اخراج، دفع
- pazdēnīdan, pazdēn- [pzdyn-ytn' | P pzd-] ترساندن، تعقیب کردن
- pāzen [p'c(y)n' | M p'cn, N pāzan] پازن، بزکوهی
- pazūg [pzwk' | (N payūk, xabazdū)] خبز دو (نوعی سوسک)
- ~ī gūhgard / gūhward : سرگین گردانک
- pazzāftan [pz'p'm | (M pzpt, intr.)] پزاندن، عمل آوردن
- pazzām- [pz'm-] رسیدن، عمل آمدن
- ~išn : رسیدگی (میوه)، عمل آمدگی
- pazzāmēnīdan [pz'myn-ytn'] = pazzāftan.
- pēčīdan, pēč- [pyc-ytn' | N ~] پیچیدن، درهم بافتن
- pēm [pym] شیر
- pēmēnīdan, pēmēn- [pymyn-ytn'] متورم کردن، برآمده کردن
- pen [p(y)n'] بخیل، پست، خسیس
- ~īh : پستی، بخل
- pērāmōn [pyl'mwn' | M pyr'mwn, N ~mūn] پیرامون
- pērōz [pyhw | M pyrhwz, N ~] پیروز
- ~īh : پیروزی
- pērōzgar [pyhwckl | N ~] پیروگر

pūdāgīh

- ~īh:
 1puhl [pwhl | N pul]
 2puhl [pwhl]
 puhlēnīdan [pwhlynm'¹]
 purnāy [pwn'ā = Av. pərənāyu-]
 purr [MALE < A mlh; pwl | M pwr, N~]
 ~gāh [-g's]
 ~māh [-m'h]
 purr-marg [-mlg]
 ~rawīšnāh [-hwšnyh]
 ~sardag [-sttk'¹]
 ~xwarrah [-GDE]
 pursīdan, purs- [pwr-s-ym'¹ | M pwr-s-ydn, N~]
 ~išn:
 ~išnīg:
 pus [BRE < A br-h; pws | = M, N~]
 ~ar [BREL, pws | M pwsr, N~]
 ~yān [pwsd'n'¹ | M pwsy'n'¹]
 pušt [pws't' | = M, N~]
 puštag [pws'tk'¹]
 puštībān [pws'tykp'n'¹ | N~]
 ~īh:

rabih [lpyh | M rbyh]

rad [r' | N~]

~īh:

rād [r't' | P r'd, N~]

~īh:

rādīh

- بودگی، فساد
 پهل
 دیه، کفاره؛ کیفر
 کفاره دادن
 برنا، بالغ
 پُر
 مردنی، در حال نزع
 ماه پر، بدر
 پر مرگ، کشنده
 پُری
 پرسوده، دارای انواع گوناگون
 پُرفره
 پرسیدن
 پرسش
 مسؤول، مطلع

پسر

پسر

رحم

پشت، عقب؛ پستی، حمایت

پشته، باری که بر پشت حمل می‌شود

پشتیان، حامی

پشتیبانی، حمایت

R

ظهر، (گرمای) نیمروز

رد، پیشوای مذهبی، سرور

مقام ردی، سروری

راد، بخشنده

رادی، بخشندگی

pīh

- pīh [TLBA = A nb'; pyh | N~]
 pīl [pyl | M pyl, N~]
 ~bān [-p'n'¹ | N~]
 pillagān [plk'n'¹ | M pylg, N~]
 pīm [pym]
 ~gēn [-kyn'¹]
 pīr [pyl | N~]
 ~īh:

pīring [plng | M pryng, (N pirind)]

pist [pst' | N~]

pistag [pstk'¹ | N pista]

pišiz [pšyc | N~]

pōhišn [pwhšn'¹]

pōlāwad [pwl'p'r' | M pwl'wd, N pōlād]

~ēn [-yn'¹]

pondik [pndk' / Ar. b'fundug]

pōr [pwl | N~]

pōryōtkēš [pwyw(k)tkyš = Av. paōryō.tkaēša-]

~īh:

pōst' [pws't' | = M, N~]

~ēn [-yn'¹ | N ~īn]pōšīdan, pōš- [pws'-ym'¹ | N~]

~išn:

potk [pwtk' | N~]

poxtan, paz- [APPWN-t'n' < A √'ph; pwhm'¹, pc- | M pwxin, N~]

pōy- [pwd- | (P pwd-), N~]

~išnīg:

pōz(ag) [pwc(k'¹) | N pōz(a)]pūdag [pwtk'¹ | N pūda]

pūdāg

پیه، چربی
 فیل؛ فیل (بازی شترنج)

فیلبان

پلکان، نردبان

درد، اندوه، محنت

اندوهگین

پیر، مسن، قدیمی

پیری

پرند

پست، آرد سرخ شده

پسته

پشیز (سکه کوچک مسی)

زوال، فساد

فولاد

فولادین

فندق

دراج

پوریو تکیش، (یکی)

از نخستین آموزگاران دین زردشتی

بنا بر سنن نخستین آموزگاران دین رفتار کردن

پوست، چرم؛ پوست درخت، قشر

پوستین

پوشیدن، در بر کردن، بر تن کردن

پوشش

پتک

پختن،

طبخ کردن

پویدن، دویدن

پوینده، دونده

پوز / پوزه

پوده، فاسد، گنده

ranjag	rāyēnišn
~ag [-k ¹ N ~a]	رنجه
ranjēnīdan, ranjēn- [lncyn-ytn ¹]	رنجانیدن
ranjwar [lncwl (M rnzwr), N ranjūr]	رنجور، غم‌زده
rapihwin ['lpys-, lpty-pyn ¹ , -wyn ¹ = Av. rapīθβīna-]	گاه بعدازظهر، (یکی از پنج بخش شبانروز)؛ جنوب
~tar [-tl]	جنوبی
rasan [lśn ¹ N ~]	رسن
rasēnīdan, rasēn- [lsyn-ytn ¹]	رسانیدن
rasīdan, ras- [YHMTWN-tm ¹ < A yhmtywn, √ mt ² ; ls-ytn ¹ M rs-ydn N ~]	رسیدن، کامل شدن
rāspīg [l ² spyk ¹]	راسپی (دومین موبد انجام دهنده مراسم دینی)
rāst [l ² st ¹ M r ² st, N ~]	راست، مستقیم، صریح
~īh:	راستی
rastag [lstk ¹ N rasta]	رده، رشته، سلسله؛ عنصر
rastan, rah- [lsm ¹ , l ⁽²⁾ h- N ~]	رستن
rastārīh [lśt ² lyh]	فرار، رهایی
rasūg [lswk ¹ (N rāsū)]	راسو
Rašn [lśn ¹ M rśn, N ~]	رشن (= ایزد عدالت)؛ گاه‌نما: هیجدهمین روز ماه
raštān, *raz- [lśtn ¹]	رنگ کردن
raw- , → raftan .	
rawāg [hwb ² k ¹ N rawā]	جاری، رایج
~īh:	جریان، رواج
rawāgēnīdan, rawāgēn- [hwb ² kym-ytn ¹]	رواج دادن، به حرکت درآوردن
rawēnīdan, rawēn- [SGYTW ² Nyn-ytn ¹ , → raftan]	وادار به رفتن کردن، کشاندن
rawīšn [hwbśn ¹ , SGYTW ² Nśn ¹ , → raftan N rawīš]	جنبش، حرکت
~īh:	رفتار؛ (به عنوان پسوند، اسم معنی می‌سازد)
rāy [l ² d M r ² y, N rā]	برای، به سبب (پسواژه)
rāyēnāg [l ² dyn ² k ¹ M r ² ym ² g]	مدیر
rāyēnīdan, rāyēn- [l ² dyn-ytn ¹ M r ² ym-ydn]	ترتیب دادن، رهبری کردن، هدایت کردن، متشکل کردن
~išn:	عمل، وظیفه؛ ترتیب

radag	ranj
radag [ltk ¹ M rdg, N rada]	رده، ردیف، رسته
radōmand [lt ² wmnd]	دارای رد
rad-passāg [ltps ² k ¹]	مراسم جشنهای گاهنبار
radunay [ltwny = Av. ratunaya-]	کسی که زیر نظر و راهنمایی رد است
raftan, raw- [SGYTW ² N-m ¹ < A √ sg ² ; hwb- M rptn, rv-, N ~]	رفتن، پیش رفتن، حرکت کردن
~išn, → rawīšn .	بروز، سبکی، سوزش
raftār [lpt ² l N ~]	رونده
rag [lk ¹ M rg, N ~]	رگ
~īh:	خوی، منش
ray [lg̃y P rg]	تند، زود
rāy [l ² g N ~]	راغ، دشت
rah [ls, lt, lh̃y M rh(y)]	گردونه، کالسکه
rah- , → rastan .	
rāh [l ² s M r ² h, N ~]	راه، جاده
rahag [lhk ¹ P rhg = rag.]	
rāh-dār [l ² sd ² l N ~]	راهدار، راهزن
~īh:	راهزنی
rahīg [lsyk ¹ , lhyk ¹ M rhyg, N rahī]	رهی، بچه، مرد جوان
~īh:	بچگی
rāh-nimāy [l ² snm ² d (M r ² hnmwd ² r), N ~numā]	راه‌نما
rām [l ² m M r ² m, N ~]	رام (= آرامش): گاه‌نما: بیست و یکمین روز ماه
ram(ag) [lm(k ¹) P rm, N ram(a)]	رَمه، گله
rāmēnīdan, rāmēn- [l ² myn-ytn ¹ M r ² myn-]	آرامش بخشیدن، خوشی دادن
rāmišn [l ² mśn ¹ M r ² myśn, N rūmiš]	راحتی، آرامش، خوشی
~īg [-yk ¹ N ~išī]	راحت، آسوده
rān [l ² n ¹ N ~]	ران
P rān- [l ² n-]	جنگیدن
randīdan, rand- [lnd-ytn ¹ N ~]	رنده کردن، خراشیدن، ساییدن
rang [lng M rng, N ~]	رنگ، لون
ranj [lnc P mj, (M mz), N ~]	رنج، زحمت

riyahrīh	rōzēnīdan
riyahrīh [ld ^h hlyh]	تمسخر، ریشخند
rōb [lwp]	سیرت
rōb- [lwp- N ruftan, ~]	زُفتن، مالیدن
rōbāh [TALE < A r ^l l ² ; lwp ² h N ~]	روباه
¹rōd [lwr ¹ M rwd, N ~]	رود
²rōd [lwr ¹ N ~]	رود (آلت موسیقی)
rōd-bār [lwtb ² l N ~]	رودبار، ساحل
rōdīg [lwt ² k ¹ (N rōda)]	روده، شکمبه؛ روده‌ای (مربوط به روده)، امعاء (جمع)
rōyn [M(H)ŠYA < A nišh ² ; lwkn ¹ P rwgn, (M rwyyn), N rauyan]	روغن، کره
~xwardīg [-hwltyk ¹]	شیرینی
rōn [lwn ¹ M rwn]	سوی، جهت
ō...~:	به سوی
rōspīg [lws ² pyk ¹ N ~]	روسی
~ih:	روسیگری
rōstāg [hw(t)st ² k ¹ (P rwdyst ² g), N rōstā]	بستر رود؛ روستا، ناحیه
rōšn [hwšn ¹ M rwšn, N rōšan]	روشنی؛ درخشان، روشن
~ih:	روشنی
rōšn ag [hwšnk ¹]	آشکار، واضح
~gar [-kl (P - ² gr, M -ygr), N -gar]	روشنگر
rōx [lhw ¹ N ~]	رخ، قلعه (در بازی شترنج)
¹rōy [lwd M rwy, N ~]	روی، صورت
²rōy [lwd M rwy, N ~]	روی، مس
rōy-, ~išn, → rustan.	
rōyan [lwdyn ¹ N ~]	روین، روناس
rōyēn [lwdyn ¹ M r ² wyn, N rōyīn]	رویین، برنجی
rōz [YWM < A ywm; lwc M rwc z, N ~]	روز
rōzag [lwc ² k ¹ M rwcg, N rōza]	روزه، روزه‌دار
rōzāg [lwc ² k ¹]	برق
rōzan [lwc ² n ¹ N ~]	روزن
rōz(b)ānag [lwc(p) ² nk ¹]	
rōzēnīdan, rōzēn- [lwcyn-ym ¹ M rwcyn-]	روشن کردن، نورانی کردن

rāyēnīdārīh	riy-
rāyēnīdārīh [l ² dynr ² lyh M r ² yny ² ryh]	رهبری، سازمان‌دهی، مدیریت
rāyišn [l ² dšn ¹]	نظم، ترتیب
rāyōmand [l ² d ² wmnd]	توانگر، دارا
raz [lc, lz M rz, N ~]	رزه؛ تاکستان
rāz [l ² c M r ² z, N ~]	راز، سر
~īg [-yk ¹]	سری
rāz-kirrōg [l ² c kylwk ¹ M r ² z qrwg]	رازگیر، معمار، مهندس
razm [lcm M rzm, N ~]	رزم
~gāh [-g ² s P -g ² h, (M rzm ² h), N ~]	رزمگاه
razūr [lcwl M rzw]	بیشه
rēbās [lyp ² s N ~]	ریباس
rēdak [lytk ¹ N ~]	ریدک، غلام بچه
rēg [lyk ¹ N ~]	ریگ
rēm [lym M rym, N ~]	ریم، کثافت، آلودگی
rēman [lymn ¹ M rymn, N ~]	ریمان، کثیف، آلوده
~ih:	ریمنی، کثافت
¹rēš [lyš N ~]	ریش، زخم
²rēš [lyš N ~]	ریش (صورت)
rēšag [lyšk ¹ N rēša]	ریشه، بافت
rēšīdan, rēš- [lyš-ym ¹ N ~]	زخم کردن، مجروح کردن
rēškēn [lyškn ¹]	دردناک، مجروح
~ih:	درد، رنجوری
rēxtan, rēz- [lyhtn ¹ , lyc- P rxt, M ryz-, N ~]	ریختن، جاری شدن
~išn:	ریزش
rīdan, riy- [lym ¹ , ld- N ~]	ریدن، دفع کردن
rist¹ [lyst M ryst]	مرده
¹ristag [lyst ¹ k ¹]	جسد
²ristag [lyst ¹ k ¹ , N rasta]	راه، روش؛ فرقه
rist-āxēz [lyst ² hyc M ryst ² hyz, N ~]	رستاخیز
rīstag [l(y)št ¹ k ¹ N ~a]	رشته، رسن، طناب
riy- , → rīdan.	

sahišn

- ~išn:
sahm [shm | = M, N ~]
 ~gēn [-k(y)n¹ | N ~gēm]
 ~genih:
sahōg [shwk¹]
sāk [s¹k¹ | (N sāv)]
sāl [SNT < A šnt | (M s¹r), N ~]
-sālag [SNTk¹, s¹lk¹ | N -sāla]
 ~ih:
sālār [srd¹ | M s¹r, s¹r, N ~]
 ~ih:
sālwār [s¹hw¹l]
sāmān [s¹m¹n | = M, N ~]
 ~ōmand [-¹wmnd | M -wmnd]
samōr [smwl | N ~]
sān [s¹n¹ | N ~]
sang [KYPA < A kyp²; (CCA: به خطا: sng | (P ²sng), N ~]
 ~sār [-s¹l]
sanj-, → saxtan.
sanwar [snwl = Av. ōanwar-]
sar [LOYŠE < A r¹šh; sl | M sr, N ~]
sarāsar [s¹sl | N ~]
sard [sl¹ | M srd, N ~]
 ~ih: sardi
sardag [stlk¹ = Av. sarəda- | (M s¹rg), J srdg]
sardsēr [stlsyl | N ~]
sārēnidan, sārēn- [s¹lyn-ym¹]
sargēn [slgyn¹ | N sargēn]
sarmāg [stm¹k¹ | N sarmā]
sarw [shv(b)¹ | M srw, N ~]

sarw

- رضایت
 سهم، ترس، هراس
 سهمگین، ترسناک
 سهمگینی، ترس
 خرگوش صحرائی
 ساو، باج، خراج
 سال
 - ساله (پسوند)
 - سالگی (پسوند)
 سالار، رهبر
 سالاری، اقتدار
 سالوار، بادوام، ماندنی
 سامان، مرز
 سامانمند، محدود
 سمور
 سان (= نوع)، روش
 سنگ، صخره
 سنگسار، جای سنگی
 کمان
 کسر؛ نوک، قله؛ آخر، آغاز
 سراسر
 سرد
 سردی
 سرده، نوع، قسم
 سردسیر، مرتفع (زمین)
 تحریک کردن
 سرگین، کود
 سرما
 سرو

rōzgār

- rōzgār** [hwck¹ | N ~]
rōzīg [hwcyk¹ | N rōzī]
rōz-šabān [YWM, lwc šp¹n¹ | N šabān(a)rōz]
rōzwārag [lwcw¹lk¹]
rōz-ward [lwcwl¹]
rubūdan, rubāy- [lpwm¹, lp¹d- | M rbwdn, rb¹y-, N ~]
rūdan, rūn- [lwn¹, lwn- | (N rūda)]
rūrag [hwlk¹]
rustan, rōy- [hwstn¹, hwd- | M rwst, rwy-, N ~]
 ~išn:
ruwān [lwb¹n¹ | M rw¹n, N ~]
 ~īg [-yk¹ | N ~ī]
ruzd [hwzd | M rwzd, N razd]
 ~ih:

sahistan

- روزگار
 روزی، خوراک روزانه
 شبانروز
 روزانه، هر روز
 بی ثبات، ناپایدار
 ربودن، قاپیدن
 رودن، کندن
 گیاه، گیاه دارویی
 رُستن
 رویش، رشد
 روان
 روانی
 حریص،
 حرص

S

- sabuk** [spwk¹ | N ~]
sabz [spz, sbz | N ~]
sad [100 | M sd, N ~]
Sadwēs [stwys | M sdwys]
¹sag [KLBA < A klb² | N ~]
²sag [sk¹ sanj (۱۳۳، ۱۳۲)]
sāg [s¹k | P s¹g]
sagēn [skyn¹ | M sygyn]
sagr [sgl | N sēr]
 ~ih:
sahīg [shyk¹ | M shyg, N sahī]
 ~ih:
sahistan, sah- [MDMEN-stm¹ = A mdmh, √ dmh | (M shyd), P s'y-]

- سبک
 سبز، تازه
 صد
 سدویس (ستاره)
 سگ
 سنگ
 عدد
 سنگی
 سیر، پُر
 سیری
 ارزشمند
 ارزشمندی

به نظر رسیدن؛ درست به نظر رسیدن

spenāg mēnōg

srišwadag

~mēnōg:

spīg [spyk' | M 'spyg, (N saprīy)]

spīhr [spy(y)hl | (M 'spy), N sipīhr]

~īg [-yk']

spinjānagīh [spnc'nkyh]

spīš [spyš | (N šipīš)]

Spitāmān [spyt'm'n]

spīz [spyc- | M 'spyxtn, 'spyz-]

~išn:

spōxtan, spōz- [spwhn', spwc- | M 'spwxt, N sip~]

~išn:

spōz [spwc | N sipōz]

~gār [-k' | N ~]

sprahm(ag) [splhm(k') | M 'sprhm(g), N siparham]

spul [spwl]

spurdan, spar- [spwln', spl- | N sip~]

spurrīg [spwhyk' | (M 'spwr), N siparī]

~īh:

spurz [*splz | P '*spwrz, N sipurz]

srat [sl' | cf. Ar. sirāt]

sraw [slwb']

srawēnīdan, srawēn- [slwbyn-yin']

sraxtag [slhtk' = Av. sraxti-]

srāy [sl'd | N sarāy]

srāy, ~išn, → srūdan.

srāyīdan, srāy- [sl'd-yin' = Av. ōrāya-]

~išn:

srešk [sl(y)šk' | (P srsk), N sirišk]

srištan, *srēš- [slštn' | P sryš-, N sir~]

srišwadag [slšwtk' = Av. ōrišwa-]

سپندمینو (= مینوی خوب)

۱ - درخشندگی ۲ - جوانه، شاخه

سپهر، آسمان، فلک، بخت

آسمانی

میهمان‌نوازی

شپش

سپیتمان (منسوب به خاندان سپیتمه)

۱ - درخشیدن ۲ - جوانه زدن

۱ - درخشندگی ۲ - جوانه‌زدگی

سپوختن؛ تجاوز کردن،

نافرمانی کردن؛ تأخیر کردن، رد کردن

رد؛ نافرمانی

سپوز، تأخیر؛ نافرمانی

سپوز، نافرمان، تأخیرکننده

سپرغم، گیاه خوشبو

سپرز

سپزدن، طی کردن، پایمال کردن

سپری، کامل، تمام

کمال، تمامی

سپرز

نزدبان

افسون، کلام

گزارش کردن، انتشار دادن

بخش، جهت

سرای، خانه

حمايت کردن

حمایت

سرشک، اشک

سرشتن، آمیختن

یک سوم

sōrag

spenāg

~ag [-k']

sōsan [swsn' | N ~]

Sōšāns [swkš'ns = Av. saōšyās]

sōxtan, sōz- [swhn', swc- | M swxt, swc-, N ~]

~išn:

~išnīg:

sōzāg [swc'k' | M swc'gyn, N sōzā]

sōzan [swcn' | N ~]

spāh [sp'h | N sipāh]

~bed [-pt' | N -bud]

spandān [spnd'n' | N sip~]

Spandarmad [spndrmt'] N isfandārmuō

spar [spl | M 'spr, N sipar]

spar-, → spurdan.

spār, → spurdan.

spās [sp's | M 's-, 'sp's, N sipās]

spās dāštan, ~ hangārdan:

spās-dār [sp'sd'l | N sip~]

~īh:

spās|-ešnās [sp'sšn's]

~ōmand [-'wmnd]

spāš [sp's = Av. θβāša-]

spaxr [sp'hl | M 'spxr, N *siparx]

spazg [spzg | M 'spgj, N sipazg-]

~īh:

spēd [spyt' | M 'spyd, N sapēd]

~ag [-k' | N -a]

~bāg [-p'k' | N -bā]

~dār [-d'l | N -dār]

spenāg [sp(y)n'k' = Av. spanta-, cf. gannāg]

شوره‌زار

سوسن

سوشیانس، نجات‌بخش (بویژه آخرین نجات‌بخش)

که پدیدآورنده فرشگرد است)

سوختن

سوز، سوزش

سوزان، شعله‌ور

سوزا، سوزان

سوزن

سپاه

سپهبد، فرمانده

سپندان، دانه خردل

سپندارمد (= اندیشه مقدس)؛ چهارمین

امشاسپند و ایزد نگهبان زمین؛ گاه‌نما: دوازدهمین ماه سال و پنجمین روز ماه

سپر

سیاس، تشکر، خدمت

سیاس داشتن، تشکر کردن

سیاسگزار، شکرگزار

سیاس، سیاسداری

سیاسگزار، شکرگزار

شکرگزار، سیاسگزار

جو، فضا

شادی، شادمانی

بدگو

بدگوی

سپید

سپیده (تخم مرغ و...)

سپیدیا، آش ماست

سپیدار

مقدس

stēr	sūrāg
stēr [styl N sitēr]	ستیر، سیر (واحد وزن)
stēzag [styc̄k ¹ M 'styz-, N sitēza]	ستیزه، نزاع
stī [sty(ȳ) = Av. sti-]	هستی، وجود
stō [stwb ¹ (P 'stwb, N sutōh)]	ستوه، پریشان
~wīh:	پریشانی
stōr [stwl P 'stwr, N sutōr]	اسب، ستور؛ چهارپای بزرگ
~bān [-p ² n ¹ N -bān]	ستوریان
~gāh [-g ² s]	ستورگاه
*stōš [stwš]	سدوش (چهارمین روز پس از مرگ)
stōwēnīdan, stōwēn- [stwbyn-ytn ¹]	شکست دادن، غلبه کردن
stōwīh, → stō	
stūdan, stāy- [stwn ¹ , st ² d- M 'stwd, 'st ² y~, N sit~]	ستودن
~išn:	ستایش
~išnīg:	ستودنی، قابل ستایش
stūn(ag) [stwn(k) ¹ M 'stwn, N sutūn]	ستون، رکن، دیرک
stūr [stwl]	امین، سرپرست، قیم
~īh:	قیمومت
sturg [stwl̄g N suturg]	سترگ، سخت؛ خشن، زمخت
sūd [swr ¹ M swd, N ~]	سود، فایده، امتیاز
sudāb [st ² p̄ N ~]	سداب (نام گیاهی دارویی است)
sūd-abgār [swr ² p̄k ² l]	پرسود
sūdāg [swtk ¹]	غافل، اهمال‌کار
~īh:	غفلت، اهمال‌کاری
sūdan, sāy- [swtn ¹ , s ² d- N ~]	سودن، کوبیدن
sūd(ō)mand [swt ² w)mnd N sūdmand]	سودمند
suft [swpt ¹ N ~]	سفت، دوش، کتف
suftan, sumb- [swptn ¹ , swmb- N ~]	سفتن، سوراخ کردن
sumb [swmb ¹ N ~]	اسم
ṣūr [swl M swr, N ~]	سور، میهمانی، سور
ṣūr [swl]	قوی
sūrāg [swl ² k ¹]	سوراخ، نقب

srōd	stēndag
srōd [shwr ¹ M srwd, N surōd]	سرود
Srōš [shwš M srwš, N surōš]	سروش (ایزد فرمانبرداری)؛ گاه‌نما: هفدهمین روز ماه
~īg [-yk ¹]	فرمانبردار
srū [shwb ¹ N surū(n)]	سرو، شاخ، ناخن، چنگال
srub [sl(w)p N usrub]	سرب
~ēn [-yn ¹]	سربی
srūdan, srāy- [shwn ¹ , st ² d- M sr ² y-, N sur~]	سرودن، نواختن، آواز خواندن
~išn(īh):	سرایش، سرودخوانی
srūwar [shwbwl]	شاخدار
srūwēn [shwbyn ¹]	شاخی
stabr [stpl M 'stbr, N sitabr]	ستبر، خشن، قوی
~īh:	ستبری؛ نیرو، قدرت
stabrag [stplk ¹ Ar. istabraḡ]	استبرق
stadan, stān- [YNSBWN-tn ¹ < A ynsbwn, √nsb M 'std, 'st ² n-, N sit~]	ستاندن
staft [stpt ¹ M 'stpt]	استوار، محکم؛ سخت دل، ستمگر؛ زیاد
stahm [sthm N sitam]	ستم، زور
~ag [-k ¹]	ستمگر، قوی
~(ag)īh:	ستم
stambag [sthmbk ¹ (-h- < stahm) M 'stmbg, N sitamba]	ستمگر؛ سرسخت
~īh:	ستم؛ سرسختی
stān-, → stadan.	
star [stl] = stārag.	
stārag [st ² lk ¹ M 'st ² rg, N sitāra]	ستاره
stard [st ² l ¹]	گیج، مبهوت، متحیر
~īh:	گیجی، بهت
star-ōšmār, ošmur [st ² wšm ² l, - ² wšmw ¹ l]	ستاره‌شمار، منجم
starwan [sthn ¹ N sit~]	سترون، عقیم
stāyīdan [st ² dym ¹ M 'st ² yd, N sit~] = stūdan.	
stēy [styk ¹ N sitēy]	ستیغ
stēndag [styndk ¹]	ایستاده، پا بر جا

šāh-balūt

šāyendagīh

- ~-balūt [šhbwt' | N ~] شاه بلوط
- ~-dānag [-d'nk' | ~dāna] شاهدانه
- ~-esprahm [-sphm | N ~isparam] شاه اسپرم
- šāhīgān [šhyk'n' | M š'hyg'n] کاخ
- šahr [štr' | M šhr, N ~] سرزمین، کشور؛ شهر
- ~-estān [MDYNA < A mdyn'; štr'st'n' | M šhrst'n, N ~] شهرستان؛ پایتخت، شهر (بزرگ)
- Šahrevar [šnywr | N ~] شهریور (= شهریاری مطلوب): سومین امشاسپند و نگهبان فلزات؛ گاه‌نما: ششمین ماه سال و چهارمین روز ماه
- šahryār [štr'd'l | M šhry'r, N ~] شهریار، پادشاه، حاکم
- ~-īh: شهریاری، سلطنت، حکومت
- šāhwār [šhw'l | P š'hw'r, N ~] شاهانه، شاهوار
- šakar [šk' | M šqr, N ~] شکر
- šalwār [šw'l | N ~] شلوار
- šām [š'm | = P, N ~] شام (زمان و غذای شام)
- šambalīdag [šmblytk' | N šambalīd, -līla] شنبلیله
- šamšēr [šmšyl | N ~] شمشیر
- šan [šn' | N ~] شن، کنف (از)
- šānag [š'nk' | N ~a] شانه ۱ - شانه ۲ - دو شاخه ۳ - استخوان شانه
- šanēn [šny'n] کنفی، شاهدانه‌ای
- šarm [šlm | M šrm, N ~] شرم
- ~-gāh [-g's | N ~] شرمگاه
- ~-gēn [-k(y)n' | N ~gīn] شرمگین
- šasab [šsp | (P šhrb)] ساتراپ، حاکم نواحی در ایران باستان
- ~-īgān [-yk'n'] ساتراپ‌نشین
- šast [60 | M šst, N ~] شصت
- šas [ŠTA < A šr | M šš, N ~] شش
- šaw-, → šudan. شیکور، خفاش
- *šawāg [šwb'k'] ارزشمند، قابل
- šāyendag [š'dyndk'] ارزشمندی، قابلیت
- ~-īh:

šane
šarm

sūrāgīg

šāhān šāh

- ~-īg [-yk'] (حیوانات) سوراخ زی
 - ~-ōmand [-'wmnd] سوراخدار
 - sūrāx [sw'rh | N ~] سوراخ
 - sust [swst' | = M, N ~] سست، تنبل
 - ~-īh: سستی، تنبلی
 - 'suš [swš | (N šuš)] شش، ریه
 - *suš [swš] درجه‌ای (از کمان) Kik
 - suxr [swhl | N surx] سرخ
 - suy [swd | M swy-] گرسنگی
 - *swahistan, swah- [swh-stn' | P swh-] افسوس خوردن
 - syā [syd' | (P sy'w, N siyāh)] سیاه
 - ~-hag [-hk' | N -a] سیاهه، مردمک چشم
- Š
- šab [LYLYA < A lyl(y)'; šp | M šb, N ~] شب
 - ~-ag [špk' | N ~a] ۱ - شبه (= سیاه براق)، سنگ معدنی ۲ - ... - شبه (در ترکیب با اعداد می‌آید و به معنی تعداد شبهاست: یک شبه، دو شبه، ...)
 - ~-estān [špst'n' | N ~] شبستان، آندرونی
 - šabīg [špyk' | N šabī] شبی، جامهٔ زیر (مخصوص مراسم مذهبی زردشتی)
 - šabīxōn [špyhwn' | N ~xīn] شبیخون
 - šabyār [špy' | N ~] شربت انگور
 - šād [š't' | M š'd, N ~] شاد، خرم
 - ~-īh: شادی، خرمی
 - šādurwān [š't'whw'n' | N ~] شادروان، شاه‌نشین؛ استخر، حوض، فواره
 - šafšēr [špšyl | M šfšyr] = šamšēr. شمشیر
 - šagr [šgl | M šgr, N šēr] شیر؛ در نجوم: برج اسد
 - P šah- [šh- | = P] توانستن، قادر بودن
 - šāh [MLKA < A mlk'; šh | M š'h, N ~] شاه
 - ~-ān šān [MLKAN MLKA | N ~] شاهنشاه

ških-

ških- [škyh- | N šikih-]

škōf-, → škuftan.

škōfag [škwpk' | N šukōfa]

škoft [škwpt'] = škeft.

škōh [škwk' | M škwk']

~ih:

škōh [škwk' | N šukōh]

škuftan, škōf- [škwpt-in' | N šukuftan]

šnās-, → šnāxtan.

šnāsag [šn'sk' | P šn'sg]

~ih:

šnāxtan, šnās- [šn'htn', šn's- | M šn'xtn, šn's-, N šin-]

šnāyēnidan, šnāyēn- [šn'dyn-yin']

~išn:

šnāyidan, šnāy- [šn'd-yin']

~išn:

šnāz [šn'c | (N šinā(w))]

šnāzidan, šnāz- [šn'c-yin' | M šn'z, (N šināw-)]

šnōhr [šnwhl | M šnwhr]

šnōmag [šnwmk' | M šnwm-]

šnōšag [šnwšk' | N šunōša]

šnūg [šnwk' | M šnwg]

šnūman [šnwmn' = Av. xšnūmaine]

šōn [šwn']

~ig [-yk']

šōy- → šustan:

šōy [šwd | N ~]

~mand [-mnd]

šubān [šp'n' | P šwb'n, N ~]

šudan, šaw- [OZLWN-in' < A √'zl; šwb- | M šwdn, šw-, N ~]

šudan

شکسته شدن

شکوفه گل شکوفه گل

فقیر

فقر

شکوه، وقار؛ ترس

شکفتن، گل کردن

شناسا، فهمیده، آگاه؛ حس شناسایی، آگاهی

شناختن، تشخیص دادن

خشونود کردن، احترام کردن

خشونودی

احترام کردن، ستودن

ستایش، سیاس

شنا

شناکردن

خرسندی، سیاس

خرسندی، رضایت

شنوسه (= عطسه)

زانو

خشونودی

روش، نوع

مرسوم، معمول

شوی، شوهر

شوهردار

شبان

رفتن

šayistan

šayistan, šāy- [š'd-stn' | M š'y-, N ~]

šāyēd [š'(d)yr' | N šāyad]

šāzdah [š'cdh | M š'zdh, N šānzdah]

šēb [šyp | N ~]

šēb- [šyp- | M šyb, N ~]

~āg [-'k' | N ~ā]

~išn:

šēd [šyr' | N ~]

*šēdā [šyr'y]

šēr, → šagr.

šēwan [šywn' | N ~]

šiftālūg [šprt'lwk' | (P šyft 'شیر'), N šaftālū]

šiftēnag [šptynk' | (P šyftyn 'شیرین')]

šimšār [šmš' | N ~]

šir [HLBA < ḫlb'; šyl | M šyryr, N ~]

širēn [šylyn' | M šyryn, N ~in]

~ih:

šišag [šyšk' | N šiša]

škaf- [škwpt'] = škeft;?

škāftan, škāf- [škp'-in' | M šk'pt, N šikāftan]

škarag [šklk' | P škr-]

škarwīdan, škarw- [škhv-yin' | M škyw-st, N šikarfidan]

škāstan, šken(n)- [TBLWN-in' < A √'tbr; škstn', škyn- | M škn-, N šikāstan, šikan-]

~išn:

~išn:

škēbāg [škyp'k' | P škyb-, N šikēbā]

~ih:

škeft [škypt' | P škyft, N šigift]

~ih:

šken(n)-, ~išn, → škāstan.

šken(n)-

شایستن، قادر بودن

شاید، ممکن است

پیشانزده

شیب

تند رفتن؛ پریشان شدن

چالاک، چست؛ شیبا (= افعی)

پرشانی

شید (= درخشان)؛ (اسب) کردند

برکت، سعادت

شیون

شفتالو

شیرینی

شمشاد (درخت)

شیر (خوردنی)

شیرینی

شیرینی، ملاحظ

شیشه، بطری

شکافتن، پاره کردن

شکره، مرغ شکاری

مردد بودن، لغزیدن

تلوتلو خوردن

شکستن

شکندنده

شکیبا

شکیبایی

شگفت، فوق العاده؛ سخت؛ زیاد

شگفتی؛ سختی؛ مصیبت، مشقت

tagīg [tʰykʰ] چابک، قوی
 ~īh: سرعت، قدرت، زور
tah [th | N ~] ~~تاه~~ ~~تاه~~ ~~تاه~~
tahm [thm | = M, N ~] تهم، قوی
tāk [tʰkʰ | N ~] شراب | شاخه
takōk [tkwkʰ | N ~] تکوک (ظرفی که از طلا یا نقره یا مس بر صورت پرنده یا حیوانی سازند و در آن شراب خورند)، ظرف آشامیدنی
talag [tlkʰ | N tala] تله، دام
 ~čīn [cynʰ] صیاد
tambūr [tm-, mbwl | N ~] تنبور، عود
 ~ag [-kʰ] تنبور (؟)
tan [tnʰ | = M, N ~] تن، شخص
tan-, → **tadan**.
***tanāpuhl** [tnʰpwhl = Av. tanu.pərəða- | (N tanāfur)] تنافور (نام درجه‌ای از گناه)
tan-bahr [tnʰbʰhl] وضعیت جسمی
tand [td | = P] ضعیف، سست
 ~īh: ضعف، سستی
tan-drust [tnʰdrv(y)srʰ | = N ~] ~~تاندرست~~ ~~تاندرست~~ ~~تاندرست~~
 ~īh: تندرستی
tang [tng | = M, N ~] تنگ، باریک
 ~īh: تنگی؛ پریشانی
tanīg [tnʰykʰ | N tanī] تنی، جسمی
tanīgard(īg) [tnykrʰ(ykʰ)ʰ | M mygyrd] جسمانی، مادی
tanīhā [tnʰyhʰ | M myhʰ, N tanhā] تنها
tanōmand [tnʰwmnd | N ~] جسمانی
 ~īh: حالت مادی داشتن
tan-tōhmag [tnʰtwhmkʰ] شیرۀ گیاهان
tanuk [tnwkʰ | N ~] تُنک، تُنک آب
tanūr [tnwl | M tnwr, N ~] تنور
tar [LCDrʰ < A l-šd; tl | M tr] آن سو، از میان، وراء

šuhr [šwsl = Av. xšudra-] مایع، سیال؛ نطفه
šustan, šōy- [HLLWN-mʰ < A √ hll | M šwst, šwy-, N ~] شستن
šuy [šwd] گرسنگی
T ~~ت~~ ~~ت~~ ~~ت~~
ʰtā [OD < A ʰd | (M dʰ, P tʰ), N ~] + تا، در حالی که، در ظرف
ʰtā [tʰkʰ | N ~] * همتا، جفت
tab [tp | N ~] تب
tab-, ~išn, → **taftan**.
tāb-, ~išn, → **tāftan**.
tābag [tʰpʰkʰ | N tāba] تابه
tabāh [tpʰh | N ~] تباه، تلف شده، خراب
 ~īh: تباهی، خرابی
tabāhīhistan, tabāhīh- [tpʰhyh-stnʰ | J tbʰhh-] تباه شدن
tabangōg [tpngwkʰ | N tabangō] تبنگو، صندوق
tabarzad [tplzrʰ | N ~] تبرزد، نبات
tābestān [tʰpʰstʰnʰ | N ~] + تابستان
tābīdan [tʰpʰymʰ | N ~] = **tāftan**.
tadan, tan- [tnʰ, tn- | N tan-] تنیدن
tadar(w) [tdl | (N tadarw)] تذرو
taftan, tab- [tp-tnʰ] تفتن؛ درخشیدن
 ~išn: گرما، تب
tāftan, tāb- [tʰpʰ-tnʰ | P tʰb-, N ~] تافتن، سوزاندن؛ درخشیدن
 ~išn: تابش
taftīg [tpytkʰ | (P tft)] آتشی، سوزان، تفته
tag [tkʰ | N ~] تک، حمله
 ~kardan abar, ō: حمله بردن
tāg [tʰkʰ, M tʰg | N tā] تا؛ شاخه، فقره؛ تنها، تک
tagarg [tklg | M tgrg, N ~] تگرگ

taxt [tʰhtʰ | N ~]

~ag [-kʰ | N ~a]

taxtan, taz- [tʰhmʰ, tʰc- | M tʰxn, tʰz-]

~išnīh:

tāxtan, tāz [tʰhmʰ, tʰc- | M tʰc-, N ~] تازاندن، روان ساختن؛ تعقیب کردن؛ ریختن

taxt-gāh [tʰhgʰh | N ~]

tāz-, ~išnīh, → taxtan.

tāz, → tāxtan.

tazāg [tʰkʰ | N ~]

tāzānag [tʰcʰnkʰ | N tāz(y)āna]

tazēnīdan, tazēn- [tʰcyn-ytmʰ] = tāxtan.

tazīdan, taz- [tʰc-ytmʰ] = taxtan.

tāzīg [tʰcykʰ | N tāzī]

²Tāzīg [tʰcykʰ | N tāzī]

tēmār [tymʰʰ | M tymʰr, N ~]

tērag [tylkʰ | N tēra]

²tērag [tylkʰ]

tēx [tyh | N tēy]

tēz [tʰc | M tʰz, N ~]

~īh:

²tēz [tʰc | (P tʰj), N ~]

~īh:

*tīdag [tytkʰ | (N dīda)]

tīgr [HTYA < A htyʰ; tgl | M tygr, N tīr]

*tīhōg [tyhwkʰ | N tīhū]

tīr, → tīgr.

Tīr [tyl | M tyr, N ~] تیر (نام ایزدی که با تیشتر اشتباه گرفته می شود)؛ در نجوم: عطارد؛ گاه‌نما: نام چهارمین ماه سال و سیزدهمین روز ماه

tīs [MNDOM < A mndʰm; ts | M, J tys]

~iz [-c | M -yc]

tīšn [tʰšnʰ]

تخت، سریر
تخته، لوح، صفحه (شترنج)
جاری شدن، دیدن
جریان
تازاندن، روان ساختن؛ تعقیب کردن؛ ریختن
تخت‌گاه، نیمکت
جاری، تازان
تازیانه
تند، سریع
تازی، عرب
تیمار، غم، اندوه
تیره، تاریک
قله، نوک (کوه)
تیز، تیغ؛ پرتو
تیز، تند
تیزی، سرعت
تیز
تیزی
دیده، مردمک چشم
تیر
تیهو
تیر (نام ایزدی که با تیشتر اشتباه گرفته می شود)؛ در نجوم: عطارد؛ گاه‌نما: نام چهارمین ماه سال و سیزدهمین روز ماه
هیچ چیز، نه... اصلاً (با ادات نفی)
تشنگی

~kardan, ~menīdan:

-tar [-tl | (M -dr), N ~]

tār [tʰʰ | M tʰr]

tarāzēnīdan, tarāzēn- [tʰcyn-ytmʰ]

tarāzūg [tʰcwkʰ | (P tʰzwg), N tarāzū]

targ [tlg | N ~]

targumān [tlgmʰnʰ | M trgmʰnʰ]

tārīg/k [tʰlykʰ | M tʰryg, N tārīkʰ]

~īh:

tarist [tlstʰ] = tar.

tar-mānīh [tlmʰnyh]

tar-menišn [tlmynʰšnʰ | N tarmaništ]

~īh:

tarr [tl, (LCDr: به خط: tar) | N ~]

~ag [tlkʰ | N ~a]

tars [tls | M trs, N ~]

tarsāg [tʰskʰ | M trsʰg, N tarsā]

tarsāgāh [tʰskʰkʰs]

~īh:

tarsīdan, tars- [tʰs-ytmʰ | (M trsʰdn), N ~]

tarwēnīdan, tarwēn- [tlwyn-ytmʰ | M trw-]

tās [tʰs | N ~]

tasum [tswm | = M]

tāšīdan, tāš- [tʰš-ytmʰ]

taškanag [tʰsknkʰ]

tašt [tʰštʰ | N ~]

tāšt [tʰštʰ]

~īg [-ykʰ]

tāwān [tʰ(d)wʰnʰ | N ~]

taxl [tʰhl | (M thr), P txl, N taxl]

~īh:

خوار شمردن، دشنام دادن
تر (پسوند سازنده صفت تفضیلی)
تار، تاریکی
تراز کردن، وزن کردن
ترازو، کفه؛ در نجوم: میزان
ترک، کلاه خود
ترجمان
تاریک
تاریکی
آلوده دامنی
آلوده دامنی؛ ترمش، خودسر، متکبر
آلوده دامنی؛ ترمشی، خودسری، تکبر
تر، مرطوب
تره (= سبزی)
ترس، احترام
ترسا
مؤدب، متواضع
احترام، تواضع
ترسیدن، بیم داشتن
غلبه کردن، مغلوب کردن
تاس (بازی)
چهارم
بریدن، تراشیدن؛ آفریدن
لباس زیر
تشت
* اطمینان
مطمئن
تاوان، تعهد
تلخ
تلخی

tuwānīgīh

uskārdan

- ~īgīh: قابلیت، توانایی
 ~sāmān [-s'm²n¹] حد توانایی
 tuxšāg [twhš²k¹ | M twxš²g, N tuxšā] تخشا، کوشا
 ~īh: تخشایی، سعی
 tuxšīdan, tuxš- [twhš²-ym¹ | (M twxš²ysr), N ~] تخشیدن، سعی کردن، کوشیدن
 ~išn: سعی، کوشش

U

- u- [AP- < A ²p | M ²w-] = ud (زمانی که با ضمیر متصل می آید، مثلاً: u-š.)
 ud [W < A w | M ²wd, N u] و
 udrag [²wdlk¹ = Av. udra-] گریه آبی
 ul [LALA < A l-² | M ²wl] (سوی) بالا
 ~āmadan: برخاستن
 ~īh: روبه بالا
 ul-āmadān [LALA YATWNr²n¹, ²wl²mt²n¹] در نجوم: طالع
 *ul-drafiš, → xurduš.
 ummēd [²wmyr¹ | N ~] امید
 ~wār [-w²l | N ~] امیدوار
 Urdwahišt [²wrwhšr¹] = Ardwahišt.
 Urišīm [²whššym | N ~] اورشلیم
 urmōd [²wlmwr¹ | (N amrōd)] امروز، گلابی
 *uruspar [²whvspl = Av. uruθpar-] روده؛ رجم، هسته، عصاره
 urwāhm(an) [²wlv²hm(n¹) | M ²wrw²hm-] شاد
 ~īh: شادی، خوشی، لذت
 urwar [²wlv¹ | M ²wrwr] گیاه، سبزی
 *urwāzīstan, urwāz- [²whv²c- = Av. urwāza-] خوشحالی کردن، شادی کردن
 ~išn: خوشحالی، خشنودی
 uskārdan, uskār- [²wsk²l-tm¹ | J ~, (N sigāl-)] سگالیدن، فکر کردن، اندیشیدن، بحث کردن

tišnag

tuwānīg

- tišnag [tyšnk¹ | M tyšng, N ~a] تشنه
 ~īh: تشنگی
 Tištar [tyšt¹ | N ~] تیشتر؛ در نجوم: شعرای یمانی
 tō [LK < A l-k | M tw, N tu] تو، ترا
 *tōf [twp | N tō] تو (= لا)
 tōhm(ag) [twhm(k¹) | M twhm²-g, N tuxm, -a] تخم؛ دوده، خاندان
 tom [t(w)m | M tm, N tam] تم، تاریکی
 -tom [-twm | (M -dwm)] پسوند سازنده صفت عالی
 tōm [twm | (M twhm, N tuxm)] تخم، دوده
 tōrag [twlk¹ | N tōra] توره، شغال
 tōšag [twšk¹ | N tōša] توشه
 tōxtan, tōz- [twhtn¹, twc- | M twz-, N ~] توختن (= جبران کردن)، ادا کردن
 ~išn: کفاره، دیه
 tōz [twc | N ~] توز، پوست درخت، پوست
 tru(f)š [thv(p)š | (P tryš), N turš] ترش
 truftag [thvptk¹] دزدیده؛ روزهای افزوده به آخر سال (= کیسه)
 tuhīg [twhyk¹ | M twhyg, N tuhī] تهی، بیهوده
 ~īh: تهیگی، خلاء
 tumbag [twmbk¹ | N ~a] تنبک
 tund [twnd | N ~] تند، خشن
 ~īh: تندی، خشنونت
 Tūr [twl | N ~] تور (یکی از دشمنان ایران)، تورانی
 ~ān [-²n¹ | N ~] (سرزمین) توران
 Turk [twlk¹ | N ~] ترکی
 tušt [twšr¹] خاموش، ساکت
 tuwān [twb²n¹ | M tw²n, N ~] توان، نیرو
 ~(+ مصدر): می توان، ممکن است
 ~āg [-²k¹ | N ~a] توانا، قابل
 ~gar [-kl | N ~] توانگر
 ~garīh: توانگری، ثروت
 ~īg [-yk¹] قابل

- ~īh: اطمینان، اعتماد
- wabz [wpc, wpz] زنبور ← *zābz*
- wačast [wcrs' = Av. wačas-tašti-] یک بیت از گاهان
- wačcag [wck', (bck')] | N bačča بیجه، طفل، کودک *vačce*
- wad [SLYA < A sry²; wt' | M wd, N bad] بد، پلید *bad*
- ~īh: بدی، پلیدی *bad*
- wād [w'r' | M w'd, N bād] باد، دم، روان؛ گاه‌نما: نام دومین روز ماه *va*
- wadag [wtk'] بد، شریر، مکار *bad*
- ~īh: بدی، شرارت *bad*
- wādām [w'r'm | N bādām] بادام *badam*
- wādbān [w'p'n' | N bādān] بادبان *badban*
- wad-baxt [wtb'hr' | N badbaxt] بدبخت *badbaxt*
- wad-dīl [wtāyl' | M wddyl, baddil] دل بددل، ترسو؛ از روی ترس *baddil*
- wadgarīh [wtgryh] بدکاری، عمل بد *badgarīh*
- wād-girdag [w'gtk' | (N gird-bād)] گردباد *badgirdag*
- wad-gōhr [wtgwhl' | N bad-gauhar] بدگوهر، بدنژاد *badgohar*
- wad-kāmag [wtk'mk'] بدخواه *badkamag*
- ~īh: بدخواهی *badkamag*
- wādrang [w'tng | N bādrang] بادرنگ، خیار *badrang*
- ~bōy [-bwd | N -bōya] باد رنجبویه *badboy*
- wad|-tōhm [wtwhm] = wad-gōhr. گوازه، دشنام *badtohm*
- ~wāzag [-w'ck' | (N gawāza)] بدخیم *badwazag*
- ~xēm [-hym] یافتن *badxem*
- waf- [wp- | P wf-, (N bāf-)] یافتن *waf*
- ~išn: یافت *badishn*
- wafr [wpl | M wpr, N barf] برف *badfr*
- ~ēnag [-ynk'] برفینه (نوعی شیرینی است) *badenag*
- waydān [wyt'n' = Av. waydana-] سر (هرمزدی) *waydan*
- wahāg [wh'k' | M wh'g, N bahā] بهاء؛ تجارت، بازرگانی *wahag*
- ~burdan: قیمت کردن، تخمین زدن *badburdan*
- wahār [wh'l, (bh'l) | M wh'r, N bahār] بهار *wahar*

- ~išn(īh): سگالش، فکر، اندیشه *badishn*
- uspurrīg [²wšpwhyk'] = spurrīg استوفرید (= نذر، قربانی) *uspurrig*
- us(t)ōfrīt [²ws(t)wplyr' = Av. usafriti-] گاه‌شب (یکی از پنج بخش شبانروز) *usofrit*
- ušahin [²wšhym' = Av. ušahina-] جان، روان *uśahin*
- ušnūg [²wšnwk'] = šnūg. نیروی زندگی *uśnūg*
- uštān [²wšt'n' = Av. uštāna-] زنده، جاندار *uštān*
- ~īh: شتر *uštān*
- ~ōmand [-²wmnd] شترگاو پلنگ، زرافه *uštān*
- uštar [GMRA < A gm²; ²wšt' | N uštur] تبعید شده؛ بیگانه *uštār*
- ~gāv-palang [²wštlg'pplng | N ~] تبعید *uštār*
- uzdehīg [²wc-, ²wzdhyk' | M ²wzdhy] بت *uzdehig*
- ~īh: بت پرست *uzdehig*
- uzdēs [²wc-, ²wzdys | ²wzdys] بت پرستی *uzdes*
- ~parist [-plst' | M -pryst] بت پرستی *uzdes*
- ~paristišnīh: بتکده *uzdes*
- ~zār [-c'l | M -c'r] هزینه، قیمت؛ خروج *uzdar*
- uzēnag [²wcyнк' | N hažina] گاه عصر (یکی از پنج بخش شبانروز) *uzēnag*
- uzērin [²wz(²)yl'n' = Av. uzayērina-] خارج شدن *uzērin*
- uzīdan [²wcynt' | M ²wzyd, ²wzyh-] آزمودن، امتحان کردن، سنجیدن *uzīdan*
- uzmūdan, uz māy- [²wzmwnt', ²wzm'd-] آزمایش *uzmūdan*
- ~išn: زمرد *uzmūdan*
- uzumburd [²wzmbwlt' | N zumurrud] زبان، بیان *uzumburd*
- uzwān [ŠNA < A lšn²; ²wzw'n' | M ²zw'n, (N zabān)] فهمیدن، دانستن *uzwān*
- uzwārdan, uzwār- [²wzw'l-tn' | M ²zw'rdn] فهم؛ هزوارش *uzwārdan*
- ~išn: *uzwārdan*

W

- wābar [w'pl | M w'br, (N bāwar)] باور، ایمان؛ راستی *wabar*
- wābarīgān [w'p'lyk'n' | M w'byrg'n] راست، قابل اعتماد *wabarigan*

war warm

²war [w/] دریاچه
³war [w/] ور (= آزمایش ایزدی)، سوگند
⁴war [w/] حصار، پناه

wār-, → wārīdan.

warāy [w/²g | J br²y] کلاغ

waran [w/²h¹] آرزو، شهوت

warān [w/²n¹] بره

wārān [w/²²n¹ | M w²r²n, N bārān] باران

waranīg [w/²nyk¹] حریص

~īh: حرص، آز

wārānīg [w/²²nyk¹ | bārānī] باران، بارانی

warāz [w/²c | N gurāz] گراز

war-čašm [w/²cšm] چشم بر سینه

ward-, → 'waštan.

'wardag [w/²tk¹ | M wrdg, N harda] برده، زندانی

~īh: بردگی

²wardag [w/²tk¹] حالت فعلی حیوان مؤنث

~īh: گرما

*wardānāg [w/²²n²k¹ | N gardanā] گردنا، سیخ کباب

wardēnīdan, wardēn- [w/²²yn-y²n¹ | (N gardānīdan)] گردانیدن، تغییر دادن

wardišn [w/²išn¹ | M wrdysn, N gardiš] عوض کردن

wardišn [w/²išn¹ | M wrdysn, N gardiš] گردش، تغییر، دگرگونی

~īg [-yk¹] گذرا، ناپایدار

~(īg)īh: ناپایداری، بی ثباتی

wardyūn [w/²ywn¹ | P wrdywn, N gardūm] گردونه، کالسکه، درشکه

wardyūn [w/²ywn¹ | P wrdywn, N gardūm] برگ

warg [w/²g | N barg] باریدن

wārīdan, wār- [w/²²t-y²n¹ | M w²r²-yst, N bārīdan] رفتار، کردار

warišn [w/²šn¹] یاد، خاطر

³warm [w/²m | N barm] از بر کردن، به خاطر سپردن

~ kardan: آنگیز، استخر

²warm [w/²m | N barm]

wahārīg war

~īg [-yk¹ | N -ī] بهار، بهاری

wahīg [ZZLA < A *zmr² (?); whyk¹ | M whyg, N *bahī] بزغاله، درنجوم: برج جدی

wahišt [w/²hš¹ | M whyšt, N bihišt] بهشت

~īg [-yk¹ | N -ī] بهشتی

Wahman [whwmn¹ | M whmn, N bahman] بهمن (= اندیشه نیک)، اولین امشاسپند

و نگهبان چهارپایان؛ گاه‌نما: نام یازدهمین ماه سال و دومین روز ماه

wāhmān [*w²n¹ = w²hm²n¹ | M w²hm²n², J whm²n, N bahmān] بهمان

Wahrām [w/²h²²n¹, w²hl²²m | M whr²²m, N bahram] بهرام (= ایزد جنگ)،

پیروزی؛ در نجوم: مریخ؛ گاه‌نما: نام بیستین روز ماه

ātaxš ī ~: آتش بهرام (مهمترین آتش زردشتیان)

wak [wk¹ | N bak] بک، قورباغه

wālan [w/²ln¹ | (N barzan)] برزن، محله، انجمن

walg [w/²g] = Warg. بالیدن، افزودن، پیشرفت کردن

wāfīdan, wāl- [w/²²t-y²n¹ | N bāfīdan] بالش، رشد

~išn: قی کردن

wāmīdan, wām- [w/²²m-y²n¹] درخت؛ تنه، ساقه

wan [wn¹ | N bun] درخت پسته

~ ī gurgānīg: درخت بسیار تخمه

~ ī was-tōhmag:

wān, ~išn, → wānīdan.

wanafšag [wnpšk¹ | N bunafša] بنفشه

Wanand [wnnd] و نند (ستاره)

wandag [wndk¹] و نند، طناب

wāng [KALA < A q²; w²ng | = M, N bāng] بانگ، صدا

wānīdan, wān- [w/²²n-y²n¹ | M w²²n-yst] غلبه کردن، مغلوب کردن، نابود کردن

~išn: نابودی، غلبه

wanīgar [wnykt¹] مسرف

~īh: اسراف، اتلاف

wany [H(W)BDN < A hwbdn², √²bd | M wny] تلف شده، از بین رفته

wany(b)ūdīh [HWBDN²bwnyh, -YHWWNy²h | M wny(b)wdyh] تباهی، خرابی

'war [w/² | M wr, N bar] بر، سینه

~ih:

was-tōhmag [wstwhmk¹]was-xwāstag [KBDhw²stk¹]wasyār [wasy(k)² | N bisyār]P wāš [w²š | = P]*wašag [wšk¹ | N uša²]waštag [wštk¹]

~ih:

'waštan, ward- [wšm¹, wlt- | M wšm, wrd-, N gaštan, gard-]

~išn, → wardišn.

²waštan [wšm¹] = wāridan.

wašfih [wštyh] = waštagih.

wattar [SLYtl, → wad | M wtr, N bat(t)ar]

~ih:

wattom [wtwmm]

waxr [w²hl | (P waxr-)]¹waxš [whš (M w²xš)]

²waxš [whš]

waxš, ~išn, → ¹,²waxšīdan.

waxšendag [whšndk¹ | P waxšyndg]

waxšgar [whšgkl]

¹waxšīdan, waxš- [whš-ym¹ | P waxš-]²waxšīdan, waxš- [whš-ym¹]

~išn:

waxšig [whšyk¹]

waxšwar [whšwl | N waxšūr]

~ih:

P wāxtan, wāž- [w²htm¹, w²c- | P w²xm, w²c-]¹way [w²d = Av. way-]²way [w²d = Av. wayu- | P wyw]

کشاورزی

بسیار تخمه

توانگر، ثروتمند

بسیار، فراوان

علوفه، کاه

نوعی آبجو

بیمار، مریض

بیماری، مرض

گشتن، برگشتن،

منحرف شدن؛ تغییر کردن

ور

بد، بدتر، ناپسند

بدی، تبهکاری

بدترین

خمیده، کج

روح

سود، بهره

سوزان، شعله‌ور

ریاخوار

افروختن، بسوختن، شعله‌ور شدن

افزودن، بالیدن

رشد

روحانی

وخشور، پیغامبر

پیغامبری

حرف زدن، گفتن

پرنده

هوا، جو

wārom [w²hwmm]warōmand [wl²hwmmnd]

~ih:

warr [LBWŠYA < A lbwš²]warrag [KNNNA < ?; wlk¹ | M wrg, N barra] ^{vare} ^د بره، قوچ؛ در نجوم: برج حمل

wars [wls]

war-wēzag [wl-w²yc¹] andāxtan:

¹warz [wlc | M wrz, N barz]

²warz [wlc | M wrc | z]

³warz [wlz | N gurz]

warz-, ~išn, → warzīdan.

warzāg [wlc²k¹ | (N warzāw)]warzāwand [wlc²wnd | M wre²wynd]

warz-būm [wlcwmm]

warzīdan, warz- [wlc-ym¹ | N ~]

~išn:

warzīgar [wlcykl | M wrzygr, N barzīgār]

was [KBD < A kbyr; ws | = M, N bas]

P wasnād [wsn²d | = P]wāspuhr [w²spwhl]wāspuhragān [w²spwhlk²n¹]

~ih:

wassad [wst¹ | N bussad]~ēn [-ym¹ | N -īm]wastar [wst¹ = Av. wastra-]wastār [wst¹ | N bistār]

~ih:

wāstar [w²stl]

wāstarag [wstlg] = wastar.

wāstaryōš [w²sthwš = Av. wāstaryō.fšuyant-]wāstaryōš [w²sthwš = Av. wāstaryō.fšuyant-]

خاطر

مشکوک

شک

پیشم؛ جامه

بره، قوچ؛ در نجوم: برج حمل

موی

قرعه کشیدن

کار، کشاورزی

قدرت اعجاز، معجزه

گرز، چماق

ورزا، گاو نر

ورجاوند (= داری قدرت اعجاز)، نیرومند

زمین کشت شده

ورزیدن، کار کردن، عمل کردن؛ کشتن؛

به وجود آوردن

کشت، کار

برزگر، کارگر

بس، بسیار، فراوان

برای، به خاطر

مهم، اساسی

۱- خاص، مخصوص ۲- دریاری

اختصاص

بُسد، مرجان

بُسدین، مرجانی

جامه، لباس

خودسر، سرسخت؛ مغرور

خودسری؛ غرور

چراگاه، علوفه

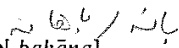
کشاورز

wēm [wym = P]	صخره
wēmār [wym ² l M wym ² r, N bēmār]	بیمار، مریض
~ih:	بیماری
wēn [wym ¹]	دم
wēn-, ~išn(īg), → dīdan.	
wēnāb [wym ² p̄ N bīnāb]	بیناب، دید
~dāg [-d ² k ¹ , t ² k ¹]	پدیدار
wēnāg [wym ² k ¹ M wym ² g, N bīnā]	بینا
~ih:	بینایی، بینش
wēnīg [wymy ² k ¹ M wymy ² g, N bīnī]	بینی
wēnōg [wymw ² k ¹ N bunū]	بنو (= عدس)
wēš [wyš =M, N bēš]	بیش، بیشتر
wēšag [wyš ² k ¹ N bēša]	بیشه، جنگل
~estān [-st ² n ¹]	بیشه‌زار
~īg [-yk ¹]	جنگلی
wēwag [wdpk ¹ N bēwa]	بیوه
¹ wēxtan, wēz- [NSHWN-tm ¹ < A √ nsh; wylun ¹ , wyc- P wxt-, N bēxtān, bēz-]	بیختن، گزیدن، انتخاب کردن، تصفیه کردن، پاک کردن، جدا کردن، غربال کردن
~išn:	گزینش
² wēxtan, wēz- [wym ¹ , wyc-]	افکندن، تاب دادن، چرخاندن، ریختن
wēzag [w ² yck ¹]	قوعه
Widadafš [wydtpš = Av. wīdadafšū-]	ویددفش (اقليم جنوب غربی از هفت اقليم)
widang [wing P wdng]	زحمت، سختی، مشقت
widār [wt ² l N gudār]	گذار، گذر
widarag [witg M wdr, N gudār]	گذر، راه
widardan, wider- [witm ¹ , wt(y)l- M wd(y)r-, N gudār-]	گذشتن، عبور کردن، مردن
~išn(īh):	گذر، گذشت، مرگ
~išnīg:	گذرا
widārdan, widār- [wt ² l-tm ¹ M wyd ² r-, N gudārdan]	گذاردن، حمل کردن؛ تاب آوردن، تحمل کردن

ویداردان / ویدار / ویدار / ویدار

~ ī watar:	وای بدتر (دیو)
~ ī weh:	وای به (ایزد)
wāy [w ² d M w ² y, N ~]	اندوه
¹ wāy- [w ² d- M w ² y-]	پرواز کردن
~endag [- (y)ndk ¹ J.w/β ² ynd ²]	پرنده
wāyīdan, ² wāy- [w ² d-y ² m ¹]	وزیدن (باد)
wayōdagān [wydw ² k ² n ¹ M *wywdg ² n, N bayōgān(7)]	بیوگانی، عروسی، جشن
waz-, ~išn(īg), → wazīdan.	
wāz [w ² c = M, (N bāy)]	سخن، کلام؛ باز (دعای قبل از غذا)
~grifan:	باز گرفتن (= دعا خواندن)
^{1,2} wāz-, ~išn, → ^{1,2} wāzīdan.	
P wāz-, → wāxtan.	
wāzag [w ² ck ¹]	گفته، سخن
wazay [wzy N ~, bazay]	وزغ
wāzār [w ² c ² l M w ² c ² r-, N bāzār]	بازار
wāzāragān [w ² c ² lk ² n ¹ M w ² c ² rg ² n, N bāzārgān]	بازرگان
~ih:	بازرگانی، تجارت
wazīdan, waz- [w ² c-y ² m ¹ P w ² z-, N ~]	وزیدن (باد)، حرکت کردن
~išn:	وزش
~išnīg:	متحرک
¹ wāzīdan, wāz- [w ² c-y ² m ¹]	حرکت دادن، راندن؛ پرواز کردن
~išn:	پرواز
² wāzīdan, wāz- [w ² c-y ² m ¹ N bāzīdan]	بازی کردن، تفریح کردن
-wāzīg [-w ² cyk ¹ N -bāz]	- بازیگر
wazr [wzl] = ³ warz.	
wēd [wyr ¹ N bēd]	بید
wēh [ŠPYL < A špyr; wylh M why, wylh, N bih]	به (= بهتر)، خوب
~ih:	خوبی
~ -dēn [-d ² yn ¹ N bih-dīn]	به‌دین، دین زردشتی
wēhm [*wyyhm M wylm]	وسیع، پهن، فراخ
~ih:	پهنا، فراخی

win [wn ¹]	ون (نام سازی است)
wināh [wn ² s M wyn ² h, N gunāh]	گناه، جرم 
wināhgār [wn ² sk ² l M wn ² hg ² r, (N gunāhkār)]	گناهکار 
~īh:	گناهکاری
wināhīdan, wināh- [wn ² s-ym ¹ M wyn ² h-]	تباه کردن، صدمه زدن، خراب کردن
~išn:	تباهی، صدمه، خرابی
winastag [wnst ¹ k ¹]	خراب، فاسد
windādan, wind- [HŠKHWN-tm ¹ < A hšk ¹ h, √ škh; wnd ² tm ¹ M wynd ² d, wynd-]	یافتن، به دست آوردن، کسب کردن
~išn:	درآمد، کسب
~išnīg:	یافتنی
winjīšk [wncš ¹ k ¹ N gunjīšk, binjīšk]	گنجشک
win(n)ārdan, win(n)ār- [wyn ² l-tm ¹ M wyn ² r-dn]	آراستن، مرتب کردن، منظم کردن
~išn:	آرایش، نظم
win(n)īrdan [wynlm ¹ M wynyrdn]	ترتیب یافتن، منظم شدن؛ ماندن
¹ wīr [wyl M wyyr]	پهلوان، مرد
² wīr [wyl M wyr-, N bīr]	ذهن، یاد
³ wīr [wyl N bīr]	بیر، رعد
wirāstan, wirāy- , (P wirāz-)	ترتیب دادن، آماده کردن، پیراستن، آباد کردن
[wyl ² stn, wyl ² d-, (wl ² c-) M wyr ² st, wyr ² y-, (P wyr ² št, wyr ² z-)]	
~išn(īh):	آرایش، ترتیب
wirēg [wlyk ¹ N gurēy]	گریز، فرار
wirēxtan, wirēz- [OLYKWN-m ¹ < A √ 'rq; whytm ¹ , wlyc- P wryxt, N gurēxtan, gurēz-]	گریختن، فرار کردن
wīrōmandīh [wyl ² wmndy ¹ h M wyrwmndy ¹ y]	یاد
wirōzag [*whwck ¹ (P wrwc)]	برق
wis [wys = M]	ده
wisāndan, wisān- [ws ² n-dn ¹]	جدا کردن
~išn(īh):	جدایی
wisāy- [ws ² d- M wys ² y-]	آسودن
wisbed [wyspt ¹ M wysbyd]	رئیس ده، کدخدا

widārīdan [wt ² lym ¹] = widārdan .	
widaštan [wīštn ¹ N gudāštan] = widardan .	
widāxtan, widāz- [wt ² htm ¹ , wt ² c- (P wd ² c-), N gudāxtan, gudāz-]	گدازاندن، حل کردن
widāzīhistan, widāzīh- [wt ² cyh-stm ¹]	گداختن، حل شدن
wider- , ~išn(īg, -īh), → widardan .	
widerān [wt(y)l ² n ¹ N gudārān]	گذران، مردنی
widest [wt(y)st ¹ N bidast]	بدست، وجب (= نه اینچ)
~īg [-yk ¹]	بدستی، وجبی، به اندازه وجب؛ کوتاه قد
widimās [wtym ² s (M wyd ² m ² s)]	شگفتی، اعجاز
~īg [-yk ¹]	شگفت‌انگیز
~īh:	معجزه
widimušt [wtymwšt M wd(y)mwšt]	شگفت زده
~īh:	شگفتی
* wīdwar [wyrwl]	خرسند، متوکل
~īh:	خرسندی، توکل، تسلی
wiftag [wyp ¹ tk ¹]	مفعول بودن
wigrād [wgl ² t ¹ N bīdār]	بیدار، زرنگ 
wigrādan, wigrās- [wgl ² tm ¹ , wgl ² - M wygr ² d, wygr ² s-]	بیدار شدن، برخاستن
~išn(īh):	بیداری
wih- , → wīstan .	
wihān(ag) [wh ² n(k) ¹ , (b-) M wh ² ng, N bahāna]	بهاه (= سبب)، علت 
wihēz- [wyhyc- M whyz-]	حرکت کردن، پیشروی کردن
wihēz(ag) [wyhyc(k ¹)]	پیشروی، حرکت
~agīg [-yk ¹]	متحرک؛ اندرگاهی (= کیسه)
wihīr- [why ¹ - (M whwr-)]	تغییر کردن
~išn:	تغییر
wimand [wymnd = M]	حد، سامان، مرز
~īg, ~ōmand [-yk ¹ , - ² wmnd]	سامانمند، محدود
* wimēhgēn [wmyhkn ¹ M wymyh-]	* خوش ترکیب
wimuštan [wymwšt ¹ M wymurz- (< P)]	خراب کردن، نابود کردن

wišōbišnīg

wizend

- ~išnīg: خراب شدنی
 *wixšay- [wixšd-] بخشاییدن، گذشت کردن
 ~išn(ih): گذشت، شکیبایی
 ~išnīg: با گذشت، شکیا
¹wiyābān [w(y)d'p'n' | P wy'b'n, N bīābān] بیابان
²wiyābān [wyd'p'n'] گمراه، سرگردان؛ فریب خورده
 ~ih: گمراهی، فریب
 wiyābānēndan, wiyābānēn- [wyd'p'nyn-ym'] گمراه کردن، فریفتن
 wiyābān | garīh [wyd'p'nklyh] فریب
 ~īg [-yk'] سرگردان، گمراه، مغشوش
 wiyāftan, *wiyāb- [wd'p'm' | M wy'b-] باز کردن (دهان)
 wiyān [wyd'n' | M wy'n, N giyān] چادر
 wiyōz- [wydwc-] باز کردن، شل کردن
 *wiyufs- [wdwps-] شادی کردن
 ~išn: شادی
 ~išnīg: شاد
 wizandag [wzndk'] لرزه
 wizandādan, wizand- [wznd-ym'] تکان خوردن، لرزیدن
 ~išn: لرزش
 wizār [wc'l' | M wc'r'] جدایی؛ توضیح، شرح
 wizārdan, wizār- [wc'l-m' | M wyc'rd, wyc'r-, J bz'rd-, N guzārdan] جدا کردن؛ شرح دادن، تفسیر کردن؛ گزاردن، اجرا کردن، رستگار شدن
 ~išn: تصمیم، گزیر؛ رستگاری
 wizārd-wars [wc'lr' wls] با موی دو تا
 Wizarš [wyzlš] ورزش (نام دیو)
 wizāyīdan, wizāy- [wyz'd-ym', wyz'd- | M wyz'y-, N guzāy-] آسیب رساندن، زیان رساندن، صدمه زدن
 ~išn: صدمه، زیان
 ~išnīg: صدمه زنده، زیان آور
 wizēn [wcy'n' | N guzēn] گزین، انتخاب
 wizend [wz(y)nd | M wzynd, N guzand] گزند، آسیب، صدمه

wisē

wišōbišn

- wisē [wisydy | (P wsydy), N gusē] گسی، گسیل
 ~kardan: بوسیدن، بوسیدن کردن
 wisistan, wisin(n)- [wssm', wsyn- | N gusistan, (gusit-)] گسستن، پاره کردن
 wisp [wsp | M wysp] هر، همه
 wispurdan, *wispar- [wspwltm'] به پای سپردن، پایمال کردن
 wīst [20; wyl' | = M, N bīst] بیست
 wistan, *wih- [šDYTWN-m' < A √ šdh; wsm'] افکنیدن، پرتاب کردن
 wistar(ag) [wstl(g) | N bistar] بستر، پوشش
 wistardan, wistar- [wstl-m' | N gustardan] گستردن
 wistāx [wst'hw' | M wyl't'h, N gustāx, bistāx] گستاخ، معتمد
 ~ih: گستاخی، اعتماد
 wiš [w(y)š | M wyš, N guš] زهر، سم، زرداب
 wišād [šLYTWNt', wš't' | M wš'd, N gušād] گشاده، رها، باز
 wišādan, *wišāy- [šLYTWN-m' < A √ šrh; wš'tm' | M wyl'sdn, (wyl'sh-), N gušādan, gušāy-] گشادن، باز کردن، آزاد کردن
 wišād-dar [šLYTWNt' BBA] میهمان نواز، گشاده در
 wišād-dwārišnih [wš't' dwb'lšnyh] بدون کستی یا شی راه رفتن
 wišān- [wš'n- | = P] تکاندن، فروریختن
 *wišāy- → wišādan.
 wiškar [wškl | N bišgar(d)] بشگرد (= شکارگاه)، صحرا
 wiškīdan, wiškin(n)- [wškytn', wškn-] بخش کردن، جدا کردن
 ~išn: جدایی
 wiškōfag [wškwpk' | N biškōfa] بشکوفه (= شکوفه)
 wiškuftan, wiškōf- [wškwpm' | J gwškwftm, gwškwβ-] شکفتن، از تخم درآمدن
 wišōb-, ~išn(iġ), → wišuftan. بریدن، شکستن
 wišōmand [wš'wmnd] زهر دار، سمی
 wišūdag [wšwtk' | (M ghwdg)] سقط شده، موجود اهریمنی
 wišūdan [wšwtm'] زادن (اهریمنی)
 wišuftan, wišōb- [wšwp-m' | M wšwb-, N *gušuftan] آشفتن، بر هم زدن، ویران کردن
 ~išn: خرابی

xām	xišt
xām [h'ʰm N ~]	خام، تارس
xāmīz [h'ʰmyc N ~]	خامیز (= گوشت نمک سود)
xāmōš [h'ʰmwš N ~]	خاموش
xān [h'ʰn' P x'n, N ~]	خانه
~ud mān:	خان و مان، مسکن
ǰxān [h'ʰn' P x'n]	خان، چشمه
xānag [BYTA < A byt'; h'ʰnk' N xāna] = 'xān.	
xandīdan, xand- [*GHBHWN-ym' < A √ ghik, یا √ *qhqi;	خندیدن
hnd-ym' (M xnyst), N ~]	
xānīg [h'ʰnyk' M x'nyg, N xānī] = ǰxān.	
xar [HMRA < A ḥmr'; hl N ~]	خرا، الاغ
xār [h'ʰ' M x'r, N ~]	خار
xar-buz [hlbw- M xrbwz]	خربز (= بز ماده)
xar-gōš [hlgwš N ~]	خرگوش
xārōmand [h'ʰ'wmnd]	خاردار
xār-pušt [h'ʰ'pwšt' N ~]	خارپشت، جوجه تیغی
xastan [hstm' M xst, N ~]	آسیب رساندن، خستن، مجروح کردن
xāšēn [hšyn' N xāš'n]	خشن، کبود
xāyag [h'ʰd(y)k' N xāyā]	خلیقه، تخم
~dēs [-dys]	تخم مرغی شکل، بیضوی
xayūg [h'ʰ'dwk' N xayū]	خیوه، آب دهان
xaz [hɜ N ~]	خز
xēm [hym]	خیم، طبیعت
xēšm [ʰyšm, hšm M xyšm, N xšm]	خشم، دیو خشم
~ēn [-yn' M -ym]	خشمگین
xīg [ZKYA < A zī' N xī(k)]	خیبک
xīndag [hyndk' M xyndg]	بیمار، مریض
~ih:	بیماری، مرض
xīr [CBW' < A šbw: hyl M xyr]	چیز، کار
xirs [hls N ~]	خرس
xišt [hšt' (P hyštyg), N ~]	خشت

wizēngar	xāk
wizēngar [wcyngk]	گزیننده؛ انتخابی
wizīdan-, wizīn [wcyin', wcyin- M wcyd, N guzīdan, guzīn-]	انتخاب کردن،
	گزیدن، ترجیح دادن، تمیز دادن
wizīhīdan, wizīh- [w(y)cyh-in']	جداساز
~išn(Th):	جدایی؛ پگاه
wizīn-, → wizīdan.	
wizīr [wcyt]	گزیر، تصمیم، داوری
wizīristan, wizīr- [wcyt-sin' J bzyr-, N guzīr-]	صرف نظر کردن، اجتناب کردن
~išnīg:	اجتناب پذیر
wizīstan [wcyt-sin' M wcyt]	آموختن
wizōstan, wizōh/y- [wcyt-sin', wcyd- (J bzyr-, N pižōhīdan)]	پژوهیدن،
	رسیدگی کردن
~išn:	پژوهش
wizūdan [wcyt-in'] = wizāyīdan.	
wizurd [wcyt]	راست، معتبر، واقعی
~ih:	راستی، اعتبار
Wōrūbaršt [w'wklwblšt' = Av. wouru.barāštī-]	وروبرشت (نام اقلیم شمال غربی از هفت اقلیم)
Wōrūjarst [w'wklwclšt' = Av. wouru.jarāštī-]	وروجرشت (نام اقلیم شمال شرقی از هفت اقلیم)
wurrōyistan, wurrōy- [HYMNN-sin' < A hymn, √ 'mn M wryyst, (wrw-), J *brwy-, grw-, N brw-, girawīdan]	گرویدن؛ گزیدن
~išn [whwclšn']	گروش، ایمان
wuzurg [LBA < A rb': wc(w)lg M wzrg, N buzurg]	بزرگ، عظیم
~ih:	بزرگی، اندازه
wuzurg-framādār [LBA plm'it']	بزرگ فرمدار، نخست وزیر

X

xāk [APLA < A 'pr': h'k' | N ~] خاک، زمین

- xwahaar [AHTEI, → xwah; hw'hl | (M xw'r), N xwāhar] خواهر
- xwahl [hw'hl | (M xwhr), N ~] خوهل، خمیده، منحنی
- xwā(h)rīh [hw'(h)lyh | M xw'rjy] شادی، خوشبختی، سعادت
- xwālist [hw'lyst' | (M xw'ryst)] مطبوع‌ترین، شیرین‌ترین
- xwamn [hwmn', hmn' | M xwmn] خواب، رؤیا
- ~wizār [-wc'l] خوابگزار
- xwān [hw'n' | M xw'n, N ~] خون، سفره، سینی
- xwandan, xwān- [KRYTWN-, KLYTWN-tm' < A √qr' | احضار کردن، خواندن
- M xwnd, xw'n-, N xwāndan]
- Xwanirah [hwnyls = Av. x'aniraha-] خونیره (نام اقلیم مرکزی از هفت اقلیم)
- ¹xwar [hw' | M xwr, N ~] خور (= خورشید)؛ گاه‌نما: نام یازدهمین روز ماه
- ²xwar [hw' = Av. x'ara-] خور (نام درجه‌ای از گناه)
- xwar-, ~išn, → xwardan.
- ¹xwār [hw'l | M xw'r; N ~] آسان، سبک؛ خوار، فرومایه
- ~īh: آسانی ← xwāhrīh خوراک
- ① ²xwār [hw'l | M xw'r]
- xwār-, ~išn, → xwārīdan
- xwaran [hwln' | M xwmn] میهمانی، ضیافت
- xwarāsān [hw'ls'n' | M xwr's'n, N ~] طلوع (خورشید)، مشرق
- xwār-bār [hw'lb'l | M xw'r w b'r, N ~] خواربار
- ③ xwardan, xwar- [ÖSTEN-tm' < A ²sth, √sth; hwlm' خوردن، مصرف کردن
- | M xwrdn, xwr-, N ~]
- ~išn: خورش
- ~išing: خوردنی
- ~išnih: خوراک، خورش
- xwardār [hwlr'l] خوردنی (شرعی)
- xwardīg [hwlyk' | M xwrdyg, N ~] خوردنی، خوراک
- ④ xwārēn [hw'lyn'] خوردنی
- xwārēn- [hw'lyn-] خوردن، نوشاندن؛ غذا دادن؛ آبیاری کردن
- xwarg [hwlg | J xwvrg] خُل، گُل آتش
- xwārīdan, xwār- [hw'l-ym'] آشامیدن

- xōg [hwk' | N xwk, xōy] خوی، خیم، طبیعت، منش
- xōn [DMYA < A dm', hwn' | M xwn, N xūn] خون
- xormā [Tē < A tmryn; hwlm'k' | N ~] خرما
- xrad [hl' | M xrd, N xirad] خرد، عقل
- ~īg, ~ōmand [-yk', -'wmnd | N -mand] خردمند
- xrafstar [hlpstl = Av. xrafstra-] حیوان موزی، حشرهٔ زیانکار
- xrīdan, xrīn- [ZBNN-tm' < A √zbn | M xryd, xryn-, N xarīdan, (xar-)] خریدن
- xrōhak [hlwhk' | N ~] خروهک، مرجان
- xrōs [DYLKA < A dkr'; hlws | P xrws, N xurōs] خروس
- xrōstan [hlwstn' | M xrwst] خروشیدن، خواندن
- xūb [hw'p | M xwb, N ~] خوب
- ~īh: خوبی
- xuftan, xufs- [HEMWN-tm' < A √hlm; hwptn', hwps- | M xwpt, N خفتن
- xuftan, xusp-]
- xumb [hwmb' | M xwmb, N ~] خُم، کوزه
- xunak [hwnk' | M xwnk, N xunuk] خوشا، خنکا
- xurduš [hwldhwš, -dlpš = Av. xrwidruš] خونین نیزه (لقب دیو خشم که بعدها به غلط به # برافراشته درفش» تفسیر شده است)
- xwāb [hw'b | N ~] خواب
- xwābar [hw'p'l | M xw'br] نیکوکار، مهربان
- ~īg [-yk'] نافع
- ~īh: احسان، نیکوکاری
- xwad [BNPŠE < A b-npš-h; hwr' | M xwd, N ~] خود؛ پراستی
- ~īh: خودی، عصاره
- xwadāy [hwry' | M xwd'y, N xudāy] سرور، خدا
- ~īh: سروری، فرمانروایی
- ~wār [-w'l] خداپوار، آقاوار
- xwad-dōšag [hwrdwšk'] خودخواه
- ~īh: خودخواهی
- xwah [AHTE < A ²hth | N ~] خواهر
- ¹,²xwäh-, ~išn, → xwastan, xwāstan.

xwēy [hwyd | N xway]

خوی، عرق

xwistan [hwystm¹]

خوی ریختن، عرق کردن

xwurd [hwlt¹ | N ~]

خرد، کوچک

xwurdag [hwltk¹ | N ~a]

خرده؛ جزئی، در نجوم: خانه ماه؛ قسمتی از پای اسب

(از میج پا تا استخوان سم)

~īh:

خردی، کوچکی

Y

P yad [yr¹ | P yd]

تا؛ به طوری که

yak, → ēk.

yākand [y¹knd, -nt¹ | P y¹kwnd, N ~]

یا کند، یاقوت

yal [yl | N ~]

یل، پهلوان

yāsaman [y¹smn¹ | N ~]

یاسمن

yask [ysk¹ | = M]

بیماری، مرض

yasn [ysn¹ | = M]

ستایش، پرستش

yašt [yšt¹ | = M]

پرستش، دعا

yaštan, yaz- [YDBHWN-in¹ < A ydbhwn, √dbh; yštn¹, yc- | M yz-]

پرستیدن، جشن گرفتن، سرودن

~išn:

پرستش

yāt [y¹t¹ = Av. yāta-]

یات (نام درجه‌ای از گناه)

P yāwēd(ān) [y¹wyt¹(²n)¹ | P. y¹wyd(²n)]

جاویدان، همیشگی

yaz-, ~išn, → yaštan.

yazad [yzd¹ | M yzd, N īzad, yazd]

ایزد، خدا

yāzdah [y¹cdh | M y¹zd, N ~]

یازده

yazadān [yzd¹n¹] (pl.)

ایزدان، مینوها

yōjdaħr [ywsd¹st | M ywjdħr]

پاک، مقدس

~īh:

پاکی، تقدس

yōjdaħrgar [ywsd¹slkl]

پاک‌کننده

~īh:

پاک‌سازی، تقدیس

~išn:

آشامیدن، شربت

xwarōfrān [hw(¹)wpl²n¹ | M xwrwpr²n]

غروب (خورشید)، مغرب

xwarrah [GDE < A gdh | (M prh, N farr)]

فره، شکوه، خوشبختی

~ōmand [-²wmnd]

با شکوه، خوشبخت

xwaršēd, → xwarxšēd.

xwārtar [hw²tl]

گناه (سبک)

xwarwarān [hw(¹)w²n¹, -bl²n¹] = xwarōfrān.xwar(x)šēd [hw(¹)(h)šyr¹ | M xwršyd, N xuršēd]

خورشید

xwāstag [NKSYA < A nksy²; hw²stk¹ | M xw²stg, N ~a]

خواستۀ، ثروت

~ōmand [-²wmnd]

ثروتمند

xwastan, ²xwāh- [(Y)PLHWN-in¹

پایمال کردن، خستن؛ کوفتن، لگدمال کردن

< A √ plh; hwstn¹, hw²d- | J xwh-, N xwast]

~išn:

لگدمال

xwāstan, ²xwāh- [BOYHWN-stn¹

خواستن، آرزو کردن، جستجو کردن؛ جلب کردن، کسب کردن

< A √ b'y; hw²stn¹, hw²d- | M xw²stn, xw²h-, N ~]

~išn:

خواهش، آرزو

xwastūg [hwstwk¹ | N xustū]

خستو، معترف

~īh:

خستویی، ایمان، باور

xwaš [BSYM < A bysm; hws | M xwš, N ~]

خوش، شیرین، زیبا

~īh:

خوشی، لذت

xwēd [hwyr¹ | M xwyd, N ~]

خوید، تر

~īh:

خویدی، تری

xwēdōdah [hwyrw(k)ds, -d²t¹ = Av. x²aēnwadaθa-]

خویدوده (= ازدواج با نزدیکان)

xwēn-āhan [hw(y)n²syn¹ = Av. x²aēna- (ayah-)]

خماهن، سنگ آهن

xwēš [NPŠE < A npš-h; hwš | M xwyš(h)š. N ~]

خویش

~īh:

خویشی، تملک

~āwand [hwš²wnd | N ~]

خویشاوند

xwēšēnīdan, xwēšēn- [hwšyn-ym¹]

از آن خویش کردن، به خود اختصاص دادن

xwēš-kār [hwšk²t]

وظیفه‌شناس

~īh:

وظیفه‌شناسی

xwēš-tan [NPŠE in¹ | N ~]

خویشتن

zamīg

zamīg [z-, zmyk¹ | M zmyg, N zamī]~īg [-yk¹]~paymānīh [-pim¹nyh]zāmyād [*z¹md¹t¹ (zām-yazd? = z¹myzdr¹ شدۀ خوانده روز ماه) | M z¹my¹d, N ~]

زامیاد؛ گاه‌نما: نام بیست و هشتمین روز ماه

zan [NYŠE < A nšh; zn¹ | = M, N ~ (pl. -ān, -īn)]

زن، همسر

zan-, ~išn, → zadan.

¹zand [znd | N ~]

زند، تفسیر، توضیح

²zand [znd | = M]

ناحیه، قبیله

zandag [zndk¹ | N zanda]

ژنده، بزرگ، عظیم

zandbed [zndpt¹ | M zndbyd]

رئیس ناحیه، قبیله

zandīk [zndyk¹ | N ~]

زندیق، مانوی

~īh:

زندیقی

zang [zng]

ساق پا، قوزک پا

zangīg [zngyk¹ | N zangī]

زنگی، سیاه

zanjīr [zncyl | (P zyncyhr), N ~]

زنجیر

zānūg [z¹nwk¹ | P z¹nwg, N zānū]

زانو (۱۴۳)

زانو

zard [zr¹ | N ~]

زرد

~īh:

زردی

zardag [zrlk¹ | N zarda]

زردۀ (تخم مرغ)

zardak [zrlk¹ | N ~]

زردک

zard|-ālūg [zrl¹lwk¹ | N ~ā]

زردآلو

~čōbag [-cwpk¹ | N ~čōba]

زردچوبه

Zardu(x)št [zrlw(h)št¹ | (M zrdwšt), N Zardušt]

زردشت

zargōn [zrgwn¹ | P zrgwng, N zaryūn]

زرگون، سبز، تازه

~īh:

زرگونی

zarīg [zryk¹ | M zryg]

زاری، اندوه

~ōmand [-¹wmnd]

اندوهگین، غمگین

zarmān [zrm¹n¹ | M zrm¹n-, N ~]

مرد پیر؛ پیری، فوتوتی

~īh:

پیری

zarr [ZHBA < A zḥb²; DHBA < A dḥb² | M zr-, N ~]

زر

zarr

زمی، زمین

خاکی، زمینی

هندس

yōz

yōz [ywc | N ~]

zamestān

بوزپلنگ

Z

zādag [z¹tk¹ | M z¹dg, N zāda]

زاده؛ بچه

zadan, zan- [MHYTWN-tm¹ < A √ mḥ²; ztn¹, zn- | M zdn, zn- N ~]

کشتن،

زدن، تنبیه کردن، ضربه زدن، کوفتن

~išn:

آزار، ضربه

zādan, zāy- [LYDWN-tm¹ < A √ yld; z¹tn¹ | M z¹d, z¹y-, N ~]

زادن؛ زاده شدن

~išn:

زایش

~išnīg:

زاده، هستی یافته، جانور (بطور کلی)

zadār [zr¹l]

زنده؛ نابودکننده، مخرب

zadūg [zrwk¹ | (N žad)]

ژد، صمغ

zafar [zpl | N ~]

زفر (دهان اهریمنی)

*zahā [zh²(k¹)]

گودی

zahābag [zh²ḥk¹ | N zahāb]

زهاب، چشمه

¹zahag [zhk¹, (z²hk¹) | M zhg, N zah]

زه (= بچه)، فرزند

²zāhag [z²hk¹]

عنصر (آب، آتش، هوا، خاک)

zahagōmand [zhk²wmnd]

آبستن، حامله

zahār [zh²l | N ~]

زهار، آلت تناسلی مرد و زن

*zahīh [zhyh] = zahā.

zahr [z²hl | M zhr, N ~]

زهر، سم

zahrag [z²(h)h¹k¹ | N ~a]

زهره، صفرا

zalūg [zhlwk¹ | N zalū]

زالو

zam [zm | P zmg]

زمستان

zamān [ODNA < A 'dn²; zm¹n¹, zmn¹ | M zm¹n, N ~]

زمان، ساعت

~ag [zm¹nk¹] = zamān.*zamānīg [zm¹nyk¹]

زمانی (= مزمین)

zāmēnīdan, zāmēn- [z¹myn-ytn¹ | M z¹myn-]

مفرستان، هدایت کردن

zamestān [zms¹n¹ | (M dmyst¹n), N ~]

زمستان

zīwēnīdan	zyāngār
zīwēnīdan, zīwēn- [zywyn-ytn ¹ M zywyn-]	زنده کردن، حیات بخشیدن
zī(wi)stan, zī(w)- [zyw-sin ¹ M zywystn, zyw-, N zīstan]	زیستن
zī(w)išn [zywšn ¹ M zyyšn]	زندگی؛ گذران
~īh:	زندگی، زنده بودن
~ōmand [- ¹ wmnd]	زنده، دارای زندگی
ziyānag [zyd ¹ nk ¹]	زن جوان
zīyišn, → zī(w)išn.	
zofāy [zwp ¹ d M zwp ¹ y]	گود؛ گودی
*~īh:	گودی
zofr [zwpl M zwwpr, J zwrf, (N žarf)]	ژرف
~āy [- ¹ d]	ژرفا
~pāyag [-p ¹ dyk ¹]	ژرف پایه
zōhr [zwhl M zwhr]	زوهر (آب پاک، آب مقدس)، نذر
zōr [z ⁽¹⁾ wl M zwr, N ~]	زور، نیرو
~īg, ~ōmand [-yk ¹ , - ¹ wmnd M -mnd, N ~mand]	زورمند، نیرومند
zōt [zwt ¹ = Av. zaotar-]	زوت (موبدی که در مراسم مذهبی برخی از امور تشریفاتی را بر عهده دارد)
~īh:	زوتی (= مقام زوت)
zraw-, → zruftan.	
¹zrēh [zlyh P zryh]	دریا، دریاچه
²zrēh [zlyh N zirih]	زره
zruftan, zraw- [zlwpm ¹] = azruftan.	
zūd [zwt ¹ M zwd, N ~]	زود
~īh:	سرعت
zūr [zwt ¹ M z ¹ wr]	دروغ، فریب
zūr-gugāy [zwlgwkw ¹ dy M zwrgwg ¹ y]	کسی که گواهی دروغ می دهد
~īh:	گواهی دروغ
zurwān [zwhv ¹ n ¹]	زمان؛ ایزد زمان، زروان
zuwān [zwb ¹ n ¹] = uzwān.	
zūzag [zwwk ¹ (N žūža)]	زوزه، خارپشت
zyān [zyd ¹ n ¹ M zyy ¹ n, N ziyān]	آسیب، زیان، خسارت
~gār, ~ōmand [-k ¹ , - ¹ wmnd]	زیانبار

zarrēn	zišt
~ēn [ZHBAYn ¹ , zlyn ¹ M zryn; N ~īn]	زرین
~(ī)gar [zlykl N ~gar]	زرگر
zarwān [zlwpm ¹ P zrw ¹ n]	پیری
zastan, zāy- [zsm ¹ , z ⁽¹⁾ d-]	خواستن، تقاضا کردن
zaxm [zīm, z ¹ hm (P jxm), N ~]	زخم
zay [zyd ¹ = Av. zaya-]	اسلحه، ابزار
zāy-, → zastan.	
zāy-, ~išn(īg), → zādan.	
zāyč(ag) [z ¹ yc(k ¹) N zāyča]	زایچه
zāyistan [z ¹ dsm ¹] = zastan.	
zayt [zyl ¹]	زیتون
zāz [z ¹ z = M, (N žāž)]	ژاز، علف هرز
*zēfān [zyp ¹ n ¹ (N zīf)]	بد، نادرست
¹zēn [zyn ¹ = M]	زره، اسلحه
²zēn [zyn ¹ N zīn]	زین
zēn-abzār [zyn ¹ pc ¹ t N zīnafzār]	زین افزار
zēnāwand [zyn ¹ wnd]	زرنگ، زیرک
zēndān [zynd ¹ n ¹ = M, N zindān]	زندان
~bān [-p ¹ n ¹ N -bān]	زندانبان
~īg [-yk ¹ N -ī]	زندانی
zēnēnīdan, zēnēn- [zynyn-ytn ¹]	مراقبت کردن، حفظ کردن
zēnhār [zynh ¹ t N zīnhār]	زنهار، پشتیبانی، حمایت
zēnīg [zynyk ¹]	مسلح
*zibāl [zb ¹ t N zībāl]	زیبال (= حیوان تندرو: اسب و...)
zīh [zyh N zīh]	زه
zīndag [zy(w)ndk ¹ M zyndg, N zīnda]	زنده، دارای زندگی
~īh:	زندگی
zīndakkar [zywndkkl M zyndkr]	زنده کننده، حیات بخش
zīnēnīdan, zīnēn- [zynyn-ytn ¹]	آسیب رساندن، صدمه زدن
zīrak [zylk ¹ M zyr, N ~]	زیرک، عاقل
zīstan, → zīwistan.	
zišt [zyšt ¹ = P, N ~]	زشت، نفرت انگیز

بخش دوم

فارسی - پهلوی

«آ»

āb	آب	آب
bādag	آب انگور تازه در خم کرده	
ābād	آباد	
ābādān	آبادان	
ābādānīh	آبادانی	
wīrāstan	آباد کردن	
ābādīh	آبادی	
Abān	آبان: گاه‌نما: نام هشتمین ماه سال و دهمین روز ماه	
warm	آب انبار	
zōhr	آب پاک و مقدسی که در مراسم مذهبی به کار می‌رود	
wašag	آبجو	
āb-čihrag	آب چهره	
āb-dān	آب‌دان	
xayūg	آب دهان	خلیج / خلیج
āb-tazan	آب‌رو	
āzarm	آبرو	
āzarmīg	آبرومند	
ābzan	آبزن	
ābīg	آبزی	
afsālān	آبسالان	
ābestan = ābustan , zahagōmand	آبستن	
hambūsīdan	آبستن شدن	
ābusīh , hambūsīšn	آبستنی	
āb-kāmag	آب‌کامه	
warm	آبگیر	
ābgēnag	آبگینه	
ābilag	آبله	
ābnūs	آبنوس	
ābīg	آبی	
kāskēnēn	آبی متمایل به سبز	
xwārēn-	آبیاری کردن	

āzād , harzag , kām-zīwišn	آزاد
wišādan	آزاد کردن
pardāxtan az	آزاد کردن از...
ērīh	آزادگی
abarmānīg , āsnud(ag) , āzād , āznāwar , ēr , pēšēnīg	آزاده
āzādīh , pardazišn	آزادی
āzār(išn) , bēšīšn , zanišn	آزار
āzardan (= āzārdan = āzurdan) , bištān = bēšīdan	آزردن
āz-kāmagīh	آز کامگی
āz-kāmag	آز کامه
passāxt , uzmāyišn	آزمایش
kār-āgāhīh	آزمودگی
āzmūdan = uzmūdan , passāxtan	آزمودن
passāxt	آزمون
āzwar	آزور
āsān , sabuk , xwār	آسان
āsānīh , xwārīh	آسانی
āsāyišn , haspīn	آسایش
ārmēšt-gāh	آسایشگاه ناتوانان
āsrō , āsrōn	آسرون
āsrōīh	آسرونی
Āsmān	آسمان: گاه‌نما: نام بیست و هفتمین روز ماه
āsmān , mēnōg , spīhr	آسمان
spīhrīg	آسمانی
āsūdan , wisāy-	آسودن
āsyāg	آسیا
āsyāb	آسیاب
ārdan	آسیا کردن
anāgīh , āzarm , bēš , wizend , zyān	آسیب
wizāyīdan , xastan , zīnēnīdan	آسیب رساندن
a-bēš , abē-wizend	آسیب‌ناپذیر
a-bēšīh	آسیب‌ناپذیری
xwārīdan	آشامیدن

ātaxš	آتش
Ataxš ī wahrām	آتش بهرام
āsrō-kerpa	آتش شکل
ādūr-gāh	آتشگاه
dādgāh , gumbad	آتشکده
taftīg	آتشی
abdom , sar	آخر
abdom , pasēn	آخرین
āxwarr , gōstān	آخور
āxwarr-sālār	آخور سالار
ēwēn	آداب
ādarōg	آدروگ
Ādur	آذر (ایزد آتش)
Ādur	آذر: گاه‌نما: نام نهمین ماه سال و نهمین روز ماه
Farrōbāy	آذر فرنیغ
Gušnasp	آذر گشنسپ
Burzēnmīhr	آذر برزین مهر
ārāstan , payrāstan , wīn(n)ārdan	آراستن
āsān , hammist , rāmišnīg	آرام
āsānīh , āštīh , drōd , rām(išn)	آرامش
rāmēnīdan	آرامش بخشیدن
aspānsūr	آرامگاه
ārāyišn , wīn(n)ārišn , wirāyišn(īh)	آرایش
ārd	آرد
ārdan	آرد کردن
ārzōg , kām(ag) , waran , xwāhišn	آرزو
abāyīstan , grāyīdan , kāmīstan , xwāstan	آرزو کردن
kāmagōmand	آرزومند
āranj	آرنج
ērwarag	آرواره
Ērān	آریاها (سرزمین)
Ērānag	آریائی
āz , waranīgīh	آز

āgāhīh , frahang , šnāsagīh	آگاهی
Āgrift	آگرفت (نام درجه‌ای از گناه)
āgandan	آگندن
alālag	آلاله
āhīd	آلایش
āhīd , ālūdagīh , rēm	آلودگی
ālūdan	آلودن
āyištāg , ālūdāg , rēman	آلوده
tar-menišn	آلوده دامن
tar-mānīh , tar-menišnīh	آلوده دامنی
āluh	آله (عقاب)
bahr(ag)warīh	آمادگی
bahrwar	آماده
ārāstan , passāxtan , sāxtan , wirāstan	آماده کردن
ōšmārag	آمار
āmārgar	آمارگر، حسابدار
pēmēnīdan	آماساندن
āmadan , mađan	آمدن
āmurzišn	آموزش
hu-fraward	آموزیده
abaxšāyīdan , āmurzīdan	آموزیدن
hammōxtār	آموختر
āmōxtan = hammōxtan , čāšīdan = čāštan , frahixtan , wizistan	آموختن
gōšōsrūd	آموخته
āfrāh , čāšišn , čāštag , hammōzišn	آموزش
pōryōtkēšīh	آموزش نخستین دین زردشتی
hērbedestānīh	آموزش هیربدی
hammōzgar , hērbed	آموزگار
čāšišn	آموزه
gumēzagīh	آمیختگی (جهان مادی)
abyōxtan , amēxtan , gumēxtan , srištan	آمیختن
āmēzišn	آمیزش
gumēg , gumēzag(īh) , gumēzišn	آمیزه
ān , ōy , P. hō	آن

xwārišn	آشامیدنی
āštīh	آشتی
wiyābānīg	آشفتگی
āyōzīdan , wišuftan	آشفتن
čašmagāh , paydāg , rōšnag	آشکار
āškārāg	آشکارا
āškārāgēnīdan , paydāgēnīdan	آشکار ساختن
paydāgīhistan	آشکار شدن
āškārāgīh	آشکارسازی
spēd-bāg	آش ماست
ahlomōy	آشموغ
ahlomōyīh	آشموغی
āšnāg	آشنا
an-āšīh , āšōb	آشوب
āšyān(ag)	آشیان، آشیانه
bunīh , fradomīh , padisār , sar	آغاز
āyištāg	آغشته
pahast	آغل
āgōš , kanār	آغوش
Day	آفریدگار
dādārīh	آفریدگاری
āfrīdan , āfurīdan , dādan , (frāz) brēhēnīdan , tāšīdan	آفریدن
kirrēnīdan	آفریدن (اهریمنی)
dām	آفریده
āfrīn	آفرین
āfurišn , brēhēnišn , dahišn , dām	آفرینش
bun-dahišn(īh)	آفرینش نخستین
āfrīdan	آفرین کردن
āfrīnagān	آفرینگان (نام دعا)
xwadāywār	آقاوار
mānbed	آقای خانه
āgāh , šnāsāg	آگاه
āgāhēnīdan , azdēnīdan	آگاه کردن

-ag	ا (پسوند سازنده اسم از صفت و ماده‌های مضارع)
-ag	ا (پسوند سازنده صفت از اسم و ماده‌های فعلی)
hamē-rawišnīh, hamē-ud-hamē-rawišnīh, jāwēdān(ag), P. yāwēdān	ابدی
abr, mēy, miznē	ابر
snōy	ابر (بارانی، - برفی)
brūg	ابرو
abrēšōm	ابریشم
abrēšōmēn	ابریشمین
abzār, čār(ag), zay	ابزار
dušāgāh	ابله
dēw	ابلیس
āyōzišn, hamīh	اتحاد
wanīgarīh	اتلاف
brēzan	اجاق
frēz	اجبار
frēzbānīg, frēzwānīg	اجباری
hanjāman	اجتماع
wizīrišnīg	اجتناب‌پذیر
pahrēxtan, wizīristan	اجتناب‌کردن
a-wizīrišnīg	اجتناب‌ناپذیر
hanjāftan, kardan, wizārdan	اجرا کردن
bēgār	اجیر
hambastan, parwastan	احاطه کردن
āzarm, āzarmīgīh, burzišn, grāmīgīh, tars, tarsāgāhīh	احترام
šnāyēnīdan, šnāyīdan	احترام کردن
niyāz	احتیاج
pahrmāhāgīh, sōhišn	احساس
sōhistan	احساس کردن
xwābarīg	احسان
xwandan	احضار کردن
dušāgāh, halag	احمق
axtar	اختر
axtar	اختر (برجی از منطقه البروج)

ān ī	آن (= متعلق به)
awēšān	آنان
ānōh, *ānōy	آنجا
āb-čihrag	آنچه جوهر یا نطفه آب دارد
-(T)š	آن را
tar, tarist	آن سو
and	آنقدر
ēg	آنگاه
āwāz	آوا
āwāz	آواز
srūdan	آواز خواندن
husrawīh, nām	آوازه
adēn-, ānīdan, āwurdan	آوردن
kabārag	آوند
āgustan	آویختن
čārūg	آهک
čārūgēn	آهکی
āhan	آهن
āhang	آهنج
niwāg	آهنگ
āhangar, ččlāngar	آهنگر
āhanēn	آهنین
āhūg	آهو (حیوان)
āhōg	آهو
āhanjīdan = āhixtan	آهیختن
āyaft	آیفت
madār	آینده (= کسی که می‌آید)
ēwēn(ag)	آیین
ēwēnag	آیینه

« ا »

ا (پسوند سازنده اسم عامل از ماده‌های مضارع)

arzīdan	ارزیدن
arzīz	ارزیز
ars	ارس
ārešn	ارش (واحد طول)
hāzišn	ارشاد
aryand	ارغند
aryawān	ارغوان
arus	اروس
arwand	اروند
Arwand	اروند (نام رودخانه)
az, aziš	از
aziš	از آن
ān ī	از آن (= متعلق به)
(az) ān bahrag rāy	از آن رو
xwēšēnīdan	از آن خویش کردن
aziš	از او
ān bahr(ag) rāy, az ān bahr(ag)	از این جهت
warm kardan	از بر کردن
(az) ān bahr(ag) rāy	از بهر آنکه
wany	از بین رفته
az... ōrōn	از... تاکنون
wiškuftan	از تخم درآمدن
xwēdōdah	ازدواج با نزدیکان
wad-dil	از روی ترس
agārīh	از کار افتادگی
tar, tarist	از میان
az daxšag hištan	از یاد بردن
az	ازدها
Azdahāg	ازدهاک (= ضحاک)
dast-graw	اسارت
bun, buništ, fragān, nihādag, nišāyišn, pāyag	اساس
gōhrīg, mādagīg, mādagwar, mādayān	اساسی
asp, bārag, stōr	اسب

axtar(ā)mār	اخترشناس
axtar(ā)mārīh	اخترشناسی
wāspuhragānīh	اختصاص
dastwarīh, pādixšā(y)īh	اختیار
pazdagīh	اخراج
xwarg	اخگر
tōxtan	ادا کردن
drang	ادامه
ēstādan	ادامه دادن
čamišn, mēzišn, pēšārwar	ادرار (= عمل ادرار کردن)
ʔmēz-, gōmēz-	ادرار کردن
dast-šōy, gōmēz	ادرار گاو
pahikārdan	ادعا کردن
-ādan	— ادا کردن (پسوند سازنده مصدر ثانوی)
abzār	ادویه
pazd	اذیت
axw	اراده
bālistīh	ارتفاع
abarmānd	ارث
Ahlišwang, Ard	ارد (نام یکی از ایزدان مؤنث)
Ard	ارد: گاه‌نما: نام بیست و پنجمین روز ماه
Arduš	اردوش (نام درجه‌ای از گناه)
Ardwahišt = Ašwahišt = Urdwahišt	اردیبهشت، دومین امشاسپند و نگهبان آتش
Ardwahišt	اردیبهشت: گاه‌نما: نام دومین ماه سال و سومین روز ماه
arz, arzānīgīh, arzišn, arzōmandīh	ارزش
arzān(īg), arzōmand, sahīg, šāyendag	ارزشمند
arzānīgīh, sahīgīh, šāyendagīh	ارزشمندی
alum, arzan	ارزن
gahl, gāwars	ارزن درشت
arzān	ارزنده
Arzūr	ارزور (نام کوهی بر دهانه دوزخ)
Arzūr	ارزور (نام دیوی)
Arzah	ارزه (نام اقلیمی از هفت اقلیم)

āxwarr
 Pad-gōhr
 āšōb
 parwār
 abē-gumānīh
 wizurdīh
 paymān , paymānīgīh
 āstawānīh , āškārāgīh
 āškārāgēnīdan , garzīdan
 a-peūtīg
 abestām = abestān , wistāxīh
 widimās
 hamēst(ag)ān
 niwistan
 ōy bay
 bāstān
 ōgrā
 kaftan , ōbastan , *ōftādan , pad-
 hambastag
 *anāst , duš-ēwāzīh
 abd
 abdom
 abrāz
 abrāstan
 freh-būd(īh)
 abrōxtan , waxšīdan
 afrōšag
 abzār
 abzāyišn , abzōn , frādahišnīh , mehēnišn
 abzōnīg
 abzūdan , mehēnīdan , wāīdan , waxšīdan
 abzōn
 padisār

اصطبل
 اصیل
 اضطراب
 اطراف
 اطمینان
 اعتبار
 اعتدال
 اعتراف
 اعتراف کردن
 اعتراف ناکرده
 اعتماد
 اعجاز
 اعراف
 اعلام کردن
 اعلیحضرت
 اغلب
 افت
 افتادن
 افتاده
 افترا
 افد
 اقدام
 افراز
 افراشتن
 افراط
 افروختن
 افروشه
 افزار
 افزایش
 افزاینده
 افزودن
 افزون
 افسار

asp
 bayaspānīg
 šēd
 asprēs
 aspast
 awestād
 awestān , nahang , pāygōs
 ōstīgānīh
 stabrag
 šādurwān , warm
 ast(ag) , astuxān
 šānag
 haspīn
 āsūdan , wisāy-
 awestarag
 -istan
 awestwār , staft
 awestwārīh
 astōdān
 us(t)ōfrīt
 Astwihād
 wanīgarīh
 alā
 Aleksandar , Skandar
 sneh , zay , zēn
 dast-gīr
 Aštād
 Aštād
 ars , srēšk
 āškōb
 āfrāh , buništāg , fragān
 hambun , tis-iz
 mādayān

اسب (نام یکی از مهره‌های شترنج)
 اسب چاپار
 اسب‌کند
 اسپریس
 اسپست
 استاد
 استان
 استحکام
 استبرق
 استخر
 استخوان
 استخوان‌شانه
 استراحت
 استراحت کردن
 استره
 -استن (پسوند سازندهٔ مصدر ثانوی)
 استوار
 استواری
 استودان
 استوفرید
 استویهاد
 اسراف
 اسفا!
 اسکندر
 اسلحه
 اسیر
 اشتاد (نام ایزد راستی)
 اشتاد: گاه‌نما: نام بیست و پنجمین روز ماه
 اشک
 اشکوب
 اصل
 اصلاً (با نفی)
 اصلی

Amurdād	امرداد: گاه‌نما: نام پنجمین ماه سال و هفتمین روز ماه
urmōd	امرو
im rōz	امروز
amahraspand	امشاسپند
rōdīg(ān)	امعاء
ēmēd , ummēd	امید
ummēdwār	امیدوار
stūr	امین
-ān	— ان (نشان جمع)
-ān	— ان (پسوند سازنده قید)
-ān	— ان (پسوند سازنده صفت فاعلی)
anār	انار
hamābēr , hambār	انبار
hambāy , hambāz	انباز
āgandan , amburda , hambārīdan	انباشتن
hambār	انباغ
hambān	انبان
anbarag	انبره
hambūsīdan	انبوسیدن
ambag	انبه
wēxtan , wizīdan	انتخاب کردن
wizēngar	انتخابی
srawēnīdan	انتشار دادن
pāymār	انتصاب
kēn	انتقام
abdomīh	انتها
hanjam	انجام
frazāftan , frāz grifan , hanjāftan	انجام دادن
kardār , kunišngar	انجام دهنده
frazaftan , hanjāftan	انجام شدن
frēzbānīh , frēzwānīh	انجام وظیفه
hanjāman , wālan	انجمن
anjīr	انجیر

afsān	افسانه
abesar	افسر
afsardan	افسردن
afsōs	افسوس
swahistan	افسوس خوردن
afsōsgar	افسوسگر
afsōn , mānsar , mārīg , nērang , sraw	افسون
afsūdan	افسون کردن
afšāndan , kištan	افشاندن
afšārdan = afšurdan	افشردن
šēbāg	افعی
abgandan , wēxtan , wistan	افگندن
nišēmag	اقامتگاه
bayōbaxt , baxt , !jadag , jahišn	اقبال
abar-ōzīh , sālārīh	اقتدار
franāmišn	اقرار
franāftan	اقرار کردن (به دین)
kišwar	اقلیم
bīš	اقونیطون
anōš	اکسیر
hād , nūn	اکنون
akōman	اکومن
agar , ka	اگر
alā	الا!
xar	الاغ
Harborz	البرز
almās(t)	الماس
-om	— ام (پسوند سازنده اعداد ترتیبی)
bē	اما
passāxtan , uzmūdan	امتحان کردن
abarmānd , bahr(ag)warīh , sōg , sūd	امتیاز
kār , kard	امر
Amurdād	امرداد: ششمین امشاسپند و نهمین گیاهان

hangārdan	انگاردن
angubēn	انگبین
angust	انگشت
angust	انگشت (واحد اندازه گیری طول)
angustbān	انگشتانه
angustbān	انگشت پوش (تیرانداز)
angustarīg	انگشتری
čašmagāh	انگشت نما
čašmagāhīh	انگشت نمایی
angustbān	انگشتوانه
dōs	انگم
dōsēn	انگمی
angūr	انگور
guhrāyēnīdan , hangēxtan	انگبختن
hangēzišn	انگیزش
ahōš , anōš	انوش
anōšag-ruwān , hu-fraward	انوشه روان
-ēn-īdan	— انیدن [پسوند سازنده فعل سببی و اسمی (= جعلی) متعدی]
anērān	انیران (= غیر ایرانی)
anērān	انیران (= جهان آن سوی ایران)
ān , ōy , P. hō	او
ēbārag	اوار
ōbārdan	اوباریدن
bālist	اوج (نجوم)
-(i)š	او را
Urišlīm	اورشلیم
abrang	اورنگ
abestāg	اوستا
-āwand	— اوند (پسوند سازنده صفت توصیفی)
*Ōyrišt	اویرشت (نام درجه ای از گناه)
ahreman	اهریمن
dēw-ēsnih , dēw-ēzagih	اهریمن پرستی
gāl	اهل خانه

and	اند
handāzag , paymān(ag) , paymānīgih , wuzurgih	اندازه
paymūdan	اندازه گرفتن
-masāy	— اندازه گرفته شده
handām , hannām , pēšag	اندام
andčand	اندچند
andar(ag)	اندر
andar āmadan	اندر آمدن
handarz , pand	اندرز
handarzcēnīdan	اندرز دادن
wihēzagīg	اندرگاهی (= کیسه)
andarmāh	اندرماه
andarōn	اندرون
šabestān	اندرونی
andak , kam=kem , nihang , ōzārak	اندک
ēwčand	اندکی
handōxtan	اندوختن
handōzišnīh	اندوختن (عمل)
dōs	اندود
handūdan	اندودن
dōsēn	اندوده
andāg , andōh , bēš , pīm , tēmār , wāy , zarīg	اندوه
andāg(g)ēn , andōhgēn , bēšōmand , pīmgēn , zarīgōmand	اندوهگین
axw , handēšišn , uskārišn	اندیشه
duš-humat , dušmat , duš-menišn	اندیشه بد
humat	اندیشه نیک
handēšīdan	اندیشیدن
handēšīdār	اندیشنده
mardōm	انسان
mardōmīh	انسانیت
Anagrān	انفران (= روشنائی بی کرانه)
Anagrān	انفران: گاه نما: نام سی امین روز ماه
*nakkīrāyīh	انکار

dar	باب
patūg	با پشتکار
kār-āgāh , nibardag	با تجربه
bāj , sāk	باج
wāz	باژ (دعای قبل از غذا)
wāz grifan	باژ گرفتن (دعا خواندن)
garmōg	با حرارت
wād	باد
Wād	باد: گاه‌نما: نام بیست و دومین روز ماه
wādām	بادام
wādbān	بادبان
wādrang-bōy	باد رنجبویه
wādrang	بادرنگ
damēnag	بادزن
a-sazišnīg , sālwār	بادوام
bādag	باده
bār , jār	بار (= دفعه)
bār	بار (= ساحل)
bār	بار (= میوه)
bār	بار (آن چه حمل می‌شود)
handēmānīh	بار (= حضور)
wārān , wārānīg	باران
wārānīg	بارانی
bār-jāmag	بار جامه
drubuštīh , parwār	بارو
barōmand	بارور
bārag	باره
waštan = wārīdan	باریدن
bārīg/k , tang	باریک
wišād	باز
bāz	باز (پرنده)
abāz	باز (= پس)
wāzār	بازار

ādehīg , kadagīg	اهلی
sūdag	اهمال کار
sūdagīg	اهمال کاری
ahunawar	اهونور
ay	ای (= یعنی)
ēdar	ایدر
ēdōn , ōh	ایدون
ēdōnīh	ایدونی
ēd rāy cē	ایرا
Ērān	ایران
Ērānag	ایرانی
Ērān-šāh	ایرانشهر
Ēran-wēz	ایرانویج
Ērmān	ایرمان (نام ایزد)
abargar , yazad	ایزد
yazadān	ایزدان
Zurwān	ایزد زمان
-īzag	-ایزه (پسوند تصغیر)
P.awištādan ; ēstādan , pādan	ایستادن
stēnag	ایستاده
awēšān	ایشان
wābar , wurrōyišn , xwastūgīh	ایمان
ēd , ēn , im	این
awar , ēdar , ōrōn	اینجا
-īh-istan	-ایهستن (پسوند سازنده فعل مجهول و مشتق)

«ب»

be	ب- (پیشوند فعل، کاربرد تعریف پذیر ندارد)
abāg	با (بای معیت)
arzān , arzōmand	باززش
dēn-āstawān	با ایمان

bašn	بالا (قامت)
abrāstan, ahrāftan	بالا بردن
abar(dar)	بالا تر
abardom, aγrē, bālist	بالا ترین
āhixtan	بالا کشیدن
ulth	بالایی (= رو به بالا)
bālēn, bāliš	بالش
wālišn	بالش (= رشد)
dād-meh, mehtar, purnāy	بالغ
wālīdan, waxšīdan	بالیدن
bālēn, bālišn, gāh	بالین
bālēngāh	بالین‌گاه
bāmdād	بامداد
hāwan	بامداد (یکی از پنج بخش شبانه‌روز)
čimīg	با معنی
huniyōxš, menišnīg	با ملاحظه
wizārd-wars	با موی دو تا
bāmīg	بامی
-bān, -bār	— بان (پسوند)
wāng	بانگ
borz-wāng	بانگ بلند
bānūg, nārīg	بانو
āstawānīh, wābar, xwastūgīh	باور
ēkānag	باوفا
ēkānagīh	باوفایی
hu-škōh	باوقار
čimīg	باهدف
āgenēn	با هم
abāy-	باید
an-ābādān	بایر
abāyist	بایست
abāyistan	بایستن
abāyišnīg	بایسته

abāz ēstādan az	باز ایستادن از...
abāz dāstan	بازداشتن
wāzāragān	بازرگان
pēšag, wahāg, wāzārgānīh	بازرگانی
abāz kardan, wišādan, wiyōz	باز کردن
wiyāftan	باز کردن (دهان)
abāz kardan az	باز کردن از...
abāz waštan ō	بازگشتن به...
abāz māndan	بازماندن
bāzā	بازو
bāzābānag	بازو بند
Bāzā-zanišnīh	بازو زنی (نام درجه‌ای از گناه)
ahanūz	باز هم
wāzīg	بازی
wazīdan	بازی کردن
-wāzīg	— بازیگر
bāš	باش (فعل امر از «بودن»)
bāmīg, hu-škōh, rāyōmand, xwarrahōmand	باشکوه
buland	با صدای بلند
bāy	باغ
bōyestānbān	باغبان
bōyestān	باغ گل
abēdān	بافایده
wafišn	بافت
waf-	بافتن
dahm, hunarāwand, kirbagīg, nēk-gōhr	بافضیلت
menišnīg	بافکر
abāz pādan, māndan, pattāyistan = pattūdan	باقی ماندن
dōšīzag	باکره
*wixšāyišnīg	باگذشت
bālag, parr	بال
abar, ul	بالا
bālāy	بالا (= بلندی)

wad-dil	بددل
duj-daft	بددم
ag-dēn, duj-dēn, ahlomōy	بددین
ag-dēnīh, ahlomōyīh	بددینی (دین غیرزردشتی داشتن)
purr-māh	بدر (ماه)
widest	بدست
widestīg	بدستی
duš-gōwišn	بدسخن
duš-čīhr	بدرشفت
ahlomōyīh	بدعت
ahlomōy	بدعت‌گذار
dušwīr	بدفکر
duš-kunišn, mar	بدکار
wadgarīh	بدکاری
anāg-kardār, duš-kunišn	بدکردار
duš-gōwišn	بدگفتار
spazg	بدگو
wad-gōhr=wad-tōhm	بدگوهر
spazgīh	• بدگوی
duš-nām	بدنام
wad-gōhr=wad-tōhm	بدنژاد
awiš, padiš	بدو
abē, nē... az	بدون
a-petyārag	بدون بدبختی
wišād-dwārišnīh	بدون کستی یا شبی راه رفتن
a-gāh	بدون مقام و پایه
ak, anāgīh, bazag(īh), duš(īh), petyārag, wad(ag)īh, watar(īh)	بدی
im čim rāy	بدین سبب
abar	بر
bar	بر (= میوه)
war	بر (= سینه)
hanjām	برآمد

bābr	ببر
babrag	ببیز
but, uzdēs	بُت
uzdēs-parist	بت پرست
uzdēs-paristišnīh	بت پرستی
uzdēs-zār	بتکده
bē... (ēnyā)	ببجز
aburnāyīh, rahīgīh	ببچگی
aburnāy(ag), frazand, rahīg, rēdag, waččag, zādag, zahag	ببچه
uskārdan	بحث کردن
baxt, 1jadag, spihr	بخت
bahr(ag), bazišn, pēšag, sraxtag	بخش
abaxšāyišn, āmurzišn	بخشایش
abaxšāyīdan, amurziđan, wixš(a)y-	بخشاییدن
bahrōmand	بخش پذیر
baxšišn, dahišn	بخشش
baxtan, wiškīdan	بخش کردن
rādīh	بخشنده
rād, abaxšāyišnīg	بخشنده
penīh	بخل
²bōy	بخور
pen	بخیل
-bad, -bed	بد (= سرور)
akōmand, anāg, druwand, wad(ag), watar, *zēfān	بد
duj-, duš-	بد –
duš-farragīh	بداقبال
awiš, padiš	بدان
duš-menišn	بداندیش
duš-čīhr	بدچهر
duš-čīhr	بدخو
duš-kām, wad-kāmag	بدخواه
wad-kāmagīh	بدخواهی
duš-xēm, wad-xēm	بدخیم

ōšmurdan	بررسی کردن
Burz	برز (نام ایزد)
warzīgār	برزگر
wālan	برزن
brēzan	برزن (کوره، اجاق)
Burzēnmihr	برزین مهر
barsom	برسم
brīn , burišn	برش
brištan	برشتن
barsnūm	برش‌نوم
snēzag , snēxr , wafr	برف
wafrēnag	برفینه
rōzāg , wirōzag	برق
šēdā	برکت
walg=warg	برگ
waštan	برگشتن
puṛnāy	برنا
brinǰ	برنج (خوراکی)
brinǰ	برنج (آلباژ)
rōyēn	برنجی
brinǰēn	برنجین
burāg	برنده
brinǰēn	برنزی
abar nišāstan	برنشاندن
abar nišastan	برنشتن
abar nigerīdan	برنگریستن
awardāg	برنگشتنی
abar nihumbīdan	برنهفتن
dwāzdahān	بروج دوازده‌گانه
barōmand	برومند
warān , warrag	بره
warrag	بره: در نجوم: برج حمل
wišuftan	برهم زدن

abar āmadan	برآمدن (خورشید)
abar madan	برآمدن (از عهده کاری)
burāg	بزا
hamōg	برابر
brād , brādar	برادر
xwad	براستی
hangēxtan	برافروختن
hambāstan	برانداختن
hambāhišn	براندازی
čē , rāy , pad , P. wasnād	برای
čē rāy	برای چه
an-ērīh	بربریت
barbut , kennār	بربط
abar nišastan	بر تخت نشستن
abar(ag) , abaragān(ag) , abarīg(ān) , aziš-meh	برتر
abardomīh , pādyāwandīh , pahlōmīh	برتری
čābuk , pāhlom pāšom	برترین
nihuftan , pōšīdan	بر تن کردن
burg	برج
axtar	برجی از منطقه البروج
(abar) āxistan , ul āmadan , wigrādan	برخاستن
padīragīh	برخورد
pahikaftan	برخورد کردن
burdār	بردار (= حامل)
appārīh	برداشت
appār	برداشته
bārestān , burd , gilag-ōbār , pattūg	بردبار
bārestānīh , burdārīh , burdīh , pattūgīh	بردباری
dast-graw , wardagīh	بردگی
burdan	بردن
anašahrīg , dastgīr , wardag	برده
appār	برده شده
ōšmārišn	بررسی

wiškār	بشگرد
bašn	بشن
šīšag	بطری
rapihwin	بعد از ظهر (یکی از پنج گاه شبانه روز)
enyā, did	بعلاوه
dūr	بعید
kaš	بغل
wak	بک
dōšīzagīh	بکارت
balādur	بلادر
karak	بلدرچین
ōbārdan	بلعیدن
judan	بلعیدن (= اهریمنی)
balgam	بلغم
bālistīg, borz, buland	بلند
āxēzīdan = āxistan	بلند شدن
ahrāftan	بلند کردن
bālāy, bālistīh	بلندی
ābgēnag, bēlūr	بلور
ābgēnagēn	بلوری
az ān bahr(ag), (az) ān bahr(ag) rāy	بنا براین
nihādan	بنا نهادن
bang	بنج
band, kamar, wandag	بند
band	بند (= پیمان)
bandag, kadagīg	بنده
bun-dahišnīh	بندهش
wanašag	بنفشه
māš	بنشن
bun-kadag	بنکده
wēnōg	بنو
bunag	بنه
buništ, fragān, nišāyišn	بنیاد

brahnag	برهنه
abēzār	بری
burīdan = brīdan, tāšīdan	بریدن
buz	بز
pāzan	بزکوهی
xar-buz	بز ماده
wuzurg, zandag	بزرگ
meh	بزرگ (تر)
ayrē	بزرگترین
burzīdan	بزرگ داشتن
dād-meh	بزرگسال
wuzurg-framādār	بزرگ فرمدار
mehēnīdan	بزرگ کردن
wuzurgīh	بزرگی
wahīg	بزغاله: در نجوم: برج جدی
bazm	بزم
bazmāwurd	بزماورد
bazag(īh)	بزه
bazakkar	بزه گر
was	بس
wistar(ag)	بستر
rōstāg	بستر رود
bastan	بستن
dastag	بسته
wassad	بُستد
wassadēn	بُستدین
was, wasyār	بسیار
was-tōhmag	بسیار تخمه
buš	بُشن
dō-pāy, mardōm-zādag	بشر
padišxwar	بشقاب
baškuč	بشکوچ
wiškōfag	بشکوفه

pad panāh griftan	به پناه گرفتن
stardīh	بخت
weh	بختتر
gōwizār	به تفصیل
gōhrīg	به جای
ayārdēnīdan	به جوش آوردن
padisāy, wasnād	به خاطر
warm kardan	به خاطر سپردن
anōš xwardan	به خطر مرگ رفتن
xwēšēnīdan	به خود اختصاص دادن
rawāgēnīdan	به حرکت درآوردن
ayāftan, windādan	به دست آوردن
pad nigerišn	به دقت
weh-dēn	بهدین
bahr(ag), jād(ag)	بهر
Wahrām	بهرام (ایزد جنگ)
Wahrām	بهرام: در نجوم: مریخ
Wahrām	بهرام: گاه‌نما: نام بیستمین روز ماه
bahr, nīrmad, waxš	بهره
ābād(ān), bahrōmand, padēx	بهره‌مند
bahrōmandīh	بهره‌مندی
bahrwar	بهره‌ور
bahr(ag)warīh	بهره‌وری
nibastan	به زمین نهادن
hambāstan	به زیر افکندن
padisāy, rāy	به سبب
saxt	به سختی
ō paymān madan	به سن بلوغ رسیدن
padīrag, ō... rōn	به سوی
āxrāmīdan	به سوی بالا خرامیدن
wahišt	بهشت
garōdmān, (garōsmān)	بهشت برین
garōdmānīg, wahištīg	بهشتی

fragandan	بنیاد نهادن
čīhr(ag)	بنیان
bōb	بوب
But	بودا
būdan, ēstādan, h-	بودن
bōr	بور
bāy, bōyestān	بوستان
būf	بوف
būm, deh, šahr	بوم
ādehīg	بومی
²bōy	بوی
bōyāg	بویا
hambōyīh	بویایی (= حس)
hu-bōyīh	بوی خوش
bōyēnīdan	بوی دادن
bōy-dār	بوی دار
bōyīdan, ham-bōy-	بوییدن
ō, pad, awiš, padiš	به
weh	به (= بهتر)
beh	به (= میوه)
pad ēwēn	به آیین
paymānīg	به اندازه
arz, arzānīgīh, arzišn, arzōmandīh, wahāg	بها
wahār, wahārīg, mēdyōzarm	بهار
wahārīg	بهاری
pardāxtan	به انجام رساندن
a-kard	به انجام نرسیده
widestīg	به اندازهٔ وجب
wihān(ag)	بهبانه
hanzāftan	به پایان رساندن
ō ham madan	به پایان رسیدن
wispurdan	به پای سپردن
(ō) padīrag madan	به پذیره آمدن

an-āzarm , dusraw	بی آزم
an-āzarmīh , dusrawīh	بی آزمی
a-petyārag	بی آفت
anāhīd , a-winast	بی آیش
an-āhōg	بی آهو
awar	بیا!
wiyābān	بیابان
a-wiyābānīg	بیابانی: در نجوم؛ ستاره ثابت
duš-arz	بی ارج
duš-arz	بی ارزش
a-bun	بی اساس
anēr	بی اصل
anērīh	بی اصلی
a-paymānīh	بی اعتدالی
an-ummēd , gyān-abespār	بی امید
uzwān	بیان
guftārīh	بیان (قدرت)
guftan	بیان کردن
a-menīdār	بی اندیشه
an-āstawān	بی ایمان
an-āstawānīh	بی ایمانی
a-bīm	بی باک
abē-bar	بی بر
a-bun	بی بن
a-bahr	بی بهره
abē-bīm , a-bīm	بی بیم
abē-bīmīh	بی بیمی
a-sar	بی پایان
gyān-abespār	بی پروا
a-pus	بی پسر
a-zarmān	بی پیری
an-ērang	بی تقصیر
a-sazāg	بی تناسب

borz-wāngīhā , buland	به صدای بلند
gōkānīg	به صراحت
dārgardīh	به صلیب کشیدگی
amaragānīhā	به طور کلی
kū tā , 'tā , yad	به طوری که
abar burdan , frāz grifan , pardaxtan ō	به عهده گرفتن
ayārīdan , frayādīdan	به فریاد رسیدن
āstārēnīdan	به گناه واداشتن
pad-gōhr	به گوهر آراسته
wāhmān	بهمان
hambandišnīh	به هم بستگی
hambastan	به هم بستن
hambandišnīh	به هم پیچیدگی
hambastan	به هم پیچیدن
āyōzišn	به هم پیوستگی
āyōzīdan = āyōxtan	به هم پیوستن
hambast	به هم پیوسته
ō ham kardan	به هم کردن
Wahman	بهمن: اولین امشاسپند و نگهبان چهارپایان
Wahman	بهمن: گاه‌نما: نام یازدهمین ماه سال و دومین روز ماه
sahistan	به نظر رسیدن
hangāmīg	بهنگام
pad-nērōg	به نیرو
warzīdan	به وجود آوردن
pad	به وسیله
nāmčīšt	به ویژه
ayād kardan , ayāsīdan , ōšmurdan	به یاد آوردن
pad daxšag dāštan	به یاد داشتن
a- , abē-	بی – (پیشوند نفی)
an-	بی – (پیشوند نفی برای واژه‌هایی که با واکه آغاز می‌شود)
an-āzarm (īg) , dusraw	بی آبرو
dusrawīh	بی آبرویی
an-āštīh	بی آرامی

abē-čim	بی سبب
wīst	بیست
a-sar	بی سر
abē-sūd	بی سود
abē-sūdīh	بی سودی
bīš	بیش (اقویطون)
bēš	بیش (= درد)
frāy, freh, wēš	بیش (= بیشتر)
frahist	بیشترین
a-mar(ag), an-ōšmār, a-sāg	بی شمار
razūr, wēšag	بیشه
wēšagestān	بیشهزار
gund	بیضه
xāyag-dēs	بیضوی
abē-čim	بی علت
an-abēdānīh	بی فایدهگی
agār, an-abēdān	بی فایده
a-menīdār	بی فکر
an-abzārīh	بی قابلیت
a-dādīh	بی قانونی
abādixšā(y)	بی قدرت
anagr	بیکران
anābuhlag	بی کفاره، (گناه)
a-kanārag	بی کناره
bēgār	بیگار
anōdag, bēgānag, uzdehīg	بیگانه
a-bēš, abē-wizend, ĵud-bēš	بی گزند
a-bēšīh	بی گزندگی
abē-must	بی گله
abē-gumān, a-gumān	بی گمان
abē-gumānīh	بی گمانی
a-wināh, abē-wināh	بیگناه
bīl	بیل

nāzūk, rōzward	بی ثبات
sazišn, wardišn(īg)īh	بی ثباتی
abe-bar	بی ثمر
a-čār(ag)	بی چاره
a-kanārag	بی حد
a-rawāg, a-wazišnīg	بی حرکت
abē-bōy, a-bōy, asōhišn	بی حس
abē-bōyīh, a-bōyīh	بی حسگی
an-āgāh	بی خبر
wēxtan	بیختن
abē-wizend, a-sēĵ	بی خطر
a-xwamn	بی خواب
wēd	بید
a-dād, a-dādestān	بیداد
a-dādīh	بیدادی
gubrāy, wigrād	بیدار
wigrādan	بیدار شدن
guhrāyēnīdan	بیدار کردن
wigrāsišn(īh)	بیداری
a-dard	بی درد
ĵud-ristag	بی دین
duš-wurrōyišnīh, ērang(īh), ĵud-ristagīh	بی دینی
wīr	بیر
a-band, abē-rāh	بی راه
an-āmurzīd	بی رحم
bē, bērōn	بیرون
ōgārdan	بیرون انداختن
abāz raftan	بیرون رفتن
āhanĵīdan = āhixtan, hunīdan	بیرون کشیدن (شیره)
Hrōm	بیزانس
Hrōmāyīg	بیزانسی
abādyāwand	بی زور
abē-bēš, a-bēš, a-winast	بی زیان

« پ »

pay, pāy, padištān	پا
pāy	پا (واحد طول = دوازده اینچ)
stēnag	پا برجا
dāsar, mizd, pādāšn	پاداش
drōš, pādīfrāh, pādofrāh	پادافراه
anōš, ĵud-bēš, pādofrāh	پادزهر
pādixšā(y), šahryār	پادشاه
duš-pādixšā(y)	پادشاه بد
hu-pādixšā(y)	پادشاه خوب
pādixšā(y)īh	پادشاهی
duš-pādixšā(y)īh	پادشاهی بد
hu-pādixšā(y)īh	پادشاهی خوب
pādyāb	پادیاب (مراسم تطهیر)
pahlawīg	پارتی
dahm, kirbagīg	پارسا
pārsīg	پارسی
bahrag, ĵād, ĵādag, kardag, pārag	پاره
darrīdan, škāftan, wisistan	پاره کردن
pāzan	پازن
pāzand	پازند
pās	پاس
pāsbān	پاسبان
pāsbānīh	پاسبانی
passox, (pāsox)	پاسخ
paywāz-	پاسخ دادن
pās dāštan	پاس داشتن
pāšnag	پاشنه
rēxtan	پاشیدن
abēzag, āsnūd(ag), pāk, yōĵdahr	پاک
yōĵdahrgarīh	پاک سازی
wēxtan	پاک کردن

bīm	بیم
dardōmand, waštāg, wēmār, xīndag	بیمار
wašt(ag)īh, wēmārīh, xīndagīh, yask	بیماری
tarsīdan	بیم داشتن
a-mar(ag), an-ōšmār, a-sāg	بی مرگ
a-hōš, a-marg, anōšag	بی مرگ
amahraspand	بی مرگ مقدس
a-hōšīh, a-margīh	بی مرگی
abē-mizag	بی مزه
a-pursišnīg	بی مسؤولیت
agār	بی مصرف
bīmgēn, bīmōmand	بیمگین
bīmgēnīh	بیمگینی
ambarag	بی مو (حیوان)
a-kāmagōmand	بی میل
andarag, mayān	بین
wēnāg	بینا
wēnāb	بیناب
wēnāgīh, wēnišn	بینایی
wēnāgīh, wēnišn	بینش
mēnōg-wēnīh	بینش روحانی
bowandag, hangīrdīg	بی نقص
a-ganĵ	بینوا
wēnīg	بینی
abē-niyāz	بی نیاز
bēwar	بیور
wayōdagān	بیوگانی
wēwag	بیوه
tuhīg	بیهوده
abē-ōš	بی هوش
abē-ōšīh	بی هوشی

ābād	پر جمعیت
parzīn	پرچین
mizd	پرداخت
pardaxtan az	پرداختن از...
pardāxtan ō	پرداختن به...
parragīg, parrwar	پرداز
pardag	پرده
paristār	پرستار
dāyagānīh	پرستاری
ēzišn , paristagīh , paristišn , yašt , yazišn	پرستش
paristōg/k	پرستو
paristīdan , yaštan	پرستیدن
purr-sardag	پرسرده
frašn , pursišn	پرشش
nīrmadōmand , sūd-abgār	پرسود
pursīdan	پرسیدن
pattūg	پرطاعت
purr-xwarrah	پرفره
pargast!	پرگستا! (= مبادا!)
*pahrmāh-	پرماسیدن
purr-marg	پرمرگ
piring	پرند
way , wāyendag	پرنده
murwīzag	پرندۀ کوچک
parnagān	پرنیان
parwāl	پرواری
parwāz , wāzišn	پرواز
wāy- , wāzīdan	پرواز کردن
parwānagīh	پروانگی
parwānag	پروانه
parwāl- , parwardan	پروردن
parwāl(išn) , parwarišn	پرورش
parwardan	پرورش دادن

yōjđahrgar	پاک‌کننده
abēzagīh , pākīh , yōjđahrīh	پاکی
pākīzag	پاکیزه
pālūdag	پالوده (= خوردنی)
pālūdan	پالودن
pānzdah	پانزده
abdomīh , karān	پایان
šahrestān	پایتخت (شهر بزرگ)
čēstišn , ōstiġānīh	پایداری
ōspurdan , spurdan , wispurdan , xwastan	پایمال کردن
pāyag	پایه
pādan	پاییدن
pādēz	پاییز
azēr , ēr	پایین
*ōgrā	پایین‌رفتگی
petyārag	پتیاره (در نجوم)
pōtk	پتک
pōxtan	پختن
pargandan	پخش کردن
pid , pidar	پدر
čašmdīd , (pad) dīdar , paydāg , wēnāhdāg , wēnišnīg	پدیدار
ayābag	پذیرا
padīrišn	پذیرش
padīrifan	پذیرفتن
mehmān	پذیرفتنی
padīrag	پذیره
parr	پر
parrag	پر / پره
purr , sagr	پُر
parāhōm	پراهوم
aīšāndan , pargandan	پراگندن
wistan	پرتاب کردن
tēx	پرتو

bār, puštag	پشته
abestām=abestān, pušt	پشتی
puštībān	پشتیان
puštībānīh, zēnhār	پشتیبانی
pašm, warr	پشم
pašmēn	پشمین
paššinīdan	پشنجیدن
paššing	پشنگ
paxšag	پشه
abaxš, paščmān	پشیمان
abaxš, abaxšīh, paščmānīh	پشیمانی
pištīz	پشیز
wizīhišn(īh)	پگاه
puhl	پل
miĵ(ag)	پلک
pillagān	پلکان
palang	پلنگ
palang-mušĵ	پلنگمشک = پلنگ
gan(n)āg, wad	پلید
āhīdīh, nasruštīh, wadīh	پلیدی
padām	پنام
abestām=abestān, panāh, war	پناه
pambag	پنبه
pambagēn	پنبه‌ای
panĵ	پنج
panĵāh	پنجاه
panĵag	پنجاه
duzīdag, gāhānīg	پنجاه دزدیده (= پنج روز آخر سال)
frawardīgān	پنج روز پایانی اسفندماه و پنج روز افزوده بعدی
pand	پند
pad (ēd) dāštan	پندداشتن
nihān	پنهان
nihuftan, (abar) nihumbīdan	پنهان کردن

parwand	پروند
abarwēz	پرویز
abarwēzīh	پرویزی
pahrēxtan	پرهیختن
anābišn, pahrēz	پرهیز
ahlaw, ardā, ašō, frārōn	پرهیزگار
ahlā	پرهیزگار (لقب ایزد سروش)
ahlawīh, ahlāyīh, ardāyīh, frārōnīh, huwaršt	پرهیزگاری
parīg	پری
pur-rawišnīh	پُری
stō	پریشان
šēb-	پریشان شدن
stōwīh, šēbišn, tangīh	پریشانی
pazzāftan=pazzāmēnīdan	پزاندن
bizešk	پزشک
wizōh(yišn)	پژوهش
wizōstan	پژوهیدن
ā, did, ēg, hād, pas	پس
frāz az, pas az	پس از
ēr, past	پست (= پایین)
past	پست: در نجوم: حضيض
pist	پست (= آرد سرخ شده)
pēstān, sēn(ag)	پستان
pistag	پسته
penīh	پستی
frazand, pus(ar)	پسر
passand(išn)	پسند
passandīdan	پسندیدن
passandišnīg	پسندیدنی
pasēn	پسین
āwādag, naft	پشت (= نسل)
pušt	پشت
pattūgīh	پشتکار

čašmdīd , paydāg , wēnišnīg
 paydāgīhistan
 paydāgīh
 bawišn
 kahwan , pīr
 ārāstan , payrāstan , wirāstan
 pērāmōn
 ārāyišn
 payrāyag
 meh
 a-zarmān
 čērīhistan
 abarwēz , pērōz
 pērōzgar
 pērōzgarīh
 abarwēzīh , pērōzīh ,
 frazām-pērōzīh
 pīrīh , zarmān(īh) , zarwān
 pēs
 pēs
 anīg , handēmān , pēš
 *frawārdan
 mēšag , pēšyār
 anīg , pēšanīg
 abgār-
 murw-nīš
 pēš-pārag
 pāhlom , pešenīg
 paristag
 franāmišn
 wālīdan
 franāftan
 franaftan , (abāz) raftan

پیدا
 پیدا شدن
 پیدایی
 پیدایش
 پیر
 پیراستن
 پیرامون
 پیرایش
 پیرایه
 پیرتر
 پیر نشدنی
 پیروز شدن
 پیروز
 پیروزگر
 پیروزگری
 پیروزی
 پیروزی نهایی
 پیری
 پیس
 پیس دار
 پیش
 پیش آوردن
 پیشاب
 پیشانی
 پیش بردن
 پیش بین
 پیش پاره
 پیشترین
 پیشخدمت
 پیشرفت
 پیشرفت کردن
 پیش بردن
 پیش رفتن

panīr
 pūdagiḥ
 pūdagi
 pōryōtkēš
 pōryōtkēšīh
 pōz(ag)
 pōzišn
 čarm , dawāl , pōst , tōz
 čarm
 pōst , tōz
 pōstēn
 nihumbīdan = nihuftan
 čādur , pōšišn , wistar(ag)
 paymōxtan , pōšīdan
 pōyišnīg
 pōy-
 pahlūg
 ēr , gurd , wir , yal
 gurdīh
 pahlawīg
 frāx , pahn , wēhm
 pahnāy , wēhmīh
 pay
 gām
 pay ī
 nišāstan
 payādag
 payādag
 payg , payādag
 jām(ag) , paygāl
 *paygālgar
 bayaspān
 pēčīdan

پنیر
 بودگی
 بوده
 پوریو تکیش
 پوریو تکیشی
 پوز/پوزه
 پوزش
 پوست
 پوست خام
 پوست درخت
 پوستین
 پوشاندن
 پوشش
 پوشیدن
 پوینده
 پویدن
 پهلو
 پهلوان
 پهلوانی
 پهلوی
 پهن
 پهنای
 پی (= عصب)
 پی (= کام)
 پی (= پس از)
 پی افکندن
 پیاده
 پیاده (در بازی شترنج)
 پیاده نظام
 پیاله
 پیاله ساز
 پیام آور
 پیچیدن

«ت»

-(i)t	ت (ضمیر متصل، دوم شخص مفرد، حالت مفعولی و اضافی)
az, tā , P. yad	تا
tāg	تا (= یکی)
burdan , pattūdan , widār(T)dan	تاب آوردن
brāzišnīg	تابان
wēxtan	تاب دادن
hāmīn , tābestān	تابستان
hāmīnīg	تابستانی
brāzišn , tābišn	تابش
gāhūg	تابوت
tābag	تابه
frāz ō , kū	تابه (= به اندازه)
brāzīdan , tābīdan	تابیدن
tāxtan = tāzēnīdan	تاختن
spōz(išn)	تأخیر
spōxtan	تأخیر کردن
spōzgar	تأخیرکننده
abesar	تاج
tār	تار
kār nāmag	تاریخچه
tārīk , tērag	تاریک
tārīg/kīh , tom	تاریکی
tazāg	تازان
tāxtan , tāzēnīdan	تازاندن
ēbgat(ih)	تازش (اهریمن)
sabz , zargōn	تازه
Tāzīg	تازی
āstar , tāzānag	تازیانه
tās	تاس
anōš xwardan	تا سرحد مرگ جنگیدن

wihēz(ag)	پشروی
wihēz-	پشروی کردن
pēš-pārag	پش غذا
pēš-kār	پشکار
pārag	پشکش
pēš-gāh	پشگاه
kēdīgīh	پشگویی
pēšār , pēšōbāy	پشوا
parwānagīh , pēšōbāyīh	پشوایی
radīh	پشوایی مذهبی
pēšag , radag , rastag	پشه
pēšēnīg	پشین
paygām	پیغام
paygāambar , waxšwar	پیغامبر
waxšwarīh	پیغامبری
payg	پیک
jang , nibard , pahikār , pahikafīšn	پیکار
nigārag , pahikar	پیکر
pēšēmālīh	پیگرد
mihr , pādixšīr , pašn , pašt(ag) , paymān	پیمان
padist (abar) burdan , padistādan	پیمان بستن
² mihr druxtan	پیمان شکستن
mihrōdruj = mihr-zan	پیمان شکن
mihrōdrujīh	پیمان شکنی
paymānag	پیمانه
paymūdan	پیمودن
hambandīh , hamīh	پیوستگی
abyōxtan , paywastan	پیوستن
hamband , paywastag	پیوسته
ēw-kardag	پیوسته
parwand	پیوند
pīh	پیه

tuxšāg	تخشاشا
tuxšāgīh	تخشاشاگی
tuxšīdan	تخشاشیدن
handāxtan	تخصیص دادن
dān(ag), tōm, xāyag	تخم
xāyag-dās	تخم مرغی شکل
čīhr(ag), tōhmag	تخمه
handāxtan, wahāg burdan	تخمین زدن
passāzišn	تدارک
tadar(w)	تذرو
tarr, xwēd	تر
-tar	— تر (پسوند سازنده صفت تفضیلی)
tarāzēnīdan	تراز کردن
tarāzūg	ترازو، (نجوم)
tāšīdan	تراشیدن
parwarišn	تریب
rāyišn, wirāyišn	ترتیب
rāyēnīdan, wirāstan	ترتیب دادن
targumān	ترجمان
wizīdan	ترجیح دادن
hu-dast, nēzūmān(īg)	تر دست
āhr, *nihēb, sahm(gēnīh), škōh, tars	ترس
tarsāg	ترسا
pazdēnīdan	ترساندن
sahmgēn	ترسناک
tarsīdan	ترسیدن
tru(f)š	ترش
paššinīšn	تروش
paššinīdan	تروش کردن
hāzišn	ترغیب
hāxtan	ترغیب کردن
frādahišnīh	ترقی
Turk	تُرک

tāftan = tābīdan	تافتن
pēš-gāh	تالار بار
tāwān	تاوان
passandišn	تأیید
passandīdan	تأیید کردن
tab, tabišn	تب
ānāst, mūdāg, tabāh	تباه
tabāhīhistan	تباه شدن
wināhīdan	تباه کردن
a-pōhišn	تباه نشدنی
ānāstīh, tabāhīh, wany (b)ūdīh, wināhišn	تباهی
tabarzad	تبرزد (گزانگین)
uzdehīgīh	تبعید
uzdehīg	تبعید شده
pad dēbahr dāstan	تبعید کردن
tabangōg	تبنگو
anāg-kardār, anāg-kunišn	تبهکار
dušīh	تبهکاری
kōf	تپه
pēšag, wahāg, wāzargānīh	تجارت
spōxtan	تجاوز کردن از...
must-abarmānd	تجاوزگر
kār-āgāhīh	تجربه
ēr	تحت
hangēxtan, sārēnīdan	تحریک کردن
handōzišnīh	تحصیل
herbedestānīh	تحصیل علوم دینی
bārestānīh, bārišn, pattūgīh, sāxtārīh	تحمل
sāxtan, widārdan	تحمل کردن
bālēn-gāh, taxt, taxt-gāh, P. parwāngāh	تخت
taxtag	تخته
taxtag	تخته (شترنج)
abesīhēnišn(īh), afsēnišn, hambāhišn	تخریب

pazdēnīdan , tāxtan
 āfrāh
 frahixtan , parwardan
 frēz , tāwān , pardāzišn
 frēzbānīg , frēzwānīg
 abāz dādan ō
 parwāl(išn) , parwarišn
 parwāl- , parwardan
 jādag-wihīrīh , wardišn , wihīrišn
 wardēnīdan
 waštan , wihīr-
 a-wardišnīg
 a-wardišnīgīh
 jūdāgīh
 taftan
 garmōg , taftīg
 wāzīg
 wāzīdan
 zand
 wizārdan
 abespurdan , gumārdan
 zastan
 abēzagīh , pākīh , yōjdhahrīh
 bayō-baxt , brēhēnišn
 brēhenāg , brīngar
 yōjdhargarīh
 āgrift , māndag
 tāg
 čandīdan , wizandīdan
 wišān-
 tar-menišnīh
 namāz
 frazāmišn , hangirdīgīh

تعقیب کردن
 تعلیم
 تعلیم دادن
 تعهد
 تعهدآور
 تعیین کردن
 تغذیه
 تغذیه کردن
 تغییر
 تغییر دادن
 تغییر کردن
 تغییر ناپذیر
 تغییر ناپذیری
 تفاوت
 تفتن
 تفته
 تفریح
 تفریح کردن
 تفسیر
 تفسیر کردن
 تفویض کردن
 تقاضا کردن
 تقدس
 تقدیر
 تقدیرگو
 تقدیس
 تقصیر
 تک
 تکان خوردن
 تکاندن
 تکبر
 تکریم
 تکمیل

targ
 abāz ēstādan az , hištan
 bahrōmandīh , hambawišn(īh)
 bahrōmandīh
 hambūdan
 hambastan , hamēnīdan
 tar-menišn
 tar-menišnīh
 tarrag
 gandanāg
 xwēdīh
 pād-zahr
 abar-ōzīh
 wīdwarīh
 wīdwar
 tašt
 šnāxtan
 āzādīh , spās
 āzādīh guftan , āzādīh hangārdan , āzādīh kardan , pad āzādīh
 dāštan , spās dāštan , spās hangārdan
 tišn , tišnagīh
 tišnag
 āsnūd(ag)
 pālūdan , wēxtan
 wizīr
 frāz griftan
 handēšīdan , hangārdan , menīdan , ošmurdan , pad... dāštan
 pahikar
 nigār-
 pālūdan , wēxtan
 pādyābīh
 frawārdan
 namāz burdan

ترک
 ترک کردن
 ترکیب
 ترکیب شدگی
 ترکیب شدن
 ترکیب کردن
 ترمش
 ترمشی
 تره (سبزی)
 تره‌فرونگی
 تری
 تریاق
 تسلط
 تسلی
 تسلیم شده در برابر تقدیر
 تشت
 تشخیص دادن
 تشکر
 تشکر کردن
 تشنگی
 تشنه
 تصفیه شده
 تصفیه کردن
 تصمیم
 تصمیم گرفتن
 تصور کردن
 تصویر
 تصویر کردن
 تصفیه کردن
 تطهیر
 تعارف کردن
 تعظیم کردن

tundīh	تندی
gizistag	تفرانگیز
tanuk	تُنک
tanuk	تُنک آب
tang	تنگ
tangīh	تنگی
tanūr	تنور
bun, ēwan, wan	تنه (درخت)
ēwtāg, tāg, tanīhā	تنها
tanīg	تنی
tadan	تنیدن
tō	تو
*tōf	تو (= لا)
tarsāgāhīh	تواضع
āštīh	توافق
dō-gānag	توأم
tuwān	توان
kardagār, tuwānāg	توانا
tuwānīgīh	توانایی
ādānīh	توانایی پرداخت وام
P. šah-	توانستن
hangad, rāyōmand, tuwāngar, was-xwāstag	توانگر
tuwāngarīh	توانگری
pašēmānīh, petīt	توبه
pašēmān, petītīg	توبه کار
pašēmānīh, petītīgīh	توبه کاری
a-petītīgīh, an-abaxšāwandīh	توبه ناکردگی
a-petītīg, an-abaxšāwand	توبه ناکرده
nigāh, hangārišn	توجه
bayō-baxt	توجه الهی
ōšmurdan	توجه کردن
tōxtan	توختن (= جبران کردن)
dām	تور

takōk	تکوک (طرف آشامیدنی)
bawišn	تکوبین
tag	تگ
tagarg	تگرگ
taxl	تلخ
taxlīh	تلخی
tabāh, wany	تلف شده
škarwīdan	تلو تلو خوردن
dām, talag	تله
tom	تم
-tom	تم (پسوند سازنده صفت عالی)
*pahrmāhāgīh, pahrmāhišn	تماس
bowandag, spurīg	تمام
bowandagīh	تمام بودگی
hanzāftan	تمام کردن
bowandagīh, spurīgīh	تمامی
xwēštīh	تملک
pāk	تمیز
wizīdan	تمیز دادن
kālbod, kirb, tan	تن
niyābagīh, passazagīh, sazāgīh, sazišn(īh)	تناسب
*Tanapuhl	تنافور (نام درجه ای از گناه)
tumbag	تنیک
aǰgahān, sust	تنبل
aǰgahānīh, sustīh	تنبلی
tambūr, tambūrag	تنبور
petītīgīh	تنبّه
āwēnīdan	تنبيه کردن
ray, tēz, tund	تند
drust, tan-drust	تند درست
drōd, drustīh, tan-drustīh	تند رستی
šēb-	تند رفتن
*zibāl	تندرو (اسب و...)

dabr	تیره‌رنگ
tēmār	تیمار
*tīhōg	تیهر

« ث »

ādān(īh), grāmāg, hangadīh, tuwāngarīh, xwāstag	ثروت
ādān, was-xwāstag, xwāstagōmand, hangad	ثروتمند
kirbag	ثواب

« ج »

gāh, gyāg, mānišn, nišēm	جا
pay	جاپا
passāxtan	جادادن
frāx	جادار
ǰādūg, kundāgīh	جادو
ǰādūg, kēd, kundāg	جادوگر
ǰādūgīh	جادوگری
ǰādūgīh	جادویی
rāh	جاده
gyāg-rōb	جاروب
rawāg, tazāg	جاری
āšixtan, rēxtan, tāxtan	جاری شدن
ǰām(ag)	جام
ǰām	جام (= شیشه)
ǰāmag, kabāh, paymōg, paymōzan, warr, watar(ag)	جامه
gyānwar, uštānōmand	جاندار
gyān-abespār	جان سپار
gōhrīg	جانشین
gyān kandan	جان‌کنند

Tūr	تور (یکی از دشمنان ایران)
tō, - (i)t	تورا
Tūrān	توران
Tūr	تورانی
tōrag	توره
tōz	توز
baxtan, pargandan	توزیع کردن
tōšag	توشه
wizār, zand	توضیح
nigēxtan	توضیح دادن
wīdwarīh	توکل
andar āwurdan	تولید کردن
bun, tah	ته
padist	تهدید
tahm	تهم
tuhīg	تهی
hangēxtan	تهییج کردن
tuhīgīh	تهیگی
abgār-	تهیه کردن
tigr	تیر
Tīr	تیر (نام ایزد)
tīr	تیر: گاه‌نما: نام چهارمین ماه سال و سیزدهمین روز ماه
tīr	تیر: در نجوم: عطارد
frasp	تیر سقف
sāyag	تیرگی
tērag	تیره
tēx, tēz	تیز
tēzīh	تیزی
Tištār	تیشتر: در نجوم: شعرای یمانی
awestarag	تیغ
tēx	تیغ (= پرتو)
frēg, šānag	تیغ شانه (= استخوان شانه)
siyā(h)īzag	تیغ گیاه

kēwūd , tabangōg	جعبه
ǰay	جغ (درخت)
būm	جغد
ǰagar	جگر
ǰuxt , ²tā	جفت
āyōxtan	جفت کردن
marzišn(Th) , māyišn	جفت گیری
marzīdan	جفت گیری کردن
xwāstan	جلب کردن
abrōxtan	جلا دادن
frāz	جلو
abāz dāštan , grifan , padīrān(ēn)īdan	جلوگیری کردن از...
marzišn(Th)	جماع
gund	جماعت
mastarg	جمعیه
činišn	جمع آوری
(ō) gird āmadan	جمع شدن
gird kardan , ō ham kardan , harrōb- , P. amwaštan	جمع کردن
ǰumbēnīdan	جنباندن
ǰumbīhistan	جنبانیده شدن
ǰumbāgīh , ǰumbišn , rawišn	جنبش
ǰumbīdan	جنبیدن
ardīg , hamrānīh , ǰang , nibard , P. pādrasm	جنگ
ardīkkar , ēraxtār , kārīg	جنگجو
ardīkkarīh	جنگجویی
wēšag	جنگل
wēšagīg	جنگلی
āyōzīdan , ēraxtan , nibardīdan , pahikāftan , pahikār- , P. rān-	جنگیدن
nēm-rōz , rapihwin	جنوب
rapihwintar	جنوبی
ǰaw	جو
andarwāy , spāš , way	جَو
frāx	جواب

gyānwar , zāyišnīg	جانور
ǰawēdānag	جاودانه
dagrand-xwadāy , hamēīg , ǰawēd	جاوید
ǰawēdān , hamēīgīhā , P. yāwēd(ān) ,	جاویدان
dād-gāh	جای وقفی
nišēm	جایگاه
ādišt	جایگاه آتش
daštānestān	جای مجزا برای زنان قاعده
tōxtan	جبران کردن
anābuhlag	جبران ناپذیر (گناه)
niyāg	جد
ǰud(āg)	جدا
frāz az , ǰud az	جدا از
wizīhīdan	جدا شدن
wēxtan , wisāndan , wiškīdan , wizārdan	جدا کردن
ǰudāgīh , wisānišn(Th) , wiškin(n)išn , wizār , wizīhīšn(Th)	جدایی
ǰud-nāy	جدنای (واحد طول = شش پا)
ayārīdan	جرات کردن
āgrift , wināh	جرم
rawāgīh , tazišnīh	جریان
grīw	جریب (پیمانه اندازه گیری خشکبار)
grīw	جریب (واحد اندازه گیری سطح)
xwurdag	جزئی
gōkān	جزئیات
ōgār	جزر
gazīdag	جزیه
xwāstan	جستجو کردن
ǰastan	جستن
nasā , ristag	جسد
astōmand , astwand , kālbodōmand , tanīgard(īg) , tanōmand	جسمانی
tanīg	جسمی
ǰašn , wayōdagān	جشن (عروسی)
yaštan	جشن گرفتن

čābukīh , *marčābukīh
 čādur , mašk , wiyān
 čār(ag)
 čāraggarīh
 čāšt
 čāšnīg
 frabīh
 šēbāg
 čāh
 hōy(ag)
 čē rāy , čim(rāy)
 čarag
 čirāy
 abrōzišn(Th)
 čarag , wāstar
 čarb
 čarbīh , čarbišn , pih
 čaxrag
 wēxtan
 karāwuš
 wēxtan
 čarz
 čarm
 dōsēn
 čābuk , šēbāg
 čaxšāgīh , mizagdārīh
 čašm , dōysar
 aš , duǰ-dōysarīh
 war-čašm
 mēzišn
 mēzišn
 čašmag , xān(Tīg) , zahābag
 čagād

چابکی
 چادر
 چاره
 چاره‌گری
 چاشت
 چاشتی
 چاق
 چالاک
 چاه
 چپ (دست)
 چرا؟
 چرا
 چراغ
 چراغانی
 چراگاه
 چرب
 چربی
 چرخ
 چرخاندن
 چرخشت
 چرخیدن
 چرز (نام پرنده)
 چرم
 چسبنده
 چُست
 چشائی (حس)
 چشم
 چشم (بد)
 چشم بر سینه
 چشم بر هم زنی
 چشمک
 چشمه
 چکاد

paywāz
 ǰuwān , kawādak , keh , kōdak
 keh(tar)
 spīg
 spīzišn
 spīz-
 ǰuwān , ǰuwānīh
 gōhr(ag)
 xār-pušt
 gōz
 Gōzihr
 ayārdīdan
 ayārdēnīdan
 ayārdēnišn
 ayārdēnīdan
 gōhr(ag)
 ǰō(y)
 andarwāyīg
 ǰudan
 ǰōyišn
 ǰawēn
 ǰeh
 axw(ān) , gēhān
 anērān
 gēhānīg , gētīg(Tīg)
 ālag , bahr(ag) , nēmag , rōn , sōg , sraxtag
 ǰahišn-ayār
 ǰahišn-ayārīh
 ǰahūd

جواب دادن
 جوان
 جوان(تر)
 جوانه
 جوانه‌زدگی
 جوانه‌زدن
 جوانی
 جواهر
 جوچه تیغی
 جوز
 جوزهر (در نجوم)
 جوش آمدن
 جوشاندن
 جوشش
 جوشیدن
 جوهر (= ذات)
 جوی
 جوی
 جوبدن
 جوبدن (عمل)
 جوین
 جه
 جهان
 جهان آن سوی ایران
 جهانی
 جهت
 جهشیار
 جهشیاری
 جهود

« چ »

čābuk , *marčābuk , tagīg

چابک

čahār	چهار
čahār-pāy	چهارپای
gōspand	چهارپای (کوچک)
stōr	چهارپای (بزرگ)
čahārdah	چهارده
tasum	چهارم
čīhr	چهر
čīhr-šnāsth	چهرشناسی
kē	چه کسی؟
čehel	چهل
kay?	چه وقت؟
čīdan	چیدن
čēr	چیره
čērthīstan	چیره شدن
čērth	چیری
čīš , kard , tis , xīr	چیز
čēth	چیستی
čēh-widarag , čīnwad-puhl	چینود پل
činag	چینه

«ح»

ǰastan	حادث شدن
bar	حاصل
drūdan	حاصل برداشتن
nām-burdār	حافظ نام پدر
šahryār	حاکم
šasab	حاکم نواحی در ایران باستان
wardag	حالت فعلی حیوان مؤنث
astōmandīh , tanōmandīh	حالت مادی داشتن
burdār	حامل
zahagōmand	حامله

čēgāmag	چکامه
čakōk	چکاوک
cakuč	چکش
hangirdīg(Th)	چکیده (= خلاصه)
čagar	چگر
čē-ēwēnagīh , čēth	چگونگی
čē-ēwēnag , čiyōn	چگونه
karbāš , karbunag	چلیپاسه
čēlāngar	چلنگر
gađ , warz	چماق
āxrāmīdan	چمیدن
činār	چنار
čiyōn ka	چنانکه
čambar	چنبر
and , čand	چند
čandišn	چندش
čandīh	چندی
čang , kennār	چنگ
srū	چنگال
čang-srāy , kennār-srāy	چنگسرای
ēdōn , hamgōnag , ōh , ōwōn	چنین
čōb , dār	چوب
dār-wāzīg	چوب باز
čaw(ba)gān	چوب خمیده چوگان
čōbag	چوبه
dārēn	چوبین
pānāg	چوپان
*čaw(ba)gān	چوگان
čē , čiyōn , ka , ōwōn	چون
ēd rāy čē	چونکه
čiyōnīh	چونی
čē , kadām	چه؟
čand	چه اندازه؟

šahryārīh
 widāzīhistan
 čambar , čaxrag
 widāxtan
 duš-āgāhīh , halagīh
 pānagīh , panāhīh , pušt , puštībān , zēnhār
 pādan , pahrēxtan , srāyīdan
 burdan , widārdan
 abāz dādan ō
 burdār
 hēnīh , pahikafišn , tag
 pahikaftan , tag kardan abar/ō
 šādurwān
 parwār
 nang
 zīndakkar
 zīwenīdan
 gyānīg
 frēh
 dām
 zībāl
 anbarag
 xrafstar
 dad

حکومت
 حل شدن
 حلقه
 حل کردن
 حماقت
 حمایت
 حمایت کردن
 حمل کردن
 حمل کردن بر...
 حمل کننده
 حمله
 حمله بردن
 حوض
 حومه
 حیا
 حیات بخش
 حیات بخشیدن
 حیاتی
 حيله
 حیوان اهلی
 حیوان تندرو
 حیوان موی ریخته
 حیوان موذی
 حیوان وحشی

«خ»

xār
 hukar(ag) , xār-pušt , zūzag
 uzīdan
 anōdagīg , uzdechīg
 xārōmand

خار
 خارپشت
 خارج شدن
 خارجی
 خاردار

pānāg , panāh , puštībān
 magind
 pardag
 wimand
 tuwān-sāmān
 (pad) kamistīh
 garmāg , garmīh
 āz , āz-kāmagīh , āzwarīh , ruzdīh , waranīgīh
 P. wāxtan
 čandišn , ēwarz , ĵumbišn , rawišn , wihēz(ag)
 wāzīdan
 ēwarzīdan , raftan , wazīdan , wihēz-
 dwārīdan/dwāristan
 āz-kāmag , āzwar , ruzd , waranīg
 hambadīg , hambāy , hambedīg , hamēmāl , hamēstār
 bōy , sōhišn , šnāsag
 hangārag
 āmār- , hangārdan , ošmurdan
 duš-čašmīh
 mārāg , sōhišnīg
 arešk , čašm-areškīh
 mārđan
 areškēn , čašm-arešk
 gāl
 xrafstar
 gāl
 awāhan , parwand , parwast , war
 handēmānīh
 nišāyišn , past
 gabr
 dārišn
 dāštan , zēnēnīdan
 handarż

حامی
 حایل
 حجاب
 حد
 حد توانایی
 حداقل
 حرارت
 حرص
 حرف زدن
 حرکت
 حرکت دادن
 حرکت کردن
 حرکت کردن (اهریمنی)
 حریص
 حریف
 حس
 حساب
 حساب کردن
 حسادت
 حساس
 حسد
 حس کردن
 حسود
 حشر
 حشره زیانکار
 حشم
 حصار
 حضور
 حسیض
 حفره
 حفظ
 حفظ کردن
 حکم

kardagān	خدمت ایزدان
kard-espās	خدمتکار
paristīdan	خدمت کردن
xar	خر
ānāst(ag), awērān, awērag, mūdāg, tabāh, winastag, wišōbišnīg	خراب
abesTīhīdan, hambastan	خراب شدن
wimuštan, wināhīdan	خراب کردن
an-afsēnišn	خراب نشدنی
abesTīhišn(Th), afsēnišn, ānāstīh, tabāhīh, wany (b)ūdīh, wišōbišn	خرابی
harg, sāk	خراج
xwarāsān	خراسان (= مشرق)
randīdan	خرایشیدن
āxrāmīdan	خرامیدن
xar-buz	خربز
*karzang	خرچنگ
*karzang	خرچنگ: در نجوم: برج سرطان
bār-jāmag, paywāsag	خرجین
dānāgīh, xrad	خرد
xwurd	خُرد
Hordād	خرداد (= کمال): نام پنجمین امشاسپند و نگهبان آب
Hordād	خرداد: گاه نما: نام سومین ماه سال و ششمین روز ماه
kam/kem	خُردتر
āsn xrad	خرد فطری
aīšurdan, kōftan	خُرد کردن
spandān	خردل
dānāg, xradīg, xradōmand	خردمند
xwurdag	خُرده
xīrs	خرس
abē-must, hunsand, hušnūd, wīdwar	خرسند
hunsandīh, hušnūdīh, šnōmag, šnōhr, wīdwarīh	خرسندی
xargōš	خرگوش
sahōg	خرگوش صحرائی
huras	خرم

ēwāzīg, wāspuhragān	خاص
jadag, *jadišn	خاصیت
warm, wārom	خاطر
xāk	خاک
ādurestar	خاکستر
ādurestarēn	خاکستری
zamīgīg	خاکی
parš	خالداری
a-gumēg	خالص
pargūd	خاللی از
xām	خام
tušt, xāmōš	خاموش
(a)zruftan	خاموش شدن
afsārdan	خاموش کردن
xāmīz	خامیز
xān	خان
tōhm(ag)	خاندان
nāf	خانواده
xān ud mān	خان و مان
kadag, mān(d), srāy, xān(ag)	خانه
bun-kadag	خانه اصلی
gīlistag	خانه دیوان
xwurdag	خانه ماه (در نجوم)
frawār	خانه یا کوشکی که اطراف آن باز باشد
xāyag	خایه (= تخم)
*niwēyišn(Th)	خبر
niwīstan, niwēyēnīdan	خبر دادن
pazūg	خیزدو
abargar, xwadāy, yazad	خدا
axw	خداوند
pargast	خدای ناکرده
xwadāywār	خدایوار
paristagīh, paristišn	خدمت

sējōmand
 pēs
 hanĵamanīg
 *šawāg
 xuftan
 xwarg
 harzag
 tuhīgīh
 hangirdīg(īh)
 hangirdēnīdan
 a-gumēgīh
 xumb
 xwēn-āhan
 panĵag
 waxr, xwahl
 gōhr
 xandīdan
 xunak
 afsārišn
 huniyāgar
 būšāsp; xwāb, xwamn
 xwamn-wizār
 nibastan, sayistan
 nibēm
 pen, xwār
 tar kardan, tar menīdan
 xwār-bār
 abāyistan, kāmistan, xwāstan, zastan
 xwāstag
 xwān
 xrōstan, xwāndan
 xwāh, xwāhar
 xwāhišn

خطرناک
 خط خط
 خطیب
 خفاش
 خفتن
 خُل (آتش)
 خل
 خلاء
 خلاصه
 خلاصه کردن
 خلوص
 خُم
 خماین
 خمسه
 خمیده
 خمیره
 خندیدن
 خنک
 خنکسازی
 خنیاگر
 خواب
 خوابگزار
 خوابیدن
 خوابیده
 خوار
 خوارشمردن
 خواربار
 خواستن
 خواسته
 خوان
 خواندن
 خواهر
 خواهش

xormā
 huraṁīh
 uzēnag
 xrōs
 xrōšīdan
 xrōhak
 xrīdan
 xaz
 gāhbed
 zyān
 xastan, xwastan
 āstawān, xwastūg
 xwastūgīh
 māndag
 pen
 xišt
 hušk
 hōšēnīdan
 hōšīdan
 āhr, dēbahr, xēšm
 xēšmēn
 xašēn
 stabr, sturg, tund
 farrox, hunsand, hušnūd(ag), *wīdwar
 šnāyēnīdan
 hunsandīh, hušnūdīh, šnāyēnišn, šnūman, urwāzišn, wīdwarīh
 tundīh
 dušmenādīh
 kiš
 ērang(īh)
 kastār
 kastārīh
 sēj

خرما
 خرمی
 خروج
 خروس
 خروشیدن
 خروهک
 خریدن
 خز
 خزانه‌دار
 خسارت
 خستن
 خستو
 خستویی
 خسته
 خسیس
 خشت
 خشک
 خشکاندن
 خشکیدن
 خشم
 خشمگین
 خشن
 خشن
 خشنود
 خشنود کردن
 خشنودی
 خشنوت
 خصومت
 خط
 خطا
 خطا کار
 خطا کاری
 خطر

hu-bōy	خوشبو
*wimēhgēn	خوش ترکیب
urwāzišn	خوشحالی
urwāzistan	خوشحالی کردن
hu-xēm	خوش خیم
hu-xēmīh	خوش خیمی
hu-xēm	خوش خو
hu-ēwāz, hu-gōwišn	خوش گفتار
hu-gugār	خوشگوار
hōšag	خوشه
hōšag	خوشه: در نجوم: برج سنبله
rāmišn, urwāhm(an)īh, xwašīh	خوشی
rāmēnīdan	خوشی دادن
hōšīdan	خوشیدن
hug	خوک
hukar(ag)	خوکره
xōn	خون
Xwanirah	خونیره
*ul-drafiš, xurdruš	خونین نیزه
menišn, ragīh, xōg	خوی
xwēy	خوی (= عرق)
hu-xēmīh	خوی خوش
xwēd	خوید
xwēdīh	خویدی
xwīstan	خوی ریختن
xwēš	خویش
ham-tōhmag, xwēšāwand	خویشاوند
*brādarōd	خویشاوند (ناتنی)
nabāzazdišt	خویشاوند نزدیک
brādarōdīh	خویشاوندی
xwēšīh	خویشی
xwēdōdah	خویدوده
darzīh	خیاط

hudā(ha)g, nēw, weh, xūb; hu-, huīh; P. naxšag	خوب
hu-rust	خوب رُسته
hu-ramag	خوب رمه
hu-kunišn	خوب کردار
huīh, nēk-gōhrīh, wehīh, xūbīh	خوبی
abar-menišn, abar-tan	خودپسند
abar-tanīh	خودپسندی
xwad-dōšag	خودخواه
xwad-dōšagīh	خودخواهی
wastār, tar-menišn	خودسر
wastārīh, tar-menišnīh	خودسری
kāmag-widār, kāmag-xwadāy, kām-zī(w)išn	خودکامه
xwadīh	خودی
mihr, xwar	خور
Xwar	خور: گاه‌نما: نام یازدهمین روز ماه
Xwar	خور (نام درجه‌ای از گناه)
čāštag, pīh, xwār, xwardīg, xwarišnīh	خوراک
rōzīg	خوراک روزانه
āmiz	خوراک غیراصلی
xwārēn-	خوراندن
xwardan	خوردن
xwārēn, xwarišnīg	خوردنی
xwardār	خوردنی (شرعی)
xwardīg	خوردی
xwarišn(īh)	خورش
mihr, xwar(x)šēd	خورشید
xwaš	خوش
husraw	خوش آوازه
xunak!	خوشا!
hu-dōšag	خوشایند
farrox, jāhišn-ayār, xwarrahōmand	خوشبخت
pādēxēnīdan	خوشبخت کردن
ābādīh, farroxīh, jāhišn-ayārīh, xwā(h)rīh, xwarrah	خوشبختی

afsān	داستان
dāštan	داشتن
garm	داغ
drōš	داغ
dazīdan	داغ کردن
drōšīdan	داغ زدن
dālman	دالمن
dām , talag	دام
dām	دام (حیوان اهلی)
dāmād	داماد
dāmādīh	دامادی
-dān	— دان (پسوند)
dānāg , frazānag	دانا
dānāgīh , frazānagīh	دانائی
dānistan , uzwārdan	دانستن
dānišn	دانش
hašāgird , hāwišt	دانش آموز
dānišnōmand	دانشمند
čīnag , dān(ag) , jōrdā	دانه
muhrag	دانه تسبیح
dādwar , mayānjīg	داور
dādestān , dādwarīh , handāzišn , wizīr	داوری
drō-dādwarīh	داوری دروغ
handāxtan	داوری کردن
girdag	دایره
dāyagānīh	دایگی
dāyag	دایه
dībīr	دبیر
dībīrīh	دبیری
duxt	دخت
duxtar	دختر
daxmag	دخمه
dād	دد (حیوان وحشی)

nē	خیر
ahlaw-dād	خیرات
hērīg	خیری (نام گل)
ēš	خیش
xīg	خیک
xēm , xōg	خیم
kōšk , mašk , mašk-abarzēn	خیمه
bunag	خیمه گاه
xayūg	خیو

((د))

dād , dādestān	داد
dādār	دادار
dādārīh	داداری
dādan	دادن
-bān , -dān , -dār	— دار (پسوند)
dār	دار
dārgardīh	دار آویختگی
parwastan	دارا بودن
mēnōg-wēn	دارای بینش روحانی
dagrand-xwadāy	دارای پادشاهی طولانی
gōspand-čīhrag	دارای تخمه چهارپایان
hu-dēn	دارای دین خوب
radōmand	دارای رد
hu-ramag	دارای رمه خوب
zī(w)išnōmand	دارای زندگی
warzāwand	دارای قدرت اعجاز
grāmag , hangadīh	دارایی
dār-wāzīg	دارباز
darmān , dārūg	دارو
dās	داس

rēškēn	دردناک
dardōmand	دردمند
darz	درز
darzīg	درزی
drust	درست
bowandag menišn	درست‌اندیشی
sahistan	درست به نظر رسیدن
ahlaw, ardā , frārōn	درستکار
ardāyīh , frārōnīh	درستکاری
društīh	درستی
društ	درشت
društ-āwāz , društ-ēwāz	درشت‌آواز
društīh	درشتی
wardyūn	درشکه
ītā	در ظرف
bē... enyā... nē	درغیر این صورت
drafš	درفش
bōy , mārišn , sōhišn	درک
mārdan	درک کردن
dargāh	درگاه
bešāz , darmān , dārūg	درمان
an-ādānīh	درماندگی
an-ādān	درمانده
bēšāz(ēn)-	درمان کردن
dramanag	درمنه
parwastan	درمیان گرفتن
drang	درنگ
darband	دروازه
ēr-kaš	دروود فرستادن
durgar	دروودگر
drūdan	دروودن
drō , mih , mihōxt , zūr	دروغ
drōzan	دروغزن

dudīgar	ددیگر
dar	در
ō , pad	در (حرف اضافه)
windišn	درآمد
kēšīdan	درآوردن
pōr	دراج
dagr , dagrand , drāz	دراز
dra(h)nāy	درازا
nibastan	دراز کشیدن
nibēm	دراز کشیده
P.darāy	درای
wāspuhragān	درباری
padīrag	در برابر
parwastan	دربرداشتن
paymōxtan , pōšīdan	دربیر کردن
suš	درجه (از کمان)
purr-gāh	در حال نزع
ītā	در حالیکه
handēmān	در حضور
dār , draxt , wan	درخت
wan ī was-tōhmag	درخت بسیار تخمه
wan ī gurgānīh	درخت پسته
nihāl	درخت نو نشانده
šēd , rōšn , P. nisāg	درخشان
bām , brāh , brāzišn , spīg , spīzišn	درخشندگی
bāmīg , brāzišnīg	درخشنده
brāzīdan , drafšīdan , frōgīhistan , spīz- , tābīdan = tāftan	درخشیدن
pahikārdan	درخواست کردن
abāyišnīg , niyābag , passazag , sazāg	درخور
saz-	درخور بودن
ērwār , gurdwār	درخور پهلوان
marg-arzān	درخور مرگ
bēš , dard , pīm , rēškēnīh	درد

dastwar	دستور
framān , framāyišn	دستور
framūdan , win(n)ārdan	دستور دادن
dastag , grōh , hōšag	دسته
dastyār	دستیار
dastyārīh	دستیاری
duj-, duš-	دُش – (پیشوند)
dašt , rāy	دشت
daštān	دشتان
daštānestān	دشتان‌گاه
daštān-māh	دشتان‌ماه
bēš-burdār , dušmen , hambasān	دشمن
hambasānīg	دشمنانه
an-āštīh , bēš , dušmenīh , dušmenādīh	دشمنی
bēš burdan	دشمنی کردن
duš-nām , wad-wāzag	دشنام
tar kardan , tar menīdan	دشنام دادن
čēlān , dašnag	دشنه
duš-kar , duš-(x)wār , garān	دشوار
duš(x)wārīh	دشواری
namāz , yašt	دعا
wāz griftan	دعا خواندن
āfrīdan	دعای خیر خواندن
wāz	دعای پیش از غذا
pahrēz , pāsbānīh	دفاع
pasēmālīh	دفاع (قانونی)
drubušt , nigāstār	دفاعی
daftar	دفتر
daftar	دفتر محاسبه
pazdagīh	دفع
ōgārdan , rīdan	دفع کردن
bār	دفعه
bārīg/k	دقیق

druxtān	دروغ گفتن
drōzan , mihr-drōz = mihrōdruj	دروغگو
mihōxt	دروغگوی
drūdan	درو کردن
drōn	درون (نان مقدس)
andarōn	درون
grīwag	دزه
āhīd	دَرم
drahm	دَرم
pēčīdan	دَرم بافتن
āhīdīh	دَرمی
drayā(b) , zrēh	دریا
drayā(b)bār	دریابار
mārāg , mārišnōmand	دریابنده
war , zrēh	دریاچه
abar madan	دریافتن
darrīdan	دریدن
duz(d) , gēg , rāh-dār	دزد
appar(išn) , duz(d)īh	دزدی
duzīdag , truftag	دزدیده
appurdan , duzīdan	دزدیدن
āwahan , dīz , drubušt	دژ
duš-kām	دژکام
dast , panjag	دست
gaw	دست (اهریمنی)
ēr-kaš	دست به سینه
abdast	دستپناه (بخشی از زره)
hōy(ag)	دست چپ
dašn , dašnag	دست راست
čamišn	دست شویی
dast(a)gird	دستگرد
dast-gīr	دستگیر
dast-gīr , griftār	دستگیر شده

bēdom	دورترین
ānāftan, franāftan	دور کردن
*pa(č)čībāgīh	دوروثی
drang, wihēz(ag), paymān(ag)	دوره
ānābišn, franāmišn	دوری
pahrēxtan	دوری کردن
dušox, dwārišn	دوزخ
dušoxīg	دوزخی
ayār, dōst, *ērmān, hamāl	دوست
dōštīdan	دوست داشتن
ayārīh, dōstīh, dōšišn, ērmānīh, mihr	دوستی
dō-saxwan	دوسخنه
dōš	دوش
dōš, suft	دوش
šānag	دوشاخه
dōxtan=dōštīdan	دوشیدن
dōštīzagīh	دوشیزگی
dōštīzag, kanīg, kanīzag	دوشیزه
dōk	دوک
dō-gānag	دوگانه
dōwom	— دوم (در اعداد مرکب)
didom, dudīgar	دوم
pōyišnīg	دونده
dawīdan, (dawistan), pōy-, taxtan, (tazīdan)	دویدن
dwārīdan, (dwāristan)	دویدن (اهریمنی)
deh, wis	ده
dah	ده
dahān	دهان
dahibed	دهید
dahišn	دهش
dahigān, (dehgān)	دهقان
dahliz	دهلیز
dahom	دهم

ḵādag-wihīrīh, wardišn	دگرگونی
dīl	دل
hu-ēwāz	دلجو
hu-ēwāzīh	دلجوئی
āmurzīdan	دل سوختن
abaxšāyišnīg	دلسوز
dōl, hēzag	دلو
dōl	دلو: در نجوم: برج دلو
arwand, dilēr, nēw	دلیر
arwandīh	دلیری
dum(b)	دُم
ḵamišn, wād, wēn	دَم
dum(b)ōmand	دُمدار
daftan, (damīdan), nāy-pazd, pazd-	دَمیدن
pas, pay ī	دنبال
dād, dandān	دندان
dō	دو
dwāzdah	دوازده
dawāl	دوال
a-sazišnīgīh, ēstišn	دوام
pattūdan, (pattāyistan)	دوام آوردن
bid, did	دوباره
abāz wirāstan	دوباره ترتیب دادن
dō-pāy	دوپا
dō-pahikar	دوپیکر: در نجوم: برج جوزا
ḵuxt	دوتا
dō-axwānīg	دوجھانی
dōxtan	دوختن
dūd	دود
dūdag, tōhmag	دوده
dūr	دور
gumēzagīh	دوران جهان مادی
parrōn	دورتر

dēw-ēsntĥ , dēw-ēzagĥ
xēšm
dēwōk
māzanīg
dēwānag
dēw-ēsntĥ , dēw-ēzagĥ
puhl

دیو پرستی
دیو خشم
دیوک
دیو مازنی
دیوی
دیویسنی
دیه

« ذ »

gōhrīg
frārāst
wārom , wīr

ذاتی
ذراع
ذهن

« ر »

framādār
kamālīg
drustabed
darīgbed
andar
āsān
āsāyišn , rāmišn
rād
rādĥ
rāz
rāz-kirrōg
rāspīg
rāst , wābarīgān , wizurd
rāstĥ , wābar , wizurdĥ
rasūg

رئیس
رئیس (اهریمنی)
رئیس پزشکان
رئیس تشریفات
راجع به
راحت
راحتی
راد
رادی
راز
رازیگر
راسپی
راست
راستی
راسو

ēwān , padisār
bēwar
Day
dīg
dēbāg
wēnāb
dīdār
dīdan , nīš-
dīdār
dīdag
dagr
dagr-pattāy
dagr-zamān
dagr-zī(w)išn
frasp , nāy , stūn(ag)
dagrand
dīg
dēs(ag)
dōš
dēg
abārīg , any , did
dēn
Dēn
dēnār
weh dēn
dēnīg
ag-dēnĥ
dēw , druz
dēwār , parisp
dēwān
halagĥ
dēwānag
māzandar

دهنه
ده هزار
دی: نام دهمین ماه سال و هشتمین، پانزدهمین و بیست و سومین روز ماه
دی
دیبا
دید
دیدار
دیدن
دیدنی
دیده
دیر
دیرپا
دیرزمان
دیرزی
دیوک
دیرنده
دیروز
دیس
دیشب
دیگر
دین
دین: نام روز بیست و چهارم ماه
دینار
دین زردشتی
دینی
دینی غیر از دین زردشتی داشتن
دیو
دیوار
دیوان (مجموعه نوشته‌ها)
دیوانگی
دیوانه
دیو بزرگ

radag, rastag	رده
radīh	ردی (مقام)
radag	ردیف
gul	رز (گل)
raz	رز
ǰang, razm	رزم
razm-gāh	رزمگاه
aštagīh	رسالت
rasēnīdan	رسانیدن
rist-āxēz	رستاخیز
bōxtag	رستگار
bōxtan, wizārdan	رستگار شدن
bōxtagīh, bōxtārīh, bōzišn, wizārišn	رستگاری
rastan	رستن
rustan	رُستن
ārōyišnīg	رُستنی
pēšag, radag, rastag	رسته
dastwarīh	رسم
arwēs, rasan, rištag	رسن
an-āzarm	رسوا
an-āzarmīh	رسوایی
aštag	رسول
pazzāmišn	رسیدگی (میوه)
wizōstan	رسیدگی کردن
(abar) rasīdan	رسیدن
pazzām-	رسیدن (میوه)
abar rasīdan (ō), ayāftan	رسیدن به...
abar rasīdan	رسیدن بر سر...
rištag	رشته
abzōn, abzāyišn, rōyišn, waxšišn	رشد
abzūdan, waxšīdan	رشد دادن
arcšk	رشک
areškēn	رشک برنده

abe-must	راضی
rāy	راغ
hammist	راکد
rām	رام (آرامش)
Rām	رام: گاه‌نما: نام بیست و یکمین روز ماه
huniyāgar	رامشگر
haxt, rān	ران
wāzīdan	راندن
hangōšīdag, pand, rāh, ristag, widarag	راه
rāh-dār	راه‌دار
rāh-dār	راهزن
rāh-dārīh	راهزنی
rāh-nimāy	راه‌نما
hāxtan, nimūdan	راه‌نمائی کردن
rawāg	رایج
bōy	رایحه
dar-handarzbed	رایزن دربار
pahikārdan	رایزنی کردن
waxšgar	ریاخوار
apparag	ریابنده
rubūdan	ریودن
mar	رتبه
aškamb(ag), aškom(b), burdār, gabr, grāb, pusyān, uruspar	رَجم
abaxšāyišn	رحم
abaxšāyīdan, āmurzīdan	رحم کردن
abaxšāyišnīg	رحیم
rox	رخ (در بازی شترنج)
gāzar	رختشوی
nakkīrāyīh, spōzišn	رد
rad	رد (= سرور)
pay	ردپا
ānāftan, spōxtan	رد کردن
nakkīrā	ردکننده

kayk	روحانی دشمن زردشت
mēnōg(īg)īh	روحانیت
rōd	رود (آلت موسیقی)
rōd	رود (= رودخانه)
rōd-bār	رودبار
padīragīh	رودرویی
rūdan	رودن
rōdīg, uruspar	روده
rōdīg	روده‌ای
rōz	روز
rōzwārag	روزانه
rōzgār	روزگار
rōzan, rōz(b)ānag	روزن
rōzag	روزه
duzīdag, truftag	روزهای افزوده آخر سال (= کیسه)
pad-rōzag, rōzag	روزه‌دار
rōzīg	روزی
rōspīg	روسیبی
rōspīgīh	روسیبگری
rōstāg	روستا
brahm(ag), ēwēn(ag), handāzag, hangōštīdag, ristag, šōn	روش
ēdōnīh	روش (درست)
rōšn	روشن
abrōxtan, rōzēnīdan	روشن کردن
rōšngar	روشنگر
abrōzišnīh	روشنگری
rōšn(īh), frōg, payrōg	روشنی
anagr-rōšn(īh)	روشنی بی کرانه
-rawišnīh	- روشنی (پسوند سازنده اسم معنی)
čarbišn, rōyn	روغن
čarbišnōmand	روغن‌دار
handūdan	روغن مالی کردن
čarb	روغنی

Rašn	رشن (ایزد عدالت)
Rašn	رشن: گاه نما: نام هجدهمین روز ماه
pārag	رشوه
hupassandagīh, sahišn, šnōmag	رضایت
huniyāgīh	رضایت خاطر
γarrānag, wīr	رعد
barišn, rawišnīh, warišn	رفتار
ērīh	رفتار خوب
franāftan, raftan, šudan	رفتن
muštan, rōb-	رُفتن
hamāl	رفیق
*brādarōdīh	رقابت
*brādarōd	رقیب
stūn(ag)	رکن
ragag=rag	رگ
ram(ag)	رمه
ranj, handraxtagīh	رنج
ranjēnīdan	رنجانیدن
ranjwar	رنجور
rēškēnīh	رنجوری
ranjag	رنجه
randīdan	رنده کردن
gōn, rang	رنگ
pēšīdan, raštan	رنگ کردن
rawāgīh	رواج
franāftan, rawāgēnīdan	رواج دادن
frawahr, fraward, gyān, ruwān, uštān, wād	روان
tāxtan = tāzēnīdan	روان ساختن
ruwānīg	روانی
rōbāh	روباه
ulīh	رو به بالا
mēnōg(īh), waxš	روح
gāhānīg, gyānīg, mēnōgīg, ruwānīg, waxštīg	روحانی

rēg	ریگ
rēm	ریم
rēman	ریمن
rēmanīh	ریمنی

«ز»

ābus	زائو
dād	زاد
zādan	زادن
hunušakēnīdan, wišūdan	زادن (اهریمتی)
zādag, zāyišnīg	زاده
zādan	زاده شدن
čēhišn, zarīg	زاری
čīdan	زاریدن
zālūg, dēwōk	زالو
Zāmyād	زامیاد: گاه‌نما: نام بیست و هشتمین روز ماه
(u)šnūg, zānūg, zang	زانو
zāyč(ag)	زایچه
parrēxtan	زاید بودن
zāyišn	زایش
zāyišnīg	زایشی
ābusīh	زایمان
zuwān = uzwān	زبان
azabar	زَبَر
društ	زَبَر
bēšišn	زجر
ranj, widang	زحمت
rēš, zaxm	زخم
rēšīdan	زخم کردن
kōftan, kōstan, pahikaftan, pahikōftan, zadan	زدن
snāh	زد و خورد

Hrōm	روم
Hrōmāyīg	رومی
rōyan	روناس
dādestān	روند
raftār	رونده
pa(č)čēn	رونویس
abar, pad	روی
rōy	روی (= فلز)
rōy	روی (= سیما)
būšāsp, xwamn	رؤیا
ǰastan	روی دادن
ārōyišn, rōyišn	رویش
rōyan	روین
rōyēn	رویین
wišād, harzag	رها
pargūd az	رها از
hištan	رها کردن
hilišn, rastārīh	رهایی
parwānag, pēšār, pēšōbāy, sālār	رهبر
rāyēnīdārīh, parwānagīh	رهبری
franāftan, hāxtan, rāyēnīdan	رهبری کردن
rahīg	رهی
rēbās	ریباس
afšāndan, āšixtan, rēxtan, tāxtan (= tazēnīdan), wēxtan	ریختن
rēdak	ریدک
rīdan	ریدن
*darmag	ریز
rēzišn	ریزش
rēš	ریش
rēš	ریش (صورت)
afsōs, riyahīh	ریشخند
afsōsgar	ریشخند کننده
rēšag	ریشه

garmsēr
warz-būm
būm-čandag
sardsēr
dašt, hāmōn
mādayān
zamīgīg
nārīg, zan
wabz
magas ī angubēn
ābus
ziyānag
zanjīr
zand
zēndān
zēndānbān
wardag, zendānīg
daštān(ōmand)
zīndagīh, zī(w)išnīh, zīyīšn
mān-
uštānōmand, zīndag, zī(w)išnōmand
zandag
zīwēnīdan
zīndakkar
zandīk
zandīkīh
darāy
zangīg
zadār
zēnhār
sel
zōt
zōtīh

زمین پست
زمین کشت شده
زمین لرزه
زمین مرتفع
زمین هموار
زمینه
زمینی
زن
زنبور
زنبور عسل
زن تازه‌زا
زن جوان
زن‌جیر
زند
زندان
زندانبان
زندانی
زن دشتان
زندگی
زندگی کردن
زنده
زنده
زنده کردن
زنده کننده
زندیق
زندیقی
زنگ
زنگی
زننده
زنها
زوبین
زوت
زوتی (مقام زوت)

awestarišn
awestardan
zarr
uštar-gāw-palang
zard
wiš
zard-ālūg
zard-čōbag
zardu(x)št
zardak
zardag
zardīh
zarr(ī)gar
zargōn
zargōnīh
gubrāg, wigrād, zēnāwand
Zurwān
zēn, zrēh
zrēh
bāzābānag
zarrēn
đuš-čīhr, zišt
kurkum
zafar
zam
āwām, gāh, hangām, jār, zamān(ag), zurwān
ēbsrūsrīm
dagr-zamān
āwām
sturg
uzumburd
zam, zamestān
xāk, zamīg

زدودگی
زدودن
زر
زرافه
زرد
زرد آب
زردالو
زردچوبه
زردشت
زردک
زرده (تخم مرغ)
زردی
زرگر
زرگون
زرگونی
زرنگ
زروان
زره
زره (= دریا)
زره بازو
زرین
زشت
زعفران
زفر (دهان اهریمنی)
زم
زمان
زمان بین غروب خورشید و نیمه شب
زمان طولانی
زمانه
زمخت
زمرد
زمستان
زمین

« ژ »

zāz	ژاز
zadūg	ژد
zofāy, zofr	ژرف
nigūnīh, zahā, zahīh, zofāy(īh) zofrāy	ژرفا
zofr-pāyag	ژرف پایه
zandag	ژنده
zūzag	ژوزه

« س »

šasab	ساتراپ
šasabīgān	ساتراپ نشین
bār, rōd-bār	ساحل
(frāz) brēhēnīdan, dēsīdan, kardan, passāxtan, sāxtan	ساختن
kirrēnīdan	ساختن (اهریمنی)
kirīh-	ساخته شدن
hugar	ساده
čārūg	ساروج
hu-sāzagīh	سازگاری
rāyēnīdārīh	سازمان دهی
sās	ساس
zamān(ag)	ساعت
pāy, zang	ساق پا
ēwan, wan	ساقه
tušt	ساکت
mehmān	ساکن
sāl	سال
sālār	سالار
sālārīh	سالاری

ray, zūd	زود
ahy	زود(ترین)
sazišnīg	زودگذر
amāwandīh, nērōg, ōz, pādyāwandīh, saxtīh, stahm, tagīg, zōr	زور
amāwand, nērōgōmand, ōzōmand, pādyāwand, zōrīg, zōrōmand	زورمند
zōhr	زوهر
zīh	زه
zahag	زه (=طفل)
zahābag	زهاب
zahār	زهار
wiš, zahr	زهر
wišōmand	زهردار
zahrag	زهره
abēr, frāy, freh, saxt, staft, škeft	زیاد
frāxīh	زیادی
parrēxtan	زیادی بودن
appārīh, wizāyišn, zyān	زیان
ak, akōmand, pad-zyān, zyānōmand, wizāyišnīg	زیانبار
wizāyīdan	زیان رساندن
hu-čīhr, nēk, xwaš	زیبا
zibāl	زیبال
zayt	زیتون
azēr, ēr	زیر
čē	زیرا
aziš-keh	زیردست
zēnāwand, zīrak	زیرک
ēr ud abar	زیر و زبر
zī(w)istan	زیستن
kōfag, zēn	زین
zēn-abzār	زین افزار
payrāyag, pēsišn	زینت
azrāy-, pēšīdan	زینت کردن

Spandarmad	سپندارمند: چهارمین امشاسپند و ایزد زمین
Spandarmad	سپندارمند: گاه نما: نام دوازدهمین ماه سال و پنجمین روز ماه
spandān	سپندان
spōxtan	سپوختن
spōz , spōzišn	سپوز
spāhbed	سپهبد
spihr	سپهر
spitāmān	سپیتمان
spēd	سپید
spēd-dār	سپیدار
spēdbāg	سپید با
spenāg mēnōg	سپند مینو
spēdag	سپیده (تخم مرغ)
bāmdād , oš , oš(e)bām	سپیده دم
axtar , star , stārag	ستاره
a-wiyābānīg	ستاره ثابت
star-ōšmār	ستاره شمار
burdan , grīftan , stadan	ستاندن
āfrīn , burzišn , stāyišn , šnāyišn , yasn	ستایش
šnāyīdan	ستایش کردن
stabr	ستبر
stabrīh	ستبری
awestardan	ستردن
sturg	سترگ
starwan	سترون
awištāb , handraxtagīh , stahm , stahm(ag)īh , stambagīh	ستم
handraxtag	ستم‌دیده
awištāftan	ستم کردن
sāstār , sēzd(ēn) , staft , stahmag , stambag	ستمگر
sāstārīh , sēzd	ستمگری
āfrīdan , burzīdan , stūdan(stāyīdan) , šnāyīdan	ستودن
burzišnīg , stāyišnīg	ستودنی
stōr	ستور

drust , tan-drust	سالم
sālwār	سالوار
-sālag	- ساله (پسوند)
-sālagīh	- سالگی (پسوند)
karān , sāmān , wimand	سامان
sāmānōmand , wimandīg , wimandōmand	سامان مند
sān	سان
sāk	ساک
sāyag	سایه
randīdan	ساییدن
bahr(ag) , čim , jādag , wihān(ag)	سبب
sabz , zargōn	سبز
ārōyišnīg , urwar	سبزی
āmiz	سبزیجات
sabuk , xwār	سبک
xwārtar	سبک (گناه)
āzādīh , spās , spāsdārīh , šnāyišn , šnōhr	سپاس
spās dāštan	سپاس داشتن
burd-esnōhr , hu-spās , spās-dār , spās-esnās , spāsōmand	سپاسگزار
āzādīh guftan , āzādīh hangārdan , āzādīh kardan , pad āzādīh dāštan	سپاسگزار بودن
gund , spāh	سپاه
artēštār	سپاهی
artēštārīh	سپاهیگری
magind , spar	سپر
abespurdan (abespārdan)	سپردن
ōspurdan , spurdan	سپردن (=پایمال کردن)
spuī , spurz	سپرز
sprahm(ag)	سپرغم
spurrīg	سپری
sazistan	سپری شدن
andar widardan	سپری کردن
pas	سپس

srāyišn	سرایش
arziz , srub	سرب
laškarīg	سرباز
laškarīgīh	سربازی
abrāz	سربالایی
arzizēn , sruhēn	سربی
abarmān	سرپرست
stūr	سرپرست قانونی
drustabed	سریشک
kulāf	سرپوش
bun-xān , čašmag	سرچشمه
marz	سرحد
suxr	سرخ
sard	سرد
sardsēr	سردسیر
afsardan	سرد شدن
afsārdan	سرد کردن
afsārišn	سرد کردن (عمل)
sardag	سرده
sardīh	سردی
ǰeh	سردیو مؤنث
āšixtan	سرریز شدن
deh , kišwar , šahr	سرزمین
Ērān , Ērān-šahr	سرزمین آریاها
Ērān-wēz	سرزمین اصلی آریاها
āwēnišn , ērang(īh)	سرزنش
āwēnīdan , ēraxtan	سرزنش کردن
stambag , wastār	سرسخت
stambagīh	سرسختی
srištan	سرشتن
ars , srešk	سرشک
arwandīh , tagīgīh , tēzīh , zūdīh	سرعت
appar(išn) , rōb	سرقت

stōrbān	ستوربان
gōstan , stōrgāh	ستورگاه
stūn(ag)	ستون
kārawān	ستون نظامی
stō	ستوه
stēr	ستیر
āyōzišn(īh) , kō(x)šišn , stēzag	ستیز
āyōzīdan , kō(x)šīdan	ستیز کردن
stēy	ستیع
nērang	سحر
društ , garān , saxt , sturg , škeft	سخت
an-āmurzīd , staft	سخت دل
saxtan	سختن
društīh , dušwārīh , saxtīh , sēj , škeftīh , widang	سختی
saxtag	سختیان
bōgār	سخره
dranjīšn , saxwan , wāz(ag)	سخن
hanjamanīg	سخندان
guftār	سخنوری
gōwāg	سخنگو
sudāb	سداب
*stōš	سدوش
Sadwēs	سدویس
sidīgar	سدیگر
sar	سر
waydān	سر (هرمزدی)
kamāl(īg)	سر (اهریمنی)
rāz	سر
mašk-abarzēn	سراپرده شاهی
sarāsar	سراسر
abdomīh	سرانجام
nišēbīg	سراشویی
bun-kadag , srāy	سرای

āyōzišn(Th), tuxšāgīh, tuxšišn	سعی
kō(x)štīdan, tuxštīdan	سعی کردن
bayaspānīh	سفارت
suft	سفت (= شانه)
suftan	سفتن
ēwarzīdan	سفر کردن
xwān, maškīzag	سفره
arus	سفید
mādišt	سفیده یاخته
wišūdāg	سقط شده
aškōb	سقف
mehmānīh	سکونت
bunag dāstan, mān-	سکونت گزیدن
sag	سگ
babrag	سگ آبی
handēšišn, uskārišn(Th)	سگالش
uskārdan	سگالیدن
mānbān	سگ نگهبان
sel	سل
ēr-kaš	سلام
drōd	سلامتی
rastag	سلسله
šahryārīh	سلطنت
wiš, zahr	سَم
sumb	سُم
kust/kustag	سمت
samōr	سمور
wišōmand	سمی
dād	سن
uzmūdan	سنجیدن
fraš	سنان
sag, sang	سنگ
āsyāg	سنگ آسیا

kār-framān	سرکارگر
abāzсар, mustgar	سرکش
abāzсарīh	سرکشی
sik	سرکه
apēdāg, kārdāg, wiyābān(īg)	سرگردان
kādāg, naxčīr	سرگرمی
sargēn	سرگین
pazūg ī gūhgard/gūhward	سرگین گردانک
sarmāg	سرما
nigūn, nigūnsār	سرنگون
āgustan	سرنگون کردن
bayō-baxт, baxт, brēh, brēhēnišn	سرنوشت
sarw	سرو
srū	سُرُو
čēgāmag, gāh, niwāg, srōd	سرود
srāyišn	سرودخوانی
srūdan, yaštan	سرودن
axw, rad, xwadāy; -bad, -bed	سرور
radīh, xwadāyīh	سروری
Srōš	سروش (ایزد)
Srōš	سروش: گاه‌نما: نام هفدهمین روز ماه
rāzīg	سِرَوِي
arwand, tāzīg	سریع
haxт	سرین
abāyišnīg, niyābag, sazāg(wār)	سزا(وار)
āwēnišnīg	سزاوار سرزنش
nīkōhišnīg	سزاوار نکوهش
sazāgīh	سزاواری
saz-	سزیدن
sust, tand	سست
sustīh, tandīh	سستی
dōl, hēzag	سطل
šēdā, xwā(h)rīh	سعادت

sōgand , war	سوگند
sōgand xwardan	سوگند خوردن
hangrūdāg	سوگواری
čīdan , hangrāyīdan	سوگواری کردن
sōfistā	سوفسطا
sidīg(ar)	سوم
Sawah	سوه (نام اقلیم غربی از هفت اقلیم زمین)
kust(ag) , nēmag , rōn , sōg	سوی
ul	سوی بالا
parrōn	سوی دیگر
sē	سه
se-pay	سه پای
se-šabag	سه شبه
sahm	سهم
baxtan	سهم دادن
aryand , sahmgēn	سهمگین
sahmgēnīh	سهمگینی
sahīg	سهی
sīh	سی
abāxtar	سیاره
šuhr	سیال
sīhom	سیام
syā	سیاه
zangīg	سیاه‌پوست
syāhag	سیاهه
sēb	سیب
sēj	سیج
wardānāg	سیخ کباب
gardīšn	سَیر
sagr	سیر
stēr	سیر (واحد اندازه گیری وزن)
sagrīh	سیری
sēzdah	سیزده

xwān-āhan	سنگ آهن
drubuštīh	سنگر
sangsār	سنگسار
gač	سنگ گچ
šabag	سنگ معدن
sagēn	سنگی
karkēhan	سنگ یمانی
garān	سنگین
garānīh	سنگینی
aswār	سوار
aswār	سوارکار
aswārīh	سوارکاری
aswārīh	سواری
kāmag	سوپ (انواع سوپ)
ēzm	سوخت
dazišn	سوختگی
đazīdan , sōxtan	سوختن
bar , nīrmand , sōg , sūd , waxš	سود
sūd(ō)mand	سودمند
sūdan	سودن
sūr , bazm	سور
gabr , may , sūrāg , sūrāx	سوراخ
sūrāgōmand	سوراخدار
sūrāgīg	سوراخ‌زی
suftan	سوراخ کردن
sōg , sōzišn	سوز
sōzāg	سوزا
sōzān , sōzišnīg , taftīg , waxšendag	سوزان
đazīdan , tāftan	سوزاندن
sōzišn	سوزش
sōzan	سوزن
sōsan	سوسن
Sōšāns	سوشیانس

šāh-esprahm	شاهسپر
šāhwār	شاهانه
šāh-balūt	شاه بلوط
šāh-dānag	شاهدانه
ōy bay	شاه فقید
šāhan šāh	شاهنشاه
šādurwān	شاهنشین
šāhwār	شاهوار
bāz	شاهین
ōh	شاید (با افعال معنی تردید را می‌رساند)
šāyēd	شاید
sazišn(Th)	شایستگی
šāyistan	شایستن
arzānīg	شایسته
marg-arzān	شایسته مرگ
šab	شب
šubān	شبان
rōz-šabān	شبانروز
hāwandīh , mānagīh	شبهات
hērīg	شب بر
aspast	شیدر
šabestān	شبستان
dōš	شب قبل
*šawāg	شیکور
*miznē	شبم
šabag	شبه
-šabag	- شبه (در ترکیب با اعداد می‌آید و به معنی تعداد شبهاست)
ušahin	شب هنگام (یکی از پنج بخش شبانروز)
šabīg	شبی
šabyār	شبیار
šabixōn	شبیخون
ēwsān , hamōg , ham-sardag , hāwand , mānāg	شبیّه
spiš	شپش

sīšimbar	سیسنبر
seyom	سیم (در اعداد مرکب)
(a)sēm	سیم
čih , rōy	سیما
sēn , murw	سیمرغ
asēmēn	سیمین
sēn(ag) , war	سینه
xwān	سینی

«ش»

-š (T)	- ش (ضمیر متصل سوم شخص مفرد: مفعولی و اضافی)
-išn	- ش (پسوند سازنده اسم مصدر)
-išn	- ش (به آخر بن مضارع افزوده می‌شود و معنی لزوم و بایستن را می‌رساند)
srū	شاخ
srūwar	شاخدار
spīg , tāk	شاخه
azg	شاخه درخت
srūwēn	شاخی
huras , šād , urwahn(an) , wiyufsišnīg	شاد
šādurwān	شادروان
spaxr	شادمانی
farroxīh , spaxr , šādīh , urwahn(an)īh , wiyufsišn , xwā(h)rīh	شادی
urwāzistan , *wiyufs-	شادی کردن
hašāgird , hāwišt	شاگرد
hāwištīh	شاگردی
šām	شام
andar būdan	شامل شدن
šāzdah	شانزده
ǰahišn	شانس
dōš , suft , šānag	شانه
(im) bay , šāh	شاه

bēšāz(ēn)-	شفا دادن
bēšāz	شفادهنده
jādag-gō(w)īh	شفاعت
šiftālūg	شفتالو
jādag-gō(w)	شفیع
gumān(īh), gumānīgīh, warōmandīh	شک
naxčīr	شکار
wiškar	شکارگاه
darz	شکاف
škāftan	شکافتن
gumāngar	شکاک
šakar	شکر
burd-ešnōhr, spās-dār, spās-ešnās, spāsōmand	شکرگزار
škarag	شکره
pahikār-, stōwēnīdan	شکست دادن
škastan	شکستن
škīh-	شکسته شدن
škuftan, wiškuftan	شکفتن
brahm(ag), čīhr, ēwēn(ag), dēs, gōn(ag)	شکل
čīhrēnīdan	شکل دادن
aškamb(ag), aškom(b)	شکم
mulān	شکم (اهریمنی)
rōdīg	شکمبه
šken(n)išn	شکونده
škōfag, wiškōfag	شکوفه
abrang, hām, brāh, škōh, xwarrah	شکوه
gilag, must	شکویه
nāl-	شکویه کردن
škēbāg, wixšāyišnīg	شکیبا
škēbāgīh, wixšāyišn(īh)	شکیبایی
škarwīdan	شگرفیدن
škeft	شگفت
abd	شگفت آور

nixwārišn	شتاب
awištāftan, nixwār-	شتافتن
uštar	شتر
uštar-gāw-palang	شترگاو پلنگ
čatrang	شترنج
arwand, čēr, *marčābuk, mardānag	شجاع
arwandīh, čērīh, gurdīh, *marčābukīh, mardānagīh	شجاعت
kas, tan, P. kēč	شخص
kištan	شخم زدن
abaz waštan ō, būdan	شدن
saxt, škeft	شدید
wadagīh	شرارت
xwārišn	شربت
šabyār	شربت انگور
nigēz(išn), wizār	شرح
nigēxtan, wizārdan	شرح دادن
bālist	شرف (نجوم)
bahr(ag)warīh	شرکت
bahr(ag)war	شرکت کننده
nang, pašīrišn(īh), šarm	شرم
pašār-	شرمسار کردن
šarm-gāh	شرمگاه
šarmgēn	شرمگین
pašīr-	شرمنده شدن
wadag	شریر
*brādarōd, bahr(ag)war, hambāy	شریک
šustan	شستن
suš	شش
šaš	شش
šast	شصت
sōzišnīg, waxšēndag	شعله ور
waxšīdan	شعله ور شدن
tōrag	شغال

dāmād	شوهر دختر
dāmādīh	شوهری دختر
šōy	شوی
šahr(estān)	شهر
nāmīgīh	شهرت
šahrestān	شهرستان
šahryār	شهریار
šahryārīh	شهریاری
Šahrewar	شهریور: سومین امشاسپند و نگهبان فلزات
Šahrewar	شهریور: گاه نما: ششمین ماه سال و چهارمین روز ماه
ārzōg, waran	شهرت
kiš	شیار
šēb	شیب
šēbāg	شيبا
gāw-dumb	شیپور
šēd	شید
šēr=šagr	شیر (حیوان)
pēm, šīr	شیر
šagr	شیر: در نجوم: برج اسد
šīw	شیر مقدس
dēnōdag	شیرده
tan-tōhmag	شیره (گیاهان)
širēn, xwaš	شیرین
xwālist	شیرین ترین
rōyn-xwardīg, šiftēnag	شیرینی (خوراک)
širēnīh	شیرینی
ābgēnag, šīšag, jām	شیشه
ābgēnagēn	شیشه ای
šēwan	شیون

« ص »

mānbed, mānīg	صاحب خانه
---------------	-----------

abd-sahist, widimāsīg	شگفت انگیز
widimušt	شگفت زده
abd sahistan	شگفت نمودن
wiyōz-	شل کردن
šalwār	شلوار
ašmā	شما (جمع)
āmār, āmārišn, mar	شمار
ōšmārišn	شمارش
āmār-	شمار کردن
hangārag, ōšmārag	شماره
abāxtar	شمال
ōšmurdan	شمردن
ōšmurdīg	شمرده شده (تقویم شمسی)
šimšar	شمشاد
šamšēr, (šafšēr)	شمشیر
šan	شن
šnāz	شنا
šnāxtan	شناختن
azd, āšnāg	شناخته
šnāsag	شناسا
šnāsagīh	شناسائی
šnāzīdan	شنا کردن
šambalīdag	شنبليله
āšnawāg	شنوا
āšnawāgīh, āšnawišn	شنوائی (حس)
āšnūdan	شنودن
šnōšag	شنوسه
niyō(x)šīdan	شنیدن
kādag	شوخی
sōr	شور
sōrag	شوره زار
gādār, mērag, šōy	شوهر
šōymand	شوهردار

armēštīh, tandīh	ضعف
armēšt, tand	ضعیف
xwaran	ضیافت

« ط »

fraš(a)murw	طاووس
pōxtan	طبخ کردن
*biḡagān, bēšāz	طبی
bizešk	طبيب
čīhr(ag), xēm, xōg	طبیعت
gōhrag-dānāg	طبیعت شناس
čīhrīg	طبیعی
handāxtār	طراح
nigārag	طرح
handāxtan	طرح ریختن
čaxšišn	طعم
*kawādag, waččag, zahag	طفل
xwarāsān	طلوع (خورشید)
ristag, wandag	طناب
*pattān	طنین
*pattānōmand	طنین دار
frawardag	طومار
pahest	طویله

« ظ »

mustgar	ظالم
čīhr, dēs(ag), paydāgīh	ظاهر
nēzūmānīh	ظرافت
kabārag, padišxwar	ظرف

ardā	صادق
pālūdan	صاف کردن
ahlā, ahlaw, ardā, ašō	صالح
wiškar	صحرا
sang, wēm	صخره
sad	صد
*pattān, wāng	صدا
ardāyīh	صدق
ahlaw-dād	صدقه
āzārišn, āzarm, wizāyišn, wināhišn, wizend	صدمه
wināhīdan, wizāyīdan, zīnēnīdan	صدمه زدن
wizāyišnīg	صدمه زننده
wizīristan	صرف نظر کردن
rāst, *gōwīzār	صریح
taxtag	صفحه (شترنج)
zahrag	صفرا
zadūg	صمغ
čandal	صندل
kēwūd, tabangōg	صندوق
kīrrōgīh	صنعت
kīrrōg	صنعتگر
pēšag	صنف
axtar	صورت فلکی
talag-čīn	صیاد

« ض »

Azdahāg	ضحاک مار دوش
žud	ضد
žud-dēw	ضد دیو
sñāh, zanišn	ضربه
zadan	ضربه زدن

dahm
mānīg
šnōšag
wuzurg, zandag
māzanīg
hilišn
hištan
āluh, dālman, humāy
abāz, pas̄th, pušt
pādīrān
xrad
āfrāh
kēš
hušk-kun, starwan
ānāftan
daxšag, drōš(om), nišān
čim, wihān(ag)
kāh
zāz
tan-bahr
čašmagāh
wāstar, P. waš
kār, kard, kardag(ān), P. karm, kunišn, rāyēnišn
pazzāmišn
pazzām-
pazzāftan, pazzāmēnīdan
wadgarīh
kardan, warzīdan
kirbag
kār, amaragān
amaragānīhā
ambar
āmēzišn, rastag, zāhag

عضو جماعت زردشتی
عضو خانه
عطسه
عظیم
عظیم الجثه
عفو
عفو کردن
عقاب
عقب
عقب مانده
عقل
عقیده
عقیده دینی
عقیم
عقیم گذاردن
علامت
علت
علف خشک
علف هرز
علم خواص جسم
علنی
علوفه
عمل
عمل آمدگی (میوه)
عمل آمدن
عمل آوردن
عمل بد
عمل کردن
عمل نیک
عموم
عموماً
عنبر
عنصر (آب، آتش، خاک، هوا)

kabārag, takōk
bārīg, *darmag, P. naxšag
must, snāh, tundīh
rabih

ظرف آشامیدنی
ظریف
ظلم
ظهر

«ع»

agār
hanjām
zīrak
hāmkišwar
bālistīg
amaragānīg
amaragān, *pāyram
widardan, widaštan
mar(ag), sāg
miǰūg, wēnōg
agārīh
Tāzīg
jadišn, jadag
*jadišnīg
xwēy
xwistan
wayōdagān
dōšag, grāmīg
dōšagīh, dōšāram
dōštīdan
*uruspar, xwadīh
pay
uzērin
hannān = handām, pēšag

عاظل
عاقبت
عاقل
عالم
عالی
عام
عامه
عبور کردن
عدد
عدس
عدم فعالیت
عرب
عَرَض
عَرَضی
عرف
عرق کردن
عروسی
عزیز
عشق
عشق ورزیدن
عصاره
عصب
عصر (یکی از پنج بخش شبانروز)
عضو

enyā, ʃuttar	غیر از
anēr	غیر آریایی
*jadišnīg	غیر اصلی
kēš-dār	غیر زردشتی
armēšt	غیر فعال
an-ōst	غیر قابل اعتماد
a-dād, a-dādestān	غیر قانونی

« ف »

pardaxtan	فارغ شدن از
gan(n)āg, pūdag, winastag	فاسد
hamēst(ag)ān	فاصله بین بهشت و دوزخ
dūr	فاصله‌دار
ʃadag, ʃahišn, murwāg	فال
kēd, kundāg, murw-niš	فالگیر
kēdīgīh	فالگیری
anōš-xwar, gēhānīg, margōmand, ōšōmand, sazišnīg	فانی
nēkīh, sōg, sūd	فایده
nāzišn	فخر
frāx, pahn, wēhm	فراخ
frāxēnīdan	فراخ کردن
frāxīh, pahnāy, wēhmīh	فراخی
rastārīh, wirēg	فوار
wirēxtan	فوار کردن
(a)frāz	فراز
frāz abgandan	فراز انگندن
ōš	فراست
ayābāg	فراگیر
ayābāgīh, parwand	فراگیری
frāmōš	فراموش

tambur	عود (ساز)
wardēnīdan	عوض کردن
padist(āg), pašt(ag)	عهد
āhōg	عیب
ʃašn	عید

« غ »

sī	غاز
sūdāg	غافل
mēzd	غذا
čāšt	غذای (نیمروز)
wēxtan	غریبال کردن
γarrānišn	غرش
ēbārag	غروب (زمان)
xwarōfrān, xwarwarān	غروب (خورشید)
andar šudan	غروب کردن
abar-tanīh, wastārīh	غرور
anōdag(īg), bēgānag	غریب
γarrānīdan	غریدن (رعد)
sōg	غصه
čīdan	غصه خوردن
sūdāgīh	غفلت
kulāfak	غلاف
rēdak	غلام
wānišn	غلبه
stōwēnīdan, tarwēnīdan, wānīdan	غلبه کردن
ʃōrdā	غله
čēhag, tēmār	غم
čēhišnīg, ranjwar	غمزده
andāg(g)ēn, andōhgēn, zarīgōmand	غمگین
māzandar	غول

framān	فرمان
ēkānag, framān-burdār, srōšīg	فرمانبردار
sāstar, framādār	فرمانده
kustagbed	فرمانده ناحیه
xwadāyīh	فرمانروایی
duš-xwadāyīh, duš-pādixšāyīh	فرمانروایی بد
framāyišn	فرمایش
framādār	فرمدار
framūdan	فرمودن
Farrōbāy	فرنیغ (مهمترین آتشکده دوره ساسانیان، خاص طبقه موبدان و نجبا)
frawār, parwār	فروار
hambastan	فرو افتادن
ōsān-	فرو افکندن
ēr-mān(ag), ēr-tan, narm	فروتن
ēr-menišnīh, ēr-tanīh	فروتنی
frōxtan	فروختن
frōd	فروود
frawardīgān	فروردیگان (جشن فرورها)
Frawardīgān	فروردیگان (پنج روز پایانی اسفند ماه و پنج روز افزوده بعدی)
Frawardīn	فروردین: گاه نما: اولین ماه سال و نوزدهمین روز ماه
wišan-	فرو ریختن
hambastag	فرو ریخته
hambāhišn	فروریزی
frušag	فروش = افروشه
bām, frōg, payrōg	فروغ
pahikāftan	فرو کوفتن
xwār	فرومایه
padīrān	فرو نشانده
(a)zruftan	فرو نشستن
Frawahr, (Faward)	فرور
xwarrah	فروه
frahang	فرهنگ
frahangestān	فرهنگستان

an-ayād	فراموش شده
az daxšag hištan, frāmuštan	فراموش کردن
abēr, abzōnīg, frāy, frāx frēh, wasyār	فراوان
abzōnīgīh, frāxīh	فراوانی
andar āwurdan	فراهم کردن
frabīh	فربه
zarmān	فرتوتی
frazām	فرجام
farrox	فرخ
farroxīh	فرخی
ēw-tāg	فرد
fradāg	فردا
Fradadafš	فرددفش
ēwāzīg	فردی
frazānagīh	فرزانگی
frazānag	فرزانه
frazand, paywand, zahag	فرزند
hunušak	فرزند (اهریمنی)
frazandīh	فرزندگی
frazēn	فرزین
frasp	فرسپ
frēstādan, wisē kardan, zāmōnīdan	فرستادن
aštag, bayaspān, frēstag, paygāmbar	فرستاده
frasang	فرسنگ
frasāwandīh	فرسودگی
frasāwand	فرسودنی
frēstag	فرشته
fraš(a)gird	فرشگرد
fraš(a)girdīg	فرشگردی
pad...dāštan	فرض کردن
ristag	فرقه
kēš-dār	فرقه گرا
Framān	فرمان (نام درجه‌ای از گناه)

šādurwān	فواره
ham-zamān	فوراً
škeft	فوق العاده
almās(t), pōlawad	فولاد
pōlawadēn	فولادین
uzwārišn	فهم
āšnūdan, uzwārdan	فهمیدن
šnāsag	فهمیده
pīl	فیل (در بازی شترنج)
pīl-bān	فیلبان
filāsōfā	فیلسوف

«ق»

abzārōmand, šāyendag, tūwānāg, tūwānīg	قابل
wābarīgān, ōst(īgan)	قابل اعتماد
burzišnīg, stāyišnīg	قابل ستایش
*nāydāg	قابل کشتی رانی
*nikōhišnīg	قابل نکوهش
čāraggarīh, hunar, šāyendagīh, tuwānīgīh	قابلیت
rubūdan	قابیدن
*adān	قادر به پرداخت بدهی
ayārīdan, šāyistan, P. šah-	قادر بودن
kišwar	قاره
kafčag	قاشق
brīngar	قاطع
kākom	قاقم
kākom ī spēd	قاقم سپید
kālbod, kirb	قالب
bōb	قالی ظریف
bālāy, bašn	قامت

frahixtag	فرهیخته
frahixtan, parwardan	فرهیختن
frayād	فریاد
dawāl, drō, frēb, *pa(č)čībāgīh, wiyābān, wiyābānīh, zūr	فریب
frēftār, wiyābān	فریب خورده
dabr, frēftār	فریبکار
dō-saxwan, pa(č)čībāg	فریبنده
druxtan, frēftan, pa(č)čībāy-, wiyābānīdan	فریفتن
gan(n)āgīh, nasrušt(īh), pōhišn, pūdagīh	فساد
bašn	فش
must	فشار
hunīdan	فشردن
guftār	فصاحت
*darak, kardag	فصل
gōwāg	فصیح
spaš	فضا
nēk-gōhrīh	فضیلت
kardār, kārīg	فعال
kardārīh, kārīgīh	فعالیت
appārīh	فقدان
niyāz, driyōšīh, škōh	فقر
tāg	فقره
ēwāz	فقط
anōšag-ruwān	فقید
škōh, driyōš	فقیر
handēšišn, mānag, uskārīšn(īh)	فکر
handēšīdan, menīdan, uskārīdan	فکر کردن
ayōxšust	فلز
ayōxšustēn	فلزین
spīhr	فلک
nāy	فلوت
a-margīh	فنا ناپذیری
*bistag, pondTk	فندق

arzīzēn	قلعی
bālēn , bālist , čagād , sar , tērag	قله
kahas	قنات
nān , pīh	قوت
warrag	قوچ
wak	قورباغه
zang	قوزک پا
padist(āg)	قول
hur	قومیس
ōstīgān , pad-nērōg , saxt , stabr , stahmag , sūr , tagīg , tahm	قوی
abar-ōz	قوینتر
kēsar	قیصر
wāmīdan	قی کردن
stūr	قیم
uzēnag	قیمت
wahāg burdan	قیمت کردن
stūrīh	قیمومت

«ک»

-ak	ک- (پسوند تصغیر)
kābēn	کابین
dar , darbās , kōšk , šāhīgān	کاخ
harg , kār , tis , warz(išn) , xīr	کار
frahixtag , kār-āgāh	کارآزموده
kārd	کارد
āgāh	کاردان
dast-kārīh	کاردستی
kārezār	کارزار (میدان)
kār-framān	کارفرما
kār framūdan	کار فرمودن
kardan , warzīdan	کار کردن

dād , dādestān	قانون
dādīg	قانونی
kaštīg , makōk	قایق
kabāh	قبا
padīrišn	قبول
padīriftan	قبول کردن
zand	قبیله
sēzd , stabrīh , tagīgīh	قدرت
warz	قدرت اعجاز
kāmgār , sēzdēn	قدرتمند
gām	قدم
pīr	قدیمی
hištan , nihādan , nišāstan	قرار دادن
marz	قران (نجوم)
mēzd , us(t)ōfīrīt	قربانی
abām	قروض
bahr(ag) , wēzag	قرعه
war-wēzag handāxtan	قرعه کشیدن
karmīr	قوز
ham-tāg	قوین
kust	قُسط (گیاه‌شناسی)
sardag	قسم
bahr(ag) , baxt , baxšīšn , bazišn , hrīn , kardag	قسمت
pōst	قشر
čim	قصد
grāyīdan	قصد داشتن
paššinj(ag)	قطره
b(u)rīdan	قطع کردن
pārag	قطعه
mēx	قلاّب
arzīz	قلع
rox	قلعه (در بازی شترنج)

kāstār	کاهش دهنده
aĵgahān	کاهل
aĵgahānīh, bušāsp	کاهلی
kabārag	کیاره
kabk	کیک
kabk-anĵir	کیکنجیر
kabōd, kabōtar	کیوتر
kabōd, xašēn	کیود
duzīdag, truftag, wihēzagīg	کیسه
kabīg	کیچی
mādayān, nāmag, nibēg	کتاب
nibēg	کتاب مقدس
suft	کتف
pād-uzwānīh	کتمان
pād-uzwān	کتمان کننده
rēm, rēmanīh	کثافت
hihr, rēman	کثیف
waxr	کج
ku (gyāg)	کجا
čē, ī, kadām, kadār, kē	کدام
kadag-bānūg	کدبانو
kadag-xwadāy, wis-bed	کدخدا
kadag	کده
karr	کر
karān	کران
karbāš	کریاش
karb	کرب (روحانی دشمن زردشت)
warišn	کردار
dušxwaršt	کردار بد
huwaršt	کردار نیک
kardan	کردن
kard(ag)	کرده
kirīh-	کرده شدن

kardār, warzīgar	کارگر
kārnāmag	کارنامه
nēkīh	کار نیک
kārawān	کاروان
kārawānīg	کاروانی
kārīg, kardār	کاری
kahas	کاریز
kāstan	کاستن
kāskēn(ag) murw	کاسکینه
padišxwar, paygāl	کاسه
abē-būd(īh), frōdmānd	کاستی
kāč	کاش
nišāstan	کاشتن
kāč ka	کاشکی
kāfūr	کافور
frāx	کافی
kālbod	کالبد
rah, wardyūn	کالسکه
kām(ag)	کام
abarwēz, kām-rawāg, kāmāg-widār	کامروا
abarwēzīh	کامروایی
kāmāg hanjām	کامکار
kāmāg hanjāmīh	کامکاری
bowandag, hangirdīg, (u)spurrīg	کامل
frazāftan, rasīdan	کامل شدن
frazāftan, hangirdēnīdan, hanjāftan	کامل کردن
kāmāg	کامه (انواع سوپ)
padēx	کامیاب
padēxēnīdan	کامیاب کردن
ābādānīh, drōd, padēxīh	کامیابی
giy(h)īzag, kāh, P. waš	کاه
kāhišn, nirfsišn	کاهش
kāhēnīdan, kāstan, nirfs-	کاهش دادن

kišw(ān)zār
kištār
kištan, warzīdan
kuštan, ōzadan, zadan
a-warzīd
kaštīg
āhang
kašawag
kašk
purr-marg
būm, deh, kišwar, šahr
kēštīdan, nigār-
hanjīdan=hixtan
kaf
puhl, tōzišn
puhlēnīdan
kafšgar
haftār
kafčag
kafš/kafšag, mōg
kafšgar
kafč
haxt
tarāzūg
warāy
kāskēn(ag) murw
ēwāz, māriḡ, saxwan, sraw, wāz
mānsrspand
kulāf
sārwar, targ
kulāfak
kulang
kulāčag

کشتزار
کشتگر
کشتن
کُشتن
کشت نشده
کشتی
کشش
کشف
کشک
کُشنده
کشور
کشیدن
کشیدن (آب)
کف
کفاره
کفاره دادن
کفاش
کفتار
کفچه
کفش
کفشگر
کفگیر
کفل
کفه
کلاغ
کلاغ زاغی
کلام
کلام مقدس
کلاه
کلاه خود
کلاهک
کلنگ
کلوچه

karafs
kirbag
kirbakkar
kirbakkaṯh
karak
kark
kargas
karkēhan
karg
kark
kirm
šēd
kā, rōyn
kurrag
kurrag
māh
gazdum
kas, kēč
handōzišnīh, windišn
handōxtan, windādan, xwāstan
gōšōsrūd
ēbyānghān, kustīg
kas-iz
afsūdan
drāyān-jōyišn
radunay
hamēst
zūr-gugāy
kaš
rawēnīdan
dahigān/dehgān, wāstaryōš
warz, wāstaryōšīh
kištār, kišw(ān)zār, warzišn

کرفس
کرفه
کرفه گر
کرفه گری
کرک (= بلدرچین)
کرک (= مرغ خانگی)
کرکس
کرکهن
کرگ
کرگدن
کرم
کرنده (اسب)
کره
کُزه اسب
کُزه الاغ
کُره ماه
کژدم، (نجوم)
کسی
کسب
کسب کردن
کسب کرده
کستی
کسی
کسی را با افسون حفظ کردن
کسی که در هنگام خوردن حرف می زند
کسی که زیر نظر و راهنمایی رد است
کسی که کارهای نیک و بدش به یک اندازه است
کسی که گواهی دروغ می دهد
کش
کشاندن
کشاورز
کشاورزی
کشت

sūdan	کوبیدن
gišnag, kūk	کوتاه
duj–daft	کوتاه دم
widestīg	کوتاه قد
gišnag, kōdak, kūč(ak), kūk, xwurd	کوچک
keh(tar)	کوچکتر
xwurdagīh	کوچکی
nidom	کوچکترین
kōy	کوچه
sargēn	کود
kōdak, waččag	کودک
kōr	کور
kōr–dil	کوردل
brēzan	کوره
xumb	کوزه
kō(x)šišnīg, tuxšāg	کوشا
āyōzišn(Th), harg, kō(x)šišn, tuxšišn	کوشش
kōšk	کوشک
kō(x)šīdan, tuxšīdan	کوشیدن
kōftan, kōstan, xwastan, zadan	کوفتن
kūn	کون
gar, kōf	کوه
kōf	کوهان
kōfag	کوهه
kōfīg	کوهی
kōy	کوی
kabīz	کویز
kū	که
ī	که (ضمیر ربط)
kadār, kē	که
aziš–keh	کهنتر
kah–rubāy	کهربا
bōr	کهربایی

kilēl	کلید
gurdag	کلیه
andak, kam/kem, *huzārak, nihang	کم
bowandagīh, spurīgīh	کمال
drōn, kamān, sanwar	کمان
kamāndār	کماندار
keh(tar), kem	کمتر
abēbūd(Th), frōdmānd, kahist, kamist, nidom	کمبود
kamar	کمر
kamar, kamar–band	کمربند
ēbyānghān, kustīg	کمربند مقدس
abādyāwand, kam–zōr, nizār	کم زور
abādyāwandīh, kam–zōrīh	کم زوری
abāgīh, dastyārīh, frayād, frayādišn	کمک
kāhēnīdan, kāstan, nirfs–	کم کردن
ayārīdan, frayādīdan	کمک کردن
čēgām–iz–ē(w), čand	کمی
čandīh	کمیت
āgōš, kanār, karān, pahlūg	کنار
kanār(ag)	کناره
kanāragōmand	کناره مند
kantigr	کنتیر
kunjīd	کنجد
spōzgār	کُند
kundur	کندر
kandan, rūdan	کندن
kunišn	کُنش
šan	کنف
šanēn	کنفی
kunišngar	کننده
kanīg, kanīzag	کنیز
duš–kanīg	کنیز زشت

eš	گاواهن
gāw-dumb	گاودم
gahl, gāwars	گاورس
gāw-mēš	گاومیش
warzāg	گاو نر
gāh	گاه
gāh	گاه (یک پنجم شبانروز)
gāh	گاه (سرودی از سرودهای گاهان)
gāhān	گاهان
gāhānīg	گاهانی
gāhānīg	گاهانی (پنجه دزدیده)
gāhānbār	گاهنبار
gizistag	گجسته
gač	گچ
gačēn	گچی
widāxtan	گداختن
widār	گذار
widāzīhistan	گذاراندن
widār(T)dan	گذاردن
nihādan	گذاشتن
widarag, widār, widērišnīh	گذر
frasāwand, sazišnīg, wardišnīg, widcrišnīg	گذرا
widerān, zī(w)išn	گذران
frasāwandīh, sazišn, wideršn(Th)	گذرابی
*nāydāg	گذر نکردنی (آب)
wixšāyišn(Th)	گذشت
*wixšāy-	گذشت کردن
widardan	گذشتن
-gar	-گر (پسوند سازنده صفت فاعلی)
warāz	گراز
grāmīg	گرامی
garān	گران
grāyīdan	گراییدن

kahwan	کنهن
čiyōn, ka, kay	کی (= چه وقت؟)
kayak	کی (= فرمانروایی که دشمن زردشت بود)
kay	کی (= لقب پادشاهانی که از پشت گشتاسب کیانی به پادشاهی رسیدند)
kay	کیانیان
kēr	کیر
hanbān	کیسه چرمی
kēš	کیش
paywāsag	کیف چرمی
pādīfrāh, puhi	کیفر
kayk	کیک
kēn	کین / کینه
kēnīg, kēnwar	کینه جو
kēnwarīh	کینه جویی
kēnwar, kēnīg	کینه ور
Kēwān	کیوان (نجوم)
Gayōmart	کیومرث
gēhān	کیهان
gēhānīg	کیهانی

«گ»

gādan	گادن
-gār	-گار (پسوند سازنده صفت فاعلی)
gāzar	گازر
gām	گام
gām	گام (واحد طول)
abar āxrāmīdan	گام بلند برداشتن
gām ī dō pāy	گام دو پا
ganāg	-گانه (پسوند سازنده صفت عددی)
gāw	گاو
gāw	گاو: در نجوم: ثور

gurg
 gurgānīg
 garm(ōg)
 garmāg, tabišn, wardagīh
 garm-ābag
 rabih
 garmsēr
 garmīh
 graw(īh), graw(a)gān
 garōdmān, (garōsmān)
 wurrōyīšn
 dastag, grōh, gund
 wurrōyistan
 band, grih
 grīwbān
 wirēxtan
 wirēg
 brām-, griyistan
 grīwag
 brāmag
 griyistan
 gaz
 wizārdan
 srawēnīdan
 tabarzad
 wizend
 gazāg
 gazīdag
 gazīdan
 wēxtan, wizīdan, wurrōyistan
 pad-wizēn
 wizīr, wizārišn
 wizēn

گرگ
 گرگانی
 گرم
 گرما
 گرمابه
 گرمای نیمروز
 گرمسیر
 گرمی
 گرو
 گردمان
 گروش
 گروه
 گرویدن
 گره
 گریبان
 گریختن
 گریز
 گریستن
 گریوه
 گریه
 گریه کردن
 گز (درخت)
 گزاردن
 گزارش کردن
 گزانگبین
 گزند
 گزنده
 گزیت
 گزیدن
 گزیدن
 گزیده
 گزیر
 گزین

gurbag
 udrag
 gurd
 gird
 gard
 (ō) gird āmadan, ō ham madan
 gird
 *harrōbišn(īh)
 hambārīdan, harrōb-, P. amwaštan
 gardānīdan, wardēnīdan
 wād-girdag
 gardišn, wardišn
 gird kardan, handōxtan
 gardan, grīw
 *wardānāg
 gōz
 gurdwār, ērwār
 asmān
 rah, wardyūn
 girdag
 gurdag
 hanjāman, nišast
 girdīh
 gurdīh
 gardīdan
 čōbag, gad, sneh, warz, (wazr)
 gadwar
 garzag, mār
 gursagīh, suy, šuy
 gursag
 griftār
 dāštan, griftan
 grīrišnīg, griftārōmand

گربه
 گربه آبی
 گرد
 گرد
 گرد
 گرد آمدن
 گرد آمده
 گردآوری
 گردآوری کردن
 گردانیدن
 گردباد
 گردش
 گرد کردن
 گردن
 گردنا
 گردو
 گردوار
 گردون
 گردونه
 گرده
 گرده
 گردهمایی
 گردی
 گردی
 گردیدن
 گرز
 گرزور
 گرزه
 گرسنگی
 گرسنه
 گرفتار
 گرفتن
 گرفتنی

garzīdan	گله کردن
garzišnīg, mustōmand	گله‌مند
hamē-wahār	گل همیشه بهار
gilēn	گیلی
gumārdan, hištan	گماردن
gumārdag	گمارده
gumān(īh), gumānīgīh	گمان
wiyābān(īg)	گمراه
wiyābānēnīdan	گمراه کردن
wiyābānīh	گمراهی
*apēdag	گمشده
gōmēz	گمیز
gan(n)āg mēnōg	گناگ مینو
abārōnīh, āstār, druwandīh, māndag, wināh	گناه
abārōn, bazakkar, dabr, druwand, wināhgar	گناهکار
pēšār būdan	گناهکار بودن
wināhgarīh	گناهکاری
drāyān-jōyišnīh	گناه ناشی از حرف زدن به هنگام خوردن
gumbad	گنبد
ganj	گنج
winjīšk	گنجشک
gāhbed, ganjwar	گنجور
gāhbedīh	گنجوری
ganj	گنجینه
gand	گند
gund	گُند (= سپاه)
gund	گُند (= بیضه)
gandagīh	گندگی
gandum	گندم
gandanāg	گندنا
gandag	گنده
a-gōwāg, gung	گنگ
gugār(ī)dan	گواردن

wizēn	گزینش
wizēngar	گزیننده
wistāx	گستاخ
wistāxīh	گستاخی
wistardan	گستردن
wisistan	گسستن
wisē	گسی / گسیل
wisē kardan	گسیل کردن
wišād	گشاد
wišādan	گشادن
wišād-dar	گشاده‌رو
waštan, gardīdan	گشتن
gušn	گُشن
Gušnasp	گشنسپ (دومین آتشکده مهم دوره ساسانیان، خاص طبقه ارتستاران)
gušnag	گشنه
g/kišnīz	گشینز
gōwišn	گفتار
duš-hūxt, duš-ēwāzīh	گفتار بد
hūxt	گفتار نیک
dranjīdan, guftan, P. wāxtan	گفتن
dawistan=dawīdan, drāyīdan	گفتن (اهریمنی)
ēwāz, dranjīšn, wāzag	گفته
duš-gōwišn	گفته بد
gil	گیل
gul, škōfag	گل
xwarg	گل آتش
nastaran	گل دشتی
škuftan	گل کردن
kaf, laʃan	گل و لای
galōg, grīw	گلو
garzišn, gilag	گله
čarag, ram(ag)	گله
gilag-ōbār	گله اوبار

gōwāg	گویا
guftār	گوینده
gūh	گه
gāhwārag	گهواره
giyā(h), marw, urwar	گیاہ
sprahm(ag)	گیاہ خوشبو
rūrag	گیاہ دارویی
gētīg	گیتی
stard	گیج
stardīh	گیجی
griftār	گیرنده
gēs	گیس
gēs	گیسو
-gēn	گین / گن (پسوند سازنده صفت توصیفی)

«ل»

tōf	لا
lābag	لابہ
lābakkar	لابہ کننده
kāskēn	لاجورد (سنگ)
kāskēnēn	لاجوردی
lābakkarīh	لابہ گری
abēdān	لازم
abāy-, abāyēd, andar abāyēd	لازم است
kašawag	لاک پشت
karmīr	لاکی
āšyān(ag)	لانہ
ādūg	لایق
lab	لب
brahm(ag), jāmag, paymōg, paymōzan, watar(ag)	لباس
taškanag	لباس زیر

wad-wāzag	گواژہ
gugāy	گواہ
gugāyīh	گواہی
zūr-gugāyīh	گواہی دروغ
*nāydāg, zofāy	گود
čāh, may	گودال
gawdar	گودر
gabrīh, zahā, zofāy(Th)	گودی
aspānūr, daxmag, hazzān	گور
gōr	گورخر
daxmagestān	گورستان
gōz	گوز (= جوز)
gawazn	گوزن
gōzēnag	گوزینہ
gawdar	گوسالہ
pah, gōspand, mēš	گوسفند
gōš	گوش
Gōš	گوش: چهاردهمین روز ماہ
gubrāg	گوش بہ زنگ
gōšt, pid	گوشت
halām	گوشت قورمہ
xāmiz	گوشت نمک سود
gōšwār	گوشوار
gōšag	گوشہ
gōgird	گوگرد
gōgirdōmand	گوگردی
gōn	گون
gōnag	گونه (= نوع)
ērwārag	گونه (= آروارہ)
gōhr(ag)	گوہر
gōhrag-dānāg	گوہرشناس
pad-gōhar	گوہری
gōy	گوی

astōmand , astwand , getīgīg , tanigard(īg)	مادی
mādīyān	مادیان
garzag , kirm , mār	مار
amā	مارا
Māraspand(mānsarspand)	مارسپند: گاه نما: نام بیست و نهمین روز ماه
karbūg	مارمولک
māzandar	مازندر
māzanīg	مازنی
māst	ماست
māš	ماش
kark	ماکیان
-(T)š	مال آن
-(T)š	مال او
-(T)t	مال تو
-(T)m	مال من
bāǰ , bar , harg	مالیات
handudan , muštan , rōb-	مالیدن
gumārdag	مامور
bayaspānīh	مأموریت
mān	مان
mānāg	مانا
a-sazišn(īg)	ماندگار
a-sazišn(īg)īh	ماندگاری
māndagīh	ماندگی
abāz ēstādan , māndan , (mānistān) , pādan , pattūdan , win(n)irdan	ماندن
sālwār	ماندنی
māndag	مانده
māns r	مانسر
(mānsar)spand	مانسر سپند
abāz dāštan , padīrān(ēn)īdan	مانع شدن
čiyōn , handāzag ī , hangōšīdag ī , ō... homānag , tā	مانند
mān-	مانند بودن
zandīk	مانوی

karān	لبه
laǰan	لجن
urwahn(an)īh , xwašīh	لذت
huniyāg	لذت بخش
wizandišn	لرزش
wizandag	لرزه
čandīdan , drafšīdan , larzīdan , wizandīdan	لرزیدن
abāyišn , niyāz(ōmandīh)	لزوم
gund , hēn , laškar	لشکر
laškarīg	لشکری
āyaft	لطف
dōsēn	لعابدار
škarwīdan	لغزیدن
parš	لکدار
xwāhišn	لگدمال
ōspurdan	لگدمال کردن
pahikaftan , pahrmāh- , sōhistan	لمس کردن
a-griftār	لمس نشدنی
kun-marz	لواط
kun-marz	لواطگر
taxtag	لوح
lawzēnag	لوزینه
rang	لون
ašurdan	له کردن

« م »

amā	ما
mād , mādar	مادر
mādagīh	مادگی
dēnōdag , mādag	ماده
mādišt	ماده

pēmēnīdan	متورم کردن
*wīdwar	متوکل
pasēmāl	متهم
pahikār	مجادله
pahikār-	مجادله کردن
pādxšā(y)	مجاز
ačārag	مجبور
ham-sāmān	مجاور
rēškēn	مجروح
rēšīdan, xastan	مجروح کردن
hanjāman	مجمع
dāštār	محافظ
apēdagdār	محافظ حیوانات آواره
pad-pānag	محافظت شده
dāštan, nigāh dāštan	محافظت کردن
grāmīgīh	محبت
dōšag	محبوب
āzarmīg	محترم
brīn, brīnōmand, kanāragōmand, sāmānīg, wimandīg, wimandōmand	محدود
dahm	مُخرم
a-bahr	مُحرُوم
wālan	محلّه
awestwār, ōst, ōstīgān, staft	محکم
awestwārīh	محکمی
čašmagāhīh	محکومیت
pīm	محنت
muy	مخ
ēbgatīh, jūd-dādestān, juttarīh, mih	مخالف
hamēmālīh, hamēstārīh	مخالفت
zadār	مخرب
mādagwar, wāspuhragān	مخصوص
(pad) nāmčīst	مخصوصاً
gumēxtan	مخلوط کردن

āyišm, māh	ماه
Māh	ماه: گاه نما: نام دوازدهمین روز ماه
purr-māh	ماه پُر
andarmāh	ماه نو
abzārōmand, hunarāwand, hunarōmand, hu-dast, frahixtag, nēzumān(īg)	ماهر
māhīgān	ماههای سال
māhīg	ماهی
māhīg	ماهی: در نجوم: حوت
čiyōnīh, čēth, čihr(ag), gōhr, mādayān, xwadīh	ماهیت
šuhr	مايع
kāmagōmand	مایل
gōhr(ag), mādag	مايه
ma agar, pargast	میادا
ardīkkar	مبارز
ardīkkarīh	مبارزه
stard	میهور
abaxšāwand	متاسف
ēwarzīg, wāzišnīg, wihēzagīg	متحرک
bārestān, gilag-ōbār	متحمل
stard	متحیر
hambast	متراکم
hambastag	متشکل
rāyēnīdan	متشکل کردن
abarmān	متصدی
paywastan	متصل کردن
juttar, mih	متضاد
paymānīg	متعادل
jūd, jūdāg, juttar	متفاوت
abar-menišn, tar-menišn	متکبر
grāyīdan	متمایل شدن
narm, tarsāgāh	متواضع
ayāšīdan, (ayāstan)	متوجه شدن

mērag	مرد جوان
škarwīdan	مردد بودن
mardōm , *pāyram	مردم
mardōm-zādag	مردم‌زاده
syāhag , tīdag	مردمک چشم
mardōmīh , mardōm-zādagīh	مردمی
murdan , widardan , (widaštan)	مردن
purr-gāh , widerān	مردنی
gird(ag)	مدور
rist	مرده
abarmānd	مرده ریگ
kanārag , marz , sāmān , wimand	مرز
marz	مرز: در نجوم: قران
marz(ō)bān	مرزبان
marz(ō)bān	مرزدار
marzangōš	مرزنگوش
šōnīg	مرسوم
waštaḡīh , xīndagīh , yask	مرض
tarr	مرطوب
murw	مرغ
marw	مرغ
kark	مرغ خانگی
humāy	مرغ سعادت
škarag	مرغ شکاری
murwīzag	مرغک
bahrōmand , hambastag	مرکب
marg(īh) , oš , widerišn(īh) , P. murd	مرگ
marg-arzān	مرگ ارزان
murwāg	مروا
morwārīd	مروارید
hu-murwāg	مروای نیک
waštaḡ , wēmār , xīndag	مریض
čīhr-šnāsīh	مزاج شناسی

pasēmāl	مدافع
dībīrestān , frahangestān	مدرسه
hērbedestān	مدرسه هیریدی
pasēmāl	مدعی
gūh , hihr , muhrišn	مدفوع
nigān	مدفون
gird	مدور
mast(ōg)	مدهوش
mastōḡīh	مدهوشی
rāyēnāg	مدیر
rāyēnīdārīh	مدیریت
mar	مر
-(ī)m , man	مرا
āyāft	مراد
rad-passāg	مراسم جشنهای گاهنبار
hādōxt , hamāg-dēn	مراسم مذهبی
dāštār	مراقب
pahrēxtan , zēnēnīdan	مراقبت کردن
dō-axwānīg	مربوط به دو جهان
dādīg	مربوط به قانون
hādamānsarīg	مربوط به هاتمانسر
win(n)ārdan	مرتب کردن
larzīdan	مرتعش شدن
sardsēr	مرتفع (زمین)
pēšār būdan	مرتکب گناه شدن
wassad , xrōhak	مرجان
wassadēn	مرجانی
anōšag-ruwān , hu-fraward	مرحوم
mard , wīr	مرد
murdār , nasā	مردار
mardānagīh	مردانگی
mardānag , nar	مردانه
zarmān	مرد پیر

ham-pursagīh	مشاوره
nigerīdan, nīš-	مشاهده کردن
mušt, (must)	مشت
kāmagōmand	مشتاق
ōšastar, xwarāsān	مشرق
jud-ristag	مشرك
hur	مشروب الكلى
škeftīh, widang	مشقت
mašk	مُشك
mušk	مُشك
mašk, mašk-abarzēn	مشكو
gumānīg, warōmand	مشكوك
maškīzag	مشكيزه
miǰūg	مشو
nāmīg, nāmčīštīg	مشهور
škeftīh	مصیبت
āyōzīdan=āyōxtan	مضطرب ساختن
pad ēwēn	مطابق رسم معمول
pursišnīg	مطلع
ēwar	مطمئناً
āsnūd(ag)	مطهر
xwālist	مطبوع ترین
a-gumān, abē-gumān, ēwar, ōstīgān, tāštīg	مطمئن
framān-burdār	مطیع
gōhrīg	معادل
hambadīg, hambasānīg, hamēmāl	معارض
wizurd	معتبر
āstawān, xwastūg	معترف
dēn-āstawān, dēn-burdār	معترف به دین
wistāx	معتمد
warz, widimās(īh)	معجزه
an-ast	معدوم
kumīg	معدّه

mizd, pādāšn	مزد
māzdēsn	مزدپرست
māzdēsnīh	مزدپرستی
mizdwar	مزدور
māzdēsn	مزدین
māzdēsnīh	مزدینى
ābād(ān)	مزرع
čāšnīg, čaxšišn, mizag	مزه
mizagōmand	مزه دار
mēzīdan	مزیدن
miǰ(ag)	مژه
rōy	مس
pursišnīg	مستول
ayārōmandīh	مساعدت
kārdāg, kārawānīg	مسافر
-masāy	- مسای (پسوند)
must	مُست
mast(ōg)	مست
kāmgār, kāmag-xwadāy	مستبد
čamišn	مستراح
māništāg	مستقر
bunag dāštan	مستقر شدن
rāst	مستقیم
mastōgīh	مستی
mazgit	مسجد
wanīgar	مسرف
hamwār	مسطح
āwarišn, bunag, ēstišn, mǎn, mānišn, xān ud mǎn	مسکن
dwārišn, gilistag	مسکن دیوان
pīr	مسن
ēraxtan	مشاجره کردن
bahr(ag)war	مشارکت
ham-pursag	مشاور

magas , maxš	مگس
magas ī angubēn	مگس انگبین
šīrēnīh	ملاحت
āmār , hangārišn , nigerišn , ošmārišn	ملاحظه
kard-espās , P. hāmharz	ملازم
kafč	ملاقه
āwēnišn	ملامت
ēraxtan	ملامت کردن
čarb	ملايم
čarbīh	ملايمت
mārdan	ملتفت شدن
kullag , mayg	ملخ
gizistag	ملعون
dast(a)gird	میلک
bāmbišn	ملکه
gīrišnīg , griftārōmand	ملموس
pad-wizēn	ممتاز
šāyēd , tuwān	ممکن است
ōh	ممکن است (با فعل مفهوم تردید را می‌رساند)
*az , man	من
niyābag , passazag	مناسب
abāy- , abāyēd	مناسب است
abāyistan , saz-	مناسب بودن
pādan	منتظر شدن
axtar(ā)mār , star-ōšmar	منجم
afsārdan	منجمد شدن
axtar(ā)mārīh	منجمی
waštan	منحرف شدن
xwahl	منحنی
-ōmand	— مند (پسوند سازنده صفت توصیفی)
āwarišn , māništ , nišēmag	منزل
menišn , ragīh	منش
frāz griftan , gumārdan , hištan	منصوب کردن

handēmāngarīh	معرفی
handēmāngar	معرفی کننده (به حضور)
nāmčīštīg	معروف
hu-bōy	معطر
bōyēnīdan	معطر کردن
čimīg	معقول
šōnīg	معمول
nigerišnīg	معلوم
rāz-kirrōg	معمار
čim	معنی
brīn	معین
may	مغ
hambasānīg	مغایر
dōšastar , xwarōfrān , xwarwarān	مغرب
abar-tan , abar-menišn , wastār	مغرور
mazg	مغز
wiyābānīg	مغشوش
šēb-	مغشوش شدن
tarwēnīdan , wānīdan	مغلوب کردن
mow-mard	مغ مرد
gōkānīg	مفصل
wiftag	مفعول بودن
pādixšā(y)	مقتدر
brēhēnīdan	مقدر کردن
abēzag , pāk , spēnāg , yōjdhār	مقدس
zamānīg	مقرر شده
kūn	مقعد
māništāg	مقیم
wadag	مکار
wēnāb	مکاشفه
makōk	مکوک
mizīdan	مکیدن
ma agar	مگر

mōyag	مویه
mōyēn	مویین
ma	مه (پیشوند نفی)
meh	مه
mēy	مِه
kārdāg	مهاجر
must—abarmānd	مهاجم
abzār, hunar, hunarōmandīh, kārāgāhīh, nēzūmānīh	مهارت
aziš—meh, mehtar	مهتر
mehtarīh	مهتری
Mīhr	مهر: گاه نما: هفتمین ماه سال و شانزدهمین روز ماه
Mīhr	مهر (ایزد)
dōstīh, dōšagīh, dōšāram, mihr	مِهر
muhr	مُهر
mihrbān, xwābar	مهربان
nāzišn, nēkīh	مهربانی
āwištan	مُهر کردن
muhrag	مُهره
gardānāg	مُهره (بازی)
muhrag	مُهره (نرد)
kā bēn	مهریه
ayrē, mahist	مهست
mādagwar, wāspuhr	مهم
rāz—kīrrōg	مهندس
may	می
andar, andarag, mayān	میان
nēm—tan	میان تن
ǰādag—gō(w), mayānǰīg	میانجی
ǰādag—gō(w)īh, mayānǰīgīh	میانجیگری
mayānag	میانگین
mayānag	میانه
tuwān	می توان (+ مصدر)
mēx	میخ

čim—gōwāgīh	منطق (علم)
čimīg	منطقی
win(n)irdan	منظم شدن
win(n)ārdan	منظم کردن
*nakkīrā	منکر
mang	منگ
mōy, wars	مو
sōhišnīg	مؤثر
tarsāgāh	مؤدب
nigāh dāštan	مواظب بودن
nigāh—dārīh, nigāh—dārišnīh, pās	مواظبت
pad—pānag	مواظبت شده
pahrēxtan	مواظبت کردن
ham—dādestān	موافق
pašn, pašt(ag)	موافقت
pādixšīr	موافقت نامه
āsrō, āsrōn, mānsr—bar, mowbed	موبد
āsrōīh	موبدی
frāxēnīdan	موجب پیشرفت شدن
wišūdag	موجود اهریمنی
ast	موجود است
čimīg	موجه
mōr	مور
dādestān, ǰadag	مورد
mōrd	مُورد
kār framūdan	مورد استفاده قرار دادن
mōz	موز
mōzag	موزه
mušk	موش
dar	موضوع
kāmag—hanǰām	موفق
kāmag—hanǰāmīh	موفقیت
hamdam	مونس

aburnāyīh	نابرنایی
ānāst(ag), an—ast,	نابود
abēsīhīdan	نابود شدن
abēsīhēnīdan (afsēnistān), gugān—, kandan, murnjēnīdan, wānīdan, wimuštan	نابود کردن
zadār	نابودکننده
abēsīhīšn(Th), an—astīh, wānīšn	نابودی
ālūdāg, druwand	ناپاک
ālūdan	ناپاک کردن
druwandīh	ناپاکی
rōz—ward, wardīšnīg	ناپایدار
wardīšn(īg)īh	ناپایداری
abaydāg	ناپدید
abaydāgīh	ناپدیدگی
wattar	ناپسند
Anābuhlag	ناپل (نام بالاترین درجه گناه)
abaydāg, a—wēnišnīg	ناپیدا
abaydāgīh	ناپیدایی
abādixšā(y), abādyāwand, agār, an—abzār, armēšt	ناتوان
agārīhistan	ناتوان شدن
agārēnīdan	ناتوان کردن
abādixšā(y)īh, abādyāwandīh, agārīh	ناتوانی
a—čār	ناچار
awēstām, kust(ag), pāygōs, rōstāg, zand	ناحیه
a—hunsand	ناخرسند
a—hunsandīh	ناخرسندی
nāxun, srū	ناخن (انگشت)
an—abēdān	ناخواستنی
a—xwaš	ناخوشایند
a—dān, duj—dānāg, duš—āgāh	نادان
a—dānīh, pas—dānišnīh	نادانی
aband, abārōn, zēfān	نادرست
abandīh	نادرستی

mēx ī gāh	میخ‌گاه: در نجوم: ستاره قطبی
asprēs	میدان اسب دوانی
kārezār	میدان کارزار
mēzdbān	میزبان
mēš	میش
mēš—sār	میش سار = میش سر
mēy, miznē	میغ
passand	میل
kabīg	میمون
mēnōg, mēnōg(īg)īh	مینو
yazadān	مینوها
spēnāg mēnōg	مینوی خوب
mēnōg, mēnōgīg	مینویی
mēwag, bar, bār	میوه
mehmān	میهمان
aspinj	میهمان‌خانه
wišād—dar	میهمان‌نواز
aspinj, mehmānīh, spinjānagīh	میهمان‌نوازی
sūr, xwaran	میهمانی
mēhan	میهن

« ن »

a—, an—	نا— (پیشوند نفی)
an—ābādān	ناآباد
an—āštīh	ناآشتی
pas—dānišnīh	ناآگاهی از آینده
an—ōst	نااستوار
an—ummēd	ناامید
*ōrēb(Th)	ناامیدی
an—abāy	نابیجا
aburunāy, aburnāyag	نابرنای

brām- , nāl-	نالیدن
nām	نام
a-paymān	نامتعادل
a-dahm	نامحرم
a-griftār	نامحسوس
a-nāmčišťig	نامشخص
an-abāy , a-sazāg	نامناسب
an-ast	ناموجود
frawardag , nāmag	نامه
čašmag , nāmīg	نامی
nān	نان
drōn yaštan	نان درون را تقدیس کردن
drōn	نان مقدّس
an-abzār	ناوارد
a-homānāg	ناهمانند
Anāhīd	ناهید: در نجوم: ونوس
Anāhīd	ناهید: نام ایزدی مؤنث
nāy	نای
nāy	نای (واحد طول)
tabar zad	نیات
ham-nibardīh , ham-rānīh , nibard	نبرد
nibardīdan	نبرد کردن
nibardag	نبرده
nibēg	نبی
a-bīm	نترس
frazām , hanjām	نتیجه
bōxtārīh ,	نجات
bōxtār	نجات بخش
bōxtan	نجات یافتن
đurgar	نچار
kundāgīh	نجوم
pad-gōhr	نجیب زاده
naxčīr	نخجیر

dušwārīh	ناراحتی
a-hunsand	ناراضی
xām	نارس
a-husandīh	نارضایتی
anārgēl	نارگیل
nāzišn	نازش
bārīg/k , nāzuk	نازک
duš(x)wār , ĵud-dādestān	ناسازگار
a-spās , an-espās	ناسپاس
an-espāsīh	ناسپاسی
duš-nām	ناسزا
ēraxtan	ناسزا گفتن
a-xwaš , dušrām , mustōmand	ناشاد
a-xwārīh , a-xwašīh	ناشادی
an-arzānīg	ناشایسته
a-pattūg	ناشکیبا
nāfag	ناف
a-frasāwand	نافر سودنی
a-burd-framān , spōzgar	نافرمان
a-burd-framānīh , spōz , spōzišn	نافرمانی
spōxtan	نافرمانی کردن
xwābarīg	نافع
an-uspurrīg	ناقص
agārīhistan	ناکار شدن
agārēnīdan	ناکار کردن
agār	ناکار
a-kard	ناکرده
a-warzīd	ناکشته
an-āgāh	ناگاه
a-čārag , a-wizīrišnīg	ناگزیر
a-gōwāg	ناگویا
an-ādūg , an-arzānīg	نالایق
brāmag	نال

abar nišāstan
 šuhr
 rāyišn , wirāyišn(Th)
 yarrānīdan
 naft
 nikōhišnīg , zišt
 nifrīn
 nifrīdag
 nikōhīdan
 grīw
 damišn
 daftan
 sūrāg
 asēm
 asēmēn
 kāhišn , nirfisišn
 Gōzihrsar
 Gōzihrdumb
 ērang(Th) , nikōhišn
 nikōhīdan
 nigārag , pahikar
 nigār—
 nigāh
 pānag
 nigāstār ,
 dārišn , jadārīh , nigāh—dārīh , nigāh—dārišnīh
 (nigāh) dāštan
 nigāh kardan
 nigerišn
 nigerīdan
 nigūn
 nigūnsār
 nigūnīh

نصب کردن
 نطفه
 نظم
 نعره زدن
 نفت
 نفرت انگیز
 نفرین
 نفرین شده
 نفرین کردن
 نفّس
 نفّس
 نفس کشیدن
 نقب
 نقره
 نقره‌ای
 نقصان
 نقطه اعتدال بهاری
 نقطه اعتدال پاییزی
 نکوهش
 نکوهیدن
 نگاره
 نگاشتن
 نگاه
 نگاهبان
 نگاهدار
 نگاهداری
 نگاه داشتن
 نگاه کردن
 نگرش
 نگریدن
 نگون
 نگونسار
 نگونی

ahy , fradom , fradomīh , naxust , nazdist
 wuzurg framadār
 muy
 abar—tanīh
 naxōd
 —endag
 us(t)ōfrīt , zōhr
 gušn , nar
 nēw—ardaxšīr
 pillagān , srād
 parzīn
 nargis
 čarb , narm , nāzūk
 nizār
 nizārīh—
 nizārīh
 stēzag
 nazd(Tk)
 nazdTKīh
 gyān kandan
 abāz dādan ō
 nastaran
 nask
 āwādag , gōhr(ag) , naft , pušt
 daxšag , nišān
 nimūdan
 daxšagōmand
 (abar) nišāstan
 nišast
 nišastan
 niščb
 niščb
 kūn

نخست
 نخست‌وزیر
 نخل
 نخوت
 نخود
 —نده (پسوند سازنده صفت فاعلی)
 نذر
 نر
 نرد (بازی)
 نردبان
 نرده
 نرگس
 نرم
 نزار
 نزار شدن
 نزاری
 نزاع
 نزدیک
 نزدیکی
 نزح
 نسبت دادن به...
 نستون
 نسک (بخشی از اوستا)
 نسل
 نشان
 نشان دادن
 نشاندار
 نشانندن
 نشست
 نشستن
 نشیب
 نشیب: در نجوم: حضيض
 نشیمنگاه

tis—iz	نه... اصلاً
nō	نه
bun, nihādag	نهاد
nihādan	نهادن
nihāl	نهادل
nihān	نهیان
nihānīg	نهیانی
ǰō(y)	نهر
nihuftan, (nihumbīdan)	نهفتن
nohom	نهم
nāy	نی
niyāg	نیا
astānag, niyāz	نیاز
astānagōmand, driyōš, niyāzōmand	نیازمند
driyōštīh, niyāzōmandīh	نیازمندی
an—āhōg, an—āfūd,	نیالوده
a—gumēg	نیامیخته
azbāyišn, niyāyišn	نیایش
azbāy—	نیایش کردن
dawāl, nērang	نیرنگ
abzār, nērōg, ōz, stabrīh, tuwān, zōr	نیرو
abzār, amāwand, nērōgōmand, ōzōmand, pādixšā(y), pādyāwand, warzāwand, zōrīg, zōrōmand	نیرومند
abar—ōz	نیرومندتر
amāwandīh	نیرومندی
axw, uštānīh	نیروی زندگی
anī-z, —iz	نیز
nayestān	نیزار
nāy—srāy	نی زن
nēzag, sel	نیزه
nēst	نیست
nayestān	نیستان
an—astīh, nēstīh	نیستی

pāsbān	نگهبان
pās dāštan	نگهبانی کردن
pādan	نگهداری کردن
nam	نم
namāz	نماز
namāz burdan	نماز بردن
namad	نمد
a—marg	نمردنی
naft	نمناک
nīmūdan	نمودن
gāhwārag	ننو
nōg	نو
niwāg	نوا
nāy—pazd—, pazd—	نواختن (نی)
srūdan	نواختن (آلت موسیقی)
huniyāgar	نوازنده
čang—srāy	نوازنده چنگ
nawad	نود
abrōxtan, rōzēnīdan	نورانی کردن
nōg—rōz	نوروز
nōg—zād(ag)	نوزاد
nōzdah	نوزده
xwārēn—	نوشاندن
nibištan	نوشتن
nibēg	نوشته
parāhōm	نوشیدنی مقدس
gōnag, sardag, sān, šōn	نوع
bālēn, bašn, sar, tōrag	نوک
nab	نوه
*niwē	نوید
dībīrīh	نویسنده
dībīr	نویسنده
mā, nē	نه

frēzbānīg	واجب
abāz kardan az	وادار به ترک کردن
rawēnīdan	وادار به رفتن کردن
āstārēnīdan	وادار به گناه کردن
*ēnōkēn	وارث (زن)
andar āmadan , andar šudan	وارد شدن
abārōn , nigūn	وارون
mayānjīg	واسطه
rōšn/ag	واضح
wizurd	واقعی
abespurdan , (abespārdan)	واگذار کردن
pāymār	واگذاری
abām	وام
Way ī watar	وای بدتر (دیو)
Way ī weh	وای به (ایزد)
petyārag	وبال (نجوم)
graw(īh) , graw(a)gān	وثیقه
widest	وجب
widestīg	وجبی
axw , astīh , stī	وجود
bīm , *nihēb	وحشت
bīmgēn	وحشتناک
kōfīg	وحشی
waxšwar	وخشور
war	ور
warzāwand	ورجاوند
tar	وراء
afsōn	ورد
warzāg	ورزا
warzīdan	ورزیدن
garmōwar(īh)	ورگرم
Wōrūbaršt	وروبرشت (نام اقلیم شمال غربی از هفت اقلیم)
Wōrūjaršt	وروجرشت (نام اقلیم شمال شرقی از هفت اقلیم)

gazišn	نیش
gazīdan	نیش زدن
nay	نیشکر
hu – nēk(ōg)	نیک
hu – menišn	نیک اندیش
hu – mānīh	نیک اندیشی
hu – čašm	نیک چشم
hu – čašm	نیک خواه
hu – čašmīh , hu – mānīh	نیک خواهی
nēk – gōhr	نیک گوهر
hu – čīhr , nēk(ōg)	نیکو
ahlā , ahlaw , ašō , hudā(ha)g , hugar , kirbakkar , xwābar	نیکوکار
ahlāyīh , ahlawīh , hudā(ha)gīh , kirbakkarīh , xwābarīh	نیکوکاری
nēkīh	نیکی
nīl	نیل
nīlōpal	نیلوفر
nēm	نیم
nēm – asp	نیماسپ
nēm – asp	نیماسپ: در نجوم: برج قوس
nēm – tan	نیم تن
nēw – rōz , rabīh	نیمروز
bālēn – gāh , taxt – gāh	نیمکت
nēmāg	نیمه
graw	نی نازک
nēw	نیو
niyō(x)šišn	نیوشش
niyō(x)štīdan	نیوشیدن

« و »

u –	و (با ضمیر متصل می آید مانند u – š)
ud , (u –)	و

-Thā	ها (پسوند جمع)
-īhā	ها (پسوند سازندهٔ قید)
hād	ها (هر یک از بخشهای یسنا)
hādamānsar	هاتمانسر
hādamānsarīg	هاتمانسری
hādōxt	هادخت (یکی از نسکهای گم شدهٔ اوستا)
hādōxt	هادخت (مراسم قربانی خاص)
hāsar	هاسر (مقیاس زمان)
hāsar	هاسر (مقیاس طول)
hāmōn	هامون
hāwan	هاون
haštđah	هجده
hēnīh	هجوم
*adēn-, franāftan, hāxtan, nīdan, rāyēnīdan, zāmēnīdan	هدایت کردن
hu-čīhr	هجیر
kām(ag)	هدف
dāsar, dāšn, pārag	هدیه
har(w), wisp	هر
čand	هر اندازه
abādixšā(y)īh	هرج و مرج
čand	هر چند
čegām-iz	هر چه
*jomā	هر دو
rōzwārag	هر روزه
hamē ka	هر زمان
halag	هرزه
drāyīšn	هرزه‌گویی
drāyīdan	هرزه‌گویی کردن
kadām-iz-ē(w)	هر کدام
kadār-iz-ē(w)	هر که

adēn	وژود
wazišn	وژش
wazay	وژغ
garānīh	وزن
tarāzēnīdan	وزن کردن
wāyīdan, wazīdan	وزیدن
dastwar	وزیر
bidaxš	وزیر اعظم
mayān	وسط
wēhm	وسیع
abzār, čār(ag), zay	وسیله
handarz	وصیت
tan-bahr	وضعیت جسمی
rāyēnišn	وظیفه
xwēš-kār	وظیفه‌شناس
xwēš-kārīh	وظیفه‌شناسی
a-xwēškār	وظیفه‌شناس
ēkānag	وفادار
ēkānagīh	وفاداری
hu-škōhīh, škōh	وقار
ǰādag-gō(w)	وکیل
win	ون
Wanand	ونند
Wīdadafš	ویددفش (نام اقلیم جنوب غربی از هفت اقلیم)
awērag, awērān, drōšag	ویران
kastārīh	ویران‌سازی
abesīhēnīdan, hambāstan, kandan, wišuftan	ویران کردن
kastār	ویرانگر
abesīhēnišn(īh)	ویرانی
passāzišn, wirāyīšn(īh)	ویرایش
daxšag	ویژگی
abēzag	ویژه

hamāl , ham-tā , tā	همتا
ham-tōhmag	هم تخمه
ham-tan	هم تن
ham-ēdōn	هم چنین
ham-dādestān	همداستان
abāgīh	همدستی
hamdam	همدم
ham-dēsag	همدیس
ham-gōhr	هم ذات
ayārōmand , hambāy , P. hamhārz	همراه
az... hammis , jomā	همراه با
abāgīh , ayārōmandīh	همراهی
abāgēnīdan	همراهی کردن
ham-zamān	هم زمان
ham-sāyag	همسایه
hamēst(ag)ān	همستگان
čagar , nārīg , zan	همسر
ham-dēsag	هم شکل
ham-bašn , ham-tan	هم قامت
ham-kār	همکار
ham-kārīh	همکاری
ham-gōhr	هم گوهر
hamagīh	همگی
ham-nibardīh	هم نبردی
ham-sardag	هم نوع
hamwar	هموار
hāmwar(ag)	همواره
hamāg(īh) , hambāstag , hamist , hāmōyēn , har(w) , harwīn , harwisp , harwispīn , wisp	همه
hamāg-dēn	همه دین (مراسم مذهبی)
hamē	همی
hamīh	همی (= اتحاد)
ham-ēdōn	همیدون

hagriz	هرگز (با نفی)
Ohrmazd	هرمزد: در نجوم: مشتری
Ohrmazd	هرمزد: گاه‌نما: اولین روز ماه
har(w)	هر یک
hazār	هزار
hazārag	هزاره
uzwārīšn	هزوارش
uzēnag	هزینه
hast=ast	هست
ast(ag) , uruspar	هسته (میوه)
axw , astīh , mādayān , stī	هستی
zāyišnīg	هستی یافته
hašt	هشت
haštād	هشتاد
hištan	هشتن
haft	هفت
haftād	هفتاد
haftān	هفتان
haftān	هفت سیاره
Haftōring	هفتو رنگ (نجوم)
haftag	هفته
haftdah	هفده
halām	هلام
halīlag	هلילה
ham , -iz	هم
hōmāst	هماست (دعاهای مختلف)
hamāl	همال
ham-gōnag	همان‌گونه
homānāg , ham-ēwēnag	همانند
ēw-sānīh , hāwandīh , hangōšīdag , homānāgīh , mānāgīh	همانندی
hamīh	هماهنگی
humāy	همای
ham-pursag	همپرس

ē(w)	ی (نکره)
ayāb	یا
Yāt	یات (نام درجه‌ای از گناه)
ayād , ayāsišn(Th) , daxšag , warm , wīr , wīrōmandīh	یاد
ayādgār	یادگار
hammōxtan	یاد گرفتن
hammōxtār	یاد گیرنده
hammōxtārīh	یادگیری
ayār	یار
ayārīh , frayād , frayādišn	یاری
ayārīdan , frayādīdan	یاری کردن
yāzdah	یازده
yāsaman	یاسمن
ayāftan , windādan	یافتن
windišnīg	یافتنی
yākand	یاقوت
yākand	یاکند
bašn	یال
ayārōmand , dast-gīr	یاور
afsārdan	یخ بستن
ay , hād	یعنی
grīwbān	یقه
ēwar	یقین
ēwar	یقیناً
ēk , ēw	یک
ēw-bār	یکبار
ēw-kard(ag)	یکپارچه
ēw-tā , tā	یکتا
ēk-dād	یکتا آفریده
ham-ēwēnag	یک جور
ē(w)-čand	یک چند
*lipī	یک درجه (از قوس)
ēw-sān	یکسان

hamēšagīh , jāwēd(an)	همیشگی
bāstān , hamē , hamēšag , P. yāwēdān	همیشه
hamē-wahār	همیشه بهار
hamēšag-sōz	همیشه سوز
zamīg-paymānīh	هندسه
Hindūgān	هندوستان
Hindūg	هندی
hunar , kīrrōgīh	هنر
hu-tuxš , kīrrōg	هنرمند
hunarāwandīh	هنرمندی
hangām , jā	هنگام
ahanūz	هنوز
andarwāy , wāy	هوا
ōš(Th)	هوش
ōšyār	هوشیار
Hōm	هوم
hōmōmand	هوم‌دار
hōmēn , hōmīg	هوم‌می
āškārāg , nigerišnīg	هویدا
ēč , ham-bun	هیچ (با ادات منفی)
kas-iz	هیچ‌کس
hērbed	هیربد
hērbedestān	هیربدستان
hērbedīh	هیربدی
ēs/zm	هیزم

« ی »

ē	ی (ادات، به فعل مضارع معنی تمنّایی می‌دهد)
ī	ی (ادات ربط)
-Th	ی (پسوند سازنده اسم معنی)
-īg	ی (پسوند سازنده صفت ثانوی)

ēw-sānīh	یکسانی
srišwadag	یک سوم
ē-(w)-mōg	یک موزه
hambūdan	یکی شدن
hamēnīdan	یکی کردن
yal	یل
yōz	یوزپلنگ
-īdan	– یدن (پسوند سازنده مصدر ثانوی)
-ēn	– ین (پسوند سازنده صفت نسبی)
juγ	یوγ
Hrōmāyīg	یونانی

پیوستها

پیوستها

۱- ایزدان

Ohrmazd	هرمزد
Amahraspandān	امشاسپندان
Wahman	بهمن
Ardwahišt (Urd-, Ašwahišt)	اردیبهشت
Šahrewar	شهریور
Spandarmad	سپندارمد
Hordād	خرداد
Amurdād	امرداد
Ādur	آذر
Anahīd	اناهید
Ard (Ahlišwang)	ارد (اهلشونگ)
Aštād	اشتاد
Burz	برز
Ērmān	ایرمان
Mihr	مهر
Rašn	رشن
Srōš	سروش
wahrām	بهرام
Way ī weh	وای به
Zurwān	زروان

۲- دیوان

Ahreman	اهریمن
Akōman	اکومن
Arzūr	ارزور
Astwihād	استویهاد

¹² Māh	ماه
¹³ Tīr	تیر
¹⁴ Gōš	گوش
¹⁵ Day Pad Mihr	دی به مهر
¹⁶ Mihr	مهر
¹⁷ Srōš	سروش
¹⁸ Rašn	رشن
¹⁹ Frawardīn	فروردین
²⁰ Wahrām	بهرام
²¹ Rām	رام
²² Wād	باد
²³ Day Pad dēn	دی به دین
²⁴ Dēn	دین
²⁵ Ard (Ahlišwāng)	ارد (اهلشونگ)
²⁶ Aštād	اشتاد
²⁷ Asmān	آسمان
²⁸ Zāmyād	زامیاد
²⁹ Māraspand	مارسپند
³⁰ Anagrān	انگران

۵- گاهها

Hāwan	بامداد
Rapihwīn	نیمروز
Uzērin	غروب
Ebsrusrim	غروب آفتاب تا نیمه شب
Ušahin	نیمه شب تا سپیده دم

۶- کشورها

Xwanirah	خونیره (مرکزی)
Arzah	ارزه (شرقی)
Fradadafš	فرددفش (جنوب شرقی)
Wīdadafš	ویددفش (جنوب غربی)

ĵeh	چه
Way ī Wattar	وای بد
Xēšm	خشم
Wizarš	وزرش

۳- ماهها

I Farwardīn	فروردین
II Ardwašīšt	اردیبهشت
III Hordād	خرداد
IV Tīr	تیر
V Amurdād	امرداد
VI Šahrewar	شهریور
VII Mihr	مهر
VIII Ābān	آبان
IX Ādur	آذر
X Day	دی
XI Wahman	بهمن
XII Spandarmad	اسفند
+ Frawardīgān	+ فروردیگان

۴- روزها

¹ Ohrmazd	هرمز
² Wahman	بهمن
³ Ard wahišt	اردیبهشت
⁴ Šahrewar	شهریور
⁵ Spandarmad	سپندارمد
⁶ Hordād	خرداد
⁷ Amurdād	امرداد
⁸ Day pad Ādur	دی به آذر
⁹ Ādur	آذر
¹⁰ Ābān	آبان
¹¹ Xwar	خور

سوه (غربی)
وروبرشت (شمال غربی)
وروجرشت (شمال شرقی)

Sawah
Wōrūbaršt
Wōrūjaršt

۷- واحدهای اندازه گیری طول

(۱) انگشت = ۳ اینچ
(۲) بدست = ۹ اینچ
(۳) پای = ۱۲ اینچ
(۴) ذراع = ۱ فوت و ۱۶ اینچ
(۵) گام = (یارد) ۳ فوت
(۶) گام دو پا = ۵ فوت
(۷) یک بغل = ۶ فوت
(۸) نای (۱/۵ یارد) = ۱۰ فوت
(۹) هاسر کوچک = ۱۰۰۰ گام دو پا (= ۱ میل)
هاسر بزرگ = ۱ فرسنگ
۱ فرسنگ = ۴ میل

I angust
I widest
I pay
I frārāst
I gām
I gām ī dō Pāy
I ōud-nāy
I nāy
I hāsar ī
ī
I frasang

۸- «برجهای دوازده گانه»*

warrag	بره	حمل
gāw	گاو	ثور
dō-pahikar	دو پیکر	جوزا
karzang	خرچنگ	سرطان
šagr	شیر	اسد
hōšag	خوشه	سنبله
tarāzūg	ترازو	میزان
gazdum	کزدم	عقرب
nēm-asp	نیماسپ	قوس
wahīg	بزغاله	جدی
dōl	دول	دلو
mahīg	ماهی	حوت

۹- واژه‌نمای پهلوی واژه‌های افزوده

dīg
wēzag
*nihēb
Wizarš
war-wēzag
xīg
rox
rēbās
čaxrag
šabyār
sayistan

دیک
ووزاغ
نیهب
ویزارش
وار-ووزاغ
خیک
روخ
رهباس
چاخراگ
شابیار
سایستان

* این فهرست به وسیله مترجم افزوده شده است.

بخش سوم
واژه‌نمای پهلوی

PAHLAVI KEY

THE alphabetical order is that of the Aramaic alphabet, taking account of the first value of each letter only (see Table II, p. xiii), thus:

āhan, any ^I , 1- ² axw, 1- ² xān	𐭠𐭣𐭥	a-, ā, h-	𐭠𐭣
hāwand	𐭠𐭣𐭥𐭠	brād ^I	𐭠𐭣
hāwandih	𐭠𐭣𐭥𐭠𐭣	haxt	𐭠𐭣𐭥𐭠
ahunsand	𐭠𐭣𐭥𐭠𐭣𐭥	āhixtan, hāxtan	𐭠𐭣𐭥𐭠𐭣𐭥
ahunsandih	𐭠𐭣𐭥𐭠𐭣𐭥𐭠	xāyag	𐭠𐭣𐭥𐭠𐭣
anīz ^I	𐭠𐭣𐭥𐭠	āhan	𐭠𐭣𐭥
1- ² hāwan	𐭠𐭣𐭥	xayūg	𐭠𐭣𐭥𐭠𐭣
ahunawar	𐭠𐭣𐭥	xāyagdēs	𐭠𐭣𐭥𐭠𐭣𐭥
ahanūz, anīz ^I	𐭠𐭣𐭥	xāyag	𐭠𐭣𐭥
āhōgēn-	𐭠𐭣𐭥𐭠	āxēz-	𐭠𐭣𐭥
āhōgēnīdan	𐭠𐭣𐭥𐭠𐭣𐭥	āxēzīdan	𐭠𐭣𐭥𐭠𐭣𐭥
āhōg, āhūg, xānag	𐭠𐭣𐭥	āhīdih	𐭠𐭣𐭥𐭠
āxwarr	𐭠𐭣𐭥	āhīd	𐭠𐭣𐭥
āxwarrsālār	𐭠𐭣𐭥𐭠𐭣𐭥	axwān	𐭠𐭣𐭥𐭠
ahomānāg	𐭠𐭣𐭥𐭠𐭣𐭥	axwārīh	𐭠𐭣𐭥𐭠𐭣
axwamn	𐭠𐭣𐭥	āhang	𐭠𐭣𐭥
āhan]-	𐭠𐭣𐭥	xānīg	𐭠𐭣𐭥𐭠
		axwēškār	𐭠𐭣𐭥𐭠𐭣𐭥

^I = (part) ideogrammatic spelling

^N = numeral

ādehīg	[6] س ١٥٣	ay, ē, sēn	[5] س
adānih	س ١٥٣	abahr	س ١٥٣
adān	س ١٣٥	wany ^I	س ١٣٥
hixr	س ١٥٣	abīm	س ١٥٣
ayārd-	س ١٥٣ -	abēš	س ١٥٣
ayārdēn-	س ١٥٣ - ٢	abēših	س ١٥٣
ayārdēnīdan	س ١١٤ ٢ ١٥٣	pidar ^I	س ١٥٣
ayārdēnišn	س ١٣٥ ٢ ١٥٣	^I pid ^I	س ١٥٣
ayārdīdan	س ١١٤ ١٥٣	abōy	س ١٥٣
ayāb-	س ١٥٣ -	abōyih	س ١٥٣
ayābāg	س ١٥٣	abun	س ١١١
ayābagih	س ١٥٣ ٥	aburdframānih	س ١٥٣ ٤ ١٣٥
ayābag	س ١٥٣ ٥	aburdframān	س ١٥٣ ٤ ١٣٥
āyaft	س ١٤٥	seyom ^N .	س ٤١
ayāftan	س ١١٣ ١٥٣	apus ^I	س ١٤٥
adādih	س ١٥٣ ٥	abr	س ١٥٣
adād	س ١١٤	axwaš ^I	س ١٥٣
hixtan	س ١١٤	axwaših ^I	س ١٥٣
adādestānih	س ١٥٣ ٤ ١٣٥ ٥	sepāy ^N	س ١٥٣
adādestān	س ١٥٣ ٤ ١٣٥ ٥	sešabag ^N	س ١٥٣ ٥
ēbgatih	س ١٥٣ ٥	ēw ^I	س ١٥٣
ēbgat	س ١١٤	gandum ^I	س ١٥٣
ēbsrūsrīm	س ١٥٣ ٤ ١٣٥	gyān ^I	س ١٥٣
may ^I	س ١٥٣	adahm	س ١٥٣
ayār	س ١٥٣	agāh	س ١٥٣

xām	[4] س ١٥٣	āhanjīdan	[3] س ١١٤ ٤ ١٣٥
hāmharz	س ١٥٣	ahōš	س ١٥٣
hāmīnīg	س ١٥٣ ٤ ١٣٥	ahōših	س ١٥٣ ٤ ١٣٥
hāmīn	س ١٥٣ ٤	hāwištih	س ١٥٣ ٤ ١٣٥
xāmīz	س ١٥٣ ٤	hāwišt	س ١٥٣ ٤ ١٣٥
hāmwār	س ١٥٣ ٤	xāk	س ١٥٣
hāmōyēn	س ١٥٣ ٤ ١٣٥	āhr, xār	س ١٥٣
hāmōn	س ١١٤ ٤ ١٣٥	pas ^I	س ١٥٣
xāmōš	س ١٥٣ ٤	ahlā	س ١٥٣
hāmkišwar	س ١٥٣ ٤ ١٣٥	ahlāyih	س ١٥٣ ٤ ١٣٥
hāmīst	س ١١٤ ٤ ١٣٥	xārōmand	س ١٥٣ ٤ ١٣٥
hās ² ^I	س ١٥٣	ahrām-, āxrām-	س ١٥٣ -
āxīstan	س ١١٤ ٤ ١٣٥	āxrāmīdan	س ١١٤ ٤ ١٣٥
hāz-	س ١٥٣ -	ahrāftan	س ١١٤ ٤ ١٣٥
hāzišn	س ١٣٥ ٤ ١٥٣	pasih ^I	س ١٥٣ ٤ ١٣٥
² hād, haxt	س ١٥٣	pasdānišnih ^I	س ١٥٣ ٤ ١٣٥ ٥
hādōxt	س ١٥٣ ٤ ١٣٥	Ahreman	س ١٥٣ ٤ ١٣٥ / ١١٤
hādāmāns ² ^r	س ١٥٣ ٤ ١٣٥ ٥	Ahlšwāng	س ١٥٣ ٤ ١٣٥ ٥
hādāmāns ² ^r īg	س ١٥٣ ٤ ١٣٥ ٥ ١٣٥	ahlawih	س ١٥٣ ٤ ١٣٥
axtar	س ١٥٣ ٤	ahlawdād	س ١٥٣ ٤ ١٣٥ ٥
axtarāmār	س ١٥٣ ٤ ١٣٥	ahlaw	س ١٥٣ ٤ ١٣٥
axtarmār	س ١٥٣ ٤ ١٣٥	Ahreman	س ١٥٣ ٤ ١٣٥ / ١١٤
axtarmārīh	س ١٥٣ ٤ ١٣٥ ٥	ahlomōyih	س ١٥٣ ٤ ١٣٥ ٥
xwah ^I	س ١٥٣ ٤	ahlomōy	س ١٥٣ ٤ ١٣٥
xwahar ^I	س ١٥٣ ٤	xārpūšt	س ١٥٣ ٤ ١٣٥

ērānag	[10] ۱۹۳۳	ēwkardag	[9] ۱۹۳۱ ۹ ۳۳
Ērānšahr	۱۱۳۳ ۳۳	ēwkardag	۱۹۳۱ ۹ ۳۳
ēraxtār	۳۳ ۱۹۳۳	ēwar	۱۳۳
1-2ēraxtan	۱۱۳۳	ēwarz	۱۳۳
ērīh	۳۳	ēwarz-	- ۱۳۳
hēriḡ	۳۳ ۱۹۳۳	ēwarzīg	۱۳۳ ۱۹۳۳
ērvār	۳۳ ۱۹۳۳	ēwarzīdan	۱۱۳۳ ۱۳۳
ērvārag	۳۳ ۱۹۳۳	agumān	۱۳۳ ۳۳
ērang	۳۳ ۹	agumēḡih	۳۳ ۱۹۳۳ ۳۳
ērangih	۳۳ ۳۳	agumēḡ	۱۳۳ ۳۳
1-2ēranj-	۳۳ ۹ -	čašm ^f	۱۳۳
ērkaš	۳۳ ۳۳	ēwmōḡ	۱۳۳ ۱۹۳۳
ērmānih	۳۳ ۳۳ ۳۳	ēwsānih	۳۳ ۳۳ ۳۳
1-2ērmān	۱۳۳ ۳۳	ēwsān	۱۳۳ ۳۳
ērmānag	۱۹۳۳ ۳۳	ayāb	۱۳۳
ērmenišnih	۳۳ ۳۳ ۳۳ ۳۳	1-2āyōz-	- ۳۳
agriftār	۳۳ ۳۳ ۳۳	1-2āyōzīdan	۱۱۳۳ ۳۳
hērbedih	۳۳ ۳۳	ēvčand	۳۳ ۱۳۳
āgrift, hērbed	۱۳۳	āyōzišnīh	۳۳ ۳۳ ۳۳
hērbedestānih	۳۳ ۳۳ ۳۳ ۳۳	1-2āyōzišn	۱۳۳ ۳۳
hērbedestān	۱۳۳ ۳۳ ۳۳	ēwtāḡ	۱۳۳ ۳۳
adard	۱۳۳	kū ^f	۳۳
ērtanīh	۳۳ ۱۳۳	1-2ēr, xīr	۳۳
ērtan	۱۱۳۳	Ērān	۱۳۳
xēm	۳۳	Ērānwēz	۳۳ ۱۳۳

āsūdan	[8] ۱۱۳۳ ۳۳	ayār-	[7] ۳۳ ۳۳
asmān	۳۳ ۳۳ ۳۳	ayārōmand	۳۳ ۳۳ ۳۳ ۳۳
ēwān	۳۳ ۳۳	ayārōmandih	۳۳ ۳۳ ۳۳ ۳۳
ēbārag	۳۳ ۳۳ ۳۳	ayārīh	۳۳ ۳۳ ۳۳
1-2ēwāz	۳۳ ۳۳	ayārīdan	۱۱۳۳ ۳۳ ۳۳
ēwāzīg	۳۳ ۳۳ ۳۳	ayās-	۳۳ ۳۳ -
āyōxtan	۱۱۳۳ ۳۳	ayāsīdan	۱۱۳۳ ۳۳ ۳۳
agōwāḡ	۳۳ ۳۳ ۳۳	ayāsīšnīh	۳۳ ۳۳ ۳۳ ۳۳
ēwbār	۳۳ ۳۳	ayāstan	۱۱۳۳ ۳۳ ۳۳
ēbyānghan	۱۳۳ ۳۳ ۳۳ ۳۳	ayād	۳۳ ۳۳
enyā, hēnīh	۳۳ ۳۳	ayādgār	۳۳ ۳۳ ۳۳
ēwēn	۱۳۳ ۳۳	āsyāḡ	۳۳ ۳۳ ۳۳
1-2ēwēnag	۱۹۳۳ ۳۳	āsyāb	۳۳ ۳۳
xīndagīh	۳۳ ۳۳ ۳۳	agdēn	۳۳ ۳۳
xīndag	۱۹۳۳	ēsm	۳۳ ۳۳
hēn	۱۳۳	adēn-	- ۳۳
ēwan	۱۱۳۳	adādestān ^f	۳۳ ۳۳
ēnōkēn	۱۳۳ (۳) ۱۳۳	adādestānīh ⁱ	۳۳ ۳۳
ēkānagīh	۳۳ ۳۳ ۳۳	asōhišn	۳۳ ۳۳ ۳۳
ēkānag	۱۹۳۳ ۳۳	aswār	۳۳ ۳۳
ayōxšustēn	۱۳۳ ۳۳ ۳۳ ۳۳	aswārīh	۳۳ ۳۳ ۳۳
ayōxšust	۱۳۳ ۳۳ ۳۳	āsnīdag	۳۳ ۳۳ ۳۳
ēkdād	۱۱۳۳ ۳۳ ۳۳	āhan, āsn, ēḡ ^f	۳۳ ۳۳
ēk, xayūḡ	۱۹۳۳	āsnūd	۳۳ ۳۳ ۳۳
ēwkard	۱۳۳ ۳۳	āsnūdag	۳۳ ۳۳ ۳۳

xwāstan	[14] 𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	anāg	[13] 𐭠𐭥𐭥
anāstawānīh	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	anāgkunišn	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
anāstawān	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	anāgkardār	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
xv. ástagōmand	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	anār	𐭠𐭥𐭥𐭥
anāstag, xwāstag	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	1-2xwār	
ānāb-	- 𐭠𐭥𐭥	xwār-	𐭠𐭥𐭥𐭥
anabāy	𐭠𐭥𐭥𐭥	xwārbār	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
anabaxšāwand	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	xwārīh	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
anabaxšāwandīh.	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	anārgēl	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
anābādān	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	xwārēn-	𐭠𐭥𐭥𐭥
anabēdānīh	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	xwārēn	𐭠𐭥𐭥𐭥
anabēdān	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	xwālist	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
an: buhlag	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	xwārīdan	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
anabzār	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	anālūd	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
anabzārīh	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	anarzānīg	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
xwābar	𐭠𐭥𐭥𐭥	xwārīšn	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
xwābarīh	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	xwārtar	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
xwābarīg	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	hannām	𐭠𐭥𐭥
anāzarm	𐭠𐭥𐭥𐭥	anāmurzīd	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
anāzarmīh	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	anāmurzišn	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
anāzarmīg	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	anāmčīštīg	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
anafsēnišn	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	ānāstīh	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
ānābišn	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	ānāst, arāst	𐭠𐭥𐭥𐭥
ānāftan	𐭠𐭥𐭥𐭥	anāstāvānīh	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
anāštīh	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	anāstawān	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥

xwahar, xwahl	[12] 𐭮𐭥𐭥𐭥	ēmēd	[11] 𐭠𐭥𐭥𐭥
xwāhrīh	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	wurrōy- ^I	- 𐭠𐭥𐭥
awiyābānīg	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	wurrōyistan ^I	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
xwāb	𐭠𐭥𐭥	ē(w)mōg	𐭠𐭥𐭥𐭥
1-2xwāh-	- 𐭠𐭥𐭥	!kay ^I	𐭠𐭥𐭥
anayād	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	ēbyānghān	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
huēwāz	𐭠𐭥𐭥𐭥	ēbsrūsrīm	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
huēwāzīh	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	ēč	𐭠𐭥𐭥
anēr	𐭠𐭥𐭥	ē(w)čand	𐭠𐭥𐭥
Anērān	𐭠𐭥𐭥𐭥	hēzag	𐭠𐭥𐭥
anērīh	𐭠𐭥𐭥𐭥	ēzišn	𐭠𐭥𐭥𐭥
anērang	𐭠𐭥𐭥𐭥	ēs, kas ^I	𐭠𐭥𐭥
huxēm	𐭠𐭥𐭥	āyīšm, xēšm	𐭠𐭥𐭥𐭥
huxēmīh	𐭠𐭥𐭥𐭥	xēšmēn	𐭠𐭥𐭥𐭥
1-2xwāhišn	𐭠𐭥𐭥𐭥	kasiz ^I	𐭠𐭥𐭥
anastīh ^I	𐭠𐭥𐭥𐭥	(h)astīh ^I	𐭠𐭥𐭥
anast ^I	𐭠𐭥𐭥	ānay- ^I	- 𐭠𐭥𐭥
xwān	𐭠𐭥𐭥	ānīdan ^I	𐭠𐭥𐭥𐭥
Ohrmazd	𐭠𐭥𐭥𐭥	(h)ast ^I	𐭠𐭥𐭥
anummēd	𐭠𐭥𐭥𐭥	ēdōnīh	𐭠𐭥𐭥𐭥
anuspurīg	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	ēdōn	𐭠𐭥𐭥
anōst	𐭠𐭥𐭥𐭥	an-, hu-	- 𐭠𐭥
anōšmār	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	ēd ^I	𐭠𐭥𐭥
anāgāh	𐭠𐭥𐭥𐭥	Anāhīd	𐭠𐭥𐭥𐭥
anāgīh	𐭠𐭥𐭥𐭥	anāhōg	𐭠𐭥𐭥𐭥

hindūg	[18] 𐭠𐭣𐭥𐭥	hangārag	[17] 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
ar ʒūr	𐭠𐭣𐭥𐭥	hangārišn	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
angust	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	hangārdan	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
angustariġ	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	handām, hangām	𐭠𐭣𐭥𐭥
angustbān	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	hangāmīg	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
handōz-	- 𐭠𐭣𐭥𐭥	handāz-	- 𐭠𐭣𐭥𐭥
handōzišnīh	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	handāzag	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
handōzišn	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	handāzišn	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
hangōšīdag	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	xwāb, xwey	𐭠𐭣𐭥𐭥
awēnišnīg, āwēnišnīg	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	hudēn	𐭠𐭣𐭥𐭥
āwēnišn	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	usōfrit	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
hudōšag	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	handēmānīh	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
handūdan	𐭠𐭣𐭥𐭥	handēmān	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
andak, anīg, hōyag	𐭠𐭣𐭥𐭥	handēmāngar	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
anagr, hugar	𐭠𐭣𐭥𐭥	handēmāngarīh	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
handraxtagīh	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	āwēn-	- 𐭠𐭣𐭥𐭥
handraxtag	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	andōh	𐭠𐭣𐭥𐭥
ōgrā	𐭠𐭣𐭥𐭥	xwēnāhan	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
anagrān, awērān	𐭠𐭣𐭥𐭥	andōhgēn	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
hangrāyīdan	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	handōxtan	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
andarag	𐭠𐭣𐭥𐭥	hugōwišn	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
andarwāy	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	āwēnīdan	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
andarwāyīg	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	owōn	𐭠𐭣𐭥𐭥
andarōn	𐭠𐭣𐭥𐭥	Hindūgān	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
hangrūdāg	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	hugugār	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥

hambōyišn	[16] 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	anādānīh	[15] 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
hambūsīdan	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	anādān	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
hambūsišn	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	hūxt	𐭠𐭣𐭥𐭥
hambōš-	- 𐭠𐭣𐭥𐭥	nih- ¹	- 𐭠𐭣𐭥𐭥
hambōšišn	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	nihādan ¹	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
ambar	𐭠𐭣𐭥𐭥	anādūg	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
āwarišn	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	hambah-	- 𐭠𐭣𐭥𐭥
angūr ¹	𐭠𐭣𐭥𐭥	āwahan	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
hambasānīg	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	hambāh-	- 𐭠𐭣𐭥𐭥
hambasān	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	hambāhišn	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
² hambastan	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	hambār-	- 𐭠𐭣𐭥𐭥
² hambastag	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	hambārīdan	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
awiš	𐭠𐭣𐭥𐭥	āwām	𐭠𐭣𐭥𐭥
āwištan	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	hambāstan	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
and, hōy	𐭠𐭣𐭥𐭥	hambāz	𐭠𐭣𐭥𐭥
huīh	𐭠𐭣𐭥𐭥	āwādāg	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
hudāhagih	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	dastgraw ¹	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
hudāhag	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	wany ¹	𐭠𐭣𐭥𐭥
handāxtār	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	wany(b)ūdih ¹	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
handāxtan	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	wany(b)ūdih ¹	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
hudā(ha)gīh	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	wanīgarīh ¹	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
andāgēn	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	hubōy	𐭠𐭣𐭥𐭥
andāg, hudā(ha)g	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	hambōy-	- 𐭠𐭣𐭥𐭥
andāggēn	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	hambūs-	- 𐭠𐭣𐭥𐭥
hangār-	- 𐭠𐭣𐭥𐭥	hubōyīh	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥

uzmāyišn	[22] ۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳	hunarōmand	[21] ۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳
ʔ umburd	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳	huwaršt	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳
uzmūdan	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳	awinast	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳
ōgār	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳	anōš	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳
ōgār-	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳	anōšxwar	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳
ōgārdan	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳	anōšagih	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳
ōyrišt	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳	hunušakēnīdan	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳
xōg, hūg	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳	anōšag, hunušak	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳
hukunišn	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳	anōšagruwān	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳
xūkar	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳	Urdwahišt	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳
hūkar(ag)	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳	anōdagīg	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳
ḥar, 1-2xwar	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳	anōdag	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳
xwar-	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳	uzērīn	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳
fradomʔ	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳	uzdehīgih	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳
xwarōfrān	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳	uzdehīg	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳
hurām	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳	uzērīn	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳
ulāmadān	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳	uzdēs	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳
xwarāsān	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳	uzdēsparist	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳
xwarxšēd	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳	uzdēsparistišnīh	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳
xwarwarān	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳	uzdēszār	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳
xwarg	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳	uzivān	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳
xurdruš	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳	uzwār-	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳
xurdruš	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳	uzwārišn	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳
ōrēb	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳	uzwārdan	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳
ōrēbīh	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳	uzmāy-	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳

xwēdōdah	[20] ۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳	awērag, udrag	[19] ۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳
ānīdan	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳	anagr-rōšnīh	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳
dān-ʔ	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳	anagr-rōšn	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳
dānistanʔ	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳	andarmāh	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳
xwēdōdah	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳	handarz	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳
xwēdōdah	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳	handarzēn-	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳
-ān	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳	handarzēnīdan	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳
ān, hō, ō	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳	ōyrišt	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳
huniyāgih	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳	hangirdēn-	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳
huniyāg	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳	hangirdēnīdan	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳
huniyāgar	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳	hangirdīgih	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳
awināh	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳	hangirdīg	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳
xwēnāhan	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳	hudast	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳
huniyōxš	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳	xwistan	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳
-āwand	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳	angubēn	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳
hunsand	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳	andēand	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳
hunsandih	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳	xwēš	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳
Xwanirah	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳	xwēšāwand	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳
Hordād	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳	xwēšāwandih	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳
hunīdan	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳	xwēšēn-	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳
xōn	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳	xwēšēnīdan	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳
xunak	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳	xwēškār	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳
hunar	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳	xwēškārīh	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳
hunarāwand	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳	hangadīh, xwēdīh	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳
hunarāwandih	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳	hangad, xwēd	۱۱۳ ۱۱۳ ۱۱۳

awestām	[26] 𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	xwamnwizār	[25] 𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
awestād	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	humurwāg	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
ēstādan	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	hād ¹	𐭮𐭥𐭥𐭥
ōstīgānih	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	humat	𐭮𐭥𐭥𐭥
ōstīgān	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	ōsān-	- 𐭮𐭥𐭥𐭥
ōst	𐭮𐭥𐭥𐭥	husāzagīh	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
awestwār	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	hangēxtan	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
awestwārih	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	uskār-	- 𐭮𐭥𐭥𐭥
xandidan, xwastan	𐭮𐭥𐭥𐭥	uskārišnih	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
xwastūgīh	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	uskārišn	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
xwastūg	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	uskārdan	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
ustōfrit	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	husrawīh	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥
awestar-	- 𐭮𐭥𐭥𐭥	husraw	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥
awestarag	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	ōspar-	- 𐭮𐭥𐭥𐭥
awestarišn	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	ōspurdan	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥
awestardan	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	hangēz-	- 𐭮𐭥𐭥𐭥
ēstišn	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	anespās, huspās	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥
xūb	𐭮𐭥𐭥	anespāsīh	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
ōbār-	- 𐭮𐭥𐭥	uspurrīg	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥
ōbārdan	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	hangēzišn	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥
hupādixšāy	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	handēš-	- 𐭮𐭥𐭥𐭥
hupādixšāyih	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	handēšidār	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
xūbih	𐭮𐭥𐭥	handēšidan	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
hupassandagīh	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	handēšišn	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥
hufraward	𐭮𐭥𐭥𐭥	ēst-	- 𐭮𐭥𐭥𐭥

xwardīg	[24] 𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	Urišlim	[23] 𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥
xwurd	𐭮𐭥𐭥	urwāhm	𐭮𐭥𐭥𐭥
xwardan	𐭮𐭥𐭥	urwāhmanih	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥
xwurdagīh	𐭮𐭥𐭥𐭥	urwāhman	𐭮𐭥𐭥𐭥
xwurdag	𐭮𐭥𐭥	urwāz-	- 𐭮𐭥𐭥
abardar	𐭮𐭥𐭥	urwāzišn	𐭮𐭥𐭥𐭥
awardišnīgih	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	xwaran	𐭮𐭥𐭥
awardišnīg	𐭮𐭥𐭥𐭥	ōrōn	𐭮𐭥𐭥
hōm	𐭮𐭥	urwar	𐭮𐭥𐭥
humāy	𐭮𐭥𐭥	xwarwarān	𐭮𐭥𐭥𐭥
homānāgīh	𐭮𐭥𐭥𐭥	uruspar	𐭮𐭥𐭥𐭥
homānāg	𐭮𐭥𐭥	hurust	𐭮𐭥𐭥
humānih	𐭮𐭥𐭥	xwarōfrān	𐭮𐭥𐭥𐭥
hōmōmand	𐭮𐭥𐭥𐭥	huras	𐭮𐭥
hōmāst	𐭮𐭥𐭥𐭥	xormā	𐭮𐭥𐭥
xumb	𐭮𐭥	huraṃīh	𐭮𐭥𐭥
hōmēn	𐭮𐭥𐭥	urmōd	𐭮𐭥𐭥
humenišn	𐭮𐭥𐭥𐭥	huraṃag	𐭮𐭥𐭥
hōmīg	𐭮𐭥𐭥	awarzd	𐭮𐭥𐭥
ummēd	𐭮𐭥𐭥	xwaršēd	𐭮𐭥𐭥
ummēdwār	𐭮𐭥𐭥𐭥	xwarišnih	𐭮𐭥𐭥
az ¹	𐭮𐭥	xwarišnīg	𐭮𐭥𐭥
h- ¹	- 𐭮𐭥	xwarišn	𐭮𐭥𐭥
-ōmand	- 𐭮𐭥	awardāg	𐭮𐭥𐭥
xwamn	𐭮𐭥𐭥	xwardār	𐭮𐭥𐭥

buz ^l , xaz	[30] 𐭆𐭀𐭎	ōšmārag	[29] 𐭀𐭃𐭎𐭎𐭎𐭎
hazzān	𐭎𐭎𐭎	ōšmārišn	𐭀𐭃𐭎𐭎𐭎𐭎𐭎
azbāy-	𐭀𐭆𐭎𐭎 -	ōšmurdīg	𐭀𐭃𐭎𐭎𐭎𐭎𐭎
azbāyišn	𐭀𐭆𐭎𐭎𐭎𐭎	ōšmurdan	𐭀𐭃𐭎𐭎𐭎𐭎𐭎
azd, azg	𐭀𐭆𐭎	ōšastar	𐭀𐭃𐭎𐭎𐭎𐭎
azdēn-	𐭀𐭆𐭎𐭎 -	awišt-	𐭀𐭀𐭎𐭎 -
azdēnīdan	𐭀𐭆𐭎𐭎𐭎𐭎	uštānōmand	𐭀𐭀𐭎𐭎𐭎𐭎𐭎𐭎
āznāwar	𐭀𐭀𐭎𐭎𐭎	uštānīh	𐭀𐭀𐭎𐭎𐭎𐭎
xūg ^l	𐭀𐭀𐭎𐭎	uštān	𐭀𐭀𐭎𐭎𐭎𐭎
azrāy-	𐭀𐭀𐭎𐭎 -	awištāb	𐭀𐭀𐭎𐭎𐭎
azraw-	𐭀𐭀𐭎𐭎 -	awištāb-	𐭀𐭀𐭎𐭎𐭎 -
azruftan	𐭀𐭀𐭎𐭎𐭎𐭎	awištāftan	𐭀𐭀𐭎𐭎𐭎𐭎𐭎
azarmān	𐭀𐭀𐭎𐭎𐭎	awištādan	𐭀𐭀𐭎𐭎𐭎𐭎𐭎
azmāy-	𐭀𐭀𐭎𐭎 -	anšahrīg	𐭀𐭀𐭎𐭎𐭎𐭎
azmūdan	𐭀𐭀𐭎𐭎𐭎𐭎	uštar	𐭀𐭀𐭎𐭎𐭎
āgāh	𐭀𐭀𐭎𐭎	uštargāwpalang	𐭀𐭀𐭎𐭎𐭎𐭎𐭎𐭎𐭎
āgāhīh	𐭀𐭀𐭎𐭎𐭎	xwadāy	𐭀𐭀𐭎𐭎
akōmand	𐭀𐭀𐭎𐭎𐭎	xwadāyīh	𐭀𐭀𐭎𐭎𐭎𐭎
agār	𐭀𐭀𐭎𐭎	xwadāywār	𐭀𐭀𐭎𐭎𐭎𐭎
agārih-	𐭀𐭀𐭎𐭎 -	xwadīh	𐭀𐭀𐭎𐭎
agārihistan	𐭀𐭀𐭎𐭎𐭎𐭎𐭎	xwad-dōšagīh	𐭀𐭀𐭎𐭎𐭎𐭎𐭎
agārēn-	𐭀𐭀𐭎𐭎 -	xwad-dōšag	𐭀𐭀𐭎𐭎𐭎𐭎
agārēnīdan	𐭀𐭀𐭎𐭎𐭎𐭎	xwad	𐭀𐭀𐭎
akāmagōmand	𐭀𐭀𐭎𐭎𐭎𐭎𐭎	hutuxš	𐭀𐭀𐭎𐭎𐭎
āgāhēn-	𐭀𐭀𐭎𐭎𐭎 -	Ardwahišt	𐭀𐭀𐭎𐭎𐭎𐭎

hučašm	[28] 𐭎𐭀𐭆𐭀𐭎	xufs-	[27] 𐭀𐭀𐭎𐭎 -
hučašmīh	𐭎𐭀𐭆𐭀𐭎𐭎	ōbastan	𐭀𐭀𐭎𐭎𐭎𐭎
ōzadan	𐭀𐭀𐭎𐭎	ōbad-/ōft-	𐭀𐭀𐭎𐭎 -
1-3ōš, xwaš	𐭀𐭀𐭎	xuftan	𐭀𐭀𐭎𐭎
hōš-	𐭀𐭀𐭎 -	ōz	𐭀𐭀𐭎
ušahīn	𐭀𐭀𐭎𐭎𐭎	hanj-	𐭀𐭀𐭎 -
ōšōmand	𐭀𐭀𐭎𐭎𐭎𐭎	ōzōmand	𐭀𐭀𐭎𐭎𐭎
ōš(e)bām	𐭀𐭀𐭎𐭎𐭎	*huzārag	𐭀𐭀𐭎𐭎𐭎
ōšīh, xwašīh	𐭀𐭀𐭎𐭎	hanjām	𐭀𐭀𐭎𐭎
ōšyār	𐭀𐭀𐭎𐭎	hanjām-	𐭀𐭀𐭎𐭎 -
hōšēn-	𐭀𐭀𐭎𐭎 -	hanjāftan	𐭀𐭀𐭎𐭎𐭎
hōšēnīdan	𐭀𐭀𐭎𐭎𐭎𐭎	uzdehīgīh	𐭀𐭀𐭎𐭎𐭎𐭎
hōšīdan	𐭀𐭀𐭎𐭎𐭎	uzdehīg	𐭀𐭀𐭎𐭎𐭎
ušnūg	𐭀𐭀𐭎𐭎𐭎	hučīhr	𐭀𐭀𐭎𐭎
hušnūdīh	𐭀𐭀𐭎𐭎𐭎𐭎	uzdēs	𐭀𐭀𐭎𐭎
hušnūd	𐭀𐭀𐭎𐭎𐭎	uzdēsparist	𐭀𐭀𐭎𐭎𐭎𐭎𐭎
hušnūdagīh	𐭀𐭀𐭎𐭎𐭎𐭎	uzdēsparistišnīh	𐭀𐭀𐭎𐭎𐭎𐭎𐭎𐭎
hušnūdag	𐭀𐭀𐭎𐭎𐭎𐭎	uzēnāg	𐭀𐭀𐭎𐭎
mardōm ^l	𐭀𐭀𐭎𐭎	anjīr	𐭀𐭀𐭎
mardōmīh ^l	𐭀𐭀𐭎𐭎𐭎	awizīrišnīg	𐭀𐭀𐭎𐭎𐭎
hōšag, hušk	𐭀𐭀𐭎	hanjīdan, uzīdan	𐭀𐭀𐭎𐭎
huškōh	𐭀𐭀𐭎𐭎	hanjamanīg	𐭀𐭀𐭎𐭎
huškōhīh	𐭀𐭀𐭎𐭎𐭎	hanjaman	𐭀𐭀𐭎
hušk-kūn ^l	𐭀𐭀𐭎𐭎𐭎	hanjaftan	𐭀𐭀𐭎𐭎
ōšmār-	𐭀𐭀𐭎𐭎 -	awazišnīg	𐭀𐭀𐭎𐭎

almāst	[34] 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	alum, Hrōm	[33] 𐭠𐭣𐭥
armēštīh	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	hrōmāyīg	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
armēštīgāh	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	harwispīn	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
armēšt	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	harwisp	𐭠𐭣𐭥𐭥
xufs- ¹	- 𐭠𐭣𐭥	harwisp	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
xuftan ¹	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	xrōstan	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
hammōz- ¹	- 𐭠𐭣𐭥𐭥	harrōbišnīh	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
hammōxtan ¹	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	harrōbišn	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
xrafstar	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	āranj	𐭠𐭣𐭥
arz	𐭠𐭣𐭥	ālūdan	𐭠𐭣𐭥𐭥
arz-, hirz-	- 𐭠𐭣𐭥	ālūdagīh	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
arzānīgīh	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	ālūdag	𐭠𐭣𐭥𐭥
arzānīg	𐭠𐭣𐭥𐭥	Arzah	𐭠𐭣𐭥𐭥
arzān	𐭠𐭣𐭥	Arzūr	𐭠𐭣𐭥𐭥
arzōmand	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	xrōs ¹	𐭠𐭣𐭥𐭥
arzōmandīh	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	halagīh	𐭠𐭣𐭥𐭥
arzīz	𐭠𐭣𐭥𐭥	Aleksandar	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
arzīzēn	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	ālag, halag.	𐭠𐭣𐭥𐭥
arzīdan	𐭠𐭣𐭥𐭥	baxš- ¹	- 𐭠𐭣𐭥𐭥
arzan	𐭠𐭣𐭥	baxšišn ¹	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
ārzōg	𐭠𐭣𐭥	baxtan ¹	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
harzag	𐭠𐭣𐭥	mēš ¹	𐭠𐭣𐭥
arzišn	𐭠𐭣𐭥	šōy- ¹	- 𐭠𐭣𐭥
ārešn	𐭠𐭣𐭥	šustan ¹	𐭠𐭣𐭥𐭥
ardā	𐭠𐭣𐭥	almās	𐭠𐭣𐭥𐭥

halām	[32] 𐭠𐭣𐭥𐭥	āgāhēnīdan	[31] 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
ārāstan	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	agdēnīh	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
čahār ¹	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	agdēn	𐭠𐭣𐭥𐭥
Harborz	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	āgenēn	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
xarbuz	𐭠𐭣𐭥𐭥	-āg	- 𐭠𐭣𐭥
harg	𐭠𐭣𐭥	ak	𐭠𐭣𐭥
sik ¹ , šir ¹	𐭠𐭣𐭥	āgan-	- 𐭠𐭣𐭥
ars, xirs	𐭠𐭣𐭥	akanāragīh	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
aryand	𐭠𐭣𐭥	akanārag	𐭠𐭣𐭥𐭥
argawān	𐭠𐭣𐭥𐭥	āgandan	𐭠𐭣𐭥𐭥
arduš, xargōš	𐭠𐭣𐭥𐭥	āgenēn	𐭠𐭣𐭥𐭥
dagr ¹ , [error for dūr 𐭠𐭣𐭥𐭥]	𐭠𐭣𐭥𐭥	Akōman	𐭠𐭣𐭥𐭥
halilāg	𐭠𐭣𐭥𐭥	āgustan	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
areškēn	𐭠𐭣𐭥𐭥	aganj	𐭠𐭣𐭥
arešk	𐭠𐭣𐭥𐭥	āgōš	𐭠𐭣𐭥𐭥
āluh	𐭠𐭣𐭥	akard	𐭠𐭣𐭥𐭥
xrōhak	𐭠𐭣𐭥𐭥	ayrē	𐭠𐭣𐭥𐭥
arawāg	𐭠𐭣𐭥𐭥	ayrē	𐭠𐭣𐭥𐭥
arus, xrōs	𐭠𐭣𐭥	hagrīz	𐭠𐭣𐭥
arwēs	𐭠𐭣𐭥	mā	𐭠𐭣𐭥
harwīn	𐭠𐭣𐭥	har, xar	𐭠𐭣𐭥
ārōyišnīg	𐭠𐭣𐭥𐭥	alā	𐭠𐭣𐭥
ārōyišn	𐭠𐭣𐭥𐭥	ālāy-, ārāy-	- 𐭠𐭣𐭥
arwand	𐭠𐭣𐭥	ārāyišn	𐭠𐭣𐭥𐭥
arwandīh	𐭠𐭣𐭥	alālag	𐭠𐭣𐭥𐭥

hamēst	[38]	ambarag	[37]
hamēstagān	۱۳۵۵۵	hambast	۱۳۵۵۵
āmiz	۵۵۵	¹ hambastan	۱۳۵۵۵
āmēz-	- ۵۵۵	¹ hambastag	۱۳۵۵۵
āmēzišn	۱۳۵۵۵	hambašn	۱۳۵۵۵
hamčēšagīh	۱۳۵۵۵	hambadīg	۱۳۵۵۵
hamčēšagsōz	۱۳۵۵۵	hamīh	۵۵۵
hamčēšag	۱۳۵۵۵	hambaw- ¹	- ۱۳۵۵۵
mādar ¹	۱۳۵۵۵	hambawišnīh ¹	۱۳۵۵۵
xar ¹	۵۵۵	hambawišn ¹	۱۳۵۵۵
hamwār	۵۵۵	hambūdan ¹	۱۳۵۵۵
hamwārag	۱۳۵۵۵	āmēxtan	۱۳۵۵۵
hammōxtār	۱۳۵۵۵	hamdādestān	۱۳۵۵۵
hammōxtārīh	۱۳۵۵۵	hamdādestān ¹	۵۵۵
hammōxtan	۱۳۵۵۵	hamēn-	- ۵۵۵
hamōg	۵۵۵	hamgōhr	۵۵۵
hamzamān ¹	۵۵۵	amenīdār	۵۵۵
Amurdād	۱۳۵(۱)۵۵۵	hamēnīdan	۱۳۵۵۵
hammōz-	- ۵۵۵	hamgōnag	۱۳۵۵۵
hamwar	۵۵۵	hamdam	۵۵۵
āmurz-	- ۵۵۵	hamēmāl	۵۵۵
āmurzīdan	۱۳۵۵۵	hamēmālīh	۵۵۵
āmurzišn	۱۳۵۵۵	hammistān	۱۳۵۵۵
hamnībardīk	۵۵۵	hamēstār	۵۵۵
hammōz-	- ۵۵۵	hamēstārīh	۵۵۵

hamāg	[36]	ardāyīh	[35]
āmār, hamahl, hamāl	۵۵۵	xradōmand	۵۵۵
āmār-	- ۵۵۵	ardīkkar	۵۵۵
āmārgar	۵۵۵	ardīg, xradīg	۵۵۵
hamharz	۵۵۵	ardīkkar	۵۵۵
āmārišn	۵۵۵	ardīkkārīh	۵۵۵
hamābēr	۵۵۵	artēštār	۵۵۵
hambāy	۵۵۵	artēštārīh	۵۵۵
hambān	۵۵۵	Ard, xrad	۵۵۵
hambār	۵۵۵	ā-m (v. ā), ham, im, mād ¹	۵۵۵
hambār-	- ۵۵۵	hamahl	۵۵۵
hambārīdan	۵۵۵	hamē	۵۵۵
hambāstag	۵۵۵	hamēthā	۵۵۵
hambāz	۵۵۵	hamēīg	۵۵۵
hambedīg	۵۵۵	hamēwahār	۵۵۵
hamband	۵۵۵	hamē-ud-hamē- -rawišnīh	۵۵۵
hamband-	- ۵۵۵	hamēwēnag	۵۵۵
hambandīh	۵۵۵	hamē-rawišnīh	۵۵۵
hambandišnīh	۵۵۵	hamēdōn	۵۵۵
hambun	۵۵۵	homānāg	۵۵۵
amburdan	۵۵۵	amāwand	۵۵۵
hambawišnīh	۵۵۵	amāwandīh	۵۵۵
hambūdan	۵۵۵	amahraspand	۵۵۵
ambag	۵۵۵	hanāgdēn	۵۵۵
ambar	۵۵۵		

wēnišn ¹ (dīdan)	سوزو ۱۳۵۱۱۱	asp	سوزو [41]
dīdan ¹	سوزو ۱۱۳۱۱۲	asazāg	سوزو سوزو
astōdān	سوزو ۱۳۵۱۱۲	aswār	سوزو سوزو
āstawānīh	سوزو ۱۳۵۱۱۲	asazišnīh	سوزو ۱۳۵۱۱۲
āstawān	سوزو ۱۳۵۱۱۲	asazišnīg	سوزو ۱۳۵۱۱۲
astag	سوزو ۱۳۵۱۱۲	āyīstag 'mixed'	سوزو ۱۳۵۱۱۲
estišn	سوزو ۱۳۵۱۱۲	[del. adištāg]	سوزو ۱۳۵۱۱۲
āb, 1- ² az, āz	سوزو	est-	سوزو -
u- ¹	سوزو -	astuxān	سوزو ۱۳۵۱۱۲
1- ² abāxtar	سوزو ۱۳۵۱۱۲	astuxān	سوزو ۱۳۵۱۱۲
abāyist	سوزو ۱۳۵۱۱۲	astānagōmand	سوزو ۱۳۵۱۱۲
abāyīstan	سوزو ۱۳۵۱۱۲	astānag	سوزو ۱۳۵۱۱۲
abāyīšnīg	سوزو ۱۳۵۱۱۲	astōmand	سوزو ۱۳۵۱۱۲
abāyīšn	سوزو ۱۳۵۱۱۲	astōmandīh	سوزو ۱۳۵۱۱۲
abāyēd	سوزو ۱۳۵۱۱۲	āstār	سوزو سوزو
abārīg	سوزو ۱۳۵۱۱۲	āstārēn-	سوزو سوزو -
Ābān	سوزو ۱۳۵۱۱۲	āstārēnīdan	سوزو ۱۳۵۱۱۲
abāgīh	سوزو ۱۳۵۱۱۲	estādan	سوزو ۱۳۵۱۱۲
abāgēn-	سوزو ۱۳۵۱۱۲ -	² ast	سوزو ۱۳۵۱۱۲
abāgēnīdan	سوزو ۱۳۵۱۱۲	Astwihād	سوزو ۱۳۵۱۱۲
ačār, appār, āzār, hazār	سوزو سوزو	āstawānīh	سوزو ۱۳۵۱۱۲
āzār-	سوزو سوزو -	āstawān	سوزو ۱۳۵۱۱۲
appārīh	سوزو سوزو	astōdān	سوزو ۱۳۵۱۱۲
abārōnīh	سوزو سوزو	xastan	سوزو ۱۳۵۱۱۲
abārōn	سوزو سوزو	wēn- ¹ (v. dīdan)	سوزو ۱۳۵۱۱۲ -
		astwand	سوزو ۱۳۵۱۱۲

āsānīh	سوزو ۱۳۵۱۱۲ [40]	hammōzgār	سوزو ۱۳۵۱۱۲ [39]
āsān	سوزو ۱۳۵۱۱۲	hammōzišn	سوزو ۱۳۵۱۱۲
asāg	سوزو ۱۳۵۱۱۲	amwaštan	سوزو ۱۳۵۱۱۲
āhanēn	سوزو ۱۳۵۱۱۲	hamkār	سوزو سوزو
āhan	سوزو ۱۳۵۱۱۲	hamkārīh	سوزو سوزو
āhangar	سوزو ۱۳۵۱۱۲	amar	سوزو سوزو
asēm	سوزو ۱۳۵۱۱۲	hamrānīh	سوزو ۱۳۵۱۱۲
asēmēn	سوزو ۱۳۵۱۱۲	amarg	سوزو سوزو
asēj	سوزو ۱۳۵۱۱۲	amargīh	سوزو سوزو
asar	سوزو ۱۳۵۱۱۲	amaragānīhā	سوزو ۱۳۵۱۱۲
dah ¹	سوزو ۱۳۵۱۱۲	amaragānīg	سوزو ۱۳۵۱۱۲
band- ¹	سوزو ۱۳۵۱۱۲ -	amaragān	سوزو ۱۳۵۱۱۲
āsrōn	سوزو ۱۳۵۱۱۲	amarag	سوزو ۱۳۵۱۱۲
bastan ¹	سوزو ۱۳۵۱۱۲	hamsāyag	سوزو ۱۳۵۱۱۲
āsrōīh	سوزو ۱۳۵۱۱۲	hamsāmān	سوزو ۱۳۵۱۱۲
āsrō	سوزو ۱۳۵۱۱۲	hamsardag	سوزو ۱۳۵۱۱۲
āsrōkerpa	سوزو (و) و سوزو	hamdēsag	سوزو ۱۳۵۱۱۲
asp	سوزو ۱۳۵۱۱۲	hampursagīh	سوزو ۱۳۵۱۱۲
aspās	سوزو ۱۳۵۱۱۲	hampursag	سوزو ۱۳۵۱۱۲
aspānūr	سوزو ۱۳۵۱۱۲	ka ¹	سوزو ۱۳۵۱۱۲
ēbārag	سوزو ۱۳۵۱۱۲	hamtāg	سوزو ۱۳۵۱۱۲
haspīn	سوزو ۱۳۵۱۱۲	hamtōhmag	سوزو ۱۳۵۱۱۲
aspinj	سوزو ۱۳۵۱۱۲	hamtan	سوزو ۱۳۵۱۱۲
asprēs	سوزو ۱۳۵۱۱۲	āsāy-	سوزو ۱۳۵۱۱۲ -
aspast	سوزو ۱۳۵۱۱۲	āsāyīšn	سوزو ۱۳۵۱۱۲

apēdagdār	[46] 𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	abēwizend	[45] 𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
apēdag	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	abdom	𐭠𐭥𐭥𐭥
apōhišn	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	abdomih	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
aband	𐭠𐭥𐭥	abyōz-	𐭠𐭥𐭥𐭥
abandih	𐭠𐭥𐭥𐭥	abēzār	𐭠𐭥𐭥𐭥
abus, ābus	𐭠𐭥𐭥𐭥	ābīg	𐭠𐭥𐭥
abusih, ābusih	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	abēr, azēr	𐭠𐭥𐭥
āfrīn	𐭠𐭥𐭥𐭥	abērāh	𐭠𐭥𐭥𐭥
āfrīnagān	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	awērān	𐭠𐭥𐭥𐭥
abnūs	𐭠𐭥𐭥𐭥	drūn- ¹	𐭠𐭥𐭥𐭥
apursišnīg	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	drūdan ²	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
āzwar	𐭠𐭥𐭥	abēmizag	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
āfur-	𐭠𐭥𐭥	abdsahist	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
āzwarīh	𐭠𐭥𐭥𐭥	abēsar	𐭠𐭥𐭥𐭥
āfurīdan	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	abestāg	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
aburnāyag	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	abdast	𐭠𐭥𐭥𐭥
aburnāy	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	ābestan	𐭠𐭥𐭥𐭥
aburnāyih	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	abēzār	𐭠𐭥𐭥𐭥
aburnāyag	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	abēčim	𐭠𐭥𐭥𐭥
āfurišn	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	abēzagih	𐭠𐭥𐭥𐭥
āzurdan	𐭠𐭥𐭥𐭥	abēzag	𐭠𐭥𐭥𐭥
ābustan	𐭠𐭥𐭥𐭥	apetyārag	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
abzāy-	𐭠𐭥𐭥𐭥	abēdān	𐭠𐭥𐭥𐭥
abzāyish	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	abaydāgih	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
¹⁻² abzār	𐭠𐭥𐭥𐭥	abaydāg	𐭠𐭥𐭥𐭥

ābdān	[44] 𐭠𐭥𐭥𐭥	ačārag, hazārag	[43] 𐭠𐭥𐭥𐭥
abē-	𐭠𐭥𐭥	āzarišn	𐭠𐭥𐭥𐭥
abēsūdih	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	āzārdan	𐭠𐭥𐭥𐭥
abēsūd	𐭠𐭥𐭥𐭥	abām	𐭠𐭥𐭥
abēbīm	𐭠𐭥𐭥𐭥	abēmizag	𐭠𐭥𐭥𐭥
abēbīmih	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	abēmust	𐭠𐭥𐭥𐭥
abēbēš	𐭠𐭥𐭥𐭥	abāz, āwāz	𐭠𐭥𐭥
abēböy	𐭠𐭥𐭥𐭥	abaxš	𐭠𐭥𐭥
abēböyih	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	abaxšāy-	𐭠𐭥𐭥𐭥
abēbar	𐭠𐭥𐭥	abaxšāyishnīg	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
abdih	𐭠𐭥𐭥	abaxšāyish	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
Azdahāg	𐭠𐭥𐭥𐭥	abaxšāwand	𐭠𐭥𐭥𐭥
abēbūdih	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	abaxšāyīdan	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
abēbūd	𐭠𐭥𐭥𐭥	abaxših	𐭠𐭥𐭥𐭥
afsōs	𐭠𐭥𐭥𐭥	abādyāwand	𐭠𐭥𐭥𐭥
afsōn	𐭠𐭥𐭥	abādyāwandih	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
ābgēnagēn	𐭠𐭥𐭥𐭥	ābādānih	𐭠𐭥𐭥𐭥
ābgēnag	𐭠𐭥𐭥𐭥	ābādān	𐭠𐭥𐭥𐭥
abēgumānih	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	abādixšāy	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
abēgumān	𐭠𐭥𐭥𐭥	abādixšāyih	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
afsōsgar	𐭠𐭥𐭥𐭥	ābādih, āzādih	𐭠𐭥𐭥𐭥
afsūdan	𐭠𐭥𐭥𐭥	ābād, āzād	𐭠𐭥𐭥
abēniyāz	𐭠𐭥𐭥𐭥	abd, abē-	𐭠𐭥𐭥
abyōxtan	𐭠𐭥𐭥𐭥	abēōš	𐭠𐭥𐭥𐭥
abēwināh	𐭠𐭥𐭥𐭥	abēōših	𐭠𐭥𐭥𐭥

afsēnistān	[50] 𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬎𐬀	afrasāwand	[49] 𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬎𐬀
afsēnišn	𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬎𐬀	apparišn	𐬀𐬎𐬎𐬀
afsar-	- 𐬀𐬎𐬎𐬀	abartanih	𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬎𐬀
afsardan	𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬎𐬀	abartan, āzardan	𐬀𐬎𐬎𐬀
abespār-	- 𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬎𐬀	abardom	𐬀𐬎𐬎𐬀
abespārdan	𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬎𐬀	abardomih	𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬎𐬀
abespurdan	𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬎𐬀	abardar	𐬀𐬎𐬎𐬀
abestān	𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬎𐬀	u-m ¹ (v. u-)	- 𐬀𐬎𐬎𐬀
abestāg	𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬎𐬀	abesiḥ-	- 𐬀𐬎𐬎𐬀
abestām	𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬎𐬀	afsāy-	- 𐬀𐬎𐬎𐬀
paz- ¹	- 𐬀𐬎𐬎𐬀	abesiḥēn-	- 𐬀𐬎𐬎𐬀
poxtan ¹	𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬎𐬀	abesiḥēnīdan	𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬎𐬀
azabar	𐬀𐬎𐬎𐬀	abesiḥēnišnīh	𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬎𐬀
¹ abzār	𐬀𐬎𐬎𐬀	abesiḥēnišn	𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬎𐬀
ābcīhrag	𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬎𐬀	abesiḥīdan	𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬎𐬀
aziš, u-š ¹ (v. u-)	𐬀𐬎𐬎𐬀	afsān	𐬀𐬎𐬎𐬀
afšān-	- 𐬀𐬎𐬎𐬀	afsār-	- 𐬀𐬎𐬎𐬀
afšāndan	𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬎𐬀	afsālān	𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬎𐬀
afšār-	- 𐬀𐬎𐬎𐬀	afsārišn	𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬎𐬀
afšārdan	𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬎𐬀	afšārdan	𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬎𐬀
afšurdan	𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬎𐬀	abesiḥišnīh	𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬎𐬀
aziškeh	𐬀𐬎𐬎𐬀	abesiḥišn	𐬀𐬎𐬎𐬀
azišmeh	𐬀𐬎𐬎𐬀	abesiḥ-	- 𐬀𐬎𐬎𐬀
u-t ¹ (v. u-)	𐬀𐬎𐬎𐬀	abesiḥīdan	𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬎𐬀
apetyārag	𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬎𐬀	afsēn-	- 𐬀𐬎𐬎𐬀

abrēšomēn	[48] 𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬎𐬀	abzārōmand	[47] 𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬎𐬀
abrēšom	𐬀𐬎𐬎𐬀	ābzan	𐬀𐬎𐬎𐬀
āfrīdan	𐬀𐬎𐬎𐬀	abzōniḡih	𐬀𐬎𐬎𐬀
aburnāy	𐬀𐬎𐬎𐬀	abzōniḡ	𐬀𐬎𐬎𐬀
aburnāyih	𐬀𐬎𐬎𐬀	abzōn	𐬀𐬎𐬎𐬀
abrōxtan	𐬀𐬎𐬎𐬀	abzūdan	𐬀𐬎𐬎𐬀
abrang	𐬀𐬎𐬎𐬀	abgār-	- 𐬀𐬎𐬎𐬀
abarwēz	𐬀𐬎𐬎𐬀	āzkāmagih	𐬀𐬎𐬎𐬀
abarwēziḥ	𐬀𐬎𐬎𐬀	ābkātnag, āzkāmag	𐬀𐬎𐬎𐬀
kan- ¹	- 𐬀𐬎𐬎𐬀	abgan-	- 𐬀𐬎𐬎𐬀
kandan ¹	𐬀𐬎𐬎𐬀	¹⁻² abar, abr, appar	𐬀𐬎𐬎𐬀
abrōz-	- 𐬀𐬎𐬎𐬀	appar-	- 𐬀𐬎𐬎𐬀
abrōzišnīh	𐬀𐬎𐬎𐬀	xāk ¹	𐬀𐬎𐬎𐬀
abrōzišn	𐬀𐬎𐬎𐬀	āfrāh	𐬀𐬎𐬎𐬀
afrōšag	𐬀𐬎𐬎𐬀	abarōz	𐬀𐬎𐬎𐬀
abaragān	𐬀𐬎𐬎𐬀	abarōziḥ	𐬀𐬎𐬎𐬀
abaragānag	𐬀𐬎𐬎𐬀	abrāstan	𐬀𐬎𐬎𐬀
ābilag	𐬀𐬎𐬎𐬀	abrāz	𐬀𐬎𐬎𐬀
¹⁻² āzarm	𐬀𐬎𐬎𐬀	abrāz-	- 𐬀𐬎𐬎𐬀
abarmānd	𐬀𐬎𐬎𐬀	abarag, apparag	𐬀𐬎𐬎𐬀
abarmāniḡ	𐬀𐬎𐬎𐬀	āfrīn-	- 𐬀𐬎𐬎𐬀
abarmān	𐬀𐬎𐬎𐬀	abarigān	𐬀𐬎𐬎𐬀
abarmenišn	𐬀𐬎𐬎𐬀	abariḡ	𐬀𐬎𐬎𐬀
āzarmigih	𐬀𐬎𐬎𐬀	abargar	𐬀𐬎𐬎𐬀
āzarmig	𐬀𐬎𐬎𐬀	abrēšom	𐬀𐬎𐬎𐬀

baxtan	[54] 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	ātaxš	[53] 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
bāy	𐭠𐭣𐭥𐭥	tigr ^t	𐭠𐭣𐭥𐭥
bayōbaxt	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	adēn	𐭠𐭣𐭥𐭥
bāmbišn	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	āwāš- ^t	- 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
griy- ^t	- 𐭠𐭣𐭥𐭥	āwištan ^t	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
bānūg	𐭠𐭣𐭥𐭥	ādišt	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
griyistan ^t	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	-ādan	𐭠𐭣𐭥𐭥-
¹⁻⁴ bār	𐭠𐭣𐭥𐭥	ādurgāh	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
bālāy	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	ādurestar	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
bārjāmag	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	ādurestarēn	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
bālengāh	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	ādur	𐭠𐭣𐭥𐭥
¹⁻² bālēn	𐭠𐭣𐭥𐭥	ādūg	𐭠𐭣𐭥𐭥
bārīg/k	𐭠𐭣𐭥𐭥	ādarōg	𐭠𐭣𐭥𐭥
bālistih	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	ēw ⁸	𐭠
bālistīg	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	b-	𐭠
bālist	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	wihān	𐭠𐭣𐭥𐭥
bālag, bārag	𐭠𐭣𐭥𐭥	wihānag	𐭠𐭣𐭥𐭥
bārestānih	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	bahr, wahār	𐭠𐭣𐭥𐭥
bārestān	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	bahrōmand	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
bāliš	𐭠𐭣𐭥𐭥	bahrōmandih	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
bām	𐭠𐭣𐭥𐭥	bahrwar	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
bāmdād	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	bahrwarih	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
bāmīg	𐭠𐭣𐭥𐭥	bahrag	𐭠𐭣𐭥𐭥
bāstān	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	baxt	𐭠𐭣𐭥𐭥
bāj, bāz	𐭠𐭣𐭥𐭥		

ašō	[52] 𐭠𐭣𐭥𐭥	haftān	[51] 𐭠𐭣𐭥𐭥
āšōb	𐭠𐭣𐭥𐭥	haftār	𐭠𐭣𐭥𐭥
āšinj-	- 𐭠𐭣𐭥𐭥	haftdah	𐭠𐭣𐭥𐭥
wind- ^t	- 𐭠𐭣𐭥𐭥	apetītīgih	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
windišn ^t	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	apetītīg	𐭠𐭣𐭥𐭥
windādān ^t	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	haft	𐭠𐭣𐭥𐭥
āškārāg	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	apattūg	𐭠𐭣𐭥𐭥
āškāragih	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	Haftōring	𐭠𐭣𐭥𐭥(𐭠𐭣𐭥)
āškāragēn-	- 𐭠𐭣𐭥𐭥	haftag	𐭠𐭣𐭥𐭥
āškāragēnīdan	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	apaymānih	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
āškārag	𐭠𐭣𐭥𐭥	apāymān	𐭠𐭣𐭥𐭥
aškom	𐭠𐭣𐭥𐭥	ābtazan	𐭠𐭣𐭥𐭥
aškomb	𐭠𐭣𐭥𐭥	aš, ā-š (v. ā)	𐭠𐭣𐭥𐭥
aškōb	𐭠𐭣𐭥𐭥	āšyān	𐭠𐭣𐭥𐭥
aškamb	𐭠𐭣𐭥𐭥	āšyānag	𐭠𐭣𐭥𐭥
aškambag	𐭠𐭣𐭥𐭥	hašāgird	𐭠𐭣𐭥𐭥
xešm	𐭠𐭣𐭥𐭥	ajgahānih	𐭠𐭣𐭥𐭥
Aštād	𐭠𐭣𐭥𐭥	ajgahān	𐭠𐭣𐭥𐭥
āštih, haštah	𐭠𐭣𐭥𐭥	āšixtan	𐭠𐭣𐭥𐭥
hašt, xišt	𐭠𐭣𐭥𐭥	xašēn	𐭠𐭣𐭥𐭥
aštāg	𐭠𐭣𐭥𐭥	āšnāg	𐭠𐭣𐭥𐭥
aštar	𐭠𐭣𐭥𐭥	Ašwahišt	𐭠𐭣𐭥𐭥
agar ^t , ā-t (v. ā)	𐭠𐭣𐭥𐭥	ašnawāgih	𐭠𐭣𐭥𐭥
ādānih	𐭠𐭣𐭥𐭥	ašnawāg	𐭠𐭣𐭥𐭥
ādān	𐭠𐭣𐭥𐭥	ašnūdan	𐭠𐭣𐭥𐭥

bowandag	[58] 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	bidaxš	[57] 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
bowandag-menišnīh	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	bid	𐭠𐭣𐭥
1-2bun	𐭠𐭣𐭥	bēdom	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
bunag	𐭠𐭣𐭥	1-2be ^t	𐭠𐭣𐭥
bunkadag	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	bōxtār	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
buništ	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	bōxtārīh	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
buništāg	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	bōxtan	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
būg	𐭠𐭣𐭥	bōxtagīh	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
bōr	𐭠𐭣𐭥	bōxtag	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
bur-	𐭠𐭣𐭥	band, bang, 1-2bōy	𐭠𐭣𐭥
burāg	𐭠𐭣𐭥𐭥	band-, bōy-	𐭠𐭣𐭥
burām-	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	2xwāh- ^t	𐭠𐭣𐭥𐭥
burg	𐭠𐭣𐭥𐭥	xvāstan ^t	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
burīdan	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	bōyāg	𐭠𐭣𐭥𐭥
buland	𐭠𐭣𐭥𐭥	bōydār	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
borz, Burz	𐭠𐭣𐭥𐭥	bōyēn-	𐭠𐭣𐭥
burz-	𐭠𐭣𐭥	bōyēnīdan	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
Burzēnmīhr	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	bandag	𐭠𐭣𐭥
burzīdan	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	bōyestān	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
borzwāng	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	bōyestānbān	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
borzwāngīhā	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	bunxān	𐭠𐭣𐭥𐭥
burzišnīg	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	bunīh	𐭠𐭣𐭥
burzišn.	𐭠𐭣𐭥𐭥	bundahišnīh	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
burīšn	𐭠𐭣𐭥𐭥	bundahišn	𐭠𐭣𐭥𐭥
burdār	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	bowandagīh	𐭠𐭣𐭥𐭥

bīmōmand	[56] 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	bāzā	[55] 𐭠𐭣𐭥𐭥
bīmgēnīh	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	bāzāzanišnīh	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
bīmgēn	𐭠𐭣𐭥𐭥	bāzābānag	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
bēš, bīš	𐭠𐭣𐭥	baxš-	𐭠𐭣𐭥
bēš-	𐭠𐭣𐭥	baxt	𐭠𐭣𐭥
bēšōmand	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	baxtan	𐭠𐭣𐭥
bēšāz	𐭠𐭣𐭥𐭥	bādāg	𐭠𐭣𐭥𐭥
bēšāz-	𐭠𐭣𐭥𐭥	pas ^t	𐭠𐭣𐭥
bēšāzēn-	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	dar ^t	𐭠𐭣𐭥
bēšāzēnišnīh	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	darhandarzbed ^t	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
bēšāzišnīh	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	darband ^t	𐭠𐭣𐭥𐭥
bēšāz-	𐭠𐭣𐭥𐭥	bay	𐭠𐭣𐭥
bēšāzēn-	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	bēh	𐭠𐭣𐭥
bēšāzēnišnīh	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	bayaspānīh	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
bēšāzišnīh	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	bayaspānīg	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
bēšburdār	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	bayaspān	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
bēšīdan	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	māh ^t	𐭠𐭣𐭥
bēšaz	𐭠𐭣𐭥𐭥	māhīgān ^t	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
bēšaz-	𐭠𐭣𐭥𐭥	bēwar	𐭠𐭣𐭥
bēšazēn-	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	bēgānag	𐭠𐭣𐭥𐭥
bēšazēnišnīh	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	bēgār	𐭠𐭣𐭥𐭥
bēšazišnīh	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	bēl	𐭠𐭣𐭥
bēšišn	𐭠𐭣𐭥𐭥	bērōn	𐭠𐭣𐭥𐭥
bištan	𐭠𐭣𐭥𐭥	bēlūr	𐭠𐭣𐭥𐭥
xānag ^t	𐭠𐭣𐭥	bīm	𐭠𐭣𐭥

bizešk	[62]	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	brīn-	[61]	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
bašn		𐭠𐭣𐭥𐭥	brīnōmand		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
baškuč		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	brīn		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
			brīngar		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
ī ^t		𐭠	brēz-		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
v. also		𐭠𐭣	brēzan		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
-ih		𐭠𐭣-	brištān		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
-ih-		𐭠𐭣-	brīdan		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
dah-, Jah-		𐭠𐭣-	brūg		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
-ihā		𐭠𐭣𐭥-	1-2brinj		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
jay		𐭠𐭣𐭥	brinjēn		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
yazdān		𐭠𐭣𐭥𐭥	barišn		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
gāhūg		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	baršnūm		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
dahom		𐭠𐭣𐭥𐭥	xwaš ^t		𐭠𐭣𐭥
dehgān		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	xwaših ^t		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
Dahāg		𐭠𐭣𐭥𐭥	gōšt ^t		𐭠𐭣𐭥𐭥
gahl		𐭠𐭣𐭥	bastan		𐭠𐭣𐭥𐭥
dahlīz		𐭠𐭣𐭥𐭥	bistag		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
dahm		𐭠𐭣𐭥	habr		𐭠𐭣𐭥
sēzdah ^x		𐭠𐭣𐭥	babrag		𐭠𐭣𐭥𐭥
zarr ^t		𐭠𐭣𐭥	hijagān		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
zarrēn ^t		𐭠𐭣𐭥𐭥	bazagih		𐭠𐭣𐭥𐭥
xand- ^t		𐭠𐭣𐭥-	bazag, waččag		𐭠𐭣𐭥
xandīdan ^t		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	bazakkar		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
dah- ^t		𐭠𐭣𐭥-	bazišn		𐭠𐭣𐭥𐭥

bar-	[60]	𐭠𐭣	burdārīh	[59]	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
brāh, brēh		𐭠𐭣𐭥	burdih		𐭠𐭣𐭥𐭥
brahnag		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	burd		𐭠𐭣𐭥
brahm		𐭠𐭣𐭥	burdešnōhr		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
brahmag		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	burdan		𐭠𐭣𐭥𐭥
brahnag		𐭠𐭣𐭥𐭥	būm		𐭠𐭣
barōmand		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	pus ^t		𐭠𐭣
brām-		𐭠𐭣𐭥	pusar ^t		𐭠𐭣𐭥
brahmag, brāmag		𐭠𐭣𐭥	būmčandag		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
brāz-		𐭠𐭣𐭥	bōyīdan		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
brāzīdan		𐭠𐭣𐭥𐭥	bōb, būf		𐭠𐭣
brāzišnīg		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	xwad ^t		𐭠𐭣𐭥𐭥
brāzišn		𐭠𐭣𐭥𐭥	buz		𐭠𐭣
brād		𐭠𐭣𐭥	bōz-		𐭠𐭣-
balādur		𐭠𐭣𐭥𐭥	bōzišn		𐭠𐭣𐭥𐭥
brādar		𐭠𐭣𐭥𐭥	buš		𐭠𐭣
brādarōdīh		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	būšāsp		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
brādarōd		𐭠𐭣𐭥𐭥	but		𐭠𐭣
barbut		𐭠𐭣𐭥	būdan		𐭠𐭣𐭥
brēh		𐭠𐭣𐭥	duxt ^t		𐭠𐭣𐭥
brēhēn-		𐭠𐭣𐭥𐭥	bazm		𐭠𐭣
brēhēnāg		𐭠𐭣𐭥𐭥	bazmāwurd		𐭠𐭣𐭥𐭥
brēhēnīdan		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	bay		𐭠𐭣
brēhēnišn		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	bayōbaxt		𐭠𐭣𐭥𐭥
barsom		𐭠𐭣𐭥	bar		𐭠𐭣

dāstan	[66] 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	dārwāzīg	[65] 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
dādār, gādār	𐭠𐭣𐭥𐭥	dārūg	𐭠𐭣𐭥𐭥
dādārīh	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	dārgardih	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
dādgarh	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	dālman	𐭠𐭣𐭥𐭥
dādīg	𐭠𐭣𐭥𐭥	dārmag	𐭠𐭣𐭥𐭥
1-3dād, jād, yāt, yazad	𐭠𐭣𐭥𐭥	dārišn	𐭠𐭣𐭥𐭥
dādwar	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	1-3dām, gām, 1-2jām	𐭠𐭣𐭥𐭥
dādwarīh	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	dāmādīh	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
dādan, gādan	𐭠𐭣𐭥𐭥	dāmād	𐭠𐭣𐭥𐭥
āy- ^I	-𐭠𐭣𐭥𐭥	daxmag, 1-2 jāmag	𐭠𐭣𐭥𐭥
āmadan ^I	𐭠𐭣𐭥𐭥	daxmagestān	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
jādūgīh	𐭠𐭣𐭥𐭥	ras- ^I	-𐭠𐭣𐭥𐭥
jādūg	𐭠𐭣𐭥𐭥	rašišn ^I	𐭠𐭣𐭥𐭥
jādag-gōwīh	𐭠𐭣𐭥𐭥	rasīdan ^I	𐭠𐭣𐭥𐭥
jādag-gōw	𐭠𐭣𐭥𐭥	gāhānbār	𐭠𐭣𐭥𐭥
jādag	𐭠𐭣𐭥𐭥	gāhānīg	𐭠𐭣𐭥𐭥
dādmeh	𐭠𐭣𐭥𐭥	gāhān	𐭠𐭣𐭥𐭥
dādestān	𐭠𐭣𐭥𐭥	-īhistan	𐭠𐭣𐭥𐭥
dō	𐭠𐭣𐭥𐭥	yāzdah	𐭠𐭣𐭥𐭥
a-	𐭠𐭣𐭥𐭥	gāwdumb	𐭠𐭣𐭥𐭥
giyāh	𐭠𐭣𐭥𐭥	gāzar	𐭠𐭣𐭥𐭥
giyāhīzag	𐭠𐭣𐭥𐭥	dahišn, dāšn	𐭠𐭣𐭥𐭥
dō-axwānīg*	𐭠𐭣𐭥𐭥	daxšagōmand	𐭠𐭣𐭥𐭥
mard ^I	𐭠𐭣𐭥𐭥	daxšag	𐭠𐭣𐭥𐭥
dō-pāy ^{NI}	𐭠𐭣𐭥𐭥	dāštār	𐭠𐭣𐭥𐭥

jāwēdān, yāwēdān	[64] 𐭠𐭣𐭥𐭥	dādan ^I	[63] 𐭠𐭣𐭥𐭥
jāwēdānag	𐭠𐭣𐭥𐭥	dās, 1-3gāh	𐭠𐭣𐭥𐭥
jāwēd, yāwēd	𐭠𐭣𐭥𐭥	gāhwārag	𐭠𐭣𐭥𐭥
-dān	𐭠𐭣𐭥𐭥	dār- ^I	-𐭠𐭣𐭥𐭥
dān, gyān	𐭠𐭣𐭥𐭥	dārišn ^I	𐭠𐭣𐭥𐭥
baw- ^I	-𐭠𐭣𐭥𐭥	dāstan ^I	𐭠𐭣𐭥𐭥
bāš ^I	𐭠𐭣𐭥𐭥	dās ^{ar}	𐭠𐭣𐭥𐭥
bawišn ^I	𐭠𐭣𐭥𐭥	yāsaman	𐭠𐭣𐭥𐭥
būdan ^I	𐭠𐭣𐭥𐭥	gahbedih	𐭠𐭣𐭥𐭥
gyānwar	𐭠𐭣𐭥𐭥	gahbed	𐭠𐭣𐭥𐭥
dānag	𐭠𐭣𐭥𐭥	dahigān	𐭠𐭣𐭥𐭥
jār	𐭠𐭣𐭥𐭥	Gayōmart	𐭠𐭣𐭥𐭥
gāwars	𐭠𐭣𐭥𐭥	dahibed	𐭠𐭣𐭥𐭥
dānistan	𐭠𐭣𐭥𐭥	dāyagānīh	𐭠𐭣𐭥𐭥
appar- ^I	-𐭠𐭣𐭥𐭥	dāyag	𐭠𐭣𐭥𐭥
appurdan ^I	𐭠𐭣𐭥𐭥	jahišnayār	𐭠𐭣𐭥𐭥
dānišnōmand	𐭠𐭣𐭥𐭥	jahišnayārīh	𐭠𐭣𐭥𐭥
dānišn	𐭠𐭣𐭥𐭥	dahišn, jahišn	𐭠𐭣𐭥𐭥
jahūd	𐭠𐭣𐭥𐭥	āwar- ^I	-𐭠𐭣𐭥𐭥
yākand	𐭠𐭣𐭥𐭥	āwurdān ^I	𐭠𐭣𐭥𐭥
yākand	𐭠𐭣𐭥𐭥	dān-	-𐭠𐭣𐭥𐭥
-dār	𐭠𐭣𐭥𐭥	dānāgīh	𐭠𐭣𐭥𐭥
dār, gahl, gāl	𐭠𐭣𐭥𐭥	dānāg	𐭠𐭣𐭥𐭥
dār-	𐭠𐭣𐭥𐭥	gyānabespār	𐭠𐭣𐭥𐭥
dārēn	𐭠𐭣𐭥𐭥	gyānīg	𐭠𐭣𐭥𐭥

dagrand	[70]	معلو ر	sumb-	[69]	معلو ر
dagrand-xwadāy		معلو ر م م م	sumb		معلو ر
dagr-ziwišn		معلو م م	sustih		معلو م م م
gilagōbār		معلو م م م	sust		معلو م م
gilag		معلو ا	suft		معلو م م
dagr-pattāy		معلو م م	suftan		معلو م م م
dast ^t , xwarrah ^t		معلو	sanj ^r -, sōz-		معلو
xwarrahōmand ^t		معلو م م م م	sōzāg		معلو م م م
dastkārīh ^t		معلو م م م	sōzan		معلو م م
dast(a)gird ^t		معلو م م م م	sōzišnīg		معلو م م م م م
samōr		معلو م	sōzišn		معلو م م م
dēs-		معلو م	suš		معلو م
dēsīdan		معلو م م م م م	sūdōmand		معلو م م م م م
-ēn-		معلو م	sūdabgār		معلو م م م م م
gūh		معلو م	sūd		معلو م م
guhrāyēn-		معلو م م م م م	sūdan		معلو م م م
guhrāyēnīdan		معلو م م م م م م م	sūdagīh		معلو م م م م م
gōhrīg		معلو م م م م	sūdag		معلو م م م م
gūhgard (v. pazūg)		معلو م م م م م	sūdmand		معلو م م م م م
gūhward (v. pazūg)		معلو م م م م م	panjāh ^s		معلو م
gawazn		معلو م م	gēg		معلو م م
gannāgīh		معلو م م م م	dagr, dil		معلو م
gannāg		معلو م م	gīr-		معلو م
gōhr		معلو م م	dīlēr		معلو م م م م
¹⁻² gōhrīg		معلو م م م م	dagrzamān		معلو م م م م م

sang, suy	[68]	معلو م	xwamn	[67]	معلو م
sneh		معلو م م	v. also		معلو م
sālār, snēxr		معلو م م م	čehl ^N		معلو م
sālārīh		معلو م م م م	jeh		معلو م
asp ^t		معلو م م م	jeh		معلو م
sōsan		معلو م م	dēs, gēs		معلو م
dēnīg		معلو م م	dēsag		معلو م م م
sangsār		معلو م م م م	yasn		معلو م م
snēzag		معلو م م م	andar ^t		معلو م
Day, dēn, jīw		معلو م	v. Note 3, p. xiv		معلو م
snōy		معلو م م	dādestān ^t		معلو م م
dēwōk		معلو م م م	sōh-, swah-		معلو م م
sanwar		معلو م م	Sawah, snāh		معلو م م
dēnōdag		معلو م م م م	dēwān		معلو م م
¹⁻² sōg		معلو م م	dēwānag		معلو م م م
sōgand		معلو م م م	gyāg		معلو م م م
Skandar		معلو م م م م	gyāgrōb		معلو م م م م
sōfistā		معلو م م م م م م	dēnār, dēwār, suxr		معلو م م م
Sōšāns		معلو م م م م م	dēnāstawān		معلو م م م م م م
sōr, ¹⁻² sūr		معلو م م	sōhistan, swahistan		معلو م م م م م
sūrāx		معلو م م م	sōhišnīg		معلو م م م م م
sūrāgōmand		معلو م م م م م م	sōhišn		معلو م م م
sūrāg		معلو م م م	sōxtan		معلو م م م م
sūrāgīg		معلو م م م م	dēnburdār		معلو م م م م م
sōrag, sūrāg		معلو م م			

gurgānīg	[74] 𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀	gōn	[73] 𐬀𐬀
gursagih	𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀	gōnag	𐬀𐬀𐬀
gursag	𐬀𐬀𐬀𐬀	dowom	𐬀𐬀
durgar	𐬀𐬀𐬀	drustih	𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀
jōrdā	𐬀𐬀𐬀𐬀	drust	𐬀𐬀𐬀𐬀
jōrdā	𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀	gōwizār	𐬀𐬀𐬀𐬀
1-2gurdih	𐬀𐬀𐬀𐬀	gōzēnag	𐬀𐬀𐬀𐬀
gurd	𐬀𐬀𐬀	gugāy	𐬀𐬀𐬀
gurdwār	𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀	gugāy	𐬀𐬀𐬀𐬀
gurdag	𐬀𐬀𐬀𐬀	gugāyih	𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀
dum, rōz ¹	𐬀𐬀	gugāyih	𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀
jomā	𐬀𐬀𐬀	gugān-	𐬀𐬀𐬀
jomā	𐬀𐬀𐬀	gōkānīg	𐬀𐬀𐬀𐬀
gumānīh	𐬀𐬀𐬀𐬀	gōkān	𐬀𐬀𐬀
gumānīgih	𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀	dōgānag	𐬀𐬀𐬀𐬀
gumānīg	𐬀𐬀𐬀𐬀	gugār-	𐬀𐬀𐬀
gumān	𐬀𐬀𐬀	gugārīdan	𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀
gumāngar	𐬀𐬀𐬀𐬀	gugārdan	𐬀𐬀𐬀𐬀
gumār-	𐬀𐬀𐬀	dōk	𐬀𐬀
gumārdan	𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀	gōgirdōmand	𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀
gumārdag	𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀	gōgird	𐬀𐬀𐬀
jumb-	𐬀𐬀𐬀	dūr, gōr, gul	𐬀𐬀
dumbōmand	𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀	dōl	𐬀𐬀
jumbāgih	𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀	gurbag	𐬀𐬀𐬀
jumbih-	𐬀𐬀𐬀	gurg	𐬀𐬀

gandanāg	[72] 𐬀𐬀𐬀𐬀	gōhragdānāg	[71] 𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀
drahm ¹	𐬀𐬀	gōhrag	𐬀𐬀𐬀
gandagih	𐬀𐬀𐬀	dwāzdahān	𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀
gandag	𐬀𐬀	dwāzdah	𐬀𐬀𐬀
dōys ² r	𐬀𐬀𐬀	duxt, juxt	𐬀𐬀𐬀
jōyišn	𐬀𐬀𐬀	1-2dōxtan	𐬀𐬀𐬀𐬀
judāgih	𐬀𐬀𐬀𐬀	duxtar	𐬀𐬀𐬀
judāg	𐬀𐬀𐬀𐬀	1dav-, gōw-	𐬀𐬀
judbēš	𐬀𐬀𐬀𐬀	gōwāg	𐬀𐬀𐬀
jud-dādestān ¹	𐬀𐬀𐬀𐬀	1-2dawāl	𐬀𐬀𐬀
jud	𐬀𐬀	dwār-	𐬀𐬀𐬀
judnāy	𐬀𐬀𐬀	dwārīdan	𐬀𐬀𐬀𐬀
-ēnīdan	𐬀𐬀𐬀-	dwāristan	𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀
1-2dawīdan	𐬀𐬀𐬀	dwārišn	𐬀𐬀𐬀𐬀
juttar	𐬀𐬀𐬀	jō(y)	𐬀𐬀
juttarīh	𐬀𐬀𐬀𐬀	gabr	𐬀𐬀
judristagih	𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀	gabrīh	𐬀𐬀𐬀
judristag	𐬀𐬀𐬀𐬀	angubēn ¹	𐬀𐬀𐬀𐬀
jud-dēw ¹	𐬀𐬀𐬀𐬀	gōwišn	𐬀𐬀𐬀
-ēn	𐬀𐬀	gand, gōy, gung, jang, jōy, juγ	𐬀𐬀
gaw	𐬀𐬀	jōy-	𐬀𐬀
1-2gund, gung	𐬀𐬀	v. Note 3, p. xiv	𐬀𐬀
drustih	𐬀𐬀𐬀𐬀	juwānīh	𐬀𐬀𐬀
drust	𐬀𐬀𐬀	dandān, juwān	𐬀𐬀𐬀
drustabed	𐬀𐬀𐬀𐬀	dōs	𐬀𐬀

dušwār, gōšwār	[78] 𐭥𐭮𐭮𐭮	dušoxīg	[77] 𐭥𐭮𐭮𐭮𐭮
dušwārīh	𐭥𐭮𐭮𐭮𐭮	dušox	𐭥𐭮𐭮𐭮
dušnām	𐭥𐭮𐭮𐭮	dušxwaršt	𐭥𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮
Gušnasp	𐭥𐭮𐭮𐭮𐭮	dušhumat	𐭥𐭮𐭮𐭮𐭮
dušwīr	𐭥𐭮𐭮𐭮	gōšōsrūd	𐭥𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮
gušn	𐭥𐭮𐭮𐭮	dušxwadāyīh	𐭥𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮
gušnag	𐭥𐭮𐭮𐭮	dušāgāh	𐭥𐭮𐭮𐭮𐭮
dušwurrōyišnīh	𐭥𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮	dušāgāhīh	𐭥𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮
Gušnasp	𐭥𐭮𐭮𐭮	dōšāram	𐭥𐭮𐭮𐭮
duškām	𐭥𐭮𐭮𐭮	dušarz	𐭥𐭮𐭮𐭮
dōšagīh	𐭥𐭮𐭮𐭮	duštīh	𐭥𐭮𐭮𐭮
dōšag, gōšag	𐭥𐭮𐭮𐭮	dujdanāg	𐭥𐭮𐭮𐭮𐭮
duškanīg	𐭥𐭮𐭮𐭮𐭮	yōjdahr	𐭥𐭮𐭮𐭮𐭮
duškunišn	𐭥𐭮𐭮𐭮𐭮	yōjdahrīh	𐭥𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮
duškar	𐭥𐭮𐭮𐭮	yōjdahrgar	𐭥𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮
dušrām	𐭥𐭮𐭮𐭮	yōjdahrgarīh	𐭥𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮
dušrāmīh	𐭥𐭮𐭮𐭮𐭮	dujden	𐭥𐭮𐭮𐭮
dušram	𐭥𐭮𐭮𐭮	dušgōwišn	𐭥𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮
dušramīh	𐭥𐭮𐭮𐭮𐭮	dujgand	𐭥𐭮𐭮𐭮
dušmenīh	𐭥𐭮𐭮𐭮𐭮	dujgandīh	𐭥𐭮𐭮𐭮𐭮
dušmen	𐭥𐭮𐭮𐭮	dujdōys ² rīh	𐭥𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮
dušmenišn	𐭥𐭮𐭮𐭮𐭮	dōšizagīh	𐭥𐭮𐭮𐭮𐭮
dušmenādīh	𐭥𐭮𐭮𐭮𐭮	dōšizag	𐭥𐭮𐭮𐭮
dušmenīh	𐭥𐭮𐭮𐭮	dujdalt	𐭥𐭮𐭮𐭮𐭮
dušmen	𐭥𐭮𐭮𐭮	1-2dōštīdan	𐭥𐭮𐭮𐭮

dōstīh	[76] 𐭥𐭮𐭮𐭮	ĵumbīhistan	[75] 𐭥𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮
dōst	𐭥𐭮𐭮𐭮	ĵumbēn-	𐭥𐭮𐭮𐭮
1-2dawistan	𐭥𐭮𐭮𐭮	ĵumbēnīdan	𐭥𐭮𐭮𐭮𐭮
dōpāy	𐭥𐭮𐭮𐭮	ĵumbīdan	𐭥𐭮𐭮𐭮𐭮
gubrāg	𐭥𐭮𐭮𐭮	dumb	𐭥𐭮𐭮𐭮
gubrās-	𐭥𐭮𐭮𐭮-	ĵumbišn	𐭥𐭮𐭮𐭮𐭮
guftār	𐭥𐭮𐭮𐭮	gumbad	𐭥𐭮𐭮𐭮
guftārīh	𐭥𐭮𐭮𐭮𐭮	gumēxtan	𐭥𐭮𐭮𐭮𐭮
guftan	𐭥𐭮𐭮𐭮	gumēg	𐭥𐭮𐭮𐭮
dōpahīkar	𐭥𐭮𐭮𐭮	gōmēz	𐭥𐭮𐭮𐭮
duz, ganj, gōz, yōz	𐭥𐭮	gōmēz-, gumēz-	𐭥𐭮𐭮𐭮
dōz-, duz-	𐭥𐭮	gumēzagīh	𐭥𐭮𐭮𐭮𐭮
duzīh	𐭥𐭮𐭮𐭮	gumēzag	𐭥𐭮𐭮𐭮
gōzihr	𐭥𐭮𐭮𐭮	gumēzišn	𐭥𐭮𐭮𐭮𐭮
duzdīh	𐭥𐭮𐭮𐭮	ēn ¹	𐭥𐭮
duzīdan	𐭥𐭮𐭮𐭮	rōz-šabān ¹	𐭥𐭮𐭮𐭮𐭮
duzīdag	𐭥𐭮𐭮𐭮	dōsaxwan	𐭥𐭮𐭮𐭮
ganjīvar	𐭥𐭮𐭮𐭮	dōsēn	𐭥𐭮𐭮𐭮
duzd	𐭥𐭮𐭮𐭮	stān- ¹	𐭥𐭮𐭮𐭮
1-2dōš, 1-2gōš	𐭥𐭮	stadan ¹	𐭥𐭮𐭮𐭮
1-2dōš-, duš-	𐭥𐭮	dusrawīh	𐭥𐭮𐭮𐭮𐭮
dušēwāzīh	𐭥𐭮𐭮𐭮𐭮	dusraw	𐭥𐭮𐭮𐭮
dušxēm	𐭥𐭮𐭮𐭮	gōspand	𐭥𐭮𐭮𐭮
dušxwār	𐭥𐭮𐭮𐭮	gospandčihrag	𐭥𐭮𐭮𐭮𐭮
dušhūxt	𐭥𐭮𐭮𐭮	gōstān	𐭥𐭮𐭮𐭮

darrīdan	[82]	𐭅𐭅𐭅𐭅	garānīh	[81]	𐭅𐭅𐭅𐭅
grōh		𐭅𐭅𐭅	darhandarzbed		𐭅𐭅𐭅𐭅𐭅𐭅
drahnāy		𐭅𐭅𐭅	yarrānīdan		𐭅𐭅𐭅𐭅
druxtan		𐭅𐭅𐭅𐭅	garān		𐭅𐭅𐭅
grawīh		𐭅𐭅𐭅𐭅	yarrānišn		𐭅𐭅𐭅𐭅
drō, 1-2graw		𐭅𐭅𐭅𐭅	grāmīgīh		𐭅𐭅𐭅𐭅
drang		𐭅𐭅𐭅	grāmīg		𐭅𐭅𐭅
druwand		𐭅𐭅𐭅𐭅	grāmag		𐭅𐭅𐭅
druwandīh		𐭅𐭅𐭅𐭅	drāyīdan, grāyīdan		𐭅𐭅𐭅𐭅
1-2drōn		𐭅𐭅𐭅	drāz, grāb		𐭅𐭅𐭅
graw(a)gān		𐭅𐭅𐭅	draxt		𐭅𐭅𐭅
galōg		𐭅𐭅𐭅	griy-		𐭅𐭅
drubuštīh		𐭅𐭅𐭅𐭅𐭅	grih		𐭅𐭅𐭅
drubušt		𐭅𐭅𐭅𐭅	dargāh		𐭅𐭅𐭅
druz		𐭅𐭅	garasmān		𐭅𐭅𐭅
dranj-, drōz-		𐭅𐭅	1-2grīw		𐭅𐭅
dranjīdan		𐭅𐭅𐭅	grīwag		𐭅𐭅
drōzanih		𐭅𐭅𐭅	grīwbān		𐭅𐭅𐭅
drōzan		𐭅𐭅	driyōš		𐭅𐭅
dranjīšn		𐭅𐭅𐭅	driyōšīh		𐭅𐭅𐭅
drōš		𐭅𐭅	darīgbed		𐭅𐭅𐭅
drōš-		𐭅𐭅	dilēr		𐭅𐭅
drōšīdan		𐭅𐭅𐭅	balgam		𐭅𐭅
drōšom		𐭅𐭅𐭅	griyīstan		𐭅𐭅𐭅
drōšag		𐭅𐭅	gilistag		𐭅𐭅𐭅

pākīh ^f	[80]	𐭅𐭅𐭅	dušmat	[79]	𐭅𐭅𐭅
-īg		𐭅𐭅	dōšastar		𐭅𐭅𐭅
muy ^f		𐭅𐭅	dušpādixšāy		𐭅𐭅𐭅
ēst- ^f		𐭅𐭅	dušpādixšāyīh		𐭅𐭅𐭅
ēstādan ^f		𐭅𐭅𐭅	dušfarrag		𐭅𐭅𐭅
ǰagar		𐭅𐭅	dušfarragīh		𐭅𐭅𐭅
ōzan- ^f		𐭅𐭅	duščīhr		𐭅𐭅𐭅
ōzadan ^f		𐭅𐭅	duščašm		𐭅𐭅𐭅
-gar		𐭅𐭅	duščašmīh		𐭅𐭅𐭅
dar, gar		𐭅𐭅	dōšīšn		𐭅𐭅𐭅
yal		𐭅𐭅	gōšt		𐭅𐭅𐭅
darr-		𐭅𐭅	dūd		𐭅𐭅
drayā		𐭅𐭅	ǰūdan		𐭅𐭅
drayābār		𐭅𐭅	dūdāg		𐭅𐭅
drayāb		𐭅𐭅	gawdar		𐭅𐭅
draxt		𐭅𐭅	gaz-		𐭅𐭅
darāy		𐭅𐭅	yaz- ^f		𐭅𐭅
drāy-, grāy-		𐭅𐭅	yaštan ^f		𐭅𐭅
drāyānjōyištīh		𐭅𐭅	nay- ^f		𐭅𐭅
drāyānjōyīsu		𐭅𐭅	nīdan ^f		𐭅𐭅
drāyīstan		𐭅𐭅	gazīdan		𐭅𐭅
drāyīšn		𐭅𐭅	gazīdag		𐭅𐭅
yarrān-		𐭅𐭅	nay- ^f		𐭅𐭅
drahnāy		𐭅𐭅	nīdan ^f		𐭅𐭅
yarrānāg		𐭅𐭅	pāk ^f		𐭅𐭅

dastšōy	[86] 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	xōn ^I	[85] 𐭠𐭥𐭥
dēwān	𐭠𐭥𐭥𐭥	damēnag	𐭠𐭥𐭥𐭥
dibīrih	𐭠𐭥𐭥𐭥	zamīgīg	𐭠𐭥𐭥𐭥
dibīr	(𐭠)𐭠𐭥𐭥	zamīg	𐭠𐭥𐭥
dibirestān	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	zamīgpaymānih	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
¹⁻² dabr, gabr	𐭠𐭥𐭥	damīdan	𐭠𐭥𐭥𐭥
¹ xwāh- ^I	- 𐭠𐭥𐭥𐭥	mīr- ^I	- 𐭠𐭥𐭥𐭥
xwastan ^I	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	murdan ^I	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
daftan	𐭠𐭥𐭥	uštar ^I	𐭠𐭥𐭥
daftar	𐭠𐭥𐭥	gōw- ^I	- 𐭠𐭥𐭥𐭥
diz, gač, gaz	𐭠	guftan ^I	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
daz-, gaz-, yaz-	- 𐭠	gōw- ^I	- 𐭠𐭥𐭥𐭥
gazāg	𐭠𐭥𐭥	guftan ^I	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
kām- ^I	𐭠𐭥𐭥	zamestān	𐭠𐭥𐭥𐭥
kāmistan ^I	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	damišn	𐭠𐭥𐭥
gačēn	𐭠𐭥	yask	𐭠𐭥𐭥
gazdum	- 𐭠𐭥	dastyār	𐭠𐭥𐭥𐭥
gizistag	𐭠𐭥𐭥𐭥	dastyārih	𐭠𐭥𐭥𐭥
dazīdan, gazīdan	𐭠𐭥𐭥	dastgraw	𐭠𐭥𐭥𐭥
-īzag	𐭠𐭥-	dastgīr ^I	𐭠𐭥𐭥𐭥
dazišn, gazišn, yazišn	𐭠𐭥𐭥	dastwar	𐭠𐭥𐭥𐭥
gišniz	𐭠𐭥𐭥	dastwarih	𐭠𐭥𐭥𐭥
dašn, jašn	𐭠𐭥𐭥	ĵastan	𐭠𐭥𐭥
dašnag, gišnag	𐭠𐭥𐭥	dastag	𐭠𐭥𐭥
daštānōmand	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	dast(a)gird	𐭠𐭥𐭥𐭥

griftār	[84] 𐭠𐭥𐭥𐭥	društēvāz	[83] 𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
griftārōmand	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	društāwāz	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
griftan	𐭠𐭥𐭥	društīh	𐭠𐭥𐭥𐭥
darz	𐭠𐭥	društ	𐭠𐭥𐭥𐭥
garz-	- 𐭠𐭥	drōd	𐭠𐭥
darzīg	𐭠𐭥𐭥	garōdmānīg	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
garzīdan	𐭠𐭥𐭥	garōdmān	𐭠𐭥𐭥𐭥
garzag	𐭠𐭥	sad ^N	𐭠𐭥
garzišnīg	𐭠𐭥𐭥𐭥	darak, gilag	𐭠𐭥𐭥
garzišn	𐭠𐭥𐭥	garm	𐭠𐭥
gard-	- 𐭠𐭥	darmān	𐭠𐭥𐭥𐭥
gardān-	- 𐭠𐭥	garmāg	𐭠𐭥𐭥
gardānāg	𐭠𐭥𐭥𐭥	garmābag	𐭠𐭥𐭥𐭥
gardānīdan	𐭠𐭥𐭥𐭥	garmiḥ	𐭠𐭥
dardōmand	𐭠𐭥𐭥𐭥	dramanag, garmōg	𐭠𐭥𐭥
girdīh	𐭠𐭥𐭥	garmōwar	𐭠𐭥𐭥
gardīdan	𐭠𐭥𐭥	garmōwarīh	𐭠𐭥𐭥𐭥
dard, gard, gird	𐭠𐭥	*dramanag	𐭠𐭥
gardan	𐭠𐭥	garmsēr	𐭠𐭥𐭥
girdag	𐭠𐭥𐭥	darbās	𐭠𐭥𐭥
gardišr	𐭠𐭥𐭥𐭥	drubuštīh	𐭠𐭥𐭥𐭥
dam-	- 𐭠𐭥	drubušt	𐭠𐭥𐭥𐭥
zamānīg	𐭠𐭥𐭥𐭥	drafš	𐭠𐭥
zamān	𐭠𐭥	drafš-	- 𐭠𐭥
zamānag	𐭠𐭥𐭥	drafšīdan	𐭠𐭥𐭥𐭥

naxōd	[90] ۱۱۳۱	gīrišnīg ¹	[89] ۱۹۱۳۱۱۳۱
nāl-, wāl-, wār-	۱۱۳۱	griftn ¹ , kardan ¹	۱۱۳۱۱۳۱
wārānīg	۱۱۳۱۱۳۱	nāydāg	۱۱۳۱۱۳۱
wārān	۱۱۳۱	wahīg	۱۱۳۱
nāriḡ	۱۱۳۱	wihīr-	۱۱۳۱
wālīdan, wārīdan	۱۱۳۱۱۳۱	nāriḡ	۱۱۳۱
wālan	۱۱۳۱	wihīrišn	۱۱۳۱
wārom	۱۱۳۱	nāysrāy	۱۱۳۱
wālišn	۱۱۳۱	wēzag	۱۱۳۱
nām	۱۱۳۱	wān-	۱۱۳۱
wām-	۱۱۳۱	niyōxš-	۱۱۳۱
nāmburdār	۱۱۳۱	niyōxšīdan	۱۱۳۱
nāmīgih	۱۱۳۱	niyōxšīšn	۱۱۳۱
nāmīg	۱۱۳۱	wāng	۱۱۳۱
wāmīdan	۱۱۳۱	wānīdan	۱۱۳۱
nāmag	۱۱۳۱	nān	۱۱۳۱
nāmčīštīg	۱۱۳۱	Wōrūbaršt	۱۱۳۱
nāmčīšt	۱۱۳۱	Wōrūjaršt	۱۱۳۱
wāspuhr	۱۱۳۱	nohom	۱۱۳۱
wāspuhragānih	۱۱۳۱	nihumb-	۱۱۳۱
wāspuhragān	۱۱۳۱	nihumbīdan	۱۱۳۱
wāyīdan	۱۱۳۱	Wahman	۱۱۳۱
wāstar	۱۱۳۱	naxust	۱۱۳۱
wāstaryōš	۱۱۳۱	nihuftan	۱۱۳۱
wāstaryōših	۱۱۳۱	wānišn	۱۱۳۱

nihāl, wahār, waxr	[88] ۱۱۳۱	daštān	[87] ۱۱۳۱
Wahrām	۱۱۳۱	daštānmāh	۱۱۳۱
wahāriḡ	۱۱۳۱	daštānestān	۱۱۳۱
wēhm	۱۱۳۱	dašt, yašt	۱۱۳۱
wahmān	۱۱۳۱	yaštān	۱۱۳۱
wēhmih	۱۱۳۱	jadārih	۱۱۳۱
niyāz	۱۱۳۱	nišīn- ¹	۱۱۳۱
wiyābānih	۱۱۳۱	nišān- ¹	۱۱۳۱
wiyābānēn-	۱۱۳۱	nišāstan ¹ , nišāstan ¹	۱۱۳۱
wiyābānēnīdan	۱۱۳۱	dudīgar	۱۱۳۱
wiyābāniḡ	۱۱۳۱	dad, did, gad, yad	۱۱۳۱
¹⁻² wiyābān	۱۱۳۱	-īdan	۱۱۳۱
wiyābāngarih	۱۱۳۱	gadwar	۱۱۳۱
niyāzōmand	۱۱۳۱	didom	۱۱۳۱
niyāzōmandih	۱۱۳۱	¹⁻² jadag	۱۱۳۱
niyābagih	۱۱۳۱	jadagwihīrih	۱۱۳۱
niyābag	۱۱۳۱	jadišnīg	۱۱۳۱
wāxtan	۱۱۳۱	jadišn	۱۱۳۱
nihādag	۱۱۳۱		
nay, nāy, ¹⁻² way, wāy	۱۱۳۱	ud ¹	۱
¹⁻² wāy-	۱۱۳۱	niyāyišn	۱۱۳۱
wāyendag	۱۱۳۱	wihān, wiyān	۱۱۳۱
wāyendag	۱۱۳۱	nāxūn	۱۱۳۱
gīr- ¹ , kun- ¹	۱۱۳۱	wihānag	۱۱۳۱
kirīh- ¹	۱۱۳۱	niyāg, wahāg	۱۱۳۱

nēkīh	[94] ۱۹۵۲۱	was	[93] ۱۹
nēkgōhr	۱۹۵۲۱	wis	۱۹
nēkgōhrīh	۱۹۵۲۱	wasnād	۱۹۵۲۱
nēk	۱۹۲۱	nixwār-	۱۹۵۲۱
nēkōg	۱۹۱۹۲۱	nixwārišn	۱۹۵۲۱
winnirdan	۱۱۹۲۱	nahang, nihang	۱۹
wiyufs-	۱۹۵۲۱	wiyōz-	۱۹۵۲۱
wiyufsišnīg	۱۹۵۲۱	wayōdagān	۱۹۵۲۱
wiyufsišn	۱۹۵۲۱	wēn- (<i>v. dīdan</i>)	۲۱
wēnišnīg	۱۹۵۲۱	zamān ²	۲۱
wēnišn (<i>v. dīdan</i>)	۱۹۵۲۱	wēnāgīh	۱۹۵۲۱
wizāy-	۱۹۵۲۱	wēnāg	۱۹۵۲۱
wizāyišnīg	۱۹۵۲۱	winnār-	۲۱
wizāyišn	۱۹۵۲۱	winnārišn	۱۹۵۲۱
wizāyīdan	۱۹۵۲۱	nēwardaxšīr	۱۹۵۲۱
wizūdan	۱۱۹۲۱	winnārdan	۱۱۹۲۱
-endag	۱۹۱-	wēnāb	۱۹۵۲۱
nīl, 1-2wīr	۱۹	wēnābdāg	۱۹۵۲۱
wirāy-	۱۹۵۲۱	wēnābdāg	۱۹۵۲۱
wirāyišnīh	۱۹۵۲۱	niyōxš-	۱۹۵۲۱
wirāyišn	۱۹۵۲۱	niyōxšīdan	۱۹۵۲۱
wīrōmandīh	۱۹۵۲۱	niyōxšīšn	۱۹۵۲۱
wigrās-	۱۹۵۲۱	wēnīg	۱۹۲۱
wigrāsišnīh	۱۹۵۲۱	nēw, wēn	۱۲۱
wirāstan	۱۱۹۲۱	wēnōg	۱۹۱۲۱

waxšwarīh	[92] ۱۹۵۲۱	nāf, wāz	[91] ۱۹
naxšag	۱۹۵۲۱	1-2wāz-, wāz-	۱۹
waxšīšn	۱۹۵۲۱	wāzār	۱۹
wahištīg	۱۹۵۲۱	wāzāragānīh	۱۹۵۲۱
wahišt	۱۹۵۲۱	wāzāragān	۱۹۵۲۱
wādām	۱۹۵۲۱	-wāzīg	۱۹۵۲۱
wādgirdag	۱۹۵۲۱	naxšīr	۱۹
wād	۱۹۵۲۱	1-2wāzīdan	۱۱۹۲۱
wādrang	۱۹۵۲۱	nāzuk	۱۹۱۹
wādrangbōy	۱۹۵۲۱	nāfag, wāzag	۱۹۱۹
wādbān	۱۹۵۲۱	wābar	۱۹
nabānazdišt	۱۹۵۲۱	wābarīgānīh	۱۹۵۲۱
tā ¹	۱۹	wābarīgān	۱۹۵۲۱
wēh	۱۹	nāzišn, wāzišn	۱۹۵۲۱
nihānīg	۱۹۵۲۱	wāš, 1-2waxš	۱۹
nihān	۱۹۵۲۱	1-2waxš-	۱۹
wēhīh	۱۹۵۲۱	wixšay-	۱۹۵۲۱
wēhdēn	۱۹۵۲۱	waxšīg	۱۹۵۲۱
wihēz	۱۹۵۲۱	waxšgar	۱۹۵۲۱
wihēz-	۱۹۵۲۱	wixšayīsnīh	۱۹۵۲۱
wihēzagīg	۱۹۵۲۱	wixšayīšnīg	۱۹۵۲۱
wihēzag	۱۹۵۲۱	wixšayīšn	۱۹۵۲۱
1wiyābān	۱۹۵۲۱	1-2waxšīdan	۱۱۹۲۱
wiyāftan	۱۹۵۲۱	waxšendag	۱۹۵۲۱
1-2wēxtan	۱۹۵۲۱	waxšwar	۱۹۵۲۱

niwistan	[98] ۱۱۴۳۱۱	wināhgārīh	[97] ۱۱۳۰۰۱۱
winastag	۱۱۴۳۱۱	niwāg	۱۱۳۰۱۱
wanafšag	۱۱۴۳۱۱	wināh-	- ۱۱۳۰۱۱
winjīšk	۱۱۴۳۱۱	wināhīdan	۱۱۳۰۰۱۱
nizār	۱۱۴۳۱۱	wināhišn	۱۱۳۰۰۱۱
nizārīh	۱۱۴۳۱۱	nang	۱۱۳۰۱۱
nizārīh-	۱۱۴۳۱۱	wind-	- ۱۱۳۰۱۱
nazd	۱۱۴۳۱۱	windādan	۱۱۳۰۰۱۱
nazdikīh	۱۱۴۳۱۱	niwēy-	- ۱۱۳۰۱۱
nazdik	۱۱۴۳۱۱	niwēy-	- ۱۱۳۰۱۱
wizend	۱۱۴۳۱۱	niwēyēn-	- ۱۱۳۰۱۱
nazdist	۱۱۴۳۱۱	niwēyēnīdan	۱۱۳۰۰۱۱
wizend	۱۱۴۳۱۱	niwē, wandag	۱۱۳۰۱۱
wizand-	۱۱۴۳۱۱	wanjgarīh	۱۱۳۰۰۱۱
wizandag	۱۱۴۳۱۱	niwēyišnīh	۱۱۳۰۰۱۱
wizandišn	۱۱۴۳۱۱	niwēyišn	۱۱۳۰۰۱۱
wizandīdan	۱۱۴۳۱۱	windišnīg	۱۱۳۰۰۱۱
wazay	۱۱۴۳۱۱	windišn	۱۱۳۰۰۱۱
wazr	۱۱۴۳۱۱	wahmān ¹ , wan, win	۱۱۳۰۰۱۱
šaw- ¹	۱۱۴۳۱۱	wanand	۱۱۳۰۰۱۱
šudan ¹	۱۱۴۳۱۱	nōzdah	۱۱۳۰۰۱۱
nigāh	۱۱۴۳۱۱	nōg	۱۱۳۰۰۱۱
nigāhdārīh	۱۱۴۳۱۱	nōgzād	۱۱۳۰۰۱۱
nigāhdārīšnīh	۱۱۴۳۱۱	nōgzādag	۱۱۳۰۰۱۱
nigān	۱۱۴۳۱۱	nōgrōz	۱۱۳۰۰۱۱

wizīh-	[96] ۱۱۴۳۱۱	wigrād	[95] ۱۱۴۳۱۱
wizīhīdan	۱۱۴۳۱۱	wigrādan	۱۱۴۳۱۱
wizīhišnīh	۱۱۴۳۱۱	nērang	۱۱۴۳۱۱
wizīhišn	۱۱۴۳۱۱	nērōgōmand	۱۱۴۳۱۱
nēzūmānīh	۱۱۴۳۱۱	nērōg	۱۱۴۳۱۱
nēzūmānīg	۱۱۴۳۱۱	nilōpal	۱۱۴۳۱۱
nēzūmān	۱۱۴۳۱۱	nīrmadōmand	۱۱۴۳۱۱
nēzag	۱۱۴۳۱۱	nīrmad	۱۱۴۳۱۱
wēzišn	۱۱۴۳۱۱	nēm, wēm	۱۱۴۳۱۱
wēš, wiš	۱۱۴۳۱۱	wēmār	۱۱۴۳۱۱
niš-	- ۱۱۴۳۱۱	wēmārīh	۱۱۴۳۱۱
nišān	۱۱۴۳۱۱	nēmasp	۱۱۴۳۱۱
wēšagīg	۱۱۴۳۱۱	wimand	۱۱۴۳۱۱
wēšag	۱۱۴۳۱۱	wimandōmand	۱۱۴۳۱۱
wēšageštān	۱۱۴۳۱۱	wimandīg	۱۱۴۳۱۱
zan ¹	۱۱۴۳۱۱	wimuštan	۱۱۴۳۱۱
zanih ¹	۱۱۴۳۱۱	nēmag	۱۱۴۳۱۱
wēd	۱۱۴۳۱۱	nēmroz	۱۱۴۳۱۱
wīdwar	۱۱۴۳۱۱	nēmtan	۱۱۴۳۱۱
wīdwarīh	۱۱۴۳۱۱	nisāg	۱۱۴۳۱۱
nidom	۱۱۴۳۱۱	wisbed	۱۱۴۳۱۱
bay ¹	۱۱۴۳۱۱	wīst	۱۱۴۳۱۱
wināh	۱۱۴۳۱۱	wēwag	۱۱۴۳۱۱
wināhīdan	۱۱۴۳۱۱	wiftag	۱۱۴۳۱۱
wināhgār	۱۱۴۳۱۱	1-2 wēz-	- ۱۱۴۳۱۱

wardišnigih	[102] ۱۳۳۱۳۱	³ warz	[101] ۱۳۱
wardišnig	۱۳۳۱۳۱	warrag	۱۳۱
wardišn	۱۳۳۱۳۱	narm, 1- ² warm	۱۳۱
-om	-۳۱-	ōy ¹	۱۳۱
nam	-۳۱	awēšān ¹	۱۳۳۱۳۱
nimāy-	-۳۳۱	nirfs-	-۳۳۱
namāz	۳۳۱	nirfsišn	۱۳۳۱۳۱
wimēhgen	۱۱۳۳۳۱	1- ² warz	۱۳۱
nimūdan	۱۱۳۳۳۱	warz-	-۱۳۱
namak	۱۳۳۱	warzāwand	۱۳۳۱
namad	۱۳۳۱	warzāg	۱۳۳۱
nasā, wisē	۳۳۱	warzbūm	۳۳۱
wisāy-	-۳۳۱	warzīgar	۳۳۱
wisān-	-۳۳۱	warzīdan	۱۱۳۳۱
wisāndan	۱۳۳۳۱	warzišn	۱۳۳۱
wēz- ¹	-۱۳۳۱	warčašm	۳۳۱
wēxtan ¹	۱۱۳۳۳۱	warišn	۱۳۳۱
wisānišnīh	۳۳۳۳۳۱	ward-	-۳۳۱
wisānišn	۱۳۳۳۳۱	wardānāg	۱۳۳۳۳۱
namāz ¹	۳۳۳۱	wardēn-	-۳۳۳۱
wasyār	۱۳۳۳۱	wardēnīdan	۱۱۳۳۳۱
wisīn(n)-	-۳۳۱	wardyūn	۱۱۳۳۳۱
wasyār	۱۳۳۳۱	1- ² wardagīh	۳۳۳۱
nask	۱۳۳۱	wardag	۱۳۳۱
nasruštīh	۱۳۳۳۳۱	wardišnīh	۳۳۳۳۳۱

xwāstag ¹	[100] ۱۳۳۳۱	nigār-	[99] ۱۳۳۱
waydān	۱۳۳۳۱	nigārag	۱۳۳۳۱
ō ¹	۳۱	nigāstār	۱۳۳۳۳۱
nar, 1- ⁴ war	۳۱	1 ¹ mādag ¹	۱۳۳۱
warāy	۱۳۳۱	mādagīh ¹	۱۳۳۳۱
warān	۱۳۳۱	nigēxtan	۱۱۳۳۳۱
warōmand	۱۳۳۳۱	kuš- ¹	-۱۳۳۱
warōmandīh	۱۳۳۳۳۱	kuštān ¹	۱۱۳۳۳۱
Wahrām	۱۳۳۳۱	niger-	-۱۳۳۱
warāz	۳۳۱	nakkīrā	۱۳۳۳۱
wirāz-	-۳۳۱	nakkīrāyīh	۱۳۳۳۳۱
warg	۳۳۱	nigerīdan	۱۱۳۳۳۱
walg	۳۳۱	nigerišnig	۱۳۳۳۳۱
wirēxtan	۱۱۳۳۳۱	nigerišn	۱۱۳۳۳۱
wars	۳۳۱	nigēz	۳۳۱
nargis	۱۳۳۳۱	nigēz-	-۳۳۱
wirēg	۱۳۳۱	nigēzišn	۱۳۳۳۳۱
wirēz- ¹	-۱۳۳۱	wak	۱۳۳۱
wirēxtan ¹	۱۱۳۳۳۱	nikōh-	-۱۳۳۱
wirēz-	-۳۳۱	nikōhīdan	۱۱۳۳۳۱
waranīgīh	۱۳۳۳۱	nikōhišnig	۱۳۳۳۳۱
waranīg	۱۳۳۳۱	nikōhišn	۱۳۳۳۳۱
wurrōyišn	۱۳۳۳۳۱	nigūnīh	۳۳۳۳۱
waran	۳۳۱	nigūn	۱۱۳۳۳۱
wirōzag	۱۳۳۳۱	nigūnsār	۱۱۳۳۳۱

nišān-, wišān-	[106] 𐭠𐭣𐭥𐭥	wizīhišnīh	[105] 𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
wišōmand	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	wizīhišn	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
nišāstan	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	wizīn-	𐭠𐭣𐭥
wišād	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	wizēn	𐭠𐭣𐭥
wišād-dwārišnīh	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	wizēngar	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
wišādan	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	wizīr	𐭠𐭣𐭥
nišēm	𐭠𐭣𐭥𐭥	wizīr-	𐭠𐭣𐭥
nišēmag	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	wizīristan	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
nišēb	𐭠𐭣𐭥𐭥	wizīrišnīg	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
nišēbig	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	wazīdan, wizīdan	𐭠𐭣𐭥𐭥
wišōb-	𐭠𐭣𐭥𐭥	wizōh/y-	𐭠𐭣𐭥𐭥
wišōbišnīg	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	wizōh/yišn	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
wišōbišn	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	wuzurg	𐭠𐭣𐭥
wišuftan	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	wuzurgih	𐭠𐭣𐭥𐭥
wišūdan	𐭠𐭣𐭥𐭥	wizurdīh	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
wišūdag	𐭠𐭣𐭥𐭥	wizurd	𐭠𐭣𐭥𐭥
wiškīdan	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	wizōstan	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
wašag	𐭠𐭣𐭥	waččag	𐭠𐭣𐭥
wiškin(n)-	𐭠𐭣𐭥𐭥	wuzurg	𐭠𐭣𐭥
wiškōf-	𐭠𐭣𐭥𐭥	wuzurgih	𐭠𐭣𐭥𐭥
wiškōfag	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	wačast	𐭠𐭣𐭥𐭥
wiškuftan	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	wizistan	𐭠𐭣𐭥𐭥
wiškin(n)išn	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	wazišnīg	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
wiškar	𐭠𐭣𐭥	wazišn	𐭠𐭣𐭥
ašnaw- ¹	𐭠𐭣𐭥𐭥	nišāyišn	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥

wafr	[104] 𐭠𐭣𐭥	nasrušt	[103] 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
nifrīn	𐭠𐭣𐭥	wisistan	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
wafrēnag	𐭠𐭣𐭥𐭥	wisp	𐭠𐭣𐭥
nifrīdag	𐭠𐭣𐭥𐭥	wispurdan	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
ōbad-/ōft- ¹	𐭠𐭣𐭥	wistāxīh	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
ōbāstan ¹	𐭠𐭣𐭥𐭥	wistāx	𐭠𐭣𐭥𐭥
nibard-	𐭠𐭣𐭥	wastār	𐭠𐭣𐭥𐭥
nibardīdan	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	wastārīh	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
nibard	𐭠𐭣𐭥	wassadēn	𐭠𐭣𐭥𐭥
nibardag	𐭠𐭣𐭥𐭥	wassad	𐭠𐭣𐭥
nibāstan	𐭠𐭣𐭥𐭥	wastōhmag	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
wabz	𐭠𐭣𐭥	wistan	𐭠𐭣𐭥
wafišn	𐭠𐭣𐭥	wastar, wistar	𐭠𐭣𐭥
xwēš ¹	𐭠𐭣𐭥	wistar-	𐭠𐭣𐭥
xwēštan ¹	𐭠𐭣𐭥𐭥	wastarag, wistarag	𐭠𐭣𐭥𐭥
nibištan	𐭠𐭣𐭥𐭥	nastaran	𐭠𐭣𐭥𐭥
1- ² naft	𐭠𐭣𐭥	wistardan	𐭠𐭣𐭥𐭥
waz-	𐭠𐭣𐭥	Widadafš	𐭠𐭣𐭥𐭥
wizār	𐭠𐭣𐭥	nab	𐭠𐭣𐭥
wizār-	𐭠𐭣𐭥	waf-	𐭠𐭣𐭥
wizārišn	𐭠𐭣𐭥𐭥	nibāstan	𐭠𐭣𐭥𐭥
wizārdan	𐭠𐭣𐭥𐭥	nibay-	𐭠𐭣𐭥
wizārdwars	𐭠𐭣𐭥𐭥	nibēg	𐭠𐭣𐭥
wizīh-	𐭠𐭣𐭥	nibēm	𐭠𐭣𐭥
wizīhīdan	𐭠𐭣𐭥𐭥	wabz	𐭠𐭣𐭥

zahag	[110] 𐭥𐭮𐭥𐭮	wadtōhm	[109] 𐭮𐭥𐭮𐭮𐭮
zahrag	𐭮𐭮𐭮𐭮	wattom	𐭮𐭮𐭮𐭮
zāmyād	𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮	zahā	𐭮𐭮
zāmēn-	- 𐭮𐭮	zyānōmand	𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮
zāmēnīdan	𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮	zyān	𐭮𐭮𐭮
zādan	𐭮𐭮𐭮	zyāngar	𐭮𐭮𐭮𐭮
zādag	𐭮𐭮𐭮	ziyānag	𐭮𐭮𐭮
zibāl	𐭮𐭮	zahā, zahag, zāhag	𐭮𐭮𐭮
ī- ¹ , zay-	- 𐭮	zahār, zahr	𐭮𐭮
zih	𐭮	zahrag	𐭮𐭮𐭮
zī(w)-	- 𐭮	zaxm	𐭮𐭮
zēnhār	𐭮𐭮𐭮	zahābag	𐭮𐭮𐭮
zēnāwand	𐭮𐭮𐭮	zay	𐭮
zēnabzār	𐭮𐭮𐭮𐭮	zarr ¹	𐭮𐭮
zēndānīg	𐭮𐭮𐭮𐭮	zarrēn ¹	𐭮𐭮𐭮
zēndān	𐭮𐭮𐭮	zāy-	- 𐭮
zēndānbān	𐭮𐭮𐭮𐭮	zahih	𐭮𐭮
zēnēn-, zīnēn-, zīwēn-	- 𐭮𐭮	zāyistan	𐭮𐭮𐭮𐭮
zēnēnīdan, zīnēnīdan, zīwēnīdan	𐭮𐭮𐭮𐭮	zāyč	𐭮𐭮
zīndagih	𐭮𐭮𐭮	zāyčag	𐭮𐭮𐭮
zēnīg, zīndag	𐭮𐭮	zānūg	𐭮𐭮𐭮
¹⁻² zēn	𐭮𐭮	zōr	𐭮𐭮
xrīn- ¹	- 𐭮𐭮	zāz	𐭮𐭮
		zahagōmand	𐭮𐭮𐭮𐭮

wadgarīh	[108] 𐭮𐭮𐭮𐭮	ašnawišn ¹	[107] 𐭮𐭮𐭮𐭮
widerišnih	𐭮𐭮𐭮𐭮	ašnūdan ¹	𐭮𐭮𐭮𐭮
widerišnīg	𐭮𐭮𐭮𐭮	nišast	𐭮𐭮𐭮𐭮
widerišn	𐭮𐭮𐭮	nišastan	𐭮𐭮𐭮𐭮
widimās	𐭮𐭮𐭮	waštīh	𐭮𐭮𐭮
widimāsīh	𐭮𐭮𐭮𐭮	¹⁻² waštan	𐭮𐭮𐭮
widimāsīg	𐭮𐭮𐭮𐭮	waštāgīh	𐭮𐭮𐭮
widimuštīh	𐭮𐭮𐭮𐭮	waštag	𐭮𐭮𐭮
widimušt	𐭮𐭮𐭮	xwar- ¹	- 𐭮𐭮
widestīg	𐭮𐭮𐭮𐭮	xwardan ¹	𐭮𐭮𐭮
widest	𐭮𐭮𐭮	widāxtan	𐭮𐭮𐭮
wad	𐭮	wadxēm	𐭮𐭮
wadwāzag	𐭮𐭮𐭮	widār	𐭮
widang	- 𐭮	widār-	- 𐭮
wadkāmāgīh	𐭮𐭮𐭮	widārīdan	𐭮𐭮𐭮
wadkāmāg	𐭮𐭮𐭮	widārdan	𐭮𐭮𐭮
wadagīh	𐭮𐭮	widāz-	- 𐭮
wadag	𐭮	widāzih-	- 𐭮
wider-	- 𐭮	widāzihistan	𐭮𐭮𐭮
widarag	𐭮𐭮	wadbaxt	𐭮𐭮
¹⁻² pāy- ¹	- 𐭮	wadīh	𐭮
¹⁻² pādan ¹	𐭮𐭮	wad-dil	𐭮𐭮
widardan	𐭮𐭮	wadgōhr	𐭮𐭮
widest	𐭮𐭮	wider-	- 𐭮
widaštan	𐭮𐭮𐭮	widerān	𐭮𐭮

zardēōbag	[114] 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠𐭥𐭠	zāy- ¹	[113] 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠
zam	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠	zāyišnig ¹	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠
zamīg	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠	zāyišn ¹	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠
zamān	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠	zādan ¹	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠
zastan	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠	1-2zrēh	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠
zafar	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠	zarrēn	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠
zadār	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠	zargōnih	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠
zadan	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠	zargōn	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠
zadūg	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠	zarīgōmand	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠
zaxm	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠	zarīg	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠
kāh-	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠	zarr(i)gar	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠
kāhēn-	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠	kār- ¹	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠
kāhēnidan	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠	kištār ¹	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠
kāhīdan	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠	kištan ¹	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠
kāhišn	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠	zalūg	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠
kāskēnēn	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠	zraw-	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠
kāskēn	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠	zarwān	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠
kāskēnag	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠	zruftan	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠
hammis ¹ , hāmist ¹	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠	zarmānih	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠
kahwan	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠	zarmān	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠
-gānag	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠	zardālūg	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠
kayk	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠	zardih	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠
kākom	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠	zard	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠
-gār	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠	Zardu(x)št	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠
		zardag, zardak	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠

zūzag	[112] 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠	zīndagih	[111] 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠
zōr, zūr	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠	zīndakkar	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠
zōrōmand	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠	zīndag	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠
zūrgugāy	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠	xrīdan ¹	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠
zūrgugāyih	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠	zī(wi)stan	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠
zōrīg	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠	zī(w)išnōmand	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠
zurwān	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠	zī(w)išnih	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠
zofāy	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠	zī(w)išn	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠
zofāyih	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠	zīrak	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠
zofr	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠	zēfān	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠
zofrāy	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠	zišt	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠
zofr-pāyag	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠	zayt	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠
zanjīr	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠	zan-	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠
zanišn	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠	zōhr	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠
zōtīh, zūdīh	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠	duzd ¹	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠
zōt, zūd	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠	zuwān	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠
wahīg ¹	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠	1-2zand	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠
ān ¹	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠	zang	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠
any ¹	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠	zanīh	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠
nar ¹	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠	zandikih	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠
nibēs- ¹	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠	zandīk	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠
nibištan ¹	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠	zangīg	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠
ōzan- ¹	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠	zandag	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠
ōzadan ¹	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠	zandbed	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠
1-2zrēh	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠	zan	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠

kan-	[118] -۱۹	kēnwar	[117] و ۱۳
har(w) ^t	۱۹	kēnwarīh	و ۱۳
kanār, kennār	و ۱۳	kayak	و ۱۳
kanāragōmand	و ۱۳	kēr	و ۱۳
kanārag	و ۱۳	kirrōgīh	و ۱۳
kennārsrāy	و ۱۳	kirrōg	و ۱۳
kōxš-	و ۱۳	kem	و ۱۳
kōxšīdan	و ۱۳	kēsar	و ۱۳
kōxšīšnīg	و ۱۳	sang ^t	و ۱۳
kōxšīšn	و ۱۳	kēwūd	و ۱۳
kawādak	و ۱۳	keč	و ۱۳
kōy	و ۱۳	kēš, kiš	و ۱۳
nay ^t	و ۱۳	keš-	و ۱۳
kundāgīh	و ۱۳	kēšdār	و ۱۳
kundāg	و ۱۳	kešīdan	و ۱۳
nayestān ^t	و ۱۳	kišwān	و ۱۳
kandan	و ۱۳	kišwānzār	و ۱۳
kanīg	و ۱۳	kišw	و ۱۳
kanīzag	و ۱۳	kišwar	و ۱۳
xwān- ^t	و ۱۳	kišwzār	و ۱۳
xwandan ^t	و ۱۳	kištan	و ۱۳
-gen	و ۱۳	kēdīgīh	و ۱۳
nūn ^t	و ۱۳	kēd	و ۱۳
kun-	و ۱۳	-ag, -ak	و ۱۳
warrag ^t	و ۱۳	ōh ^t	و ۱۳

kāmaghanjāmīh	[116] و ۱۳	1- ^o kār	[115] و ۱۳
kāmagxwadāy	و ۱۳	kār-	و ۱۳
kāmgār	و ۱۳	wāng ^t	و ۱۳
1- ^o kāmag	و ۱۳	² kār-ān	و ۱۳
kāmawidār	و ۱۳	kārāgāh	و ۱۳
kāmrawāg	و ۱۳	kārāgāhīh	و ۱۳
kāmīstan	و ۱۳	kārdāg	و ۱۳
kāstār	و ۱۳	kārīgīh	و ۱۳
kāstan	و ۱۳	kārīg	و ۱۳
kāč	و ۱۳	kārezār	و ۱۳
kābēn	و ۱۳	kārawānīg	و ۱۳
kāpūr	و ۱۳	kārawān	و ۱۳
kādāg	و ۱۳	kārnāmag	و ۱۳
was ^t	و ۱۳	kahrubāy	و ۱۳
wasxwāstag ^t	و ۱۳	kālbodōmand	و ۱۳
² kay	و ۱۳	kālbod	و ۱۳
drō ^t	و ۱۳	kārframān	و ۱۳
drōdādwarīh ^t	و ۱۳	kārd	و ۱۳
keh	و ۱۳	kām	و ۱۳
kahist	و ۱۳	kām-	و ۱۳
gōspand ^t	و ۱۳	ārd ^t	و ۱۳
kēwān	و ۱۳	kāmīstan	و ۱۳
kēnīg	و ۱۳	kāmziwišn	و ۱۳
-gēn	و ۱۳	kāmāgōmand	و ۱۳
kēn	و ۱۳	kāmaghanjām	و ۱۳

kardagān	[122] 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	karbāš	[121] 𐭠𐭣𐭥𐭥
¹⁻² kardāg	𐭠𐭣𐭥𐭥	karbūg	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
kam	𐭠𐭣	karg	𐭠𐭣𐭥
kamāndār	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	kirih-	𐭠𐭣𐭥-
kamān	𐭠𐭣𐭥	aškamb ¹	𐭠𐭣𐭥𐭥
kamāl	𐭠𐭣𐭥𐭥	kirrēn-	𐭠𐭣𐭥-
kamālīg	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	kirrēnīdan	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
kamistih	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	kilēl	𐭠𐭣𐭥𐭥
kamist	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	diz ¹	𐭠𐭣𐭥𐭥
kamzōr	𐭠𐭣𐭥𐭥	xwān- ¹	𐭠𐭣𐭥𐭥
kamzōrih	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	xwandan ¹	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
kamar	𐭠𐭣𐭥	kulang	𐭠𐭣𐭥𐭥
kamarband	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	kirrōg	𐭠𐭣𐭥𐭥
mayg ¹	𐭠𐭣𐭥𐭥	aškamb ¹	𐭠𐭣𐭥𐭥
arz ¹	𐭠𐭣𐭥𐭥	kargās	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
kastār	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	karkēhan	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
kastārih	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	kark	𐭠𐭣𐭥
kehtar	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	karm, kirm	𐭠𐭣𐭥𐭥
kaf	𐭠𐭣	karmīr	𐭠𐭣𐭥𐭥
kaf-	𐭠𐭣-	karb, kirb	𐭠𐭣𐭥
kabāh	𐭠𐭣𐭥	karafs	𐭠𐭣𐭥𐭥
kabārag	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	karbuḡ	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
kabīg	𐭠𐭣𐭥𐭥	karzang	𐭠𐭣𐭥𐭥
kabīz	𐭠𐭣𐭥	kardār	𐭠𐭣𐭥𐭥
kabōd	𐭠𐭣𐭥𐭥	kardārih	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥

kirbakkarīh	[120] 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	kundur	[119] 𐭠𐭣𐭥𐭥
kirbag, kōfag	𐭠𐭣𐭥𐭥	kūn	𐭠𐭣𐭥
kōftan	𐭠𐭣𐭥𐭥	kūnmarz	𐭠𐭣𐭥𐭥
kūč	𐭠𐭣	kunjid	𐭠𐭣𐭥𐭥
kūčak	𐭠𐭣𐭥	kunjid	𐭠𐭣𐭥𐭥
kōš-, kuš-	𐭠𐭣𐭥-	kunišngar	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
kōšīdan	𐭠𐭣𐭥𐭥	kunišn	𐭠𐭣𐭥𐭥
kōšk	𐭠𐭣𐭥	karak, kūk	𐭠𐭣𐭥
kuštan	𐭠𐭣𐭥𐭥	kōr	𐭠𐭣
kardār	𐭠𐭣𐭥𐭥	kulāf	𐭠𐭣𐭥
kardārih	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	kulāčag, kulāfak	𐭠𐭣𐭥𐭥
kantigr	𐭠𐭣𐭥	kōrdil	𐭠𐭣𐭥𐭥
kard	𐭠𐭣	kullag, kurrag	𐭠𐭣𐭥
kandan, kardan	𐭠𐭣𐭥	kurkum	𐭠𐭣𐭥𐭥
kardagān	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	kumīg	𐭠𐭣𐭥𐭥
kardagār	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	kustīg	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
² kardag, kōdak	𐭠𐭣𐭥𐭥	¹⁻² kust	𐭠𐭣𐭥𐭥
kardespās	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	kōstan	𐭠𐭣𐭥𐭥
ahy ¹	𐭠𐭣	kustag	𐭠𐭣𐭥𐭥
dandān ¹	𐭠𐭣𐭥	kustagbed	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
karr, -gar	𐭠𐭣	kōf	𐭠𐭣
kar-	𐭠𐭣-	kōb-	𐭠𐭣-
karān	𐭠𐭣𐭥	kōfiḡ	𐭠𐭣𐭥𐭥
karāwuš	𐭠𐭣𐭥𐭥	kirbagīḡ	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
¹ sag ¹	𐭠𐭣𐭥	kirbakkar	𐭠𐭣𐭥𐭥

rād	[126]	رَاد	rān-	[125]	رَانَ -
daw- ^I		دَاو -	abāz ^I		اَبَاز
¹ dawistan ^I		دَاوِستان	abāzsār ^I		اَبَازسَار
¹ dawīdan ^I		دَاوِیدان	abāzsārīh ^I		اَبَازسَارِیْه
(21 ^N)		کابا	rān		رَانَ
wuzurg ^I		وَزُرگ	rahag		رَاهَاگ
wuzurgīh ^I		وَزُرگِیْه	ul ^I		اُول
wuzurg-framādār ^I		وَزُرگ فرامادار	ulih ^I		اُولِیْه
dīl ^I		دِیْل	ulāmādān ^I		اُولامادان
warr ^I		وَرر	rām		رَام
dīl ^I		دِیْل	nān ^I		نَان
riy-		رِی -	rāmēn-		رَامِیْن -
riyahrih		رِیْاْهِرِیْه	rāmēnīdan		رَامِیْنِیدان
rēxtan		رِیْختان	rāmišnīg		رَامِیْشْنِیْگ
ray, rah, (22 ^N)		رِیْ	rāmišn		رَامِیْشْن
rah		رِیْ	rāspīg		رَامِیْشْنِیْگ
rasan		رِیْسان	rāstīh		رَامِیْشْنِیْگِیْه
rasūg		رِیْسَاگ	rāst		رَامِیْشْنِیْگِیْه
īm ^I		یْم	rāz		رَامِیْشْنِیْگِیْه
rēg		رِیْگ	rāzīg		رَامِیْشْنِیْگِیْه
šab ^I		شَاب	rāzkkirrōg		رَامِیْشْنِیْگِیْه
pāy ^I		پَاي	lābag		لَابَاگ
rēm		رِیْم	lābakkar		لَابَاکْکَار
rēmanīh		رِیْمَانِیْه	lābakkarīh		لَابَاکْکَارِیْه
rēman		رِیْمَان	rādīh		رَادِیْه

kadag	[124]	کَادَاگ	kabōtar	[123]	کَابَوْتَار
mān- ^I		مَان -	kabkanjīr		کَابْکَنْجِیْر
mānistan ^I		مَانِستان	kabk		کَابْک
māndan ^I		مَانْدان	kafč		کَافْچ
man ^I , wīst ^N		مَان	kafčag		کَافْچَاگ
nē ^I		نِی	kafš		کَافْش
rah-		رَاه -	kafšag		کَافْشَاگ
rah-		رَاه -	kafšgar		کَافْشَاگَار
rah, (23 ^N)		رَاه	kaftan		کَافْتان
rāy, rāy		رَاي	kaš, kiš		کَاش, کِیْش
rāyōmand		رَايَمَانْد	keš-		کِیْش -
rāh		رَاه	kešīdan		کِیْشِیدان
rāhdār		رَاهْدَار	kišniz		کِیْشَنْیْز
rāhdārīh		رَاهْدَارِیْه	kašawag		کَاشَاوَاگ
rāyēn-		رَايِیْن -	kašk		کَاشْک
rāyēnāg		رَايِیْنَاگ	kaštīg		کَاشْکِیْگ
rāyēnīdārīh		رَايِیْنِیْدَارِیْه	kadār		کَادَار
rāyēnīdan		رَايِیْنِیدان	kadār-iz-ē(w)		کَادَارِیْزِیْه(و)
rāhnimāy		رَاهْنِیْمَاي	kadār-iz-ē(w)		کَادَارِیْزِیْه(و)
rāyēnišn		رَايِیْنِیْشْن	kadām		کَادَام
rahīgīh		رَاهِیْگِیْه	kadām-iz-ē(w)		کَادَامِیْزِیْه(و)
dūr ^I , rahīg		دُور	kahas		کَاهاس
dūr ^I , rahīg		دُور	kadagxwadāy		کَادَاگْخْوَادَاي
rāyišn		رَايِیْشْن	kadagbānūg		کَادَاگْبَانُوگ
			kadagīg		کَادَاگِیْگ

hazār ^N	[130]	𐭥𐭮𐭲	rōzāg	[129]	𐭥𐭮𐭲
sih ^N , tō ^I		𐭥𐭮	ranjēn-, rōzēn-		𐭥𐭮𐭲
ragīh		𐭥𐭮𐭲	ranjēnīdan, rōzēnīdan		𐭥𐭮𐭲
rag		𐭥𐭮	lawzēnag		𐭥𐭮𐭲
ašmā ^I , sihom		𐭥𐭮𐭲	rōzīg		𐭥𐭮𐭲
hazārag ^N		𐭥𐭮𐭲	rōzwārag		𐭥𐭮𐭲
larz-		𐭥𐭮	rōzan		𐭥𐭮𐭲
larzīdan		𐭥𐭮𐭲	ranjwar		𐭥𐭮𐭲
ram		𐭥𐭮	rōzward		𐭥𐭮𐭲
abgan- ^I		𐭥𐭮𐭲	rōzgār		𐭥𐭮𐭲
abgandan ^I		𐭥𐭮𐭲	ranjag, rōzag		𐭥𐭮𐭲
ramag		𐭥𐭮	rōzbānag		𐭥𐭮𐭲
ras-		𐭥𐭮	rōz-šabān		𐭥𐭮𐭲
rasēn-		𐭥𐭮	rōšnih		𐭥𐭮𐭲
rasēnīdan		𐭥𐭮𐭲	rōšn		𐭥𐭮𐭲
rahīg		𐭥𐭮𐭲	rōšnag		𐭥𐭮𐭲
rasīdan		𐭥𐭮𐭲	rōšngar		𐭥𐭮𐭲
rastārih		𐭥𐭮𐭲	rōdbār		𐭥𐭮𐭲
rastan		𐭥𐭮𐭲	rōdīgān		𐭥𐭮𐭲
rastag		𐭥𐭮𐭲	rōdīg		𐭥𐭮𐭲
lab		𐭥𐭮	1-2-rōd		𐭥𐭮
rubāy-		𐭥𐭮	rūdan		𐭥𐭮
līpī, rabih		𐭥𐭮	abāg ^I		𐭥𐭮
rapihwin		𐭥𐭮𐭲	rōstāg		𐭥𐭮𐭲
rapihwin		𐭥𐭮𐭲	raz, sad ^N		𐭥𐭮

rōyan, rōyēn	[128]	𐭥𐭮𐭲	ristāxēz	[127]	𐭥𐭮𐭲
randīdan		𐭥𐭮𐭲	rist		𐭥𐭮𐭲
pēš ^I		𐭥𐭮	1-2-ristag		𐭥𐭮𐭲
rōyišn		𐭥𐭮𐭲	rēz-		𐭥𐭮
sar ^I		𐭥𐭮	rēzišn		𐭥𐭮
nēstih ^I		𐭥𐭮𐭲	1-2-rēš		𐭥𐭮
nēst ^I		𐭥𐭮	rēšīdan		𐭥𐭮𐭲
rūn-		𐭥𐭮	rēšag		𐭥𐭮
rōn		𐭥𐭮	rēškēn		𐭥𐭮
ruzd		𐭥𐭮	rēškēnih		𐭥𐭮
ruzdih		𐭥𐭮	rištāg		𐭥𐭮
rōyn-xwardīg		𐭥𐭮	rīdan		𐭥𐭮
rōyn		𐭥𐭮	rēdak		𐭥𐭮
rūrāg		𐭥𐭮	raw -		𐭥𐭮
jāwēdān ^I		𐭥𐭮	ruwānīg		𐭥𐭮
amā ^I		𐭥𐭮	ruwān		𐭥𐭮
rōspīgih		𐭥𐭮	rawāgīh		𐭥𐭮
rōspīg		𐭥𐭮	rawāgēn-		𐭥𐭮
rōstāg		𐭥𐭮	rawāgēnīdan		𐭥𐭮
randīdan, rustan		𐭥𐭮	rawāg		𐭥𐭮
rōb		𐭥𐭮	rawišnih		𐭥𐭮
rōb-		𐭥𐭮	rawišn		𐭥𐭮
rōbāh		𐭥𐭮	rang		𐭥𐭮
ranj, rōz		𐭥𐭮	1-2-rōy		𐭥𐭮
rōzānag		𐭥𐭮	rand-, rōy-		𐭥𐭮

māzdēs̄n	[134] 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	ʒām ^r	[133] 𐭠𐭥𐭥𐭥
mahist, māst	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	māns ^o r	𐭠𐭥𐭥𐭥
māzandar	𐭠𐭣𐭥𐭥	māns ^o rbar	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
māš, maxš	𐭠𐭥𐭥	māns ^o rspand	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
rōyn ^r	𐭠𐭥𐭥𐭥	māraspand	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
¹⁻² mādayān, mādiyān	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	mānbān	𐭠𐭥𐭥𐭥
		mānbed	𐭠𐭥𐭥𐭥
mādišt	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	mānišn	𐭠𐭥𐭥𐭥
mādagih	𐭠𐭥𐭥𐭥	māzanīg	𐭠𐭥𐭥𐭥
mādagig	𐭠𐭥𐭥𐭥	māzandar	𐭠𐭥𐭥𐭥
¹⁻² mādag	𐭠𐭥𐭥𐭥	māzdēs̄nīh	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
mādagwar	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	māzdēs̄n	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
mādar	𐭠𐭥𐭥𐭥	fradāg ^r	𐭠𐭥𐭥
āb ^r , mēx	𐭠𐭥𐭥	mār	𐭠𐭥𐭥
ābgēr:ag ^r	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	māl-, mār-	𐭠𐭥𐭥
mēhan	𐭠𐭥𐭥	mārāg	𐭠𐭥𐭥𐭥
mēzd	𐭠𐭥𐭥𐭥	mārīg	𐭠𐭥𐭥𐭥
may, meh	𐭠𐭥𐭥	mālīdan	𐭠𐭥𐭥𐭥
šahrestān ^r	𐭠𐭥𐭥	purr ^r	𐭠𐭥𐭥
mahist	𐭠𐭥𐭥𐭥	mārišnōmand	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
men-	𐭠𐭥𐭥	mārišn	𐭠𐭥𐭥𐭥
mōymard ^r	𐭠𐭥𐭥𐭥	mārdan	𐭠𐭥𐭥𐭥
menīdan	𐭠𐭥𐭥𐭥	mehmānīh	𐭠𐭥𐭥𐭥
mēnōg	𐭠𐭥𐭥	mehmān	𐭠𐭥𐭥𐭥
mēnōgwēn ^r	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	māzūēs̄nīh	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥

-(i)m	[132] 𐭠𐭥	rapihwin	[131] 𐭠𐭥𐭥𐭥
māh	𐭠𐭥𐭥	rapihwintar	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
māhīgān	𐭠𐭥𐭥𐭥	awar ^r	𐭠𐭥𐭥
māhīg	𐭠𐭥𐭥	rubūdan	𐭠𐭥𐭥𐭥
mayān	𐭠𐭥𐭥	raftār	𐭠𐭥𐭥
mayānag	𐭠𐭥𐭥𐭥	raz	𐭠𐭥
mayānjīgih	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	tar ^r , (tarr)	𐭠𐭥
mayānjīg	𐭠𐭥𐭥𐭥	lajan	𐭠𐭥
mehmānīh	𐭠𐭥𐭥𐭥	razūr	𐭠𐭥
mehmān	𐭠𐭥𐭥	razm	𐭠𐭥
māzdēs̄n	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	razmgāh	𐭠𐭥𐭥𐭥
māyišn	𐭠𐭥𐭥𐭥	tar ^r	𐭠𐭥 = 𐭠𐭥
zan- ^r	𐭠𐭥𐭥𐭥	Rašn	𐭠𐭥
zanišn ^r	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	laškar	𐭠𐭥𐭥
zadan ^r	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	laškarīgih	𐭠𐭥𐭥𐭥
¹⁻³ mān-	𐭠𐭥	laškarīg	𐭠𐭥𐭥𐭥
mānāgih	𐭠𐭥𐭥𐭥	raštan	𐭠𐭥𐭥
mānāg	𐭠𐭥𐭥	rištāg	𐭠𐭥𐭥
mānd	𐭠𐭥	radōmand	𐭠𐭥𐭥𐭥
māndagih	𐭠𐭥𐭥𐭥	radih	𐭠𐭥
māndag, mānīg	𐭠𐭥𐭥	rad	𐭠𐭥
māništ	𐭠𐭥𐭥𐭥	radunay	𐭠𐭥𐭥
māništāg	𐭠𐭥𐭥𐭥	radag	𐭠𐭥
mān	𐭠𐭥	ēdar ^r	𐭠𐭥
mānag	𐭠𐭥𐭥	radpassāg	𐭠𐭥𐭥𐭥

mazgit	[138] 𐭠𐭣𐭥𐭥	murdār	[137] 𐭠𐭥𐭥𐭥
miznē	𐭠𐭥𐭥	murwāg	𐭠𐭥𐭥𐭥
may'	𐭠𐭥	morwārīd	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
magas	𐭠𐭥𐭥	murwīzag	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
padīr- ^I	𐭠𐭥𐭥𐭥	murw	𐭠𐭥𐭥
padfīrišn ^I	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	murwniš	𐭠𐭥𐭥𐭥
padīriftan ^I	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	murnjēn-	𐭠𐭥𐭥𐭥
magind	𐭠𐭥𐭥	murnjēnīdan	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
makōg	𐭠𐭥𐭥𐭥	mōrd, murd	𐭠𐭥𐭥
1-2mar	𐭠𐭥	murdan	𐭠𐭥𐭥
marg	𐭠𐭥	mustōmand	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
margōmand	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	1-3must	𐭠𐭥𐭥
margarzān	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	mustabarmānd	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
margīh	𐭠𐭥𐭥	mustgar	𐭠𐭥𐭥𐭥
marw	𐭠𐭥	mōz	𐭠𐭥
šāh ^I	𐭠𐭥𐭥	mōzag	𐭠𐭥𐭥
šāhān šāh ^I	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	1-2nušk	𐭠𐭥𐭥
marag	𐭠𐭥	mušt	𐭠𐭥𐭥
bāmbišn ^I	𐭠𐭥𐭥𐭥	muštan	𐭠𐭥𐭥
marz	𐭠𐭥	mūdāg	𐭠𐭥𐭥
marz-	𐭠𐭥	muhrišn	𐭠𐭥𐭥𐭥
marčābukīh	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	mazg, mizd	𐭠𐭥
marčābuk	𐭠𐭥𐭥𐭥	mizdwar	𐭠𐭥𐭥
marzīdan	𐭠𐭥𐭥𐭥	frō(x)š- ^I	𐭠𐭥𐭥
marzangōš	𐭠𐭥𐭥𐭥	frōxtan ^I	𐭠𐭥𐭥𐭥

³ rhēzišnīh	[136] 𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	mēnōgwēnih ^I	[135] 𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
2-3mēzišn	𐭠𐭥𐭥𐭥	mēnōgīh	𐭠𐭥𐭥𐭥
mēš	𐭠𐭥𐭥	mēnōgīgīh	𐭠𐭥𐭥𐭥
mijūg	𐭠𐭥𐭥𐭥	mēnōgīg	𐭠𐭥𐭥𐭥
mēšag	𐭠𐭥𐭥𐭥	mēwag	𐭠𐭥𐭥
mēšsār	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	mowmard	𐭠𐭥𐭥𐭥
mēdyōzarm	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	mowbed	𐭠𐭥𐭥𐭥
mihōxt	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	menišnīg	𐭠𐭥𐭥𐭥
1az ^I	𐭠𐭥	menišn	𐭠𐭥𐭥𐭥
muhrag	𐭠𐭥𐭥	mēzd, mizd	𐭠𐭥𐭥
mang, mōy	𐭠𐭥	mēzdbān	𐭠𐭥𐭥𐭥
saxwan ^I	𐭠𐭥𐭥	miznē	𐭠𐭥𐭥𐭥
mōyēn	𐭠𐭥𐭥	mēy	𐭠𐭥𐭥
tis ^I , čiš ^I	𐭠𐭥𐭥	mayg	𐭠𐭥𐭥
tis-iz ^I	𐭠𐭥𐭥𐭥	mērag	𐭠𐭥𐭥
mōyag	𐭠𐭥𐭥	nāmag ^I	𐭠𐭥𐭥
muhr	𐭠𐭥	1abar ^I	𐭠𐭥
ōšmār- ^I	𐭠𐭥𐭥𐭥	sah- ^I	𐭠𐭥𐭥𐭥
ōšmārišn ^I	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	sahistan ^I	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
ōšmurdan ^I	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	sahišn ^I	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
kē ^I	𐭠𐭥	mij	𐭠𐭥
murdār	𐭠𐭥𐭥𐭥	1-2mēz-	𐭠𐭥
mōg	𐭠𐭥𐭥	mizīdan	𐭠𐭥𐭥𐭥
mōr	𐭠𐭥	mijūg	𐭠𐭥𐭥𐭥
mulān	𐭠𐭥𐭥	mijag, mizag	𐭠𐭥𐭥

sahmgen	[142] 𐭮𐭮𐭮𐭮	syāhag	[141] 𐭮𐭮𐭮𐭮
sahmgenih	𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮	gēhānīg	𐭮𐭮𐭮𐭮
sāstār	𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮	gēhān	𐭮𐭮𐭮𐭮
sāstārīh	𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮	sāxtārīh	𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮
sāz-	-𐭮𐭮	saxtīh	𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮
saxt	𐭮𐭮𐭮	saxt	𐭮𐭮𐭮
raw- ¹	- 𐭮𐭮𐭮	saxtan, sāxtan	𐭮𐭮𐭮𐭮
rawēn- ¹	- 𐭮𐭮𐭮𐭮	sāg, sāk	𐭮𐭮
rawēnīdan ¹	𐭮𐭮𐭮 𐭮𐭮𐭮𐭮	sāy-	- 𐭮𐭮
rawišn ¹	𐭮𐭮𐭮 𐭮𐭮𐭮	sahīgīh	𐭮𐭮𐭮𐭮
raftan ¹	𐭮𐭮𐭮 𐭮𐭮𐭮	sahīg, sāyag	𐭮𐭮𐭮
saxtag	𐭮𐭮𐭮	sās	- 𐭮𐭮
sabz	𐭮𐭮𐭮	sān	𐭮𐭮
šast ^N	𐭮𐭮	saxwan	𐭮𐭮𐭮
sī dīg	𐭮𐭮	sahōg	𐭮𐭮𐭮
haštād ^N	𐭮𐭮	sāk	𐭮𐭮
sagēn	𐭮𐭮	sārēn-	- 𐭮𐭮
nawad ^N	𐭮𐭮𐭮	sārēnīdan	𐭮𐭮𐭮 𐭮𐭮𐭮
sēn	𐭮𐭮	sālwār	𐭮𐭮𐭮𐭮
sēnag	𐭮𐭮𐭮	sālagīh	𐭮𐭮𐭮𐭮
sēn murw	𐭮𐭮𐭮 𐭮𐭮	sālag	𐭮𐭮𐭮
sēzd	𐭮𐭮𐭮	sahm	𐭮𐭮
sēzdēn	𐭮𐭮𐭮𐭮	sāmānōmand	𐭮𐭮𐭮 𐭮𐭮𐭮
haftād ^N	𐭮𐭮	sāmān	𐭮𐭮𐭮
darr- ¹	- 𐭮𐭮	sahmgēn	𐭮𐭮𐭮

mastōg	[140] 𐭮𐭮𐭮𐭮	marzobān	[139] 𐭮𐭮𐭮𐭮
mehtar	𐭮𐭮𐭮	marzišnīh	𐭮𐭮𐭮𐭮
mastarg	𐭮𐭮𐭮	marzišn	𐭮𐭮𐭮
mizagōmand	𐭮𐭮𐭮 𐭮𐭮	mardānagīh	𐭮𐭮𐭮 𐭮𐭮
mizagdārīh	𐭮𐭮𐭮 𐭮𐭮	mardānag	𐭮𐭮𐭮
mizag	𐭮𐭮	marčābukīh	𐭮𐭮𐭮 𐭮𐭮
rōyn ¹	𐭮𐭮𐭮	marčābuk	𐭮𐭮𐭮 𐭮𐭮
maškabarzēn	𐭮𐭮𐭮 𐭮𐭮𐭮	mard	𐭮𐭮
maškīzag	𐭮𐭮𐭮 𐭮𐭮	mardōm	- 𐭮𐭮
1-2mašk	𐭮𐭮𐭮	mardōmīh	𐭮𐭮 𐭮𐭮
deh ¹	𐭮𐭮	mardōmzādagīh	𐭮𐭮𐭮 𐭮𐭮𐭮
dehgān ¹	𐭮𐭮𐭮 𐭮𐭮	mardōmzādag	𐭮𐭮𐭮 𐭮𐭮𐭮
madār	𐭮𐭮	čē ¹	𐭮𐭮
mih	𐭮𐭮	čē-ēwēnagīh ¹	𐭮𐭮𐭮 𐭮𐭮
madan, 1-2mihr	𐭮𐭮	čē-ēwēnag ¹	𐭮𐭮 𐭮𐭮
mīhrōdruj	𐭮𐭮 𐭮𐭮	čēīh ¹	𐭮𐭮
mīhrōdrujīh	𐭮𐭮 𐭮𐭮 𐭮𐭮	-masāy	- 𐭮𐭮
mīhrdrōz	𐭮𐭮 𐭮𐭮	mēhtar	𐭮𐭮𐭮
mīhrzan	𐭮𐭮 𐭮𐭮	mēhtarīh	𐭮𐭮𐭮
mīhrōdruj	𐭮𐭮 𐭮𐭮	mehēn-	- 𐭮𐭮
mīhrōdrujīh	𐭮𐭮 𐭮𐭮 𐭮𐭮	mehēnīdan	𐭮𐭮 𐭮𐭮
mīhrbān	𐭮𐭮 𐭮𐭮	mehēnišn	𐭮𐭮 𐭮𐭮
see also 𐭮𐭮, 𐭮𐭮, 𐭮𐭮	𐭮𐭮	mast	𐭮𐭮
giyāh, syā	𐭮𐭮	mistan	𐭮𐭮
		mastōgīh	𐭮𐭮 𐭮𐭮

spēd	[146] 𐭮𐭥𐭥𐭥	sardsēr	[145] 𐭮𐭥𐭥𐭥
spēdag	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	sīsīambar	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
spēdbāg	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	sīsīambar	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
spenāg	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	N.B. Any word with initial °	𐭮𐭥𐭥
spōxtan	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	may appear written as °	𐭮𐭥𐭥
spandān	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	spāh	𐭮𐭥𐭥
Spandarmad	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	dēbahr, spīhr, spaxr	𐭮𐭥𐭥𐭥
sabuk	𐭮𐭥𐭥𐭥	spāhbed	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥
spul	𐭮𐭥𐭥𐭥	spās	𐭮𐭥𐭥𐭥
spurrīgih	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	spāsdār	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥
spurrīg	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	spāsdārīh	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
spurdan	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	spāsešnās	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
spōz	𐭮𐭥𐭥𐭥	dēbāg	𐭮𐭥𐭥𐭥
spōz-	𐭮𐭥𐭥𐭥-	spāsōmand	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
spinjānagīh	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	spāš	𐭮𐭥𐭥𐭥
spōzīgār	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	spīhr	𐭮𐭥𐭥𐭥
spōzišn	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	spīhrīg	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥
sabz	𐭮𐭥𐭥𐭥	spenāg	𐭮𐭥𐭥𐭥
spazg	𐭮𐭥𐭥𐭥	spīg	𐭮𐭥𐭥𐭥
spazgih	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	spīz-	𐭮𐭥𐭥𐭥-
spar	𐭮𐭥𐭥𐭥	spīzišn	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥
spar-	𐭮𐭥𐭥𐭥-	spīš	𐭮𐭥𐭥𐭥
sprahm	𐭮𐭥𐭥𐭥	spitāmān	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥
sprahmag	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	spēd-dār	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥
spurz	𐭮𐭥𐭥𐭥		

gāy- ^I	[144] 𐭮𐭥𐭥𐭥-	darrīdan ^I	[143] 𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥
gādan ^I	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	sagr	𐭮𐭥𐭥𐭥
wattar ^I	𐭮𐭥𐭥𐭥	sagrīh	𐭮𐭥𐭥𐭥
wattarih ^I	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	sēm	𐭮𐭥𐭥
srawēn-	𐭮𐭥𐭥𐭥-	sēb, sēj	𐭮𐭥𐭥
srawēnīdan	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	sējōmand	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥
srūwēn	𐭮𐭥𐭥𐭥	sēzdah	𐭮𐭥𐭥𐭥
sarw, sraw, srū	𐭮𐭥𐭥𐭥	sezd	𐭮𐭥𐭥𐭥
srūwar	𐭮𐭥𐭥𐭥	sezdēn	𐭮𐭥𐭥𐭥
sarw	𐭮𐭥𐭥𐭥	kārd ^I	𐭮𐭥𐭥𐭥
bar- ^I	𐭮𐭥𐭥𐭥-	sagēn	𐭮𐭥𐭥𐭥
burdan ^I	𐭮𐭥𐭥𐭥	dēg, ² sag, sik	𐭮𐭥𐭥𐭥
srub	𐭮𐭥𐭥𐭥	sar	𐭮𐭥𐭥𐭥
srubēn	𐭮𐭥𐭥𐭥	sel	𐭮𐭥𐭥𐭥
Srōš	𐭮𐭥𐭥𐭥	srāy	𐭮𐭥𐭥𐭥
srōšīg	𐭮𐭥𐭥𐭥	¹⁻² srāy-	𐭮𐭥𐭥𐭥-
srōd	𐭮𐭥𐭥𐭥	srāyišnīh	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥
srūdan	𐭮𐭥𐭥𐭥	srāyišn	𐭮𐭥𐭥𐭥
sarmāg	𐭮𐭥𐭥𐭥	sarāsar	𐭮𐭥𐭥𐭥
srub	𐭮𐭥𐭥𐭥	srāyīdan	𐭮𐭥𐭥𐭥
srešk	𐭮𐭥𐭥𐭥	sraxtag	𐭮𐭥𐭥𐭥
srištan	𐭮𐭥𐭥𐭥	wad ^I	𐭮𐭥𐭥𐭥
sardīh	𐭮𐭥𐭥𐭥	sargēn	𐭮𐭥𐭥𐭥
sard, srat	𐭮𐭥𐭥𐭥	srišwadag	𐭮𐭥𐭥𐭥
sardag	𐭮𐭥𐭥𐭥	srešk	𐭮𐭥𐭥𐭥

pāyag	[150] 𐭯𐭥𐭥𐭥	starōšmur	[149] 𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
pānāgih	𐭯𐭥𐭥𐭥𐭥	starwan	𐭥𐭥𐭥𐭥
pānāg	𐭯𐭥𐭥𐭥	stardih	𐭥𐭥𐭥𐭥
-bān	𐭥𐭥𐭥 -	stard	𐭥𐭥𐭥𐭥
pānagih	𐭯𐭥𐭥𐭥𐭥	stabr	𐭥𐭥𐭥𐭥
pānag	𐭯𐭥𐭥𐭥	stabrih	𐭥𐭥𐭥𐭥
pānzdah	𐭯𐭥𐭥𐭥𐭥	stabrag	𐭥𐭥𐭥𐭥
pākīzag	𐭯𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	staft	𐭥𐭥𐭥𐭥
pāk	𐭯𐭥𐭥𐭥		
pālāy-	𐭯𐭥𐭥𐭥𐭥 -	pah, pāy	𐭥𐭥𐭥
pālūdan	𐭯𐭥𐭥𐭥𐭥	pahnāy	𐭥𐭥𐭥𐭥
pālūdag	𐭯𐭥𐭥𐭥𐭥	pahn	𐭥𐭥𐭥𐭥
1-2pārag	𐭯𐭥𐭥𐭥𐭥	pāyag	𐭯𐭥𐭥𐭥
pārsīg	𐭯𐭥𐭥𐭥𐭥	paygāl	𐭯𐭥𐭥𐭥
pāsox	𐭯𐭥𐭥𐭥𐭥	1-2pahrēxtan	𐭯𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
pāsbānīh	𐭯𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	pahrēz	𐭯𐭥𐭥𐭥𐭥
pāsbān	𐭯𐭥𐭥𐭥𐭥	1-2pahrēz-	𐭯𐭥𐭥𐭥𐭥 -
pāzen	𐭯𐭥𐭥𐭥	pahlawīg	𐭯𐭥𐭥𐭥𐭥
pāzand	𐭯𐭥𐭥𐭥	pahlūg	𐭯𐭥𐭥𐭥𐭥
pāzen	𐭯𐭥𐭥𐭥	pahlom	𐭯𐭥𐭥𐭥𐭥
pāšnag	𐭯𐭥𐭥𐭥𐭥	pahlomih	𐭯𐭥𐭥𐭥𐭥
pāšom	𐭯𐭥𐭥𐭥𐭥	paygālgar	𐭯𐭥𐭥𐭥𐭥
paxšag	𐭯𐭥𐭥𐭥	pahast	𐭯𐭥𐭥𐭥𐭥
pādyāwand	𐭯𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	1pāy-	𐭯𐭥𐭥𐭥 -
pādyāwandih	𐭯𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	pās	𐭯𐭥𐭥𐭥

gētīg, stī	[148] 𐭥𐭥𐭥𐭥	see also 𐭥𐭥𐭥	[147] 𐭥𐭥𐭥
stēndag	𐭯𐭥𐭥𐭥	1-2saz-	𐭯𐭥𐭥 -
sidīg, stēy	𐭯𐭥𐭥𐭥	sazāgih	𐭯𐭥𐭥𐭥
sidīgar	𐭯𐭥𐭥𐭥	sazāg	𐭯𐭥𐭥𐭥
stēr	𐭯𐭥𐭥𐭥	sazāgwār	𐭯𐭥𐭥𐭥
stēzag	𐭯𐭥𐭥𐭥	sazistan	𐭯𐭥𐭥𐭥
stōwih	𐭯𐭥𐭥𐭥	1sazišnīh	𐭯𐭥𐭥𐭥
stōwēn-	𐭯𐭥𐭥𐭥 -	2sazišnīg	𐭯𐭥𐭥𐭥
stōwēnīdan	𐭯𐭥𐭥𐭥𐭥	1-2sazišn	𐭯𐭥𐭥𐭥
stō	𐭯𐭥𐭥𐭥	gētīg	𐭯𐭥𐭥𐭥 / 𐭯𐭥𐭥𐭥
Sadwēs	𐭯𐭥𐭥𐭥	gētīgīg	𐭯𐭥𐭥𐭥
dīdan	𐭯𐭥𐭥𐭥	stāy-	𐭯𐭥𐭥𐭥 -
-istan	𐭯𐭥𐭥𐭥 -	stāyišnīg	𐭯𐭥𐭥𐭥
stūn	𐭯𐭥𐭥𐭥	stāyišn	𐭯𐭥𐭥𐭥
stūnag	𐭯𐭥𐭥𐭥	didār	𐭯𐭥𐭥𐭥
stōr, stūr	𐭯𐭥𐭥𐭥	stārag	𐭯𐭥𐭥𐭥
sturg	𐭯𐭥𐭥𐭥	stahm	𐭯𐭥𐭥𐭥
stūrīh	𐭯𐭥𐭥𐭥	stambagih	𐭯𐭥𐭥𐭥
stōrgāh	𐭯𐭥𐭥𐭥	stambag	𐭯𐭥𐭥𐭥
stōrbān	𐭯𐭥𐭥𐭥	stahmīh	𐭯𐭥𐭥𐭥
stard	𐭯𐭥𐭥𐭥	stahmagih	𐭯𐭥𐭥𐭥
*stōš	𐭯𐭥𐭥𐭥	stahmag	𐭯𐭥𐭥𐭥
stūdan	𐭯𐭥𐭥𐭥	stāyīdan	𐭯𐭥𐭥𐭥
star	𐭯𐭥𐭥𐭥	sudāb	𐭯𐭥𐭥𐭥
starōšmār	𐭯𐭥𐭥𐭥𐭥	stī	𐭯𐭥𐭥𐭥

1-2pēšag	[154] 𐭮𐭥𐭥𐭥	pērōzgarīh	[153] 𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
pēšpārag	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	pīlbān	𐭮𐭥𐭥𐭥
petyāragih	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	pēm, pīm	𐭮𐭥
petyārag	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	pēmēn-	- 𐭮𐭥
paydāgih	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	pēmēnīdan	𐭮𐭥𐭥𐭥
paydāgih-	- 𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	pīmgēn	𐭮𐭥𐭥𐭥
paydāgihistan	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	pēs-	- 𐭮𐭥
paydāgēn-	- 𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	pēsīdan	𐭮𐭥𐭥𐭥
paydāgēnīdan	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	pēsīšn	𐭮𐭥𐭥𐭥
paydāg	𐭮𐭥𐭥𐭥	pestān	𐭮𐭥𐭥𐭥
paygām	𐭮𐭥𐭥	pēc-	- 𐭮𐭥
paygāmbar	𐭮𐭥𐭥𐭥	pēcīdan	𐭮𐭥𐭥
petitīgih	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	pēš	𐭮𐭥
petitīg	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	pēšānīg	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥
petit	𐭮𐭥𐭥𐭥	pēšōbāy	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥
1-2pid	𐭮𐭥	pēšōbāyīh	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
panāh	𐭮𐭥𐭥	pēšār	𐭮𐭥𐭥
panāhīh	𐭮𐭥𐭥𐭥	pēšārwār	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥
1-2puhl	𐭮𐭥𐭥	pēšgāh	𐭮𐭥𐭥𐭥
puhlēn-	- 𐭮𐭥𐭥	pēšēnīg	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥
puhlēnīdan	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	pēšēmāl	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥
frāz	𐭮𐭥𐭥	pēšēmālīh	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
pōhišn	𐭮𐭥𐭥𐭥	pēšōbāy	𐭮𐭥𐭥𐭥
poxtan	𐭮𐭥𐭥𐭥	pēšōbāyīh	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥
nēm ¹	𐭮𐭥	pēškār, pēšyār	𐭮𐭥𐭥𐭥

padām	[152] 𐭮𐭥𐭥	pāduzwānīh	[151] 𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
payādag	𐭮𐭥𐭥𐭥	pāduzwān	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥
1-2pay, pīh	𐭮𐭥	pādixšā(y)	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
pas, 1-2pay	- 𐭮𐭥	pādixšāyīh	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
pēs	- 𐭮𐭥	pādixšīr	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥
pēsīšn	𐭮𐭥𐭥𐭥	pādyāb	𐭮𐭥𐭥𐭥
passand	- 𐭮𐭥	pādyābīh	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥
passand-	- 𐭮𐭥	pādāšn	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥
passandišnīg	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	pādīrān-	- 𐭮𐭥
passandišn	𐭮𐭥𐭥𐭥	pādīrānēn-	- 𐭮𐭥
passandišnīdan	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	pādīrānēnīdan	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
penīh	𐭮𐭥𐭥	pādīrānīdan	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥
pen	𐭮𐭥	pādīrān	𐭮𐭥𐭥𐭥
payg	𐭮𐭥	pāymār	𐭮𐭥𐭥𐭥
pīr	𐭮𐭥	pādēz	𐭮𐭥𐭥
pīl	𐭮𐭥	¹ pādan	𐭮𐭥𐭥
payrāy-	- 𐭮𐭥	pādofrāh	𐭮𐭥𐭥𐭥
filāsōfā	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	pādzahr	𐭮𐭥𐭥𐭥
payrāyag	𐭮𐭥𐭥𐭥	pāygōs	𐭮𐭥𐭥𐭥
pērāmōn	𐭮𐭥𐭥𐭥	pādrōzag	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥
payrāstan	𐭮𐭥𐭥𐭥	pāyram	𐭮𐭥𐭥
pīrīh	𐭮𐭥𐭥	pādrāzm	𐭮𐭥𐭥𐭥
pērōz	𐭮𐭥𐭥	pādīfrāh	𐭮𐭥𐭥𐭥
pērōzīh	𐭮𐭥𐭥𐭥	arzan ¹ , gāwars ¹	𐭮𐭥
pērōzgar	𐭮𐭥𐭥𐭥	pih	𐭮𐭥𐭥

frahixtan	[158] 𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	potk, pūdag	[157] 𐭠𐭥𐭥𐭥
frahixtag	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	pazzām-	- 𐭠𐭥𐭥𐭥
frayādišnīg	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	pazzāmēn-	- 𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
frayādišn	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	pazzāmēnīdan	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
frāy	𐭠𐭥𐭥	pazzāmēnišn	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
frādahišnīh	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	pazzāftan	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
frahist	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	pazd	𐭠𐭥𐭥
farroxih	𐭠𐭥𐭥𐭥	pazd-	- 𐭠𐭥𐭥
farrox	𐭠𐭥𐭥	pazdēn-	- 𐭠𐭥𐭥𐭥
𐭠xwāh- ¹	- 𐭠𐭥𐭥𐭥	pazdēnīdan	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
xvastan ²	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	pazdagīh	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
frārāst	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	pazūg	𐭠𐭥𐭥𐭥
frārōnih	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	pāymār ¹	𐭠𐭥𐭥𐭥
frārōn	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	parr	𐭠𐭥𐭥
frāmōš	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	frahang	𐭠𐭥𐭥𐭥
frāmōš-	- 𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	frāxīh	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
frāmuštan	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	frāxēn-	- 𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
frahist	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	frāxēnīdan	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
parrag	𐭠𐭥𐭥𐭥	frahangestān	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
freh	𐭠𐭥𐭥	frāx	𐭠𐭥𐭥𐭥
pardāxtan	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	parāhōm	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
frehbūdīh	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	frahanj-	- 𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
frehbūd	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	frayād-	- 𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
pardāz-	- 𐭠𐭥𐭥𐭥	frayādīdan	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
pardaxtan, parrēxtan	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	frayād	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥

pōlāwad	[156] 𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	pand, (nēm ¹)	[155] 𐭠𐭥𐭥
purgāh	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	pōy-	- 𐭠𐭥𐭥
purrxwarrah ¹	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	penīh	𐭠𐭥𐭥𐭥
pōryōtkēš	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	pus	𐭠𐭥𐭥
pōryōtkēših	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	frazand	𐭠𐭥𐭥𐭥
purñāy	𐭠𐭥𐭥𐭥	frazandih	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
purr-rawišnīh	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	panir	𐭠𐭥𐭥
purrmāh	𐭠𐭥𐭥𐭥	pondik	𐭠𐭥𐭥
purrsardag	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	pōyišnīg	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
dahān ¹	𐭠𐭥𐭥𐭥	pad ¹ , pen	𐭠𐭥𐭥
pusyān	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	padgōhr	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
pusar	𐭠𐭥𐭥𐭥	padnērōg	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
pōstē ¹	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	padnigerišn	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
pōst	𐭠𐭥𐭥𐭥	padwizēn	𐭠𐭥𐭥𐭥
panj, pōz	𐭠𐭥𐭥	padzyān	𐭠𐭥𐭥𐭥
panjāh	𐭠𐭥𐭥𐭥	purs-	- 𐭠𐭥𐭥
panjag, pōzag	𐭠𐭥𐭥𐭥	pursīdan	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
pōš-	- 𐭠𐭥𐭥	pursišnīg	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
pōšīdan	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	pursišn	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
pōšīšn	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	padpānag	𐭠𐭥𐭥𐭥
puštībānīh	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	pa(č)čībāy-	- 𐭠𐭥𐭥𐭥
puštībān	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	pa(č)čībāgīh	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
pušt	𐭠𐭥𐭥𐭥	frazand	𐭠𐭥𐭥
puštag	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	pōr, purr	𐭠𐭥𐭥
pūdagīh	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	pōlāwadēn	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥

framōšīdan	[162] 𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	parwar-	[161] 𐭠𐭥𐭥𐭥
framuštan	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	parwarišn	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
framūdan	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	Frawardīn	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
frasāwand	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	Frawardīgān	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
frasāwandih	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	fraward	𐭠𐭥𐭥𐭥
frasp	𐭠𐭥𐭥𐭥	parwardan	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
parist-	𐭠𐭥𐭥𐭥	frawardag	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
paristār	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	franam-	𐭠𐭥𐭥𐭥
paristīdan	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	parwast	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
paristōg/k	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	parwastan	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
paristagih	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	franaftan	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
paristag	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	frušag	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
paristišn	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	frōd	𐭠𐭥𐭥𐭥
frabih	𐭠𐭥𐭥𐭥	frōdmānd	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
frazānagih	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	fragān, pillagān	𐭠𐭥𐭥𐭥
frazānag	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	parrag	𐭠𐭥𐭥
frazām	𐭠𐭥𐭥𐭥	fragān-, pargan-	𐭠𐭥𐭥
frazām-	𐭠𐭥𐭥𐭥	fragandan, pargandan	𐭠𐭥𐭥𐭥
frazāmēn-	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	framāy-	𐭠𐭥𐭥𐭥
frazāmēnīdan	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	framāyišn	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
frazām-pērōzih	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	framānburdār	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
frazāftar.	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	framān	𐭠𐭥𐭥𐭥
frazēn, parzīn	𐭠𐭥𐭥𐭥	framādār	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
frazaftan	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	framōš	𐭠𐭥𐭥𐭥
fraš, parš	𐭠𐭥𐭥𐭥	framōš-	𐭠𐭥𐭥𐭥

frawahr	[160] 𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	frasang	[159] 𐭠𐭥𐭥𐭥
parwāngāh	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	parragīg	𐭠𐭥𐭥𐭥
parwānagih	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	pargan-	𐭠𐭥𐭥
parwānag	𐭠𐭥𐭥𐭥	parwār	𐭠𐭥𐭥
frawār, parwāl	𐭠𐭥𐭥𐭥	pargandan	𐭠𐭥𐭥𐭥
frawār-, parwāl-	𐭠𐭥𐭥𐭥	pargūd	𐭠𐭥𐭥𐭥
parwālišn	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	frēg, parīg	𐭠𐭥𐭥
frawārdan	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	frēst-	𐭠𐭥𐭥𐭥
franām-	𐭠𐭥𐭥𐭥	frēstādan	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
franāmišn	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	frēstīdan	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
parwāz	𐭠𐭥𐭥	pargast	𐭠𐭥𐭥𐭥
franāftan	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	frēstag	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
Farrōbbāy	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	frēb	𐭠𐭥𐭥
Farrōbag } (read plu-)	𐭠𐭥𐭥	frēb-	𐭠𐭥𐭥
piring	𐭠𐭥𐭥	frēftār	𐭠𐭥𐭥𐭥
palang	𐭠𐭥𐭥	frēftan	𐭠𐭥𐭥𐭥
parnagān	𐭠𐭥𐭥𐭥	frēz, (frēb)	𐭠𐭥𐭥
palangmušk	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	pardaz-, parrēz-, (frēb-)	𐭠𐭥𐭥
parwand	𐭠𐭥𐭥	frēzwānih	𐭠𐭥𐭥𐭥
parwand-	𐭠𐭥𐭥	frēzwānīg	𐭠𐭥𐭥𐭥
parrōn	𐭠𐭥𐭥	frēzbānih	𐭠𐭥𐭥𐭥
frōgih-	𐭠𐭥𐭥𐭥	frēzbānīg	𐭠𐭥𐭥𐭥
frōgihistan	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	pardazišn	𐭠𐭥𐭥𐭥
frōg	𐭠𐭥𐭥	Fradadafš	𐭠𐭥𐭥𐭥
parrwar	𐭠𐭥𐭥		

pattūgih	[166] 𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	pattānōmand	[165] 𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
pattūg	𐭥𐭥𐭥𐭥	pattān	𐭥𐭥𐭥𐭥
paywastan	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	padēxih	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
paywastag	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	padēxēn-	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
pattūdan	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	padēxēnīdan	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
pahikār	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	padēx, [error for pih 𐭥𐭥𐭥]	𐭥𐭥𐭥𐭥
1-2pahikār-	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	padīr-	𐭥𐭥𐭥
pahikārdan	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	padīragih	𐭥𐭥𐭥𐭥
pahikāf-	𐭥𐭥𐭥𐭥	padīrag	𐭥𐭥𐭥
pahikāftan	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	padīriftan	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
pahikōb-	𐭥𐭥𐭥𐭥	padīrišn	𐭥𐭥𐭥𐭥
pahikōftan	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	1-2padisār	𐭥𐭥𐭥𐭥
pahikar	𐭥𐭥𐭥𐭥	padist-	𐭥𐭥𐭥𐭥
pahikaf-	𐭥𐭥𐭥𐭥	padistā(g)	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
pahikafišn	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	padistādan	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
pahikaftan	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	padīštān	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
payrāstan	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	-bed	𐭥𐭥-
payrōg	𐭥𐭥𐭥𐭥	1-2pid	𐭥𐭥
pahrmāh-	𐭥𐭥𐭥𐭥	paywāsag	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
pahrmāhāgih	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	paywūz-	𐭥𐭥𐭥
pah. . . āhišn	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	paywāzag	𐭥𐭥𐭥𐭥
paymāy-	𐭥𐭥𐭥𐭥	paywāzišn	𐭥𐭥𐭥𐭥
paymānīgih	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	paywand	𐭥𐭥𐭥
paymānīg	𐭥𐭥𐭥𐭥	paywand-	𐭥𐭥𐭥
paymān	𐭥𐭥𐭥𐭥		

paššīr-	[164] 𐭥𐭥𐭥𐭥	frašn	[163] 𐭥𐭥𐭥
paššīrišn	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	frašagirdig	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
paššīrišn	𐭥𐭥𐭥𐭥	frašagird	𐭥𐭥𐭥𐭥
paz-	𐭥𐭥	frašamurw	𐭥𐭥𐭥𐭥
pa(č)čēn	𐭥𐭥𐭥	fradāg	𐭥𐭥𐭥
pa(č)čībāy-	𐭥𐭥𐭥𐭥	fradom	𐭥𐭥𐭥
pa(č)čībāgih	𐭥𐭥𐭥𐭥	fradomih	𐭥𐭥𐭥𐭥
pašēmānih	𐭥𐭥𐭥𐭥	pardag	𐭥𐭥𐭥
pašēmān	𐭥𐭥𐭥𐭥	pambagēn	𐭥𐭥𐭥𐭥
pišiz	𐭥𐭥	pambag	𐭥𐭥𐭥
paššing	𐭥𐭥	passāxt	𐭥𐭥𐭥𐭥
pašn	𐭥𐭥	passāxtan	𐭥𐭥𐭥𐭥
pašom	𐭥𐭥𐭥	passox	𐭥𐭥𐭥
paššinj-	𐭥𐭥𐭥	passāz-	𐭥𐭥𐭥
paššinjīdan	𐭥𐭥𐭥𐭥	passāzišn	𐭥𐭥𐭥𐭥
paššinjag	𐭥𐭥𐭥𐭥	pasēn	𐭥𐭥
paššinjīšn	𐭥𐭥𐭥𐭥	pasēmāl	𐭥𐭥𐭥
pašm	𐭥𐭥	pasēmālīh	𐭥𐭥𐭥𐭥
pašmēn	𐭥𐭥𐭥	brīn- ¹	𐭥𐭥𐭥
pašt	𐭥𐭥	brīdan ¹	𐭥𐭥𐭥𐭥
paštag	𐭥𐭥𐭥	passazagih	𐭥𐭥𐭥𐭥
pad-	𐭥𐭥	passazag	𐭥𐭥𐭥
petyārag	𐭥𐭥𐭥𐭥	past, pist	𐭥𐭥𐭥
pattāy-	𐭥𐭥𐭥	pistag	𐭥𐭥𐭥
pattāyistan	𐭥𐭥𐭥𐭥	paššār-	𐭥𐭥𐭥

čōbag	[170] ۱۹۱۹	1-2čīnag	[169] ۱۹۲۹
čagād	۱۱۲۹	čīnišn	۱۳۲۹
čakōk	۱۹۱۹	čegāmag	۱۹۷۹
čakuč	۹۱۹	čegām-iz	۱۹۷۹
čagar	۱۹	čēr	۱۹
čirāy	۱۹	čēlāngar	۱۹
čarz	۱۹	čēlān	۱۲۱۹
čarag	۱۹	čēlāngar	۱۲۱۹
čarm	۱۹	čērīh	۱۹
čarb	۱۹	čērīh-	۱۹
čarbīh	۱۹	čērīhistan	۱۱۲۹
čarbišnōmand	۱۲۳۲۹	čim	۱۹
čarbišn	۱۳۲۹	čim-gōwāgīh	۱۲۳۲۹
čim	۱۹	čimīg	۱۲۳۲۹
čambar	۱۲۳۲۹	1-2čīdan	۱۱۲۹
čamišn	۱۳۲۹	čand, čang	۱۹
sang ¹	۱۹	čand-	۱۹
čašm	۱۹	čandīh	۱۲۳۲۹
čašmareškīh	۱۲۳۲۹	čandal	۱۹
čašmarešk	۱۲۳۲۹	čang-srāy	۱۲۳۲۹
čašmagāh	۱۲۳۲۹	čandišn	۱۲۳۲۹
čašmagāhīh	۱۲۳۲۹	1-2grīw ¹	۱۲۳۲۹
1-2čašmag	۱۲۳۲۹	čandīdan	۱۱۲۹
čašmdīd	۱۲۳۲۹	čōb	۱۲۳۲۹
čatrang	۱۲۳۲۹	čaw(la)gān	۱۲۳۲۹

čāšnīg	[168] ۱۲۳۲۹	paymānag	[167] ۱۲۳۲۹
čāšišn, čaxšišn	۱۲۳۲۹	paymōxtan	۱۱۲۹
čāšt	۱۲۳۲۹	paymōg	۱۲۳۲۹
čāštan	۱۱۲۹	paymōz-	-۹۱۲۹
1-2čāštag	۱۲۳۲۹	paymōzan	۱۱۲۹
čādūr	۱۲۳۲۹	paymūdan	۱۱۲۹
xīr ¹	۱۲۳۲۹	padisāy	۱۲۳۲۹
čēh-	-۱۲۳۲۹	padist	۱۲۳۲۹
čēh-widarag	۱۲۳۲۹	padiš	۱۲۳۲۹
čēhag	۱۲۳۲۹	padišxwar	۱۲۳۲۹
1-2čīhr	۱۲۳۲۹	-(i)z	-۹
čīhrēn-	-۱۲۳۲۹	čāh	۱۲۳۲۹
čīhrēnīdan	۱۱۲۹	čāhār	۱۲۳۲۹
čīhrīg	۱۲۳۲۹	čāhārdah	۱۲۳۲۹
čīhrag	۱۲۳۲۹	čāhārpāy	۱۲۳۲۹
čīhr-šnāsīh	۱۲۳۲۹	čār	۱۲۳۲۹
čēhišnīg	۱۲۳۲۹	čārūgēn	۱۲۳۲۹
čēhišn	۱۲۳۲۹	čārūg	۱۲۳۲۹
ēzm ¹	۱۲۳۲۹	čāraggarīh	۱۲۳۲۹
čiyōnīh	۱۲۳۲۹	čārag	۱۲۳۲۹
čiyōn	۱۱۲۹	čābukīh	۱۲۳۲۹
čīn-	-۱۲۳۲۹	čābuk	۱۲۳۲۹
čīnār	۱۲۳۲۹	čāš-	-۱۲۳۲۹
jīw	۱۲۳۲۹	čaxšāgīh	۱۲۳۲۹
čīnwad	۱۲(۱۲)۱۲۹	čāšīdan	۱۲۳۲۹

sālag ^I	[174] ۱۹۴ ۳۵	šnāsagīh	[173] ۴۵ ۳۵ ۳۵
škāf-	- ۳۵	šnāsag	۱۹۵ ۳۵
škāftan	۱۱۳ ۳۵ ۳۵	šnāyišn	۱۳ ۳۵ ۳۵
nibay- ^I	- ۱۳ ۳۵	šnāyīdan	۱۱۴ ۳۵ ۳۵
nibastan ^I	۱۱۳ ۱۳ ۳۵ ۳۵	šnāz	۳ ۳۵
ških-	- ۳۵ ۳۵	šnāz-	- ۳ ۳۵
šken(n)-	- ۲ ۳۵	šnāzīdan	۱۱۳ ۳ ۳۵
šken(n)išn	۱۳ ۳ ۳۵	šaw-	- ۲ ۳۵
škēbāgīh	۴۵ ۳۵ ۳ ۳۵	šawāg	۱۹۵ ۳ ۳۵
škēbāg	۱۹۵ ۳ ۳۵	šōy, šuy	۲ ۳۵
škeftīh	۴۵ ۳ ۳۵ ۳۵	šanēn	۱۲ ۳۵
škeft	۱۳ ۳ ۳۵	šōymand	۲ ۳۵ ۳۵
1-2škōh	۴ ۱۹۵	-išn	۱۳۵ -
škōhīh	۴۵ ۱۹۵	šan	۱۳۵
škōf-	- ۳ ۱۹۵	šnōhr	۱۳ ۱۳۵
škōfag	۱۹ ۳ ۱۹۵	šōnīg	۱۹ ۱۳۵
škoft	۱۳ ۳ ۱۹۵	šōn	۱۱۳۵
škuftan	۱۱۳ ۳ ۱۹۵	šnūg	۱۹ ۱۳۵
hur ^I , šakar	۳ ۳۵	šnūman	۱۱۶ ۱۳۵
škarw-	- ۲ ۳۵	šnōmag	۱۹۶ ۱۳۵
škarwīdan	۱۱۳ ۳ ۳۵ ۳۵	šnōšag	۱۹۴ ۱۳۵
škarag	۱۹ ۳ ۳۵	drōd ^I	- ۶ ۳۵
škastan	۱۱۳ ۳ ۳۵ ۳۵	šuhr	۳ ۳۵
škāft	۱۳ ۳ ۳۵	sāl ^I	۱۱۳ ۳۵
pādixšāy ^I	۴ ۳ ۳۵	sālagīh ^I	۴۵ ۳ ۳۵

Jaw ^I	[172] ۳۵	see also ۵ ۳۵	[171] ۵ ۳۵
Jawēn ^I	۱۲ ۳۵	-(i)š	۴۵ -
šewan	۱۱۳ ۳۵	šāh	۴۵ ۳۵
frēst- ^I	- ۱۱۲ ۳۵	šah-	- ۴۵ ۳۵
frēstādan ^I	۱۱۳ ۱۱۲ ۳۵	dēw ^I	۴۵ ۳۵ ۳۵
hil- ^I	- ۱۱۳ ۳۵	dēw ^I	۴۵ ۳۵ ۳۵ ۳۵
hilišn ^I	۱۳ ۱۱۳ ۳۵	dēwēsnih ^I	۴۵ ۳۵ ۳۵ ۳۵ ۳۵
hištan ^I	۱۱۳ ۱۱۳ ۳۵	dēwēzagih ^I	۴۵ ۳۵ ۳۵ ۳۵ ۳۵
šagr, šir	۳ ۳۵	šāhbalūt	۱۱۳ ۳ ۳۵ ۳۵
širēnih	۴ ۳ ۳۵	šāy-	- ۴ ۳۵ ۳۵
širēn	۱۲ ۳۵	šāhdānag	۱۹ ۳ ۳۵ ۳۵
šēb	۳ ۳۵	šāyendagīh	۴ ۳ ۳۵ ۳۵ ۳۵
šēb-	- ۳ ۳۵	šāyendag	۱۹ ۳ ۳۵ ۳۵
šēbāg	۱۹ ۳ ۳۵	šāhīgān	۱۳ ۳ ۳۵ ۳۵
šēbišn	۱۳ ۳ ۳۵	šāyistan	۱۱۳ ۳ ۳۵ ۳۵
šišag	۱۹ ۳ ۳۵	šāyēd	۱۱۳ ۳ ۳۵
šēdā	۳ ۳ ۳۵	šāhwār	۳ ۳ ۳۵
šēd	۱۱۳ ۳۵	šānag	۱۹ ۳ ۳۵
uzwān ^I	۳ ۳۵	šām	- ۳ ۳۵
šnāxtan	۱۱۳ ۳ ۳۵	šāhesprahm	۳ ۳ ۳۵ ۳۵
šnāy-	- ۳ ۳۵	šāyēd	۱۱۳ ۳ ۳۵
šnās-	- ۳ ۳۵	šāzdah	۴ ۳ ۳۵
šnāyēn-	- ۳ ۳۵	šādurwān	۱۳ ۳ ۳ ۳۵ ۳۵
šnāyēnīdan	۱۱۳ ۳ ۳۵ ۳۵	šādīh	۴ ۳ ۳۵ ۳۵
šnāyēnišn	۱۳ ۳ ۳۵ ۳۵	šād	۱۱۳ ۳۵

tarsāgāh	[182] 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	tagīg	[181] 𐭠𐭣𐭥𐭥
tarsāg	𐭠𐭣𐭥𐭥	tag	𐭠𐭣
tarsīdan	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	takōk	𐭠𐭣𐭥𐭥
tarsagāh	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	tagarg	𐭠𐭣𐭥𐭥
tarsagāhīh	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	-tar	𐭠𐭣-
tarist	𐭠𐭣𐭥𐭥	tar, tarr	𐭠𐭣
se ^I	𐭠𐭣𐭥	tarāzēn-	-𐭠𐭣𐭥𐭥
tom	𐭠𐭣	tarāzēnīdan	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
tambūr	𐭠𐭣𐭥𐭥	tarāzūg	𐭠𐭣𐭥𐭥
ānōh ^I	𐭠𐭣𐭥	pih ^I	𐭠𐭣𐭥
tab	𐭠𐭣	targ	𐭠𐭣
tab-	-𐭠𐭣	tars	𐭠𐭣
tabāh	𐭠𐭣𐭥	dō ^I	𐭠𐭣𐭥
tabāhīh	𐭠𐭣𐭥𐭥	targumān	𐭠𐭣𐭥𐭥
tabāhīh-	-𐭠𐭣𐭥𐭥	tarwēn-	-𐭠𐭣𐭥
tabāhīhistan	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	tarwēnīdan	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
tabangōg	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	truš	𐭠𐭣𐭥
tabarzad	𐭠𐭣𐭥𐭥	truftag	𐭠𐭣𐭥𐭥
tabišn	𐭠𐭣𐭥𐭥	truš	𐭠𐭣𐭥
taftīg	𐭠𐭣𐭥𐭥	talag, tarrag	𐭠𐭣𐭥
taftan	𐭠𐭣𐭥𐭥	talagčīn	𐭠𐭣𐭥𐭥
taz-	-𐭠𐭣	tarmānih	𐭠𐭣𐭥𐭥
tazāg	𐭠𐭣𐭥𐭥	tarmenišnih	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
*azēn-	-𐭠𐭣𐭥	tarmenišn	𐭠𐭣𐭥𐭥
tazēnīdan	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	tars-	-𐭠𐭣

tanōmandih	[180] 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	tuhīg	[179] 𐭠𐭣𐭥𐭥
tanbahr	𐭠𐭣𐭥𐭥	tōhmag	𐭠𐭣𐭥𐭥
tund	𐭠𐭣	tanāpuhi	𐭠𐭣𐭥𐭥
tundih	𐭠𐭣𐭥	tuxš-	-𐭠𐭣𐭥
tanihā	𐭠𐭣𐭥𐭥	tuxšāgīh	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
tandrustih	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	tuxšāg	𐭠𐭣𐭥𐭥
tandrust	𐭠𐭣𐭥𐭥	tuxšīdan	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
tandrust	𐭠𐭣𐭥𐭥	tuxšīšn	𐭠𐭣𐭥𐭥
tanīg	𐭠𐭣𐭥𐭥	tōxtan	𐭠𐭣𐭥𐭥
tanuk	𐭠𐭣𐭥𐭥	tuwānāg	𐭠𐭣𐭥𐭥
tanūr	𐭠𐭣	tuwānīgīh	𐭠𐭣𐭥𐭥
tantōhmag	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	tuwānīg	𐭠𐭣𐭥𐭥
Tūr	𐭠𐭣	tuwāngar	𐭠𐭣𐭥𐭥
Tūrān	𐭠𐭣𐭥	tuwāngarīh	𐭠𐭣𐭥𐭥
tōrag, Turk	𐭠𐭣𐭥	tuwān	𐭠𐭣
-tom	-𐭠𐭣	tuwānsāmān	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
tom, tōm	𐭠𐭣	tambūr	𐭠𐭣
tumbag	𐭠𐭣𐭥𐭥	tambūrag	𐭠𐭣𐭥𐭥
tōf	𐭠𐭣	did ^I , tand, tang	𐭠𐭣
tōz	𐭠𐭣	tandīh, tangīh	𐭠𐭣𐭥
tōz-	-𐭠𐭣	tanīgardīg	𐭠𐭣𐭥𐭥
tōzišn	𐭠𐭣𐭥𐭥	tanīgard	𐭠𐭣𐭥𐭥
tōšag	𐭠𐭣𐭥𐭥	tan	𐭠𐭣
tušt	𐭠𐭣𐭥𐭥	gāw ^I	𐭠𐭣
tagīgīh	𐭠𐭣𐭥𐭥	tanōmand	𐭠𐭣𐭥𐭥

PAHLAVI KEY

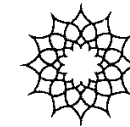
[184]			[183]
13	تازیدان	tazīdan	۱۱۳۹۴
14	تازیسنه	tazišnih	۴۲۸۹۴
15	نوی	nōi	۸۷۶۴
16	تاشکاناغ	taškanag	۱۹۱۹۴
17	تاشت	tašt	۱۲۹۶۴
18	تادان	tadan	۱۱۴۴
19	تادار	tadar	۶۴۴
20	ک		
21	کها	Numerals	
22	کهاجا	1	ا
30	نجا	2	با
40	نجا	3	با
50	نجا	4	سبا
60	نجا	5	سبا
70	نجا	6	سبا
80	نجا	7	سبا
90	نجا	8	سبا
100	نجا	9	سبا
200	نجا	10	فا
1,000	نجا	11	فبا
		12	فبا

A CONCISE
PAHLAVI
DICTIONARY

Translated

by

Mahshid Mirfakhraie



*Institute for Humanities
and Cultural Studies*

Tehran: 1994